

# مهر مجله بین الملل

## جدال کبوترها و بازها سر نوشت عمو سام در اختیار چه کسی خواهد بود؟



گفتگو با رئیس مجلس عراق

گفتگو با بنیانگذار مکتب سازه‌انگاری

تشریح ماهیت عملیات ترکیه در جرابلس

گفتگو با مشاور ارشد رئیس جمهور افغانستان

فهرست مطالب

ایران در جهان



۴

- ۵ گفتگو با «بارنت رابین» مشاور دستیار ویژه اوباما
- ۷ گفتگو با «فون هیبل» معاون سابق کاخ سفید
- ۹ مروری بر پیام راهبردی رهبر انقلاب در آستانه حج
- ۱۴ «تیکلاس هاپتون» دیپلمات نمایی با مأموریت ویژه

خاورمیانه و شمال آفریقا



۱۷

- ۱۸ گفتگو با «طلال عتریسی» استاد لبنانی
- ۲۰ گفتگو با «محمد امین حطیط» تحلیلگر لبنانی
- ۲۳ طرح ۴ ماده ای ریاض برای یمن
- ۳۲ گفتگو با «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان عراق

اروپا



۳۴

- ۳۶ گفتگو با فاروق لوغ اوغلو معاون حزب جمهوری خلق ترکیه
- ۳۸ گفتگو با «ماریا ولسر» رئیس یونیسیف آلمان
- ۳۹ بحران پناهجویان؛ کلاف سردرگم
- ۴۰ گفتگو با «صادق ملکی» کارشناس مسائل ترکیه

آسیا



۴۱

- ۴۲ گفتگو با ابوالحسن یاسر مشاور ارشد رئیس جمهوری افغانستان
- ۴۳ گفتگو با معاون مجلس وحدت المسلمین پاکستان
- ۴۴ روابط استراتژیک آمریکا و هند
- ۴۸ بازسازی جاده ابریشم

آمریکا



۴۸

- ۵۰ گفتگو با «جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا
- ۵۰ گفتگو با «جان بنت جانسون» سناتور پیشین آمریکا
- ۵۱ گفتگو با «ملدین لوین» نماینده سابق کنگره آمریکا
- ۵۴ توقف «ترانس آتلانتیک» پشت خط پایان



شناختنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: مهدی پورحسینی، وحید پورتجربشی، محمد فاطمی زاده، مهدی ذوالفقاری، لاجین رضاییان، شبنم شکوهی، یوسف فیروزی

مدیر هنری: محبوبه عزیززی

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۳۶۰

پست الکترونیک: [world@mehrnews.com](mailto:world@mehrnews.com)

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



# ایران در جهان

دبیران: پیمان یزدانی  
وحید پور تجریشی

نشال اینترست بررسی کرد؛

## ابعاد بین المللی استفاده روسیه از پایگاه هوایی همدان



پرواز بمب افکن های روسیه از طریق خاک ایران بیشتر بیان کننده همبستگی ایران و روسیه در سوریه است تا اینکه بیان کننده یک اقدام نظامی مشترک باشد. مارک ان. کاتز، استاد دانشگاه جورج میسون معتقد است استفاده روسیه از پایگاه هوایی ایران جهت بمباران مناطق شورشی در سوریه، بیشتر جنبه نمادین داشته است تا اینکه به عنوان استراتژی ایران و روسیه در منطقه در نظر گرفته شود. وی در این ارتباط مقاله ای در سایت نشنال اینترست منتشر کرده است که در زیر ترجمه آن آورده شده است.

بعد از پرواز بمب افکن های روسی از طریق پایگاه هوایی ایران در همدان، مطبوعات و رسانه های خبری به این موضوع اهمیت داده و تحلیلها و خبرهای زیادی در ارتباط با آن منتشر کرده اند. اما سوال اساسی این است که هدف واقعی روسیه و ایران از این اقدام چه بود؟ این اقدام دارای چه ابعادی از لحاظ بین المللی بود؟ هنوز مشخص نیست که روسیه باز هم از پایگاه ایران استفاده خواهد کرد (علی رغم این واقعیت که مسافت کمتر از طریق ایران نیاز به سوخت کمتر برای بمب افکن ها داشته و بمب های بیشتری را می تواند حمل کنند) یا بمب افکن ها از طریق جنوب روسیه جهت شکست شورشیان سوری پرواز خواهند کرد. پرواز بمب افکن های روسیه از طریق خاک ایران بیشتر

بیان کننده همبستگی ایران و روسیه در سوریه است تا اینکه بیان کننده یک اقدام نظامی مشترک باشد. پرواز بمب افکن های سوری از ایران به جای پرواز از جنوب روسیه، تاثیر زیادی در جنگ سوریه نداشته اما ابعاد بین المللی وسیعی داشته است.

برخی از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تاکنون امیدوار بودند بتوانند از طریق افزایش روابط اقتصادی با روسیه، بین مسکو و تهران و سوریه فاصله ایجاد کنند. اما روسیه بمب افکن های خود را از طریق خاک ایران ارسال کرد و نشان داد که امید این کشورها بی اساس است. در واقع امید کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می تواند یکی از دلایل تصمیم ایران مبنی بر ارائه مجوز به بمب افکن های روسی جهت استفاده از پایگاه هوایی همدان قلمداد شود.

در مورد ترکیه نیز باید گفت در حالی که رئیس جمهور اردوغان هنوز مصمم به برکناری اسد از قدرت است امیدوار بود روابط ترکیه و روسیه بهبود یافته و در نتیجه مسکو وضعیت ترکیه در جنگ سوریه را تغییر دهد، اقدامات پوتین نشان داد که مسکو با تهران در سوریه همسو است. سران رژیم صهیونیستی پیش از این باور داشتند که حضور روسیه در سوریه به نفع اسرائیل است زیرا روسیه از حمله ایران و حزب الله به اسرائیل جلوگیری می کند. اما آنها نیز اکنون امید خود را با افزایش همکاری

نظامی روسیه و ایران از دست داده اند. سیاستمداران آمریکایی نیز به این نتیجه رسیده اند که روسیه در بحران سوریه مایل به همکاری با ایران است تا اینکه بخواهد با ایالات متحده آمریکا جهت استقرار صلح در سوریه و پایان دادن به بحران این کشور همکاری کند.

ممکن است روسیه جهت همکاری با ایران از ناامیدی کشورهای منطقه ای و بین المللی نگران نباشد به ویژه زمانی که بسیاری از دولتها خواهان همکاری با این کشور هستند. در واقع سیاستمداران روسی بر این باورند که بسیاری از کشورها خواهان همکاری با مسکو جهت حل بحران سوریه هستند. اگر هدف روسیه از همکاری با ایران تحت فشار قرار دادن تهران و دمشق جهت پذیرش یک راه حل مسالمت آمیز جهت خاتمه جنگ سوریه که مورد پذیرش قدرتهای خارجی متاثر از بحران و شورشیان باشد، این استدلال قانع کننده است. اما اگر کشورهای غربی و منطقه ای به این موضوع پی ببرند که مسکو به اندازه تهران و دمشق مصمم به شکست مخالفان سوری است هرگز با این کشور همکاری نخواهند کرد. واقعیت این است که سرخوردگی کشورهای غربی و منطقه ای جهت همکاری با روسیه در جنگ سوریه برای روسیه مهم نیست اگر مسکو، تهران و دمشق بتوانند مخالفان سوری را با همکاری یکدیگر شکست دهند.

در بسیاری از درگیری ها ثابت شده است که بمباران هوایی جهت شکست شورشیان کافی نیست. باید بپذیریم که سوریه یک استثنا نیست. در همه جا جهت شکست شورشیان باید از نیروی زمینی هزینه بر و زمان نیز استفاده کرد. باید گفت پوتین قصد ندارد نیروهای زمینی در مقیاسی گسترده جهت مبارزه مستقیم با شورشیان به سوریه ارسال کند.

در پایان باید گفت که تلاش این کشورها جهت شکست مخالفان، بدون توجه به راه حل مسالمت آمیز فقط باعث تقویت حکومت بشار اسد شده و قدرت مقاومت داخلی حکومت وی را افزایش داده است. تا زمانی که مقاومت داخلی حکومت بشار اسد ادامه دارد، حداقل برخی از قدرتهای خارجی مانند عربستان سعودی و احتمالاً ترکیه از آن حمایت خواهند کرد. بنابراین اینکه بمب افکن ها از ایران یا از روسیه پرواز کند برای همه احزاب درگیر نتایج یکسانی در پی خواهد داشت.

علی اکبر صالحی:

## طرف مقابل بر خلاف ایران به تعهداتش در توافق هسته ای عمل نکرد

کرات می بینیم که درخواست هایی فراتر از توافقات برجام از سوی طرف مقابل مطرح می شود و این در حالیست که آن ها هنوز به طور کامل به تعهدات خود مثلاً در زمینه تجارت بانکهای بزرگ با ایران عمل نکرده اند.

رئیس سازمان انرژی هسته ای ایران خاطر نشان کرد: بعضاً نشانه هایی درباره رد و یا بازنویسی برجام و یا اعمال فشار یا درخواست های نامتعارف برای تسلیم ایران مشاهده می شود. همانطور که رهبر معظم انقلاب نیز تأکید فرمودند: ایران هرگز در گام اول ناقض برجام نخواهد بود؛ اما تهدیدها ممکن است آن را به خطر اندازد.

ادامه داد: او (هاموند) گفت که این پرونده را در دستور کار خود داشته و این موضوع را جدی تلقی می کند و سعی در یافتن راه ها و ابزارهایی برای رفع موانع پیش رو در همکاری بانکی با ایران دارد.

وی با تأکید بر منافع برجام برای هر دو طرف ایران و غرب در ادامه این مصاحبه افزود: توافق هسته ای می تواند الگوی دیپلماتیک و سیاسی نوینی را در حل و فصل بحران های مهم بین المللی پایه گذاری کرده و لذا دو طرف این توافق لازم است تا نهایت تلاش خود را برای حفظ انسجام آن و جلوگیری از شکست توافق به کار گیرند. «علی اکبر صالحی» تصریح کرد: به

«علی اکبر صالحی» رئیس سازمان انرژی هسته ای ایران در این مصاحبه اعلام کرد: علیرغم پایبندی ایران به تعهدات خود در برجام؛ افکار عمومی نیز فهمیده اند که طرف دیگر به وعده های خود در زمینه لغو تحریم ها، بازگشت معاملات تجاری به وضعیت عادی، افزایش مبادلات تجاری و تسریع روند روابط اقتصادی با سایر کشورها عمل نکرده است. تمام این موارد به نحوی که ما بر اساس توافق منتظر آن بودیم؛ محقق نشده است.

معاون رئیس جمهور با اشاره به دیدار با «دیوید هاموند» وزیر خزانه داری انگلیس

رئیس سازمان انرژی اتمی با انتقاد از عدم تحقق کامل وعده های طرف مقابل علیرغم اجرای کامل «برجام» از سوی ایران، ادامه تهدیدها و درخواست های فرارجامی را موجب به خطر افتادن این توافق دانست.

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی هسته ای ایران در مصاحبه با روزنامه گاردین از تحقق کامل ایران به تعهدات هسته ای خود بر اساس توافق هسته ای جامع میان کشورهای ۵+۱ با ایران در ۱۴ جولای سال ۲۰۱۴ میلادی (۲۳ تیر ماه سال ۱۳۹۴) موسوم به «برجام» خبر داد.

## گفتگوی اختصاصی با مشاور ویژه اوپاما:

# رابطه ایران - آمریکا فراتر از برجام نمی‌رود

جواد حیران نیا - مریم



«بارنت روبین» با اذعان به اینکه امکان فرونشاندن تنش های ایران - آمریکا از برجام فراتر نمی‌رود، برای حفظ توافق هسته ای علیرغم همه مشکلات از جمله احتمال تحریم های جدید اظهار خوشبینی کرد.

شماری از نامزدهای رقابت ریاست جمهوری آمریکا به ویژه «دونالد ترامپ» جمهوریخواه با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات از احتمال لغو توافق هسته ای (برجام) بین ایران و قدرت های جهانی سخن گفته اند.

چنین اظهاراتی حتی اگر صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته باشند و عملی هم نشوند دارای اثرات و تبعات روانی بسیاری در عرصه جهانی برای جمهوری اسلامی ایران هستند.

تکرار این اظهارات توسط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موجب شد تا گفتگویی با دکتر «بارنت آر روبین» عضو ارشد و دانشیار برنامه منطقه ای پاکستان - افغانستان در دفتر مهاجرت و شهروندی کانادا داشته باشیم. وی از جولای سال ۲۰۰۰ میلادی در دفتر مهاجرت و شهروندی کانادا مشغول به کار بوده است. از ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۰ میلادی مدیریت مرکز اقدامات بازدارنده و مطالعات صلح و درگیری در شورای روابط خارجی واقع در نیویورک را برعهده داشته و سمت دانشیاری علوم سیاسی در مرکز مطالعه آسیای میانه در دانشگاه کلمبیا از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

دکتر روبین سمت مشاور ارشد دستیار ویژه رئیس جمهور در امور افغانستان و پاکستان در وزارت خارجه آمریکا را از آوریل ۲۰۰۹ تا اکتبر ۲۰۱۳ برعهده داشته است. در فواصل نوامبر و دسامبر سال ۲۰۰۱ وی به عنوان مشاور ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در امور افغانستان مشغول به فعالیت بود. او به سازمان ملل متحد در امر نگارش پیش نویس قانون اساسی افغانستان، توافقنامه افغانستان و راهبرد توسعه ملی افغانستان مشاوره داده است.

### || پیش بینی شما از آینده توافق جامع اقدام مشترک (برجام) چیست؟

گروه های قدرتمندی وجود دارند که خواهان موفقیت این توافق نیستند. به ویژه، آنها نمی خواهند که برجام به فرونشاندن هر چه بیشتر تنش ها یا همکاری بین دو کشور [آمریکا و ایران] منجر شود.

این گروه ها همه تلاش خود را می کنند تا شواهدی مبنی بر خیانت طرف مقابل یا سودجویی از این توافق پیدا کنند. ایشان همچنین می توانند از موقعیت خود در دولت یا قوه مقننه (کنگره/مجلس) برای تضعیف توافق استفاده کنند.

من می دانم که ایران از سرعت عمل در رفع تحریم ها راضی نیست و اینکه رهبر عالی انقلاب، آمریکا را به اتخاذ روش های فریبکارانه در مذاکره متهم کرده است.

من همچنین آنهايي را که در دولت آمریکا مسئول اجرای توافق هستند، می شناسم و به تلاش صادقانه ایشان در اجرای آن واقف هستم. همانگونه که ممکن است در جریان باشید، آنها اینجا [در داخل آمریکا] با انتقادهای بسیار سنگینی از سوی مخالفین توافق هسته ای مواجهه بوده اند.

با این حال، توافق برجام به طور عینی به صلاح منافع ملی آمریکا و ایران است. من اطمینان دارم که هر دو طرف علیرغم مشکلات و بی اعتمادی ها به تداوم تلاش در زمینه اجرای آن مبادرت می کنند.

### || آیا فکر می کنید که رئیس جمهوری آینده آمریکا به برجام متعهد خواهد بود؟

احتمال زیادی هست که رئیس جمهور آینده آمریکا «هیلاری کلینتون» باشد - همان کسی که باب مذاکرات محرمانه با ایران را در کشور عمان باز کرد. «جک سولیوان» مشاور ارشد سیاست خارجی وی هم در تیم مذاکره کنندگان هسته ای آمریکا حضور داشت. علاوه بر این، اگر حزب دموکرات از جایگاه قدرتمندتری در هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برخوردار شود [اشاره به نتیجه نهایی انتخابات کنگره که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری انجام می شود]؛ رئیس جمهور هم با فشار کمتری مواجهه خواهد بود.

مشکل احتمالی این است که در بیانیه های عمومی، خانم کلینتون از تحریم های بیشتر علیه ایران به دلیل پیگیری برنامه موشک های بالستیک و همچنین [اتهام] پشتیبانی از تروریسم، حمایت کرده است. اگر وی چنین قوانینی را پیشنهاد کند، به تصویب خواهند رسید. البته تا ایران اقدام ناگهانی و جدیدی انجام ندهد، شورای امنیت سازمان ملل متحد با چنین تحریم هایی موافقت نخواهد کرد اما با توجه به جایگاه بین المللی دلار آمریکا در تراکنش های مالی، تحریم های یکجانبه آمریکا می تواند موثر باشد.

علاوه بر این، به نظر می آید که در کنگره آمریکا تمایل برای حمایت از چنین تحریم های اضافه ای وجود داشته باشد و لابی راست گرای حامی اسرائیل و عربستان سعودی احتمالاً از این تحریم ها حمایت می کنند. (توجه داشته باشید که یک لابی لیبرال حامی اسرائیل هم وجود دارد که در حال قدرت گرفتن است و از برجام هم حمایت کرد - این کاری است که اکثر کارشناسان امنیتی در داخل خود اسرائیل هم انجام می دهند).

آمریکا اینگونه استدلال خواهد کرد که تحریم های اعمال شده بر سر مسائل غیر هسته ای ربطی به توافق ندارند حال آنکه ایران هم اینگونه استدلال می کند که وضع چنین تحریم هایی نشان دهنده عدم صداقت آمریکا یا در بهترین حالت ممکن عدم عمل [پایبندی] به روح برجام است. این به مخاطراتی که پیش روی برجام است می افزاید، اما حتی در این مورد نیز امکان حفظ توافق وجود دارد. با این وجود، فراتر از موضوع برجام، امیدی به فرونشاندن تنش بین دو کشور وجود ندارد.

|| آیا اگر رئیس جمهور بعدی آمریکا برجام را نقض کند، متحدین واشنگتن از اقدام وی حمایت می کنند؟

خیر و چنانچه آمریکا تحریم های جدیدی را اعمال کند - البته در صورتیکه ایران اقدام جدیدی را انجام نداده باشد - آنها [متحدین آمریکا] از تحریم های جدید هم حمایت نخواهند کرد.

گفتگوی اختصاصی با سفیر تایلند:

# تایلند دروازه ورود ایران به آسه آن است / مکمل بودن اقتصاد دو کشور

مریم خرمائی



«آسیا ایر» پرواز مستقیم بانکوک - تهران را برقرار کرده است. ما همچنین چشم انتظار برقراری پرواز مستقیم خطوط هوایمایی تایلند در ماه میلادی اکتبر هستیم.

اما ما قصد رقابت با ایران را حتی در صنعت غذا که نقطه قوت تایلند است نداریم، بلکه هدف ما همکاری و مشارکت است. همانطور که می دانید به لحاظ تدارکاتی، تایلند به عنوان مرکزی برای جامعه اقتصادی آسه آن تلقی می شود. درباره ایران هم باید گفت که این کشور در موقعیت جغرافیایی بسیار خوبی واقع شده است. به عنوان مثال، بندر «چابهار» یک منطقه آزاد تجاری است که مرکزی برای ترانزیت کالا به کشورهای همسایه نظیر پاکستان، افغانستان و آسیای تلقی می شود. بنابراین، اقتصاد دو کشور تایلند و ایران می توانند مکمل یکدیگر باشند.

ما حتی در جریان سفر نخست وزیر تایلند به تهران در زمینه سرمایه گذاری در صنعت هتلداری با یکدیگر بحث و تبادل نظر داشتیم چرا که ایران دستکم سالانه به ۲۰ هتل جدید نیاز دارد. اگرچه در حال حاضر هیچ شرکت تایلندی برای سرمایه گذاری به ایران نیامده، من به ترغیب آنها ادامه خواهیم داد.

علاوه بر این، تایلند و ایران می توانند سطح تبادلات دو جانبه مردم دو ملت را به عنوان شکلی از دیپلماسی فرهنگی ارتقا دهند. یک دیپلماسی مردم محور که شامل تبادلات فرهنگی نیز باشد، یکی از اولویت های ماست و این می تواند به همکاری نزدیکتر بین دو کشور منتهی شود.

**|| در حال حاضر، سهم ایران از بازار ۲۰۰ میلیارد دلاری تایلند کمتر از نیم درصد این مقدار یعنی ۹۹ میلیون دلار است. در دوره پسابرجام، چه زمینه های جدیدی برای فعالیت تجار ایرانی در تایلند وجود دارد؟ آیا دولت بانکوک طرح ویژه ای برای جذب هر چه بیشتر سرمایه های ایرانی دارد؟**

تایلند از سرمایه گذاری ایران استقبال می کند به ویژه در حوزه هایی که ایران در آنها بسیار پیشتاز است نظیر علم و تکنولوژی، دارویی و فناوری نانو و غیره. در سال ۲۰۱۵ میلادی، تراز تجاری ایران و تایلند حدود ۳۷۵ میلیون دلار بود حال آنکه مازاد درآمد تجاری دولت بانکوک ۲۸۷ میلیون دلار برآورد می شد.

دولت تایلند مشتاق بهبود تراز تجاری خود با ایران از راه تبادل هیات بازرگانی، مشارکت در نمایشگاه ها و حتی سازماندهی نمایشگاه هایی بین دو کشور است. ما همچنین به امکان تأسیس مراکز توزیع کالا در مناطق آزاد تجاری - اقتصادی ایران هم می اندیشیم.

علاوه بر این، در جریان سفر آقای «سامکیت جاتوسری پیتاک» معاون نخست وزیر تایلند به ایران که در بازه زمانی اول تا چهارم فوریه ۲۰۱۶ اتفاق افتاد، یک توافقنامه تجاری با هدف ارتقاء سطح تجارت دو جانبه تا سال میلادی ۲۰۲۱ به رقم ۳۰۰۰ میلیون دلار به امضا رسید.

تایلند همچنین مایل به سرمایه گذاری های مشترک به ویژه در زمینه تولید کالا، فرآوری محصولات غذایی و شیلات است.

شهرسازی و زیرساخت ها. اخیرا هم چندین شرکت تایلندی و همینطور خود سفارت تایلند در نمایشگاه غذا و هتلداری ۲۰۱۶ ایران شرکت کردند. ما امیدواریم که محصولات غذایی و کشاورزی خود به ویژه صنعت غذای حلال تایلند را به بازار ایران عرضه کنیم.

از آنجایی که ایران به لحاظ منابع نفت و گاز بسیار غنی است، تایلند در زمینه انرژی و حوزه های وابسته به آن نظیر پتروشیمی ظرفیت های زیادی در توسعه همکاری با ایران می بیند.

**|| به لحاظ بازار انرژی، ایران از چه جایگاهی برای تایلند برخوردار است؟**

همانگونه که می دانید، تایلند در زمره کشورهای تولید کننده نفت و گاز نیست و در این زمینه به واردات وابسته است. به همین دلیل نیز هست که تایلند به واردات محصولات انرژی از کشورهای خاورمیانه متکی است. به این ترتیب، ایران برای ما حکم یک گزینه دیگر را دارد. ما به دنبال توازن در بازار از راه سهم شدن در آن هستیم و نمی خواهیم تنها به منابع یک یا دو کشور وابسته باشیم. از آنجایی که تایلند رابطه بسیار خوبی با ایران دارد، ما به دنبال افزایش امکان واردات از این کشور هستیم.

تایلند به ظرفیت های عظیم ایران در بازار انرژی واقف است. ایران چهارمین ذخایر نفتی و بزرگترین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد. ما برای از سرگیری همکاری ها با ایران در زمینه انرژی آماده هستیم. این همکاری می تواند شامل اکتشافات نفت و گاز، تولید و همچنین تجارت محصولات نفتی و مشتقات آن باشد.

دولت تایلند همچنین علاقمند به سرمایه گذاری در بخش پتروشیمی ایران است. اخیرا دو کشور سرمایه گذاری مشترکی در حوزه «اس سی جی» صنعت پتروشیمی در «عسلویه» ایران داشته اند.

تایلند و ایران هر دو نیازمند تبادل هیات هایی برای مذاکره درباره چگونگی تعامل در پیشبرد این تجارت به گونه ای هستند که برای هر دو طرف سودمند باشد.

**|| علاوه بر بازار انرژی، ایران و تایلند در چه زمینه های دیگری قادر به همکاری مشترک هستند؟**

توریسم حوزه کلیدی دیگری است که همکاری در آن می تواند برای هر دو کشور سودمند باشد. تایلند و ایران می توانند در جهت تبادل توریسم با یکدیگر مشارکت کنند به ویژه آنکه از تاریخ ۲۲ ماه میلادی ژوئن نیز خطوط هوایی

«راسمی چیتام» با بیان اینکه تایلند و ایران می توانند در شرایط برابر مکمل اقتصادی یکدیگر باشند، از دو اصل تبادل فرهنگی و عدم دخالت در مسائل داخلی کشورها به عنوان اهداف اصلی بانکوک نام برد.

موقعیت ایران در عرصه مذاکرات هسته ای فرصت مغتنمی برای کشورهای دوست فراهم آورد تا با استفاده از پتانسیل های فضای پسابرجام با اشتیاق بیشتری به توسعه رابطه با تهران بیایند. در این میان، تایلند نیز به عنوان یک هاب تجاری مهم در منطقه آسیای جنوب شرقی از گسترش همکاری های دو جانبه استقبال می کند و به همین منظور با آغاز اجرای برجام هیات های تجاری - سیاسی متعددی را به ایران فرستاده که این خود نشانه عزم راسخ بانکوک برای بهبود روابط در عرصه های مختلف از جمله تجاری، صنعتی، سرمایه گذاری و فرهنگی است.

در همین راستا، خبرنگار مهر مصاحبه ای با «راسمی چیتام» سفیر تایلند در ایران داشته است تا ضمن ارزیابی امکاناتی که حصول توافق هسته ای پیش روی دو کشور قرار می دهد، نظر وی را در خصوص نقش دیپلماسی مردم سالارانه در این رابطه جویا شود.

به عقیده چیتام، روابط ملت ها پایه صحیح، مستحکم و بسیار ارزشمندی برای روابط گسترده کشورها و دولت ها در عرصه های مختلف است.

**|| همکاری ایران و تایلند در دوره پسابرجام در چه زمینه هایی گسترش خواهد یافت؟**

تایلند و ایران دوستان بسیار نزدیکی هستند. روابط تاریخی ما به بیش از چهار قرن پیش بازمی گردد. سال گذشته نیز دو کشور شصتمین سالگرد رابطه دیپلماتیک فی مابین را جشن گرفتند. دولت تایلند مایل به گسترش و تعمیق روابط خود با ایران در همه زمینه ها به ویژه تجارت، سرمایه گذاری، انرژی، فرهنگ و توریسم است.

در ماه فوریه گذشته نیز نخست وزیر تایلند سفری به ایران داشت. حتی پیش از این سفر نیز وزیر امور خارجه تایلند برای حضور در نهمین اجلاس مجمع کشورهای صادر کننده گاز (جی سی ای) به ایران آمد. از آنجایی که مذاکرات هسته ای ایران به حصول برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ختم شد، درهای این کشور بار دیگر به روی جهان باز شده است. پس چرا نباید انتظار داشته باشیم که تایلند نیز به دنبال مشارکت در فعالیت های بیشتری با ایران باشد؟

در همین راستا، تایلند هیات های بلند پایه ای را به تهران فرستاد تا با توجه به پتانسیل های موجود درباره راه های بهبود هرچه بیشتر همکاری ها با هدف گسترش و تعمیق ایده های مشترک در همه زمینه ها به گفتگو و تبادل نظر بپردازند.

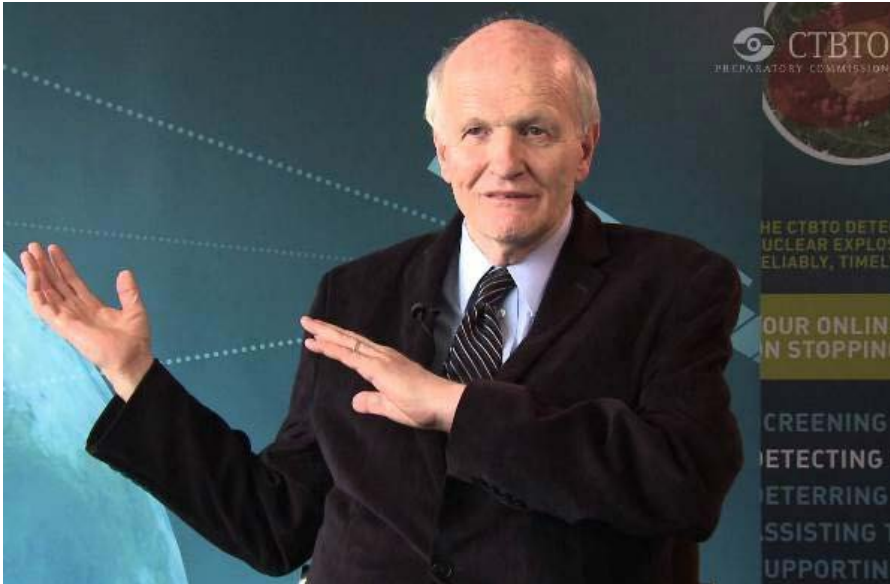
از آنجا که تایلند در آسیای جنوب شرقی یک هاب منطقه ای تلقی می شود و دومین اقتصاد بزرگ آسه آن نیز هست، ایران می تواند از این کشور به عنوان دروازه ای برای گسترش روابط تجاری خود با آسه آن استفاده کند.

علاوه بر این، تایلند به فرصت های سرمایه گذاری در ایران واقف است به ویژه در زمینه های تولیدی، توسعه

گفتگوی اختصاصی با معاون سابق کاخ سفید:

## متحدان آمریکا از نقض برجام توسط واشنگتن حمایت نخواهند کرد

جواد حیران نیا



معاون سابق امنیت ملی کاخ سفید معتقد است اگر آمریکا برجام را به صورت یکجانبه نقض کند در این صورت متحدانش از این روند حمایت نخواهند کرد. شماری از نامزدهای رقابت ریاست جمهوری آمریکا به ویژه «دونالد ترامپ» جمهوریخواه با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات از احتمال لغو توافق هسته ای (برجام) بین ایران و قدرت های جهانی سخن گفته اند. چنین اظهاراتی حتی اگر صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته باشند و عملی هم نشوند دارای اثرات و تبعات روانی بسیاری در عرصه جهانی برای جمهوری اسلامی ایران هستند.

تکرار این اظهارات توسط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موجب شد تا گفتگویی با پروفیسور «فرانک فون هیپل» فیزیکدان معروف هسته ای آمریکا داشته باشیم.

حوزه تحقیقاتی «فون هیپل» معاون اسبق امنیت ملی کاخ سفید در زمینه علوم و فناوری شامل مواردی چون کنترل تسلیحات اتمی و منع اشاعه هسته ای، انرژی و توازن سیاست گذاری در عرصه های تکنولوژی است. وی، پیش از پیوستن به دانشگاه «پرینستون»، به مدت ۱۰ سال مشغول تحقیق در زمینه فیزیک نظری ذرات بنیادی بود. وی به طور خاص به نگارش آثاری با موضوع پایه و اساس فنی منع اشاعه هسته ای و راهکارهای خلع سلاح، آینده انرژی اتمی و بهینه سازی اقتصاد سوخت خردور علاقه دارد.

هیپل در سال ۱۹۹۳ به پاس تحقیقات ارزشمندش، موفق به دریافت فلوشیپ موسسه «مک آرتور» شد. وی که دارای مدرک دکتری از دانشگاه آکسفورد است، در حال حاضر عضو هیئت مدیره پنل بین المللی درباره مواد شکافت پذیر است.

|| **پیش بینی شما از آینده توافق جامع اقدام**

اجرای برجام داشته باشد.

تصور بنده این است که اگر هیلاری کلینتون رییس جمهوری آمریکا شود در این صورت اجرای برجام تداوم خواهد داشت. اما اگر دونالد ترامپ انتخاب شود نمی توان پیش بینی کرد که برجام تداوم خواهد داشت یا خیر.

|| **آیا اگر رئیس جمهور بعدی آمریکا برجام را نقض کند، متحدان واشنگتن از اقدام وی حمایت می کنند؟**

برجام نتیجه چانه زنی ها و توافقات میان ۶ قدرت جهانی و ایران بوده است. اگر ایالات متحده آمریکا این توافق را به صورت یکجانبه نقض کند در این صورت دیگر متحدان و شرکای آمریکا از این روند دنباله روی و پیروی نخواهند کرد.

**مشترک (برجام) چیست؟**

این موضوع بستگی به چند اتفاق دارد. یکی از این اتفاقات انتخابات ریاست جمهوری آمریکاست. اینکه ترامپ انتخاب شود یا هیلاری کلینتون انتخاب شود تداوم اجرای برجام تفاوت خواهد کرد. اگر فرض کنیم که هیلاری کلینتون رئیس جمهوری بعدی آمریکا باشد و وی انتخاب شود در این صورت شاهد تداوم اجرای برجام خواهیم بود.

همچنین طرف دیگر این توافق نیز ایران است که ادامه تعهدات از سوی این کشور ضامن بقای برجام است.

|| **آیا فکر می کنید که رئیس جمهوری آینده آمریکا به برجام متعهد خواهد بود؟**

بله اشاره کردم که انتخاب هر یک از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می تواند دلالتی خاص برای

فاکس نیوز خبر داد:

## در خواست عجیب اتحادیه اروپا برای دسترسی به اطلاعات هسته ای ایران

این خاطر است که هر نوع تولید بیش از اندازه لوله های روتوری از سوی ایران می تواند به معنای تولید سانتریفیوژهای پیشرفته تر فراتر از تعهدات ایران در قالب پیمان برجام باشد.



اتحادیه اروپا از ایران خواهد خواست تا برخی از اطلاعات مربوط به سانتریفیوژها را در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار بدهد.

اتحادیه اروپا قصد دارد از ایران بخواهد اطلاعات مربوط به لوله های روتوری (لوله های چرخان) سانتریفیوژها را در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی بگذارد.

فاکس نیوز این مطلب را به نقل از آسوشیتدپرس نقل کرده و در ادامه می نویسد: آسوشیتدپرس اعلام کرد به پیش نویس یک بیانیه اتحادیه اروپا دست یافته که مطابق آن، این اتحادیه قصد دارد در جلسه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، درخواست کند ایران بخشی از اطلاعات مربوط به ساخت بعضی تجهیزات هسته ای را در اختیار آژانس بگذارد.

تجهیزات هسته ای که آسوشیتدپرس مدعی شده اتحادیه اروپا خواهان دسترسی به اطلاعات آن ها است، لوله های روتوری سانتریفیوژها است. آژانس می خواهد اطلاع یابد ایران چه تعداد لوله های روتور دارد و آنها را برای چه نوع مدلی از سانتریفیوژ هایش تولید کرده است.

دلیل درخواست مقامات اروپایی برای اطلاع آژانس از برنامه تولید لوله های روتوری ایران، به

# دیپلمات‌ها و رسانه‌ها؛ ابزارهای آل سعود برای ترویج ایران‌هراسی

فرزاد فرهادی



دفاع از اهل تسنن می‌توان دید که چه ویرانی به بار آورده است. همچنین در پاکستان به بهانه دفاع از اهل تسنن مدارسی به وجود آورده که عامل تخریب پاکستان شده است. وهابیان به لیبی رفتند و آن را به آشوب‌کده‌ای تبدیل کرده‌اند. در سومالی و مصر نیز می‌توان وهابیت سعودی را مشاهده کرد. اروپا و آمریکا هم از دست وهابیت سعودی در امان نیست. سعودی‌ها در حالی هر موضع‌گیری در قبال اعدام شیخ نمر باقر النمر و فاجعه منا در دخالت در امور داخلی تلقی می‌کنند که این حق را برای خود قائل می‌شوند که در ریز و درشت امور داخلی دیگران دخالت کنند.

چرا سفیر سعودی‌ها به حشدالشعبی حمله می‌کند و رسانه سعودی سناریوی بی‌اساس دخالت حشد الشعبی در سوء قصد خیالی به سپهان را مطرح می‌کند؟ هدف مرجعیت دینی عراق است که توطئه‌های وهابیت را ناکام گذاشته است.

عودی‌ها به سقوط بغداد، نجف و کربلا به دست داعشی‌های یعنی امید بسته بودند اما فتوای آیت الله سیستانی و تولد حشدالشعبی این توطئه را خنثی کرد. رویاهای وهابیت به کابوس تبدیل شده است.

مردم منطقه، تفاوتی میان سعودی‌ها و داعش و سعودی‌ها و ویرانی منطقه و سعودی‌ها و چهره بدی که از اسلام به دنیا معرفی کرده‌اند، قائل نیستند. وهابیت مساوی جاهلیت و عقب‌ماندگی است.

## اما اهداف سعودی‌ها از به راه انداختن این ماجراجویی‌ها چیست؟

سعودی‌ها و رسانه‌های وابسته به آنها با این جنجال‌ها به دنبال این هستند که چهره‌ای نامطلوب از ایران و گروه‌های مردمی و محور مقاومت در نزد افکار عمومی جهان به ویژه جهان عرب و کشورهای منطقه ایجاد کنند.

آنچه سناریو دیپلمات-رسانه سعودی‌ها به دنبال تحقق آن است ترسیم محور مقاومت به عنوان تهدید و ارباب است.

## تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی و تضعیف محور مقاومت

رسانه‌های وابسته به سعودی با بهره‌گیری از روش‌های مجاب‌سازی به دنبال تغییر نگرش و شستشوی مغزی هستند تا مخاطبان و نظام‌شناختی آنها را تحت تاثیر قرار دهند. آنها به دنبال ایجاد نفرت در مخاطبان نسبت به ایران و محور مقاومت هستند.

در واقع این سیاستها در ادامه جنگ روانی ریاض علیه تهران است که در همه عرصه‌ها دنبال می‌شود از سیاست و اجتماع گرفته تا ورزش.

است. عراقی‌ها به الشرق الاوسط نیز توصیه می‌کنند که منابع دقیق تری برای انتشار اخبار به کار بندند. این دیپلمات‌های عراقی در حال اتهامات را علیه ایران و حشدالشعبی مطرح می‌کنند که سیاست‌های این کشور در عراق از زمان سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ تاکنون شکست خورده است.

سعودی‌ها با این اقدامات یعنی جنجال رسانه‌ای ضد ایران و محور مقاومت به دنبال این هستند که افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی را منحرف کند تا سیاست‌های مخرب ریاض در منطقه کمتر مورد توجه قرار گیرد.

اما این سیاست سعودی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که سفارتخانه‌های آن به مراکز اشاعه وهابیت و هرج و مرج و فتنه تبدیل شده است. همه دنیا به خوبی می‌دانند که ویرانی و فتنه از نتایج وهابیت و پول سعودی‌هاست.

همین نامر السبهان که خود را قربانی سوء قصد معرفی می‌کند، مدت زیادی است که در حال توطئه علیه نیروهای مردمی در عراق است و پارا از اصول دیپلماتیک فراتر نهاده است و تحرکاتی در راستای حمایت از تروریست‌ها انجام می‌دهد.

این بازی جدید زمانی کلید خورد که تروریست‌های زندان ناصریه عراق که در میان آنها سعودی‌ها نیز وجود داشتند اعدام شدند. همین سبب شد که سفیر سعودی‌ها در بغداد بر نیروهای مردمی خشم بیشتری بگیرد.

سعودی‌ها خود را حامی اهل تسنن در عراق جلوه می‌دهند در حالی که همگان به خوبی می‌دانند که اهل تسنن چه مصائبی از وهابیت کشیده‌اند. تاریخ معاصر شاهد است که وهابیت سعودی همه مسلمانان را کافر می‌شمارد و عامل اصلی آشوب و هرج و مرج در جهان عرب و اسلام است. وهابیت سعودی را در افغانستان تحت لوای

توفان قاطعیت توفیقی به دست نیاورده‌اند و جنگ به داخل مرزهای آنها کشیده است. در سوریه با وجود گذشت بیش از پنج سال، خواسته آنها برای سرنگونی نظام سوریه عملی نشده است.

سعودی‌ها در عراق نتوانسته‌اند سیاست‌های خود را محقق سازند و حشدالشعبی را از صحنه خارج کنند. آنها با همه ابزارهای مالی، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی به دخالت در امور داخلی دیگر کشورها می‌پردازند. دخالت‌های نظامی مستقیم و دخالت‌های غیر مستقیم آنها سبب ایجاد رعب و وحشت و قتل و کشتار میان ملت‌ها شده است.

## اما داستان الشرق الاوسط درباره نامر السبهان از چه قرار بود؟

اخیرا الشرق الاوسط مدعی شد که ایران از شبه نظامیان خود برای ترور سفیر عربستان در بغداد استفاده کرده است و وزارت دفاع عراق با درخواست سبهان برای انتقال بالگرد به فرودگاه مخالفت کرده است.

نکته جالب این است که این رسانه همه داستان مربوطه را به ذکر از منبع ناشناس و نامعلوم اعلام می‌کند. در این میان عروسک گردان این بازی یعنی السبهان وارد عمل می‌شود و خیانت از خیانت پیشگان و تروریسم از تروریست‌پروران را موضوعی عجیبی نمی‌داند!

در این ادعایی که از سوی الشرق الاوسط مطرح می‌شود گردان‌های ابوالفضل العباس (ع) و وزارت دفاع عراق مقصر قلمداد می‌شوند.

موضوعی که واکنش عراقی‌ها را به دنبال دارد. عراقی‌ها اعلام می‌کنند که اگر سفیر سعودی‌ها سند و مدرکی در این زمینه دارد ارائه کند و اتهامات بی‌اساس به عراق وارد نکند زیرا حفظ امنیت مراکز دیپلماتیک و دیپلمات‌ها یک اصل برای وزارت خارجه عراق و نیروهای امنیتی این کشور

ضرب المثل فارسی «بدهکار طلبکار می‌شود» مصداق رفتار این روزهای عربستان سعودی است. سعودی‌ها که رد پای آنها را در همه تحولات مخرب از عراق گرفته تا یمن و بحرین در خاورمیانه تا آفریقا، آسیای غربی و آمریکا را می‌توان مشاهده کرد؛ با بهره‌گیری از پترودلار و رسانه‌های خود به جنگ روانی علیه ایران روی آورده‌اند. در این میان دیپلمات‌ها و رسانه‌های وابسته به سعودی‌ها مُمهره‌های آنها برای اجرای سناریوهای خود هستند. روزنامه الشرق الاوسط به همراه العربیه در این میان بیش از دیگران به اجرای سناریوهای ریاض کمک می‌کنند.

سعودی‌ها هر زمان که لازم می‌بینند داستانی را کلید می‌زنند تا بازیگردانان آن دیپلمات‌ها و سفیران عربستان در دیگر کشورها وارد عمل شوند و رسانه‌ها هم جنگ روانی را شروع کنند.

این سناریوها از سال ۲۰۱۱ با ادعای سوء قصد تروریستی عادل الجبیر سفیر وقت عربستان در آمریکا/وزیر خارجه کنونی) شروع شد و ادعای دخالت ایران مطرح شد. در سال ۲۰۱۲ سامی جمال الدین از مسئولان سفارت عربستان در قاهره مدعی کشف یک شبکه ایرانی که برای ترور احمد قطان سفیر سعودی‌ها در مصر تلاش می‌کردند، شد. چندی بعد نیز ادعایی مبنی بر تلاش حزب الله لبنان برای سوء قصد به عواض عسیری سفیر سعودی‌ها در لبنان مطرح شد.

و بالاخره آخرین بازیگر این سناریوهای تکرار ضد ایرانی، نامر السبهان سفیر عربستان در عراق بود که مدعی شد شبه نظامیان وابسته به ایران قصد ترور وی را داشته‌اند.

نکته جالب در همه این سناریوها این است که نقش‌ها به ترتیب اجرا می‌شود به این ترتیب که رسانه وابسته به سعودی‌ها ادعا را مطرح می‌کنند و مدتی بعد خود سفیر نیز علیه ایران و حزب الله لبنان و نیروهای حشد الشعبی موضع‌گیری می‌کند.

رسانه‌های وابسته به سعودی‌ها با آب و تاب فراوان این موضوع را پوشش می‌کنند تا به مخاطب القا کنند که عربستان تحت ستم است و در راستای ایران‌هراسی فعالیت می‌کنند.

این سناریوها در حالی طراحی و اجرا و تلاش می‌شود که ایران و محور مقاومت همواره هدف اصلی است. در این بازی رسانه‌ای، ایران، حزب الله و حشدالشعبی متهم می‌شوند.

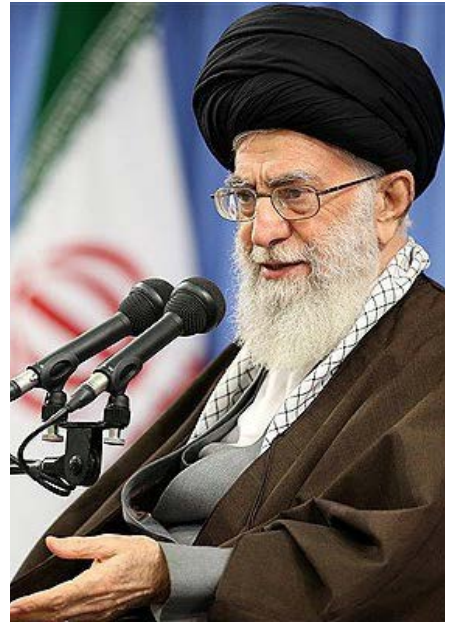
سعودی‌ها زمانی به این سناریوها روی می‌آورند که سیاست‌های خود را شکست خورده می‌بینند. آنها در یمن با گذشت مدت زیادی از عملیات موسوم به



مروری بر پیام راهبردی رهبر انقلاب؛

## تبیین نقشه راه مسلمانان جهان در آستانه حج / آل سعود؛ آفت جهان اسلام

رامین حسین آبادیان



رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام مهم خود در آستانه ایام حج، ضمن تبیین نقشه راه وحدت‌بخش برای مسلمانان جهان، بر لزوم مقابله همه‌جانبه با کارشکنی‌های سعودیها در تمامی زمینه‌ها تأکید کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه فرا رسیدن ایام حج، پیام مهمی را خطاب به مسلمانان جهان صادر کردند؛ پیامی که در صورت توجه ویژه و درخور به آن می‌تواند سرآغاز تحولی نوین در کشورهای جهان اسلام باشد. در پیام ایشان که در حقیقت شدیدالحن‌ترین پیام در تاریخ ایران و عربستان سعودی محسوب می‌شود، به محورهای مهمی در خصوص اقدامات بی‌ثبات کننده عربستان سعودی در منطقه و همچنین بی‌کفایتی مقامات ریاض در اداره مناسک حج اشاره شده است. در این گزارش ۶ محور اصلی پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی که متضمن انتقادات شدیدالحن از حکام سعودی است، تبیین خواهد شد:

### سیاسی کردن حج؛ کینه ورزی آل سعود نسبت به جمهوری اسلامی و سرسپردگی به استکبار جهانی

مسأله «سیاسی کردن» حج از جمله محورهای پیام مقام معظم رهبری در آستانه فرا رسیدن این فریضه دینی بود. آنچه که به خوبی از این فراز مهم از پیام رهبر معظم انقلاب استنباط می‌شود این است که دو عامل اصلی در اقدام تماماً سیاسی رژیم سعودی در ممانعت از مشارکت ایرانیان در موسم حج، نقش اساسی داشته‌اند؛

اولین عامل به کینه دیرینه رژیم سعودی از جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد که بذراً از همان مراحل اولیه به ثمر نشستن میوه انقلاب اسلامی، در قلوب حکام رژیم سعودی کاشته شد. علت ادامه این کینه‌توزی‌ها نیز کاملاً روشن و واضح به نظر می‌رسد؛ سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران از ۳۷ سال گذشته تاکنون بر مبنای حمایت از مستضعفان عالم و پشتیبانی از گروه‌های مقاومت از یک سو و ایستادن در برابر استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر، پایه‌ریزی شده است. این در حالی است که عربستان سعودی پس از رژیم اسرائیل، همواره متحد شماره ۲ و اشنگتن بوده است. تضاد کامل سیاست‌های عربستان سعودی و ایران به ویژه در منطقه طی تقریباً ۴ دهه اخیر، تا به امروز

حکام سعودی را تا حدود زیادی از رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه محروم ساخته است؛ اهدافی که از جمله مهمترین آنها می‌توان به نابودی حزب الله لبنان، تجزیه عراق و تبدیل آن به چند بخش کوچک و به زیر کشیدن دولت قانونی سوریه اشاره کرد. بر همین اساس، کاملاً واضح است که سعودیها کینه دیرینه خود از جمهوری اسلامی ایران را که غالباً ناشی از شکست‌های پی در پی آن از محور مقاومت به رهبری ایران بوده است، به میدان مقدس حج کشاندند تا به نوعی از تهران گروکشی کنند که البته در این عرصه هم به هدف شوم خود دست نیافتند.

دومین عامل همانگونه که حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در همین فراز از پیام خود به آن اشاره کردند، حمایت سعودیها از کشورهای استکبار جهانی و هم‌پیمانی با صهیونیسم و آمریکا است به گونه‌ای که ریاض بقای خود را در حمایت از این دو می‌بیند. طبق آنچه که در پیام معظم له آمده است، می‌توان یکی از اهداف اصلی رژیم سعودی در جلوگیری از مشارکت ایرانیان در موسم حج امسال را خوش‌رقصی و خوش خدمتی حکام این رژیم برای سردمداران استکبار جهانی یعنی آمریکا و صهیونیسم تلقی کرد.

عربستان سعودی تاکنون از هیچ کوششی برای خوش خدمتی به ایالات متحده آمریکا و صهیونیسم در منطقه دریغ نکرده است؛ از نسل کشی مردم یمن گرفته و کشتار بی‌رحمانه سوری‌ها و عراقی‌ها و سرکوب گسترده شیعیان ساکن شهر القطیف و شیعیان بحرین تا ممانعت از مشارکت سوری‌ها و سپس ایرانی‌ها در موسم حج و همچنین حمایت‌های مالی - تسلیحاتی گسترده از گروه‌های تروریستی - تکفیری در کشورهای مختلف منطقه و جهان. بر همین اساس، به هیچ وجه گره زدن دو مسأله «حج» و «سیاست» یا یکدیگر توسط سعودیها تعجب برانگیز تلقی نمی‌شود، چرا که آنها از دیرباز ثابت کرده‌اند که سرسپردگی سیاست‌های استکبار جهانی بوده و در این مسیر مسلمانان غیر مسلمان نمی‌شناسند.

این بخش از پیام رهبر معظم انقلاب علاوه بر اینکه اشاره‌ای به سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم سعودی در منطقه دارد، بدون شک ناظر بر تلاش اخیر این رژیم برای عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی و علنی کردن این روابط نیز است. سفر چندی پیش «أنور عشقی» ژنرال بازنشسته سعودی و یکی از مقامات عالی‌رتبه کنونی این رژیم به سرزمین‌های اشغالی و دیدار علنی وی با مسئولان رژیم صهیونیستی این نگرانی را در جهان اسلام به وجود آورد که ریاض قصد دارد با این اقدام بدعتی را با هدف علنی شدن روابط پشت پرده شیخ‌نشینان عرب با رژیم اسرائیل پایه‌ریزی کند؛ بدعتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی آن را به شدت محکوم کردند.

### فاجعه منا؛ حجاجی که با لب تشنه مظلومانه جان باختند

یکی از فرازهای پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه ایام حج نیز به فجایعی اختصاص یافت که حدود یک سال گذشته به دنبال بی‌کفایتی محض خاندان سعودی در صحرای منا و همچنین در مسجدالحرام به وقوع پیوست

و هزاران حجاج را در کمال مظلومیت به کام مرگ کشاند. در جریان فاجعه خون‌بار منا حدود ۵۰۰ نفر از حاجیان ایرانی نیز که برای زیارت خانه خدا عازم مکه مکرمه شده بودند، مظلومانه جان باختند. در میان جان‌باختگان این فاجعه نام «غضنفر رکن آبادی» سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در لبنان نیز به چشم می‌خورد؛ کسی که سعودیها از بیخ و بن منکر حتی حضور وی در مکه مکرمه شده بودند. در هر صورت فاجعه منا به لکه ننگ بزرگی بر پیشانی خاندانی تبدیل شد که خود را «پرده‌دار» و «کلید دار» کعبه می‌دانند و از خود به عنوان «خُدّام الحرمین» نام می‌برند.

بر اساس اعلام سایت رسمی وزارت بهداشت عربستان سعودی در این فاجعه ۴۱۷۰ نفر جان باخته و حدود ۲ هزار نفر نیز به شدت زخمی شدند. هرچند که سایت وابسته به وزارت بهداشت عربستان سعودی ساعتی پس از انتشار شمار دقیق قربانیان فاجعه منا، به حذف سریع آن مبادرت نمود. اندکی پیش از این فاجعه غمناک منا نیز شاهد سقوط جرقیل بر سر زائران خانه خدا در مسجدالحرام بودیم؛ حادثه‌ای که در نهایت به جان باختن بیش از ۱۰۰ زائر و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ تن دیگر منجر شد.

همانگونه که در پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) آمده است فرضیه تعمّدی بودن فاجعه منا و همچنین حادثه سقوط جرقیل در مسجدالحرام همچنان به قوت خود باقی است. «ازدحام جمعیت»؛ مسأله‌ای است که سعودیها آن را عامل فاجعه سال گذشته عنوان کرده‌اند. اما این سؤال وجود دارد که آیا سعودیها از تبعات ازدحام جمعیت در صحرای عرفات و منا و یا دیگر مکان‌های مکه بی‌خبر بودند؟ اگر پاسخ مثبت است، پس چگونه می‌توانند مدعی شایستگی و کفایت خود برای اداره امور حجاج و تأمین سلامت و امنیت آنها باشند. و اگر پاسخ منفی است، پس چرا هیچ تدبیر و راهکاری برای جلوگیری از به وجود آمدن ازدحام جمعیت، اتخاذ نکردند؟

مقامات رژیم سعودی تاکنون به این سؤال مشخص که چرا «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد و وزیر دفاع این رژیم، صحرای منا را با میدان جنگ اشتباه گرفته بود، پاسخ ندادند. آنها همچنان از پاسخ به سؤالی درباره علت اصلی ورود ناگهانی محمد بن سلمان به همراه یک کاروان چندصد نفره به صحرای منا و حرکت آنها بر خلاف جهت حرکت میلیونها حجاج، طفره می‌روند. علاوه بر این، حتی نوار ضبط شده یکی از دوربین‌های مداربسته موجود در صحرای منا برای پی بردن به علت اصلی وقوع این فاجعه در دست نیست و شائبه امحای این نوارها توسط سعودیها به شدت مطرح است.

بر همین اساس، فرضیه تعمّدی بودن فاجعه منا و همچنین حادثه غمناک پیش از آن در مسجدالحرام همچنان به قوت خود باقی است و تا روشن شدن حقیقت، این فرضیه به قوت خود باقی خواهد ماند.

### وقتی متهم در نقش مدعی ظاهر می‌شود؛ سعودیها در اوج وقاحت

فراز دیگر پیام مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب

و ندارند و به همین دلیل به سراسر قاطع می توان گفت که تمامی مانع تراشی های آنها برای ممانعت از حضور ایرانی ها در مراسم حج امسال، کاملاً سیاسی بوده است.

### هشدار درباره تداوم اداره مناسک حج توسط حکام سعودی

هشدار درباره تداوم اداره مناسک حج توسط حکام سعودی یکی دیگر از فرازهای پیام مقام معظم رهبری در آستانه موسم حج را به خود اختصاص داد. ایشان صراحتاً اعلام کردند که در صورتی که کشورهای جهان اسلام فکری برای مدیریت حرمین شریفین نکنند، امت اسلامی در آینده با مشکلاتی به مراتب بزرگتر مواجه خواهد شد.

وقوع حوادث پیاپی برای حجاج طی حدود یک سال گذشته این واقعیت را به اثبات رسانده است که حکام سعودی شایستگی اداره مناسک حج را ندارند.

آنچه که مسلم است، این است که ساز و کار اداره مناسک حج از سوی سعودیها باید هرچه سریعتر تغییر کند و برای تحقق این مهم، کشورهای اسلامی ایفاگر نقش اصلی و اساسی هستند. فشار دولت های اسلامی به عربستان سعودی و به موازات آن فشار ملت های مسلمان به این

اسکان زائران ایرانی و همچنین در مسیر حرکت زائران، یکی از بندهای منفی این تفاهم نامه بود.

رئیس سازمان حج و زیارت کشورمان در ادامه اظهارات خود در خصوص شروط سعودیها ادامه می دهد: «محدودیت در استفاده زائران ایرانی از هواپیمای شرکت های داخلی و موضوع صدور ویزا از جمله این بندهای منفی تفاهم نامه حج بود». وی افزود: «اعمال محدودیت در تعداد درمانگاه های ایران در عربستان هنگام موسم حج، اعمال محدودیت در انتقال دارو برای استفاده زائران ایرانی در عربستان، اعلام جزئیات اطلاعات پزشکیان ایرانی اعزامی به حج و همچنین تعیین ظرفیت برای پزشکان، بند منفی دیگر این تفاهم نامه بود که واکنش صریح ما را در پی داشت».

### حکام سعودی؛ سردمداران «جنگ افروزی» و «فتنه انگیزی» در منطقه

حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) در بخش دیگری از پیام مهم خود به جنایت های رژیم سعودی در منطقه اشاره کردند. بی تردید جنایت های زنجیره وار رژیم سعودی علیه مردم بی دفاع در کشورهای مختلف منطقه، خود گواه بر بی پایه و اساس بودن ادعاهای

به مسلمانان جهان در آستانه ایام حج به وقاحت رژیم سعودی پس از وقوع فاجعه دردناک و غمناک منا اختصاص یافت. مقام معظم رهبری در این بخش از پیام خود ضمن انتقاد شدید از اقدامات سعودیها پس از وقوع فاجعه منا تصریح کردند که آنها به جای ایستادن در جایگاه متهم، در جایگاه مدعی ایستادند.

واقعیت این است که عربستان سعودی پس از وقوع فاجعه ای در آن سطح، نه تنها به بی کفایتی و بی لیاقتی خود در پرده داری کعبه اذعان نکردند، بلکه با اظهار نظرهای تعجب برانگیز و مغرورانه ضمن تعریف و تمجید از مسئولان برگزاری حج، این فاجعه را طبیعی قلمداد کردند. آنها در برهه ای از زمان حجاج آفرینایی را عامل وقوع این حادثه معرفی و از آنها طلبکار شدند و در برهه ای دیگر، حجاج ایرانی را مقصر جلوه داده و در جایگاه مدعی ایستادند.

شکی نیست که وقاحت سعودیها موجب شد تا آنها اینگونه در قبال خون هایی که مظلومانه و به ناحق ریخته شده است، خود را از جایگاه متهم به جایگاه مدعی منتقل کنند. اما واقعیتی تلخ نیز در این میان وجود دارد و آن سکوت کشورهای جهان اسلام از یک سو و مجامع بین المللی از سوی دیگر در قبال فاجعه رخ داده است. طبیعی است وقتی قاطبه کشورهای جهان اسلام از هراس سعودیها در برابر خون ریخته شده حجاج مظلوم خود سکوت می کنند، حکام ریاض به خود این اجازه را می دهند که در جایگاه مدعی بایستند.

از سوی دیگر، جامعه جهانی و کشورهای غربی که خود را در خط مقدم پابندی به دموکراسی تلقی می کنند، هیچ موضعی در قبال فاجعه منا اتخاذ نکردند. این انفعال همراه با حمایت از حکام سعودی، خود چراغ سبزی از سوی غرب برای سعودیها به منظور ایستادن آنها در جایگاه مدعی بود و هست.

### بوق های تبلیغاتی؛ ابزار سعودی برای وارونه جلوه دادن واقعیت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام مهم خود خطاب به مسلمانان جهان همچنین از بوق های تبلیغاتی سعودیها سخن به میان آوردند. واقعیت این است که سعودیها برای منحرف ساختن افکار عمومی منطقه و جهان از ابزار تبلیغاتی در دسترس خود به صورت کامل بهره برداری می کنند. عربستان سعودی طی ماه های اخیر با استفاده از این ابزار بارها تلاش کرد تا جمهوری اسلامی ایران را در محروم سازی حجاج از حج امسال، متهم جلوه دهد. این ابزارهای تبلیغاتی رژیم سعودی در حالی علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند، که مقامات این رژیم به منظور مشارکت دادن ایرانی ها در موسم حج امسال، شروط سخت باری را در مقابل مقامات جمهوری اسلامی قرار دادند؛ شروطی که پذیرش آنها در وهله اول به مثابه کوتاه آمدن از ارزشهای انسانی بود. سعودیها هیچگاه به ماهیت شروط خود برای ایران اشاره نمی کنند، اما مخالفت جمهوری اسلامی ایران با این شروط را در بوق و کرنا کردند.

سعودیها با قرار دادن شروط ذلیلانه در برابر سازمان حج و زیارت برای صدور روادید به منظور اعزام ایرانیان به حج، تلاش کردند تا لکه ننگ امضای یک توافق دلتبار را بر پیشانی جمهوری اسلامی ایران بچسباندند.

«سعید اوحدی» رئیس سازمان حج و زیارت کشورمان در خصوص شروط تعجب برانگیز سعودیها برای صدور روادید زائران ایرانی بیت الله الحرام چنین می گوید: «دولت عربستان ۱۱ بند منفی را به تفاهم نامه حج ایران و این کشور اضافه کرده بود که سال های گذشته خبری از آنها نبود». وی در همین زمینه می افزاید: «ممنوعیت نصب پرچم جمهوری اسلامی ایران در ساختمان های محل



این رژیم مبنی بر «سیاسی نشدن حج» است. حکام کودک کشی که هیچ ابایی از دراز کردن دست دوستی به سمت رژیم صهیونیستی آن هم به صورت کاملاً علنی نداشته و چشم خود را به روی کشتار روزمره شهروندان مظلوم فلسطین می بندند، بدون شک از سیاسی کردن

مسئله حج نیز هیچ ابایی نخواهند داشت. کسانی که از حدود ۱۸ ماه گذشته تاکنون مردم بی دفاع یمن را از زن و مرد گرفته تا پیر و جوان به خاک و خون کشیده و می کشند، آنانی که ظلم و ستمشان دامن شیعیان مظلوم بحرین را نیز گرفته و شیعیان بی دفاع ساکن شهر القطیف نیز از اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه آنها در امان نیستند، بدون شک نمی توانند اینگونه القاء کنند که مخالفت هایشان با مشارکت ایرانی ها در مراسم حج امسال، جدای از مسائل سیاسی بوده است.

حکام سعودی تاکنون ثابت کرده اند که مقدمات برای آنها از کمترین ارزشی برخوردار نیست. هدف قرار دادن ده ها مسجد در نقاط مختلف یمن از یک سو و هتک حرمت مقدسات شیعیان در شهر القطیف از سوی دیگر، تنها نمونه کوچکی از اهانت های خاندان سعودی به مقدسات است. بر همین اساس، مسأله حج نیز در چهارچوب مقدساتی است که سعودیها هیچ ابایی از هتک حرمت به آن نداشته

رژیم می تواند مسئولان ریاض را متقاعد کند که رژیم سعودی در کشتار مردم بی گناه یمن و سرکوب مردم مظلوم بحرین با کفایت تر است تا اداره مناسک حج. در صورتی که کشورهای جهان اسلام همچنان به رویه کنونی خود یعنی سکوت در برابر سعودیها ادامه دهند، بدون شک وضعیت امت اسلامی بیش از پیش با سختی مواجه خواهد شد. کشورهای اسلامی باید بدانند که ایستادن در برابر عربستان و خارج کردن مسئولیت سنگین مدیریت حرمین شریفین از دست آن و یا حداقل «مشارکتی کردن» این مدیریت، مستلزم تحقق دو شرط است: ۱- برخورداری از وحدت کلمه، ۲- عدم وابستگی به دلارهای نفتی عربستان سعودی. تا زمانی که کشورهای جهان اسلام فاقد این دو شرط اصلی باشند، نمی توان انتظار تحقق هیچ کار بزرگی از سوی آنها در مقابل سعودیها را داشت. در هر صورت، پیام مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه موسم حج امسال در صورتی که نصب العین کشورهای جهان اسلام قرار گرفته و سردمداران این کشورها عزم خود را برای جامه عمل پوشاندن به محتوای این پیام جزم کنند، می توان این انتظار را داشت که خسارت های ناشی از جنایت های سعودی در منطقه از یک سو و بی کفایتی آنها در اداره مناسک حج از سوی دیگر، جبران شود.

## جابجایی مهره ها و اهداف پشت پرده؛

# عاصمه جهانگیر؛ حکایتی تکراری از استاندار دو گانه حقوق بشر



«عاصمه جهانگیر» زنی معروف در پاکستان که جایگزین «احمد شهید» شده حکایتی را بازگو می کند که سندی دیگر از وجود استانداردهای دوگانه در عالی ترین نهاد جهان است.

با پایان دوران ماموریت احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، عاصمه جهانگیر، فعال پاکستانی حقوق بشر به عنوان جایگزین وی معرفی می شود.

احمد شهید، روز پنجشنبه از پایان مأموریت خود در ماه نوامبر (مهر-آبان) خبر داد و در توئیتر نوشت که دو ماه دیگر مسئولیتش را به «عاصمه جهانگیر» پاکستانی تحویل می دهد.

شهید در حالی به مأموریتش پایان می دهد که بارها از سوی مقامات ایرانی به اتکا به گزارش های ثابت نشده مخالفان جمهوری اسلامی، عدم رعایت بی طرفی و نادیده گرفتن پروتکل های استانداردهای گزارش دهی متهم شده است.

### تاریخچه گزارشگر ویژه حقوق بشر و ایران

تهران همواره مخالف انتخاب گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران بوده است و این انتخاب را یک امر سیاسی می داند. بین سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ به مدت هشت سال، در پی تلاش های بین المللی دولت جمهوری اسلامی و کاهش ایران ستیزی در سطح جهان، کمیسیون پیشین حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه ای علیه ایران صادر نکرد و در نتیجه گزارشگر ویژه برای ایران تعیین نشده بود. در شرایطی که بین سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۲ به مدت ۱۸ سال هر سال کمیسیون حقوق بشر علیه ایران قطعنامه صادر کرده بود.

تا سال ۱۳۸۲ از میان سه گزارشگر ویژه، آندرس آگوئیلا و نوزولایی، رینالدو گالیندو پل السالوادوری و موریس کاپیتورن کانادایی، فقط چهار بار توانستند به ایران سفر کنند. کاپیتورن که فقط یک بار در سال اول انتخابش به عنوان گزارشگر به ایران سفر کرد، آندرس آگوئیلا هیچگاه اجازه سفر به عنوان گزارشگر ویژه به ایران را پیدا نکرد و رینالدو گالیندو پل هم سه بار به ایران آمد که بعد از سومین سفرش به دلیل گزارش مغرضانه دیگر دولت به او اجازه ورود به ایران را نداد و از کمیسیون حقوق بشر درخواست معرفی جانشین برای او کرد.

با افزایش اختلافات میان ایران و غرب، سال ۱۳۹۰ این بار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که پنج سال بود جایگزین کمیسیون حقوق بشر شده بود، بار دیگر قطعنامه ای علیه ایران صادر کرد و احمد شهید، سیاستمدار اهل مالدیو را به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر تعیین کرد.

هر چند ابتدا انتخاب یک مسلمان آسیایی به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران باعث پدید آمدن امیدهایی برای همکاری میان دولت ایران و گزارشگر شده بود، اما جهت گیری های سیاسی احمد شهید، احتمال هرگونه همکاری میان دو طرف از میان رفت.

### عاصمه جهانگیر کیست؟

عاصمه جهانگیر از رهبران «جنبش وکلا» در پاکستان بود که در سال ۱۹۸۳ در دوره ژنرال «ضیاءالحق» به زندان افتاد و در سال ۲۰۰۷ نیز تحت حبس خانگی قرار گرفت. این فعال پاکستانی بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ به عنوان گزارشگر ویژه آزادی مذهب و عقیده سازمان ملل فعالیت می کرد و بارها به نقض حقوق بهائیان به ایران انتقاد کرده است.

عاصمه جهانگیر همچنین رئیس کمیسیون حقوق بشر پاکستان در دوران ریاست جمهوری «پرویز مشرف» و «آصف علی زرداری» روسای جمهور سابق پاکستان، و از وکلای شناخته شده این کشور است.

البته عاصمه جهانگیر با اتهاماتی در پاکستان مواجه است که از جمله آنها می توان به مواردی همچون جاسوسی برای هند و یا ارتباط با فرقه «قادیانی» (فرقه ای که معتقد است رسالت با حضرت محمد (ص) پایان نیافته و پس از خاتم پیامبران، پیامبری به نام «میرزا غلام قادیانی» ظهور کرده است) اشاره کرد.

در سال ۱۹۸۲، عاصمه به عنوان چهره پیشتاز اپوزیسیون بر علیه برنامه «اسلامی کردن» پاکستان، که توسط ژنرال «محمد ضیاء الحق» رئیس جمهور و رییس ارتش وقت آغاز شده بود، کار سازماندهی تظاهرات و تجمعات اعتراضی را بر عهده داشت. او در یکی از مصاحبه های معروف خود در آن مقطع گفته بود: «قوانین خانواده (که مذهبی هستند) حقوق کمی برای زنان قائلند. آن ها را باید اصلاح کرد چون پاکستان نمی تواند در انزوای زندگی کند. ما نمی توانیم در غل و زنجیر باشیم در حالی که زنان دیگر پیشرفت می کنند».

او و خواهرش در سال ۱۹۸۶ «کمیسیون حقوق بشر پاکستان» را به راه انداختند، که تا ۲۰۱۱ خود ریاست

احمد شهید طی پنج سال و نیم مأموریتش به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر هیچگاه نتوانست به ایران بیاید و هر بار گزارش هایش به دلیل آنکه به مواردی همچون اغراض سیاسی متهم می شد مورد اعتراض و انتقاد شدید واقع شد.

### احمد شهید ناکام در وظایف محوله

احمد شهید، وزیر خارجه پیشین مالدیو، از سال ۲۰۱۱ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل به عنوان گزارشگر ویژه ایران انتخاب شد. وی از آن پس بر مبنای مصاحبه هایی با فعالان سیاسی، روزنامه نگاران معاند و نزدیکان افرادی که مدعی بودند از قربانیان خشونت های سیاسی هستند، گزارش های ادواری از وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه می داد.

درخواست های احمد شهید برای سفر به ایران در دوران فعالیتش به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر به نتیجه نرسید. ایران اتهام نقض حقوق بشر را رد کرده و اعلام می کند که این اتهامات در پی انگیزه های سیاسی طرح می شوند.

گویا کشورهای غربی و عربی سعی داشتند تا با انتخاب احمد شهید اسنادی محکم در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران تهیه کند اما گویا وی در این امر موفق نبوده و به همین دلیل یک سال پیش از سر رسیدن مدت مأموریت خود از انتخاب عاصمه جهانگیر سخن گفته است.

عملکرد وی بگونه ای بود که حتی «الپه هیکس» از فعالان به اصطلاح حقوق بشر که همواره در رسانه های بیگانه از جمله بی بی سی علیه ایران فضا سازی می کند اعتراف کرده است که احمد شهید بیشتر به صورت یک ابزار سیاسی در دست گروه های مخالف جمهوری اسلامی خارج از کشور در آمده بود.

الف) باورپذیری گزارش‌ها؛ با این ترفند که از سوی اتباع مسلمان تهیه شده است و غرض ورزشی در آن وجود ندارد.

ب) ایجاد دودستگی و تفرقه در جوامع اسلامی. نگاهی به وضعیت حقوق بشر در بسیاری از کشورهای دیگر عضو سازمان ملل متحد به سادگی نشان می‌دهد که انتخاب ایران در این فهرست یک انتخاب سیاسی است.

در همین رابطه «محمد جواد لاریجانی» دبیر ستاد حقوق بشر، در خصوص معرفی جایگزین احمد شهید به شورای حقوق بشر، افزود: جمهوری اسلامی ایران همواره یک موضع اصولی نسبت به انتصاب گزارشگر ویژه شورای کشور داشته و آن را ناشی از استانداردهای دوگانه و برخوردی گزینشی برخی کشورهای خاص در چارچوب شورای حقوق بشر می‌داند. انتصاب گزارشگر ویژه اساساً از نظر جمهوری اسلامی ایران غیر موجه و مردود است.

### پول حلال مشکلات

حقوق بشر در دنیای امروز طنزی تلخ شده است. حامیان واقعی حقوق بشر، ناقضان حقوق بشر معرفی می‌شوند و ناقضان، متولیان اجرای حقوق بشر. نمونه کوچکی از این قاعده تاسف برانگیز سعودی‌های کودک‌کش هستند که در یک سال و نیم گذشته با بمباران استان‌های شمالی یمن، صدها نفر را قتل عام کردند. اما سازمان ملل به جای محکومیت این رفتار، با سپردن مسئولیت آن هم در کمیته ششم مجمع عمومی (کمیته حقوق بشر) این سازمان از سعودی‌ها به خاطر جرائمشان تشکر و قدردانی کرد.

همچنین «فیصل تراد» نماینده موقت عربستان در شورای حقوق بشر سازمان ملل به عنوان رئیس یکی از پنل‌های کلیدی شورای حقوق بشر سازمان ملل منصوب شد.

البته انتصاب نماینده عربستان به این سمت چندان عجیب نیست، چرا که دلارهای نفتی این کشور گاهی بزرگ‌تر از سازمان ملل را نیز تسلیم می‌کند. این وضعیت در حالی است که در تاریخ ۱۳ سپتامبر رای گیری برای ریاست شورای حقوق بشر انجام می‌شود. روزنامه ایندپندنت، رای گیری سیزدهم سپتامبر برای تعیین رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل را فرصتی طلایی دانست که دولت انگلیس بتواند در آن، ارزیابی واقعی خود را از حقوق بشر ارائه کند.

ایندپندنت، به نقل از «تام براک» —سخنگوی حزب دموکرات‌های آزاده انگلیس— تاکید کرد: دولت انگلیس، در تلاش برای یافتن بهانه‌هایی به نفع عربستان سعودی است. این در حالی است که سازمان عفو بین الملل، از انگلیس درخواست کرده است که عربستان را به سبب پرونده فحش‌دهی که در زمینه حقوق بشر و جنایت‌های مستمر در یمن دارد، بازخواست کند.

«پولی تراسکات»، مسئول سازمان عفو بین الملل در انگلیس، تاکید کرد: لغو عضویت عربستان در شورای حقوق بشر، ضروری است، عربستان هم در داخل کشور خود و هم در یمن به حدی مرتکب نقض سازمان یافته حقوق بشر شده است که دیگر صلاحیت به عهده داشتن نقشی بین المللی در سازمانی حقوق بشری را ندارد.

مدارس، مراکز درمانی، مبلغان، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و نشریات به تبلیغ در سرتاسر دنیا مشغولند.

### رابطه با شیرین عبادی

عاصمه جهانگیر دوستی نزدیکی با شیرین عبادی دارد. اگر شیرین عبادی به دلیل دفاع تمام قد و همه جانبه اش از «بهاییان»، شائبه جدی بهایی شدنش را در جامعه ایران دامن زده است، «عاصمه جهانگیر» هم به دلیل دفاع سرسختانه اش از فرقه احمدیه و اعضای آن با همین اتهام در داخل پاکستان رو به روست.

عاصمه، زمانی که «گزارشگر ویژه سازمان ملل در آزادی‌های مذهبی اقلیت‌ها» بود، با کمک شیرین عبادی و همکاری‌اش در داخل ایران، به کار گزارش سازی و سندپردازی علیه جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در موضوع بهاییان مشغول بود. برای نمونه، در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸، در مصاحبه با مرکز خبری سازمان ملل

این کمیسیون را به عهده داشت. جهانگیر در همه این سال‌ها از مخالفان برخی از محکم‌ترین احکام شرع اسلام از قبیل اجرای حکم قصاص نفس و اجازه ولی برای ازدواج دختران بوده است.

در سال ۱۹۹۸، او از طرف سازمان ملل به عنوان گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی انتخاب شد که تا ۲۰۰۴ در همین سمت بود. از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ هم به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل برای آزادی مذهبی اقلیت‌ها فعالیت می‌کرد.

عاصمه عضو هیات امنای «گروه بین المللی بحرین» است که خود را یک موسسه غیردولتی برای کاهش تنش‌های بین المللی معرفی می‌کند. گروه بین المللی بحرین در سال ۱۹۹۵ توسط سرمایه دار معروف ماسون و صهیونیست، «جرج سوروس» راه اندازی شد. که معروف است این موسسه نقش مهمی در راه اندازی انقلاب‌های رنگین دارد.



مدعی شد که بهاییان جزو گروه‌های اقلیت دینی! تحت ستم در ایران هستند. وی در سال ۲۰۰۶، طی گزارشی رسمی جمهوری اسلامی را به «آزار سیستماتیک و حکومتی» بهاییان در ایران متهم کرد. همچنین عاصمه جهانگیر عضو هیئت مشاوران موسسه جامعه باز متعلق به جورج سوروس نیز بوده است.

### استانداردهای دوگانه

البته اینکه از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل فقط چهارده کشور از جمله ایران، گزارشگر ویژه حقوق بشر دارند و کشورهایی مانند عربستان که از کمترین حقوق شهروندی بی بهره اند مورد لطف شورای حقوق بشر سازمان ملل قرار گرفته اند خود شائبه سیاسی بودن چنین رفتاری را با ایران روشن می‌سازد اما از طرفی انتخاب برخی افراد با سوابق و ویژگی‌های منحصر بفرد نیز جای تامل دارد.

از این گذشته انتخاب افرادی نظیر احمد شهید یا همین خانم عاصمه جهانگیر از کشورهای اسلامی بی تردید دو هدف را محقق می‌کند:

ویژگی دیگر عاصمه وابستگی وی به فرقه قادیانی یا «احمدیه» است که در پاکستان با عنوان «میرزاییه» هم شناخته می‌شود. موسس این فرقه، «میرزا غلام احمد» (۱۹۰۸-۱۸۳۵) در سال ۱۸۸۹ این فرقه را در شهر «لدھیانہ» ایالت پنجاب هند بنیان گذاشت. پیروان احمدیه این شهر را «دارالبیعه» می‌نامند.

بسیاری از پژوهشگران، شباهت‌های بنیادینی میان پیدایش فرقه «احمدیه» در هند اواخر قرن ۱۹ و فرقه ضاله «بهاییت» در ایران عصر قاجار می‌بینند. درست شبیه «میرزا علی محمد باب» که فرقه بابیه (سرچشمه اصلی فرقه بهاییت) را با حمایت انگلستان ایجاد کرد تا در صفوف شیعیان تفرقه بیندازد، میرزا غلام احمد هم در پاکستان، در پناه انگلستان فرقه‌ای را به وجود آورد تا بین مسلمانان هند انشقاق ایجاد کند. عقاید احمدیه مانند فرقه انگلیس ساخته بهاییت، پر از تفکرات گمراه کننده و باطل است که هدفی جز نسخ شریعت الهی اسلام ندارد.

دقیقا مطابق خط مشی بهاییت، فرقه انگلیسی احمدیه هم از طریق شبکه‌ای گسترده و پیچیده از مساجد،

گفتگوی اختصاصی با وزیر سابق آلمانی:

## محیط زیست مسئله‌ای امنیتی است / ایران بحران آب را جدی بگیرد

پیمان یزدانی



«کلاوس تاپفر» گفت: تبعات و ابعاد امنیتی تغییرات آب و هوایی و محیط زیست در حال گسترش است و با زندگی ۹ میلیارد انسان در سراسر جهان سر و کار دارد. در نگرش سنتی و جدید مفهوم امنیت و ظهور و بروز دکترین امنیت انسانی، مولفه‌هایی چند وجود دارد که در چارچوب میثاق نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین شده اند که از این مولفه‌ها به عنوان اصول حقوق عمومی نیز نام برده می‌شود. از جمله این مولفه‌ها، مولفه امنیت زیست محیطی است. اهمیت این مسئله از آن جایی است که در فرآیند جهانی شدن و در پرتو مولفه‌های هنجاری متأثر از اصول بنیادین حقوق بشر، گفتمان جدیدی به نام امنیت انسانی با هفت رویکرد شکل گرفته است که امنیت زیست محیطی یکی از آنها است. این مولفه‌ها عبارتند از امنیتی شخصی، بهداشتی، غذایی، زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.

در همین راستا و با توجه به اهمیت مسئله محیط زیست گفتگویی با پروفیسور «کلاوس تاپفر» مدیر اجرایی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ انجام شده است. وی همچنین بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ وزیر برنامه ریزی منطقه‌ای و توسعه شهری دولت فدرال آلمان بوده است.

**|| در جریان جنگ سرد کشورها به مسئله محیط زیست اهمیت زیادی نمی‌دادند اما بعد از جنگ سرد شاهد آن هستیم که مسئله محیط زیست توسط بسیاری از کشورها به عنوان یک مسئله امنیتی قلمداد می‌شود. چرا؟ اهمیت این مسئله چیست؟**

حرف شما درست است، تمرکز بر امنیتی کردن مسئله محیط زیست در جریان است. این مسئله اهمیت فراوانی دارد مثلاً تغییرات آب و هوا را ببینید تأثیرات شدیدی بر روی زندگانی تمامی بشر دارد. یکی دیگر از مسائل امنیتی این است که شما باید مسئولیت آوارگان و مهاجران را بپذیرید. اگر این مسائل ادامه پیدا کنند جنگ‌ها و نبردهای آینده بر سر آب خواهد بود.

من ۱۸ سال در آفریقا بودم و سودان و سومالی را دیده‌ام که چگونه در این کشورها بر سر برخی منابع آب مشخص جنگ در می‌گیرد. در این کشورها تولید علفه برای دام‌ها و گله‌ها رو به کاهش است. اینها فقط یک مثال هستند. این روزها انسان بسیار این توانایی را دارد که شرایط زندگی خودش و دیگران را تغییر دهد اقداماتی که می‌تواند به درگیری تبدیل شوند. یک حقیقت وجود دارد و آن این است که هیچکس حاضر نیست هزینه‌های سود و منافع دیگری را بپردازد. تغییرات آب و هوا چیزی شبیه به این مسئله است. لایه اوزون هم یک مورد دیگر است. تغییرات آب و هوا و محیط زیست تبعات و ابعاد بسیار گسترده امنیتی دارد و این ابعاد در حال گسترده شدن به سمت زندگی حدود ۹ میلیارد انسان است.

**|| بله می‌دانم سوال من همین جاست. سازمان ملل موضوعات زیست محیطی را از طریق همین برنامه دنبال می‌کند آیا نیاز نیست یک رکن خاص به ارکان سازمان در این خصوص اضافه شود؟**

سال گذشته کشورهای جهان اهداف توسعه پایدار را تعیین کردند که اساساً طرح آن از سوی کشورهای جنوب ارائه شده بود و این مسئله بیانگر جهانی بودن مشکل محیط زیست است زیرا آنچه که ما انجام می‌دهیم به دیگران آسیب می‌رساند لذا ما باید به دیگران آگاهی توسعه را بیاموزیم. این مسئله دستاورد بزرگی در سال گذشته بود اما حقیقت این است که نظام سازمان ملل آمادگی اجرایی کردن آن را ندارد. من خودم در روند تغییر ساختار سازمان ملل درگیر هستم ما باید چیزی شبیه شورای امنیت برای توسعه پایدار در جهان داشته باشیم.

ما باید ساختاری داشته باشیم که قابل مقایسه با ساختارهای تأمین کننده امنیت و صلح جهانی باشند. این مسئله در حال حاضر روی میز است اما راه طولانی پیش رو است زیرا کشورها اولویت‌های خاص خودشان را دارند ولی من معتقدم تغییرات در راه هستند. دبیر کل جدید باید بر سر این مسئله تمرکز کند. در نشست مجمع عمومی سازمان ملل هم سال گذشته تمامی سران دولت‌ها اعلام کردند که بدون توسعه پایدار صلحی در جهان وجود نخواهد داشت و بدون صلح هم توسعه پایداری وجود نخواهد داشت.

**|| چه گام‌هایی در سازمان ملل به ویژه توسط دبیر کل آن برداشته شده تا موضوع محیط زیست یک موضوع امنیت انسانی قلمداد شود و نه امنیت دولتی؟**

یکبار دیگر می‌گویم مثلاً مسئله آب و هوا یک نمونه است. مسئله‌ای بسیار بزرگ است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل آن نیست و بسیاری دیگر از موضوعات هم همینطور هستند مانند بیماری‌های عفونی، آلودگی آب‌ها و ... همه این موضوعات به امنیت

**|| همانگونه که شما گفتید موضوعات زیست محیطی ارتباط مستقیمی با موضوعات امنیتی دارند با اینحال هنوز هستند کشورهایی که نمی‌خواهند این موضوعات را امنیتی قلمداد کنند. چرا؟**

ببینید وقتی شما بتوانید هزینه‌های محافظت از محیط زیست خود را بر گردن همسایگان خود بیاندازید، در این صورت شما سعی نخواهید کرد برای حفظ محیط زیست هزینه کنید. شما هزینه تصمیمات خود را بر گردن دیگران می‌اندازید. ما نیاز به همکاری داریم ما نیاز به راهکارهای قانونی و کنوانسیون‌های مختلف داریم. امروز ما با موضوعات گاز دی اکسید کربن، سوخت‌های هیدروکربنی، فلزات سنگین و جیوه و گرد و غبار و ... مواجه هستیم که بسیار بسیار به مسئله سلامت بشر مرتبط هستند. اینها نیاز به همکاری و پول دارد. من به یاد دارم رئیس جمهور اوگاندا در سخنانی در نیویورک درباره آب و هوا گفت اگر من کشاورز باشم و همسایه‌ام زباله‌هایش را از روی دیوار مزرعه در مزرعه من پرتاب کند ناراحت نخواهم شد زیرا فردا این زباله‌ها به سوی مزرعه‌ی من خواهند گشت. وی خطاب به کشورهای در حال توسعه گفت شما زباله‌هایتان را به کشورهای ما می‌ریزید و ما قربانی عدم اقدامات شما هستیم ولی این تبعات به سوی خود شما هم بر خواهد گشت و این راه یک همسایگی مسالمت آمیز نیست. ما نیاز به تغییرات گام به گام داریم ما باید به سختی کار کنیم تا ساختارهای قانونی ایجاد کنیم و آنها را اجرایی کنیم. همچنین نیاز به پول و سرمایه‌گذاری در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر داریم.

**|| با وجود اینکه مسئله محیط زیست بسیار اهمیت دارد ولی هنوز رکنی مستقل برای آن در سازمان ملل وجود ندارد. نظر شما در این خصوص چیست؟**

ما ۴۰ سال است که در سازمان ملل برنامه محیط زیست داریم.



سابقه بد رابطه با انگلیس؛

## نیکلاس هاپتون دیپلمات نمایی با ماموریت ویژه/ نباید ذوق زده شد

اتفاق به ایران حمله و این کشور را اشغال کردند. قوای نظامی بریتانیا تا سال ۱۹۴۶ در ایران باقی ماندند.

۱۹۵۳ - محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران که به دلیل تلاش برای ملی کردن کمپانی نفتی بریتانیایی در سال ۱۹۵۰ مورد خشم انگلیس واقع شده بود در کودتای مشترک سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا از کار برکنار شد.

۱۹۷۹ - به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی بریتانیا سفارت خود در تهران را تعطیل کرد.

۱۹۸۰ - حمله افراد مسلح ایرانی (منافقین) به سفارت ایران در لندن و به گروگان گرفتن ۲۶ نفر شامل کارکنان سفارت، افسران پلیس و افراد عادی. شش روز پس از حمله به سفارت و کشته شدن یکی از کارکنان، نیروهای ویژه پلیس به سفارت ایران یورش بردند و پس از کشتن افراد مسلح، گروگان‌ها را نجات دادند.

۱۹۸۸ - بازگشایی مجدد سفارت بریتانیا در تهران. ۱۹۸۹ - به دلیل انتشار کتاب آیات شیطانی، امام خمینی رهبر معظم انقلاب فتوایی را علیه سلمان رشدی نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی صادر کرد. نویسنده کتاب به انگلیس پناهنده شد و روابط دیپلماتیک بین دو کشور به تیرگی گرایید.

سپتامبر ۲۰۰۱ - جک استراو به عنوان نخستین وزیر امور خارجه بریتانیا پس از انقلاب ۱۹۷۹ از ایران دیدار کرد.

۲۰۰۴ - تنش‌ها بین دو کشور به دلیل حضور نظامی بریتانیا و آمریکا در نزدیکی شهرهای مذهبی شیعه‌نشین عراق بالا گرفت. در ماه مه ایرانیان پشت در سفارت بریتانیا در تهران اعتراضات خود را اعلام کردند.

جولای ۲۰۰۴ - پس از ورود کشتی بریتانیایی به آب‌های ایران هشت ملوان انگلیسی به مدت سه روز بازداشت شدند.

چند روزی از معرفی سفیر جدید انگلیس در ایران و ارتقاء سطح روابط دو کشور می‌گذرد از همین رو نگاهی دقیق‌تر به پرونده «نیکلاس هاپتون» موجب هوشیاری بیشتر در خصوص ارتباط با لندن خواهد شد.

انگلیس در طول تاریخ رابطه با ایران نشان داده که به هیچ وجه طرف قابل اعتمادی نیست، از سویی؛ به دلایل متعدد شاید برقراری ارتباط دیپلماتیک با چنین کشوری لازم باشد. از همین رو در مورد ارتقای سطح روابط دو کشور باید توجه کافی را به عملکرد لندن در سالیان گذشته داشت تا همچون موارد قبل گرفتار تنش و هزینه‌های ناخواسته نشویم.

### نگاهی گذرا به تنش‌های روابط ایران و انگلیس

روابط ایران و انگلیس از زمان آغاز یعنی حکومت ادوارد ششم (۱۹۵۱ میلادی) تاکنون فراز و فرودهای بسیاری داشته و نکته‌ای که در خلال تمام این سالها مشهود بوده غیرقابل اعتماد بودن طرف انگلیسی است.

اوج گیری و کاهش سطح روابط ایران و انگلیس تاکنون چندین بار اتفاق افتاده اما به طور کلی می‌توان دست کم ۱۰ واقعه مهم را در این رابطه مثال زد. در همین رابطه روزنامه گاردین بعد از بازگشایی سفارت انگلیس در تهران و سفر «فیلیپ هاموند» وزیر خارجه وقت انگلیس به ایران، در گزارشی نوشت:

رابطه بین جمهوری اسلامی ایران و کشوری که شیطان کوچک خوانده می‌شود مملو از حوادثی شامل محاصره نظامی، کودتا، تسخیر سفارت، تحریم‌های اقتصادی و قتلوا و شکست روابط دیپلماتیک در مواقع متعدد است که برخی از آنها عبارتند از:

۱۹۴۱ - با توجه به ارتباط‌های قوی شکل گرفته بین ایران و آلمان در دهه ۱۹۳۰ بریتانیا نگران پیوستن قوای نظامی ایران به هیتلر بود. بریتانیا و روسیه به

انسانی مربوط می‌شوند و حل آنها نیازمند همکاری همه کشورها و دولت‌ها است. اگر اجازه دهیم این مشکلات ادامه یابند می‌توانند از کنترل خارج شوند و امنیت انسانی را به مخاطره بیندازند. توافق سال گذشته پاریس درباره آب و هوا را می‌توان پاسخ مشترکی برای یکی از این تهدیدات دانست. در حال حاضر ظهور پدیده تروریسم و فروپاشی برخی دولت‌ها و عدم وجود دولت‌های پاسخگو در برخی مناطق آفریقا و خاورمیانه بر دامنه تهدیدات انسانی و محیط زیستی افزوده است. این وظیفه همه است که برای توسعه پایدار همکاری کنند و ساختارهای قابل اعتمادی به وجود بیاورند. ما باید برای ۹ میلیارد انسان شرایط زندگی و امنیت را ایجاد کنیم.

### وضعیت محیط زیست ایران را چگونه دیدید؟

وضعیت محیط زیست ایران نیاز شدید و مبرمی به فعالیت‌ها و اقدامات سیاسی دارد. به اعتقاد من دولت کنونی ایران خیلی خواستار تغییر ساختارها است و بی تردید محیط زیست در دستور کار رئیس‌جمهور روحانی قرار دارد و از اولویت‌های برنامه‌های وی است. این به نفع مردم است زیرا بدون محیط زیست پایدار نمی‌توان جامعه‌ای پایدار و اقتصادی توسعه یافته داشت. مسئله دوم اینک است که شما در زمینه آب چالش‌های زیاد و جدیدی دارید. مصرف زیاد آب در کشور شما یکی از تهدیدات امنیتی است. بخشی از این مربوط به مسئله تغییرات جهانی آب و هوا است اما بخشی هم مشکلات و چالش‌هایی است که در داخل کشور ایجاد شده‌اند. بیش از ۹۰ درصد آب در این کشور صرف تولید محصولات کشاورزی می‌شود در صورتیکه میانگین جهانی ۷۰ تا ۷۵ درصد است. علت آن این است که شما در زمینه حفظ منابع آب و صرفه جویی در مصرف آن سرمایه‌گذاری نکرده‌اید. این مسئله ناشی از کمبود آب نیست ناشی از چگونگی مصرف آب و مدیریت مصرف آب و رفتار مردم با آب است. شما نیاز به تغییرات جدی در این زمینه دارید هر چند برای کشوری که تولید کننده عمده نفت است تغییرات سخت است. شما باید درباره اینکه چگونه انرژی تولید کنید و جایگزین‌های آن توجه کافی را داشته باشید. شما باید بدانید کدام راه بهترین، باصرفه‌ترین و پاک‌ترین راه است. شما باید درباره تولید انرژی خورشیدی و انرژی بادی توجه داشته باشید. باید به بهره‌وری انرژی اهمیت بیشتری داده شود و آلمان تجربیات زیادی در این خصوص دارد که می‌تواند با ایران همکاری داشته باشد و در این کشور سرمایه‌گذاری کند. شما برای مصرف آب برنامه ندارید و از تکنولوژی‌های قدیمی استفاده می‌کنید. همچنین باید درباره مصرف آب فرهنگ‌سازی کنید. آب در تمامی ادیان از جمله اسلام جایگاه خاصی دارد نباید آن را تباه کرد و برای این کار نیاز به سرمایه‌گذاری و تکنولوژی جدید است.

### همکاری ایران با سازمان ملل در زمینه‌های محیط زیست چگونه بوده است؟

جمهوری اسلامی ایران بی‌تردید همیشه یکی از شرکای فعال بوده است. ایرانیان زیادی در این زمینه فعال هستند. سازمان ملل بی‌هیچ تردیدی نیازمند همکاری و مشارکت یک ایران صلح‌آمیز، اختصاصی در طح جهانی بیشتر از هر زمان دیگر نیازمند است. ما برای صلح و امنیت آینده نیاز به ایران داریم.

### سابقه بد

اما آنچه در مورد هاپتون مهم است این مطلب است که گفته می شود وی مدتی مامور سرویس ام ای ایکس (سرویس امنیت خارجی انگلیس) بوده و در وزارت خارجه نیز عهده دار سمت های امنیتی بوده است.

وی فردی کلیدی در وزارت امور خارجه بریتانیا محسوب می شود. او طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ میلادی به عنوان سفیر انگلیس در یمن و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی به عنوان سفیر این کشور در قطر ایفای نقش کرده است. هاپتون متخصص حوزه امنیت ملی بوده و در حوزه مناسبات انگلیس و اروپا نیز نقش اجرایی فعالی را در دستگاه سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است.

هاپتون مانند بسیاری از دیپلمات های انگلیسی معتقد است خاستگاه بحران های امنیتی در غرب را باید در منطقه خاورمیانه جست و جو نمود. وی درست در زمان وقوع بیداری اسلامی، حضوری فعال در یمن داشت و در زمان اوج گیری بحران سوریه و تشکیل گروه تکفیری - تروریستی داعش، یعنی در سال ۲۰۱۳ میلادی، نقش کلیدی و حساسی در مدیریت پروژه و انتقال پیام های محرمانه لندن به دوحه درباره حمایت از گروه های تکفیری و تروریستی در منطقه ایفا کرد.

از سویی؛ با توجه به تمرکز که این مامور اطلاعاتی - امنیتی دیپلمات نما در حوزه امنیت ملی انگلیس و اروپا داشته، یکی از اصلی ترین تخصص های وی حوزه «جنگ نرم» و «تبلیغات» است و از سوی دیگر هم اکنون و درست در فاصله چند ماه تا برگزاری انتخابات مهم ریاست جمهوری، ماموریت خود را در تهران آغاز کرده است.

بدیهی است که سوء سابق هاپتون در قطر و یمن و تخصص وی در حوزه تبلیغات و جنگ نرم، کمترین جایی را برای اعتماد به این دیپلمات انگلیسی باقی نمی گذارد. در همین رابطه «علاالدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با اشاره به ارتقاء سطح روابط ایران و انگلیس، اظهار داشت: در مصوبه مجلس در زمینه قطع رابطه با انگلیس، تصریح وجود داشت که اختیاری به وزارت خارجه کشور داده شد تا در صورت بهبود وضعیت سطح روابط را تا سفیر ارتقا دهد که به نظر می رسد در این مسیر اقدام شده است.

به گفته بروجردی، باید مراقب بود که انگلیس به واسطه سفیرش دست از پا خطا نکند و تنها در چارچوب وظایف سیاسی تعریف شده در کنوانسیون وین و قوانین بین المللی اقدام کند.

داشته باشد.

### دیپلمات یا عامل اطلاعاتی

همانطور که اشاره شد در سال ۲۰۱۵ با سفر «فیلیپ هاموند» وزیر خارجه وقت انگلیس به تهران، سفارت انگلیس رسماً بازگشایی شد و «نیکلاس هاپتون» ابتدا به عنوان کاردار و نهایتاً در هفته گذشته رسماً به عنوان سفیر انگلیس در تهران معرفی و مامور به خدمت شد. هاپتون دانش آموخته دانشگاه کمبریج و همچنین دانشکده سن آنتونی آکسفورد بوده و از سال ۱۹۸۹ کارمند وزارت خارجه انگلیس بوده است. وی در زمان اعلام این خبر ابراز امیدواری کرد که بتواند در مسیر افزایش روابط ایران و انگلیس گام های رو به جلویی بردارد. هاپتون از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ به عنوان سفیر بریتانیا در یمن و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ سفیر انگلیس در قطر بوده است.

وی همچنین به عنوان دیپلمات در مراکش، فرانسه، و ایتالیا حضور داشته و البته پیش از رسیدن به مقام سفارت در قطر و یمن، مدتی را نیز در این دو کشور به عنوان دیپلمات حاضر بوده است.

### نظر هاپتون در مورد ایران

هاپتون پیش از سفر به تهران و آغاز فعالیت خود در ایران، در مصاحبه با «دوحه نیوز» در مورد ایران گفته است: به اعتقاد من در سال های آینده و به تبع توافق هسته ای انجام شده میان تهران و کشورهای ۵+۱، ایران باید نقش بیشتری در مدیریت سیاست های منطقه داشته باشد.

به نوشته دوحه نیوز، کاردار جدید انگلیس در ایران توافق هسته ای انجام شده میان ایران و کشورهای ۵+۱ را یک موفقیت بزرگ دیپلماتیک می داند.

هاپتون در مورد نقش ایران در منطقه نیز می گوید: این نکته مهم است که ایران نقشی مسئولانه و سازنده را ایفا کرده و به حل بحران در عراق و سوریه کمک کند؛ دولت انگلیس از این امر حمایت می کند.

از مهمترین خصوصیات هاپتون می توان به این نکته اشاره کرد که وی به صنعت گردشگری علاقه خاصی دارد به نحوی که دوحه نیز وی را عامل افزایش تعداد گردشگران انگلیسی در قطر می داند و خود هاپتون نیز به جانشینش در قطر توصیه می کند که همکاری های گسترده ای با مقامات قطری برای برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در این کشور داشته باشد.

در همین ماه بریتانیا به همراه آلمان و فرانسه پیش نویس قطعنامه به شدت انتقادی را علیه ایران به دلیل همکاری نکردن ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی در بازرسی از برنامه هسته ای اش به سازمان ملل ارسال کردند.

۲۰۰۹ - محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور مجدداً انتخاب شد. به دنبال ناآرامی های این سال آیت الله خامنه ای، رهبر معظم ایران این ناآرامی ها را به قدرت های استکباری در غرب نسبت داد و بریتانیا را خبیث ترین این قدرت ها خواند.

نوامبر ۲۰۱۱ - پس از گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره ی برنامه هسته ای ایران، بریتانیا تحریم هایی را علیه ایران اعمال کرد و روابط بانکی دو کشور قطع شد. در ۲۷ نوامبر مجلس ایران به اخراج سفیر انگلیس از ایران رای مثبت داد. دو روز بعد معترضان به سفارت بریتانیا در تهران یورش بردند و دولت بریتانیا نیز دستور خروج دیپلمات های ایرانی را صادر کرد.

۱۴ جولای ۲۰۱۵ - پس از سال ها مذاکرات و اعمال تحریم، ایران درباره برنامه های هسته ای اش با ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین به توافق رسید.

این توافق پس از انتخابات ژوئن ۲۰۱۳ و انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور میانه رو در وین به انجام رسید. ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه وقت بریتانیا پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران اعلام کرد زمان بازگشایی سفارت بریتانیا در ایران فرا رسیده است.

اگوست ۲۰۱۵ - سفارت بریتانیا در تهران بازگشایی شد و فیلیپ هاموند همراه هیات اقتصادی از ایران دیدار کرد.

### انتخابات ۸۸ بدترین دشمنی انگلیس با ایران

از روایت جانبدارانه گاردین در مورد دشمنی های حکومت سلطنتی بریتانیا با ملت ایران که بگذریم، در میان توطئه های انگلیس علیه کشورمان، شاید بتوان دخالت لندن در تحولات بعد از انتخابات سال ۸۸ را بدترین دشمنی انگلیس با ایران توصیف کرد.

در جریان وقایع پس از انتخابات ۸۸ که از سوی رهبر انقلاب از آن با عنوان «فتنه» یاد شد، سفارت انگلیس در تهران که از آن به عنوان لانه جاسوسی جدید نیز یاد می کنند از هیچ تحرکی در مورد دخالت در امور داخلی ایران کوتاهی نکرد.

اعترافات «حسین رسام» در این باره گویای بسیاری از این حقایق است. وی در بخشی از اعترافاتش گفته بود: «با توجه به دستورالعمل دریافتی از لندن، تحولات بعد از انتخابات (۸۸) در دستور کار کارمندان محلی بخش سیاسی سفارتخانه قرار گرفت. در این چارچوب با دفاتر برخی فعالان سیاسی به ویژه اصلاح طلبان ارتباط برقرار و اطلاعات لازم درباره انتخابات جمع آوری می شد.»

اطلاعات بدست آمده از اسناد منتشر شده توسط «ادوارد اسنودن» نشان می دهد سرویس اطلاعات انگلستان در سال ۱۳۸۸ با استفاده از حربه های اینترنتی برای تشدید ناآرامی در ایران تلاش ویژه و هدفمند کرده است.

همچنین بنا بر گزارش سایت «مادبرد»، اسنادی که «ادوارد اسنودن» منتشر کرده، فاش می کند که یکی از واحدهای سازمان اطلاعات انگلیس با حروف اختصاری «GCHQ» موسوم به «ستاد ارتباطات دولت انگلیس» تلاش کرده تا در طول آشوب های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ ایران و همچنین ناآرامی های مربوط به بیداری اسلامی در کشورهای عربی که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده بود، بر فعالان اینترنتی اثرگذاری



گفتگوی اختصاصی با رئیس سابق راستی آزمایی آژانس:

## نقض برجام نقض قطعنامه شورای امنیت خواهد بود / تعهد ایران به برجام

پیمان یزدانی



«طارق رئوف» با تاکید بر متعهد بودن تهران به برجام اجرای آن را به نفع منافع استراتژیک کشورهای ۵+۱، ایران و جهان دانست و گفت: شورای امنیت باید با نقض احتمالی برجام برخورد کند.

در حالیکه مقامات آمریکایی و مقامات آژانس بین المللی انرژی اتمی به اجرای کامل برجام از سوی جمهوری اسلامی ایران اذعان می کنند، طرف آمریکایی به طرق مختلف کارشکنی هایی در اجرای آن انجام می دهد که از نتایج این کارشکنی ها عدم دسترسی کامل بانک های ایرانی به نظام مالی آمریکا و کشورهای اروپایی است.

در این میان همچنین شاهد تهدیداتی از سوی برخی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا هستیم که صحبت از پاره کردن برجام در صورت ورود به کاخ سفید می کنند.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «طارق رئوف» رئیس سابق بخش راستی آزمایی آژانس بین المللی انرژی اتمی و مدیر برنامه خلع سلاح و عدم اشاعه بنیاد تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (SIPIR) انجام داده که در زیر می خوانید.

### || اجرای برجام تا کنون چگونه بوده است و ارزیابی شما از آن چیست؟

تمامی گزارش های آژانس بین المللی تا به امروز نتایج پادمان ها را حفظ کرده اند و آژانس به راستی آزمایی های خود درباره عدم انحراف مواد هسته ای اعلام شده در تاسیسات های هسته ای و مکان های خارج از تاسیسات که مواد هسته ای بطور مداوم در آنجا مورد استفاده قرار می گیرند (LOF) ادامه می دهد.

ارزیابی ها درباره نبود مواد هسته ای و فعالیت های هسته ای اعلام نشده کماکان در جریان است. ایران به طور مشروط در حال اجرای پروتکل الحاقی در خصوص توافقات پادمانی منطبق با بند ۱۷ د پروتکل الحاقی است. آژانس همچنین طبق پروتکل الحاقی برخی دسترسی های تکمیلی را هم (بازرسی های سریع بعد از اعلام) به سایت ها و برخی مکان های دیگر در ایران را داشته است.

از روز اجرای برجام، آژانس سرگرم راستی آزمایی و نظارت بر اجرای آن منطبق بر تعهدات ایران در برجام بوده است. هزینه های برآوردی سالانه آژانس برای این کار سالانه ۹.۲ میلیون یورو برآورد شده است که تمامی آنها از محل منابع بودجه اضافی سال ۲۰۱۶ تامین شده است.

بیانیه صادره شده توسط رئیس جمهور آمریکا در ۱۴ جولای ۲۰۱۶ اعلام می دارد: همانگونه که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی تایید شده است، ایران در سال گذشته تعهدات خود در خصوص برجام

انتخابات آمریکا و ایران بر روی اجرای برجام صحبت کنیم. کاملاً واضح و مشخص است که اجرای کامل برجام به نفع منافع ملی استراتژیک کشورهای ۱+۵، ایران و جامعه جهانی است و هر گونه تلاش برای تخریب آن از سوی هر طرفی دارای تبعاتی برای جامعه جهانی و صلح و امنیت منطقه ای خواهد بود.

علاوه بر این قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بطور رسمی برجام را تایید کرده است و هر گونه دخالت در اجرای برجام باید به عنوان نقض قطعنامه ۲۲۳۱ تلقی شود و شورای امنیت باید در خصوص چنین اقدامی وارد عمل شود.

### || اگر رئیس جمهور بعدی آمریکا برجام را نقض کند که به نوعی نقض قطعنامه شورای امنیت خواهد بود، با توجه به اینکه آمریکا دارای حق و تواست شورای امنیت در برابر نقض قطعنامه اش چه اقدامی می تواند بکند؟

اگر رئیس جمهور بعدی آمریکا با توسل به قدرت اجرایی اش برجام را نقض بکند این کار نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز خواهد بود که شورای امنیت به خاطر حق وتوی آمریکا کار زیادی نمی تواند در قبال این کشور بکند ولی این نقض به اعتبار آمریکا به عنوان یک کشور و شریک مسئولیت پذیر لطمه وارد خواهد کرد. کنگره آمریکا هم می تواند مصوبه ای تصویب کند و اجرای برجام توسط رئیس جمهور این کشور را محدود کند و یا حتی تحریم های جدیدی را علیه ایران وضع کند.

در برجام همچنین تمهیداتی وجود دارند که ایران هم می تواند اعلام کند که برجام دیگر معتبر نخواهد بود.

را اجرا کرده است. ایران ۹۸ درصد اورانیوم غنی شده خود را به خارج منتقل کرده است و دو سوم سانتریفیوژهای خود را از کار انداخته است و راکتور تولید پولوتونیم خود را با سیمان پر کرده است. گزارش های آژانس تصدیق می کنند که ایران به تعهدات خود پایبند بوده است.

گزارش اخیر موسسه علوم و امنیت بین المللی واشنگتن (ISIS) ادعا کرده است که امتیازات محرمانه ای در خصوص محدودیت ها در برجام به ایران داده شده است که این ادعا توسط «جاش ارنست» سخنگوی رسانه ای کاخ سفید رد شد. همچنین «جان کری» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هم این ادعا را رد کرد و گفت در خصوص تعهدات ایران در برجام چیزی از قلم نیفتاده است.

### || ادامه روند اجرای برجام را در آینده چگونه پیش بینی می کنید؟

طبق گزارش های آژانس و آمریکا به احتمال زیاد ایران به اجرای کامل برجام و توافقات در خصوص پادمان های آژانس و پروتکل الحاقی ادامه خواهد داد زیرا کاملاً واضح است که ادامه این روند به نفع منافع ملی استراتژیک ایران است.

منتقدین و مخالفین برجام در اشتباه هستند و مخالفشان با برجام نادرست و اشتباه است. برجام به نفع ایران است و وظیفه دولت ایران است تا هر کاری که می تواند انجام دهد تا وضع مردم ایران بهبود یابد.

### || آیا نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تاثیری بر ادامه اجرای برجام خواهد داشت؟

بسیار زود است که از الان درباره تاثیر نتایج





# خاورميانه و شمال افريقا

دبيران: سميه خمار باقى  
رامين حسين آباد بان

طلال عتریسی:

## حج برای سعودی ها یک عامل نفوذ است / چرایی سکوت در برابر فاجعه منا

سمیه خمارباقی



رئیس مرکز منطقه ای و مطالعات سیاسی اجتماعی دانشگاه لبنان با اعلام اینکه حج برای سعودی ها یک عامل نفوذ است به تشریح چرایی سکوت جهان اسلام در برابر فاجعه منا پرداخت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی روز دوشنبه در آستانه ایام حج پیام مهمی را خطاب به مسلمانان جهان صادر کردند. در بخشی از پیام مقام معظم رهبری آمده است: اکنون قریب یک سال از حوادث مُدهش منا می گذرد که در آن، چند هزار نفر در روز عید و در لباس احرام، در زیر آفتاب و با لب تشنه، مظلومانه جان باختند؛ اندکی پیش از آن در مسجدالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز به خاک و خون کشیده شدند. حکام سعودی در هر دو حادثه مقصّرند؛ این چیزی است که همه ی حاضران و ناظران و تحلیلگران فنی بر آن اتفاق نظر دارند؛ و گمان عمده ی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب نظران مطرح شد.

ایشان همچنین تصریح کردند: تعلّل و کوتاهی در نجات مجروحان نیمه جانی که جان شیفته و دل مشتاق آنان در عید قربان با زبان ذاکر و ترنم آیات الهی همراه بود، نیز قطعی و مسلم است. مردان قسّی القلب و جنایت کار سعودی آنان را با جان باختگان، در کانتینرهای دربسته محبوس ساختند و به جای درمان و کمک یا حتی رساندن آب به لبان تشنه ی آنان، آنها را به شهادت رساندند. چند هزار خانواده از کشورهای گوناگون عزیزان خود را از دست دادند و ملت های آنان داغدار شدند. از جمهوری اسلامی نزدیک به پانصد نفر در میان شهدا بودند. دل خانواده ها همچنان مجروح و داغدار است و ملت همچنان غمگین و خشمگین است.

به همین مناسبت گفتگویی را با «طلال عتریسی» رئیس مرکز منطقه ای و مطالعات سیاسی اجتماعی دانشگاه لبنان انجام دادیم که مشروح آن به شرح زیر است:

### || اهمیت پیام رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حج چیست؟

اهمیت این پیام در این است که تأکیدی از سوی رهبر ایران بود مبنی بر اینکه حجاج و فاجعه منا به فراموشی سپرده نشوند و همچنین تأکید بر اینکه عربستان سعودی

مسئول مستقیم وقوع حادثه منا است. در این پیام بر این موضوع که وقوع چنین حادثه ای مرتبط با سیاست های آل سعود است تأکید شده است. رسانه های عربستان سعودی و وابسته به آن، پیام رهبری را نادیده گرفتند و به آن نپرداختند.

سفارتخانه های ایران در کشورهای عربی و اسلامی باید متن این پیام را توزیع کنند و رسانه های حامی انقلاب اسلامی و شبکه های اجتماعی باید بر پیام رهبری متمرکز شوند تا محتوای آن تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

نسبت به سوء مدیریت سعودی ها در جریان حج و وقوع حادثه منا اعتراضی نکرد. این اقدام تاسف برانگیز است زیرا حجاج بی گناه بهای این بی توجهی را پرداختند.

### || عربستان مدیریت حج که امری متعلق به همه امت اسلامی است را موضوعی سیاسی کرده است. برای برون رفت از این وضعیت چه چاره های باید اندیشید؟

مشکل حکومت های جهان اسلام این است که هیچ واکنشی نسبت به اقدامات سلبی عربستان سعودی از خود نشان نمی دهند لذا در چنین شرایطی وقتی می بینیم سعودی ها حج را سیاسی می کنند کسی در جهان اسلام حرکتی از خود نشان نمی دهد و اعتراض نمی کند. به نظر من چنین موضعگیری از سوی جهان اسلام باید در سازمان همکاری اسلامی بررسی شود.

### || آیا بهتر نیست مدیریت حج ذیل سازمانی متشکل از کشورهای اسلامی از جمله سازمان همکاری اسلامی قرار گیرد؟

هر سال در موسم حج، مشکلات و حوادث مرگباری رخ می دهد و مشکلاتی برای حجاج کشورهای اسلامی

وجود دارد بنابراین برای پرهیز از وقوع چنین مشکلاتی بهتر است در جریان مراسم حج، این مسئله به طور مشترک از سوی کشورهای اسلامی اداره شود. اما عربستان سعودی با این موضوع مخالف است و به شدت آن را رد می کند. اداره حج از سوی عربستان، یکی از عوامل نفوذ سعودی ها در روابط با کشورهای اسلامی است به همین دلیل امکان ندارد عربستان کسی را در این زمینه شریک خود کند. قضیه حج در وهله نخست برای عربستان یک مسئله سیاسی و نفوذ در جهان اسلام است و یک امر دینی تلقی نمی شود.

دنیا، اظهارات رهبر انقلاب اسلامی را دنبال می کند. من گمان می کنم شبکه های اجتماعی قدرت زیادی در نشر پیام رهبری دارند و همینطور شبکه های ماهواره ای با وجود تعداد اندکشان از پتانسیل خوبی برای گسترش چنین پیام هایی برخوردار هستند. مهمترین نکته ای که امروزه کشورهای غربی و اسلامی باید به آن توجه داشته باشند این است که بر موضوع وهابیت و دست داشتن آن در افراط گرایی تمرکز داشته باشند امری که پایه و اساس گروه های تکفیری بوده است.

### || چرا به رغم ظلمی که آل سعود در قضیه منا و کشته شدن تعدادی از زائران در مسجد الحرام مرتکب شد و عذر خواهی هم نکرد برخی مقامات کشورهای خارجی به سادگی از کنار آن گذشتند؟

کشورهای اسلامی از طرفی به دلیل بی توجهی شان به شهروندان خود و از سوی دیگر قرار داشتن تحت تأثیر عربستان، در قبال فاجعه منا سکوت در پیش گرفتند و از همین رو به جز ایران هیچ کشور اسلامی دیگری



## شوک بزرگ به تروریست هادر جبهه جنوب حلب؛ خواب «راتنی» تعبیر نشد



فرزاد فرهادی

علاوه بر حملات هوایی و توپخانه ای سنگین ضد مواضع گروههای مسلح در جنوب حلب، نیروی زمینی نیز آرام آرام ابتکار عمل را در دست گرفت و پس از تسلط بر برخی تپه ها و مواضع استراتژیک در ام القرق و مناطق دیگر به دانشکده های نظامی مشرف شد و سرانجام موفق شد که دانشکده امور تسلیحات، توپخانه و مرکز هوایی را به کنترل خود در آورد.

در واقع از زمانی که گروههای مسلح موفق به گشودن معبر باریکی در جنوب حلب شده بودند تا زمانی که ارتش سوریه موفق به بستن کامل این روزنه شد؛ نوعی جنگ و گریز میان ارتش سوریه و گروههای مسلح در جریان بود.

آخرین تقابلی گروههای مسلح و حامیان آنها و آماده کردن ۱۰۰ فرد مسلح خارجی هم موثر نیفتاد و ارتش سوریه و همپیمانان آنها، معبر را بستند و شرق حلب را به محاصره مجدد خود درآوردند.

ارتش سوریه به دنبال آن به پیشروی به سوی المشرفه و مدرسه حکمت ادامه می دهند. نیروهای سرهنگ سهیل الحسن در این عملیات نقش موثری ایفا می کنند. ارتش سوریه با روحیه ای که به دست آورده، بر دامنه عملیات خود افزوده است و به پیشروی ادامه می دهد.

### دستاوردهای ارتش سوریه شوک بزرگ به گروه های مسلح و حامیان آنها

آن همه هیاهو و سر و صدای زیادی که گروههای مسلح به پا کرده بودند اینک فرو خوابیده است. دستاورد گروههای مسلح هزاران بیش از ۱۳۰۰ کشته برای این گروهها به ارمان آورد که در میان آنها بیش از ۴۰ نفر مسئول و سرکرده نظامی هستند.

این دستاورد ارتش سوریه و همپیمانان آن، گروههای مسلح و رسانه های وابسته و حامیان آنها را به شوک فرو برد و همگی اعم از خود گروههای مسلح و رسانه های وابسته به آنها به این شکست اذعان کردند. آنها هم اینک یکدیگر را مسبب شکست اعلام می کنند و هر یک سعی می کند که تقصیر را بر گردن دیگری بیاندازد.

آنچه اتاق عملیات مرکزی گروههای مسلح نامیده می شود از فرار افراد وابسته به جیش الفتح از دانشکده توپخانه شوکه شده است. برخی از گروهها کوشیده

عوامل انتحاری و خودروهای بمبگذاری شده به راه افتاد که مواضع ارتش سوریه و همپیمانان آنها را به ویژه در اطراف دانشکده های امور تسلیحات و توپخانه و راموسه هدف قرار داد.

در مقابل این موج سنگین از حملات ارتش سوریه تغییر تاکتیک داد و به مواضع مستحکم تر بازگشت به این ترتیب که برخی مناطق را واگذار کرد تا در مواضع خطوط دفاعی قوی مستقر شود و جنگ را دنبال کند. در واقع این تاکتیک سبب می شد که نیروی هوایی و توپخانه قدرت مانور داشته باشد و اسیر حربه گروههای مسلح و اتاق عملیات آنها نشود.

با این تاکتیک موثر، زمینه برای فعالیت نیروی هوایی روسیه و سوریه و توپخانه فراهم شد. گروههای مسلح که موفق به تسلط بر دانشکده های نظامی مذکور شده بود موفق شدند که باریکی ۹۰۰ متری بکشایند تا گروههای یورش برنده بتوانند با گروههایی که در داخل جبهه شیخ سعید بودند به هم ملحق شوند.

باریکه ای که گروههای مسلح ایجاد کردند به مثابه پیروزی معنوی برای آنها محسوب می شد و استفاده رسانه ای زیادی از آن کردند. العربیه و الجزیره و دیگر رسانه های حامی گروههای مسلح با آب و تاب فراوان این موفقیتهای حساب گونه گروههای مسلح را پوشش دادند. اما معبری که گروههای مسلح ایجاد کردند زیاد به کار آنها نیامد زیرا به شدت زیر آتش سنگین ارتش سوریه قرار گرفت.

گروههای مسلح چندی قبل دست به یورش زدند که آن را حماسه بزرگ حلب خواندند اما با گذشت مدت کوتاهی نه تنها پیشرفتی نداشتند بلکه از معرکه گریختند و زمینه را برای پیشروی ارتش سوریه فراهم ساختند. استان حلب در شمال سوریه از اهمیت زیادی در سرنوشت جنگ در سوریه برخوردار است. طرفهای درگیر در سوریه به خوبی از این موضوع آگاه هستند و از این رو، همه با تمام توان وارد عمل شده اند. در اهمیت استراتژیک شهر حلب؛ ناظران امور بر این باورند که حل بحران حلب به مثابه حل بحران سوریه است.

حدود یک ماه و چند روز قبل ارتش سوریه در محور جاده کاستیلو و جنوب غرب حلب پیشروی های گسترده ای داشت و موفق به محاصره کامل گروههای مسلح در شرق حلب شد.

در این هنگام بود که گروههای مسلح و حامیان آنها دست به تلاش مذبوحانه ای زدند. گروههای مسلح در همین زمان با حمایت خارجی عملیات موسوم به حماسه بزرگ حلب را شروع کردند.

آنگونه که دست اندر کاران این عملیات اعلام کرده بودند باید طی ۱۰ مرحله اهدافی محقق می شد. گروههای مسلح از مناطق مختلف از جمله ادلب برای شکستن محاصره شرق حلب جمع شدند و با انواع سلاحها دست به یورش گسترده زدند.

در واقع اتاق عملیات حامیان گروههای مسلح، شمار زیادی از افراد مسلح را تجهیز و روانه جبهه های جنوب حلب کردند. تاکتیکی که تروریستها در جنوب حلب به کار گرفتند حملات موج وار متوالی بود به این ترتیب که موجی از انفماسیون (در حقیقت همان انتحاری است با این تفاوت که تروریست انفماسی علاوه بر بستن کمربند انفجاری، سلاح به دست می گیرد و پس از پایان یافتن گلوله هایش، خود را منفجر می کند) و



تحلیلگر لبنانی:

# پیام آیت الله خامنه‌ای در آستانه حج «صادقانه» و «کوبنده» بود

رامین حسین آبادیان



«محمد امین الحطیط» معتقد است که پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه حج «صادقانه» و «قاطعانه» بوده و متناسب با سطح تهدیدات عربستان سعودی صادر شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی روز دوشنبه در آستانه ایام حج پیام مهمی را خطاب به مسلمانان جهان صادر کردند.

ایشان در فرازهای ابتدایی این پیام تصریح کردند: آنان که حج را به یک سفر زیارتی - سیاحتی فرو کاسته و دشمنی و کینه‌ی خود با ملت مؤمن و انقلابی ایران را در زیر عنوان «سیاسی کردن حج» پنهان ساخته‌اند، شیطان‌هایی خرد و حقیرند که از به خطر افتادن مطامع شیطان بزرگ، آمریکا، به خود می‌لرزند. حکام سعودی که امسال صدّ عن سبیل الله و المسجد الحرام کرده و راه حجاج غیور و مؤمن ایرانی به خانه‌ی محبوب را بسته‌اند، گمراهانی روسیاهند که بقای خود بر اریکه‌ی قدرت ظالمانه را در دفاع از مستکبران جهانی و هم‌پیمانی با صهیونیسم و آمریکا و تلاش برای برآوردن خواسته‌ی آنان میدانند و در این راه از هیچ خیانتی روی گردان نیستند.

در بخش دیگری از پیام مهم مقام معظم رهبری آمده است: اکنون قریب یک سال از حوادث مُدهش منامیگذرد که در آن، چند هزار نفر در روز عید و در لباس احرام، در زیر آفتاب و بال لب تشنه، مظلومانه جان باختند؛ اندکی پیش از آن در مسجدالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز به خاک و خون کشیده شدند. حکام سعودی در هر دو حادثه مقصّرند؛ این چیزی است که همه‌ی حاضران و ناظران و تحلیلگران فنی بر آن اتفاق نظر دارند؛ و گمان عمده‌ی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شد. در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با «محمد امین حطیط» تحلیلگر مسائل راهبردی لبنان انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

## اهمیت پیام رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حج چیست؟

آنچه که در پیام رهبر انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، این است که ایشان به صورت کاملاً واقع‌بینانه به توصیف آنچه که رخ داده است، پرداختند. ایشان از یک سو موضوع حج و رفتارهای ناپسند عربستان سعودی را مورد بررسی قرار دادند و از سوی دیگر، بر اهمیت این فریضه دینی تأکید کردند؛ فریضه‌ای که در حال حاضر یک رژیم کاملاً منحرف از عقاید صحیح اسلامی،

اندک به علت شکست را به آتش سنگین ارتش سوریه و همپیمانان مرتبط کنند و برخی دیگر نیز گروه موسوم به جیش الحر (ارتش آزاد سوریه) را مسبب معرفی می‌کنند. آنها بر این باورند که حضور ارتش آزاد در جنگ با داعش و کردها در منطقه جرابلس در حومه شمال شرقی حلب علت این شکست است.

ارتش سوریه از زمانی که دانشکده‌ها را از دست داد و به شکل تاکتیکی عقب نشینی کرد، هرگز دست از عملیات بر نداشت. گروه‌های مسلح که سرمست از یک پیروزی اندک بودند؛ سودای فتح کامل حلب را در سر داشتند اما در حال حاضر ورق برگشته است.

نیروهای سرهنگ سهیل الحسن هنگامی که از تپه القرع به سوی دانشکده امور تسلیحات حرکت کردند، مصمم بودند که دست خالی باز نگردند و این مهم با فتح دانشکده عملی شد و گروه‌های مسلح به هر اندازه تلاش کردند که این دانشکده را پس بگیرند کاری از پیش نبردند.

## اهمیت دستاوردهای ارتش سوریه

ارتش سوریه معادلات شمال سوریه را بر هم زد. در واقع بر خلاف آتش بسی که در فوریه گذشته مانع از اتمام عملیات از سوی نیروهای سوری شد این بار این تحولات میدانی بود که بر تلاش‌های سیاسی تأثیرگذار بود. قبل از دستاوردهای ارتش سوریه، بحث‌هایی درباره توافق روسیه و آمریکا درباره حلب شد و «مایکل راتنی» نماینده آمریکا در مذاکرات سوریه از نزدیک بودن توافق درباره حلب سخن گفت و اینکه ارتش سوریه از جاده کاستیلو که گروه‌های مسلح در شرق حلب از آن به عنوان جاده امدادرسانی استفاده می‌کنند عقب نشینی می‌کند. اما ارتش سوریه معادله را به گونه‌ای دیگر رقم زد.

پایان غوغا سالاری و رجز خوانی عبدالله المحیسنی دست پرورده سعودی‌ها که سودای فتح کامل حلب را در سر داشت. ارتش سوریه در واقع با این دستاورد، گروه‌های مسلح و حامیان آنها را در سکوت فرو برد. رسانه‌های وابسته به گروه‌های مسلح از جمله الجزیره و العربیه به شکست آنها اذعان کردند.

هلاکت دهها نفر از افراد مسلح و فرار شماری دیگر. ایجاد شکاف در میان گروه‌های مسلح و متهم کردن یکدیگر. دست خالی برگشتن از نبردی که برای آن هیاهوی بسیار به راه انداخته بودند. گروه‌های مسلح دچار تشتت شدند.

پایانی بر آنچه حماسه بزرگ حلب نامیده می‌شد و بسته شدن روزنه و معبری که گروه‌های مسلح برای آن تلفات سنگینی داده بودند.

خارج شدن برگه‌ای که تروریستها قصد بهره‌برداری از آن را داشتند. در واقع حامیان تروریستها از این خرسند بودند که در جبهه‌های جنوب حلب با همان اندک موفقیت می‌توانند به چانه زنی سیاسی بپردازند.

روحیه مضاعف نیروهای ارتش سوریه و همپیمانان آنها. ارتش سوریه به دنبال پیروزی‌های جدید و حرکت به سوی شرق حلب برای خارج کردن آن از کنترل گروه‌های مسلح بر می‌آید.

تاکتیک موثر و استفاده ارتش سوریه از فرصت خالی شدن جبهه جنوبی حلب از گروه‌های مسلح و شرکت این گروه‌ها در جبهه شمال حلب ضد داعش و کردها. آنکارا هم بدون شک گمان نمی‌کرد که ارتش سوریه و همپیمانان آنها در اندک زمان ممکن بتوانند ضربه کاری به گروه‌های مسلح وارد کنند.

اداره امور و مناسک حج را در دست دارد. پیام رهبر انقلاب اسلامی در آستانه ایام حج متضمن ۳ مسأله اصلی است؛ مسأله اول به توصیف دقیق وقایع رخ داده بازمی‌گردد که آیت الله خامنه‌ای به صورت کاملاً واقع‌بینانه به آن پرداختند. پیام ایشان همگان را در مقابل مسئولیت‌های خود قرار داد تا بدینوسیله برای نجات اماکن مقدس از چنگ آل سعود و ایدئولوژی وهابی - تکفیری فکری بکنند.

مسأله دوم در پیام رهبر انقلاب اسلامی ایران این است که ایشان تصویری واضح از جنایتهای سعودی ارائه و کشورهای جهان اسلام را به مقابله با این رژیم فراخواندند. این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که سعودیها همواره جنایت‌های زیادی علیه حجاج مرتکب شدند که آخرین آنها هم به سال گذشته باز می‌گردد که در صحرای منا اتفاق افتاد.

مسأله سوم این است که پیام رهبر معظم انقلاب دارای یک بُعد فلسفی و دینی بوده که نشأت گرفته از نگرش ژرف و عمیق ایشان است. ایشان با نگاه بلند خود، اهداف یک فریضه بزرگ را برای مسلمانان جهان به صورت دقیق مشخص کردند.

بر همین اساس، به ضرر قاطع می‌توان گفت که پیام صادره از سوی آیت الله خامنه‌ای یک پیام کامل و فراگیر است که در آن از یک سو بر اهمیت فریضه حج تأکید شده و از سوی دیگر رفتارهای زشت و ناپسند سعودیها در این عرصه نیز مورد توجه واقع شده است.

## آنچه که در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی دیده می‌شود، قاطعیت در بیان

نیز بگویم که اساس تعبیر «جامعه جهانی» یک تعبیر آمریکایی است. ایالات متحده آمریکا این تعبیر را ایجاد کرده تا بر جنایت‌های خود در منطقه و جهان سرپوش نهاده و اینگونه وانمود کند که این جنایت‌ها مورد تأیید آنچه که از آن به عنوان «جامعه جهانی» یاد می‌کند، هستند.

در حال حاضر آنچه که از آن به عنوان «جامعه جهانی» یاد می‌کند، درست در خدمت اهداف استکبار جهانی فعالیت می‌کند و عربستان سعودی نیز در خدمت همین استکبار جهانی است.

در اینجا باید به مسأله خارج شدن ناگهانی نام عربستان سعودی از لیست کشورهای ناقض حقوق کودکان نیز اشاره کنیم. عربستان سعودی با تهدید به قطع کمک‌های مالی خود به سازمان ملل موجب شد تا این سازمان، آن را به عنوان یک کشور ناقض

شرایطی حاضر نیستند که مسلمانان از منافع و سودهای نهفته در حج بهره‌مند بشوند؛ آنها تنها به منفعت و مصلحت مستکبران جهان می‌اندیشند.

بر همین اساس، سعودیها زمانی که حج را در نقطه مقابل استعمار و استکبار می‌بینند، در مسیر ادای این فریضه الهی توسط مسلمانان کارشکنی و سنگ‌اندازی می‌کنند. درست به همین دلیل است که فاجعه منا را به راه انداختند و این جنایت را مرتکب شدند.

در واقع، به همین دلیل است که در حال حاضر اتباع ۳ کشور یعنی ایران، سوریه و یمن از ادای فریضه حج محروم شده‌اند. پیش از این ۳ کشور نیز کشورهایی نظیر لیبی، فلسطین، عراق از ادای این فریضه محروم بودند. سعودیها برای این نوع کارشکنی‌ها برنامه‌های از پیش تعیین شده دارند.

با در نظر گرفتن این نکات، به اهمیت بالای پیام

است. شما این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانگونه که پیشتر گفتم آنچه که رهبر انقلاب اسلامی در این پیام آورده‌اند، کاملا مبتنی بر واقعیاتی است که به وقوع پیوسته‌اند. از آنجایی که اقدامات سعودیها چه در عرصه اداره مناسک حج و چه در عرصه تحولات منطقه، اقداماتی بسیار زشت و زننده هستند، شاهد لحن قاطع آیت الله خامنه‌ای در پیام ایشان به مناسبت موسم حج بودیم.

نکته دیگر در این زمینه این است که آیت الله خامنه‌ای همچون گذشته در توصیف وقایع رخ داده «صادقانه» سخن گفتند. بر همین اساس باید گفت که پیام ایشان بسیار قاطعانه صادر شد و اگر ریاض و برخی تحلیلگران سیاسی نسبت به این موضوع معترض هستند، باید ریشه پیام صادره را در اقدامات جنایتکارانه و ناپسند رژیم سعودی جستجو کنند.

در یک جمله پیام رهبر انقلاب اسلامی را می‌توان پیامی «صادقانه» و «قاطعانه» توصیف کرد.

**|| چرا به رغم ظلمی که آل سعود در قضیه منا و کشته شدن تعدادی از زائران در مسجد الحرام مرتکب شد و عذرخواهی هم نکرد برخی مقامات کشورهای خارجی به سادگی از کنار آن گذشتند؟**

این را بدانید که اگر عربستان سعودی مسئول اصلی وقوع فاجعه منا نبود، تا به حال نسبت به آنچه که رخ داده است، عذرخواهی کرده بود. عدم عذرخواهی مسئولان ریاض به دنبال وقوع این فاجعه و پافشاری آنها بر موفقیت خود در اداره امور حج، خود به تنهایی حاکی از آن است که مسئولیت اصلی این جنایت بر دوش خودشان است.

اکنون نیز پس از گذشت یک سال از جنایتی که مرتکب شدند، با سر دادن شعارهای دروغین و منافقانه مسلمانان را از ادای فریضه الهی حج بازمی‌دارند. همه می‌دانند که عربستان سعودی ۴ اقدام را انجام داده که تمامی آنها بر خلاف دین مبین اسلام بوده است؛

اولاً؛ «الحج مطلوب لمن استطاع الیه سبیلاً» (حج بر کسی واجب است که شرایط انجام آن را داشته باشد) و خداوند هیچگاه نفرموده است که «اگر سعودیها اجازه دهند، حج واجب می‌شود». بر همین اساس سعودیها با تعیین اینکه مسلمانان کدامیک از کشورها باید در حج شرکت و کدامیک شرکت نکنند، کمر به خصومت با خداوند بسته‌اند.

دوماً؛ حج یک فریضه دینی است که یکی از اهداف آن، این است که مسلمانان گردهم آیند و با یکدیگر هم‌زبان شوند و درباره امور خود گفتگو کنند. با این وجود سعودیها با کارشکنی‌های خود از تحقق این مهم جلوگیری می‌کنند.

سوماً؛ حج فریضه‌ای است برای فراهم آوردن زمینه جهت بکارگیری ظرفیت جهان اسلام به منظور مقابله با استکبار جهانی. این در حالی است که سعودیها از شکل‌گیری این ظرفیت جلوگیری می‌کنند.

چهارم؛ سنگ بنای فریضه حج به این دلیل گذاشته شده است تا مسلمانان از انجام آن منتفع شده و سود ببرند. این در حالی است که سعودیها تحت هیچ



حقوق کودکان در یمن قلمداد نکند. بر همین اساس، ما هیچ اهمیتی برای مواضع «جامعه جهانی» - چه همراه با سکوت باشد و چه نباشد - قائل نیستیم؛ زیرا مواضعی که با پول خرید و فروش می‌شوند، هیچ ارزشی ندارند.

**|| عربستان مدیریت حج که امری متعلق به همه امت اسلامی است را موضوعی سیاسی کرده است. برای برون رفت از این وضعیت چه چاره‌ای باید اندیشید؟**

راهکار برون رفت از این معضل بسیار ساده است. کشورهای اسلامی می‌بایست با همکاری یکدیگر، یک کمیته مرکزی متشکل از مسلمانان جهان برای اداره مناسک حج تشکیل دهند. تمامی اماکن مقدس در مکه و مدینه باید تحت نظارت این کمیته اسلامی مرکزی باشد.

در واقع کشورهای اسلامی باید برای همیشه دست عربستان سعودی را از اداره مناسک حج و تسلط بر اماکن مقدس کوتاه کنند. اصلاً قابل تحمل نیست خاندانی که علیه اسلام اقدام می‌کنند، مسئولیت اداره یک فریضه اسلامی را داشته‌اند. البته این موضوع را

آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) پی می‌بریم که بسیار ماهرانه و به صورت کاملاً دقیق و حساب شده تمامی مسلمانان جهان را در برابر مسئولیت‌هایشان خود قرار دادند؛ مسئولیت‌هایی که مبتنی بر تلاش آنها برای نجات دین خود از چنگ یک خاندان خارج از دین هستند.

سعودیها این واقعیت را به اثبات رسانده‌اند که هیچ ارتباطی میان آنها و دین به صورت عام و اسلام به صورت خاص، وجود ندارد، چه برسد به اینکه مسئولیت اداره مناسک یکی از مقدس‌ترین و بزرگترین فرائض دینی مسلمانان را بر عهده داشته باشند.

**|| شاهد این مسأله هستیم که جامعه جهانی هیچ واکنشی در قبال اقدامات سعودیها چه در عرصه مسائل مربوط به حج و چه در زمینه تحولات منطقه، نشان نمی‌دهد. ارزیابی شما از این سکوت جهانی چیست؟**

جای تأسف بسیار شدید است که «جامعه جهانی» دارای یک رویکرد منافقانه است. البته این موضوع را

## واکاوی روابط عربستان و ترکیه؛ منافع بهم گره خورده در منطقه

رامین حسین آبادیان



سیر تحولات کنونی در منطقه به ویژه تحولات سوریه موجب شده است تا عربستان و ترکیه بیش از پیش برای تحقق اهداف خاص خود به همکاری با یکدیگر نیازمند باشند.

«رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه در حاشیه یازدهمین نشست سران گروه ۲۰ در شهر «هانگژو» مرکز ایالت «ژیانگ» چین با «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان سعودی دیدار و گفتگو کرد. این دیدار پشت درهای بسته و بدون حضور خبرنگاران انجام شد و به مدت یک ساعت و ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

دیدار رئیس‌جمهوری ترکیه با جانشین ولیعهد عربستان در شرایط کنونی و با توجه به سیر تحولات منطقه به ویژه تحولات سوریه و همچنین برخی مواضع اخیر دولت آنکارا، می‌تواند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد. به نظر می‌رسد که در جریان این دیدار که در پشت درهای بسته و بدون حضور خبرنگاران برگزار شد، دو طرف دغدغه‌های خود نسبت به نوع و ماهیت همکاری‌های منطقه‌ای دوجانبه در آینده را مطرح کرده باشند.

پس از وقوع کودتای نظامی در ترکیه و شکست آن، مقامات دولت آنکارا مواضع متفاوتی را در قبال بحران سوریه اتخاذ کردند. «بنعلی ایلدریم» نخست‌وزیر ترکیه پس از کودتای نظامی در این کشور، بارها تأکید کرد که این کشور قصد دارد روابط خود با سوریه و مصر را نیز ترمیم کند. از سوی دیگر، «مولود چاوش‌اغلو» وزیر خارجه ترکیه نیز چندین بار از همکاری‌های کشورهای با روسیه به منظور حل بحران سوریه خبر داد. این در حالی است که رایزنی‌های گسترده وزیر خارجه ترکیه با همتای ایرانی خود در خصوص بحران سوریه در همین چهارچوب قلمداد می‌شود.

پرواضح است که عربستان سعودی به عنوان یکی از حامیان سرسخت تروریست‌های تکفیری در سوریه که سالهای سال بر سر مسأله به زیر کشیدن بشار اسد از قدرت قمار کرده است، پس از مشاهده نوعی تغییر در مواضع دولت آنکارا در قبال دولت دمشق پس از کودتای نظامی، بسیار نگران شده است. سعودیها بیم آن را دارند که ترکیه از همکاری‌های خود با ریاض و واشنگتن بالاخص در بحران سوریه دست کشیده و به محور ایران، حزب الله و روسیه نزدیک شود.

در واقع، عربستان سعودی به خوبی می‌داند که ترکیه یکی از بازیگران اصلی در طولانی‌تر شدن بحران سوریه و ادامه

جنگ و خونریزی در این کشور بوده و کم‌رنگ شدن حضور این کشور در سوریه می‌تواند به تضعیف جبهه مخالف دولت بشار اسد منجر شود. از همین روی، بعید به نظر نمی‌رسد که «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد سعودی در جریان دیدار با اردوغان ضمن ابراز نگرانی نسبت به مواضع سیاسی اخیر ترکیه - مواضعی که هر چند ظاهری به نظر می‌رسند - خواستار ارائه تضمین‌هایی از سوی آنکارا برای باقی ماندن در محور ضد سوریه شده باشد.

از سوی دیگر، عربستان سعودی به دلیل دشمنی دیرینه با جمهوری اسلامی ایران که طی سالهای اخیر و به دنبال بروز بحران سوریه تشدید شده است، همواره تمام تلاش خود را به کار بسته و می‌بندد تا در چهارچوب پروژه «ایران هراسی» مانع از نزدیکی دیگر کشورها به ویژه کشورهای مهم و تأثیرگذار به جمهوری اسلامی ایران شود. بر همین اساس، نزدیکی بیش از پیش ترکیه به ایران می‌تواند سرمنشأ بسیاری از نگرانی‌ها برای مسئولان ریاض باشد؛ نگرانی‌هایی که به احتمال فراوان در دیدار «محمد بن سلمان» با «اردوغان» مطرح شده‌اند.

علاوه بر این، حدود یک ماه و نیم پیش «أنور عشقی» ژنرال بازنشسته سعودی و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک این کشور ضمن سفر به تل‌آویو با تنی چند از مسئولان رژیم صهیونیستی دیدار و گفتگو کرد. سفر این مقام سعودی به سرزمین‌های اشغالی و دیدار وی با مسئولان صهیونیست و گرفتن عکس یادگاری با آنها حاکی از آن است که سعودیها به دنبال علنی کردن روابط پنهان و پشت پرده خود با رژیم اسرائیل هستند.

این در حالی است که روابط میان ترکیه و رژیم صهیونیستی که به دنبال یورش نیروهای صهیونیست به کشتی «مرمره»

خاک عراق اصرار داشته و رایزنی‌های دیپلماتیک فشرده‌ای را در این خصوص با مقامات این کشور انجام دهد.

در طرف مقابل، علاوه بر دغدغه‌های رژیم سعودی درباره به خطر افتادن منافع خود در صورت تغییر ریشه‌ای در مواضع دولت ترکیه در قبال تحولات منطقه و به ویژه سوریه و عراق، دولت آنکارا نیز دغدغه‌هایی را نسبت به آینده روابط خود با ریاض و همکاری‌های منطقه‌ای دوجانبه دارد که به نظر می‌رسد در دیدار دوجانبه اردوغان و محمد بن سلمان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است.

درست است که ترکیه پس از کودتای نظامی در این کشور، همواره از لزوم اصلاح روابط خود با دولت دمشق سخن گفته است، اما تاکنون هیچ نشانه‌ای دال بر تصمیم قطعی آن برای دست کشیدن از حمایت تروریسم در سوریه مشاهده نشده است. به همین دلیل، همکاری‌های دوجانبه ریاض و آنکارا در مسأله سوریه و تلاش آنها برای به زیر کشیدن دولت قانونی این کشور همچنان مورد توجه دولت آنکارا است. بنابراین، به نظر می‌رسد اردوغان در جریان دیدار با محمد بن سلمان، راهکارهای تقویت همکاری‌های دو طرف در سوریه به منظور مقابله با دولت بشار اسد را مورد بحث و بررسی قرار داده باشد.

از سوی دیگر، دولت ترکیه اخیراً با یورش نظامی به شمال سوریه به بهانه مبارزه با داعش، جنگ شدیدی را علیه نیروهای دمکراتیک کرد سوریه به راه انداخته است. پرواضح است که نیروهای نظامی ترکیه به منظور سرکوب کردها در ساحل رود فرات به حمایت‌های برخی کشورهای عربی احتیاج دارد. به همین دلیل، اردوغان در حال حاضر روی سعودیها برای ضربه وارد کردن بیش از پیش به کردها در شمال سوریه حساب ویژه‌ای باز کرده و این مسأله‌ای است که دو طرف بدون شک درباره آن در دیدار اخیر خود در چین گفتگو کرده‌اند.

علاوه بر این، منافع اقتصادی ترکیه از روابط دوجانبه با عربستان، مسأله‌ای نیست که دولت آنکارا به سادگی از کنار آن عبور کند. ترکیه همواره تلاش کرده و می‌کند تا سرمایه‌های عربستان سعودی در بانک‌های خود را به هر طریق ممکن حفظ کند. اهمیت منافع و مصالح اقتصادی ناشی از ارتباط با عربستان سعودی، برای آنکارا به حدی است که به نظر می‌رسد اردوغان در دیدار با محمد بن سلمان در چین، تضمین‌های لازم در خصوص عدم خدشه وارد شدن به همکاری‌های آنکارا و ریاض در تحولات منطقه را به وی داده است.

## طرح ۴ ماده‌ای ریاض برای یمن؛ تقلاى سعودی برای خروج از باتلاق

رامین حسین آبادیان



عربستان سعودی به منظور نجات از باتلاقی که در یمن گرفتار آن شده، اخیراً طرح چهار ماده‌ای را ارائه کرده است که سرشار از ابهام و تناقض است.

سفارت عربستان سعودی در واشنگتن اخیراً طرحی را با محوریت چهار بند برای پایان تجاوز ۱۸ ماهه این رژیم به مردم بی‌دفاع یمن ارائه کرده است. بر اساس آنچه که تاکنون در رسانه‌ها منتشر شده است، محورهای اصلی این طرح به شرح ذیل هستند:

۱- نیروهای نظامی از شهر صنعا پایتخت یمن و شهرهای مهم و راهبردی خارج شوند.

۲- سلاح‌های سنگین و موشک‌های انصارالله و متحدان آن به طرف سومی تحویل داده شود.

۳- دولت وحدت ملی یمن باید به امنیت و عدم نقض قوانین بین‌المللی احترام بگذارد.

۴- دولت وحدت ملی توزیع هر نوع سلاحی که همسایگان یمن را تهدید می‌کند، ممنوع گرداند.

ارائه طرحی به منظور پایان جنگ در یمن آن هم توسط مستولان رژیم سعودی در وهله اول این پیام را مخابره می‌کند که ریاض از تحقق اهداف از پیش تعیین شده خود برای یورش نظامی به مردم بی‌دفاع یمن ناامید شده است. با این وجود، در بندهای طرح ارائه شده از سوی ریاض، ابهامات جدی وجود دارد به طوریکه علامت‌های استفهام بسیاری پیرامون آنها در ذهن بوجود آمده است.

عربستان سعودی در یکی از محورهای اصلی این طرح تأکید کرده است که تمامی نیروهای نظامی باید از شهر صنعا و دیگر شهرهای مهم و استراتژیک یمن خارج شوند. این بند به روشنی حاکی از آن است که سعودیها به نوعی به دنبال «امتیازگیری مجانی» از ارتش و کمیته‌های مردمی یمن هستند. واقعیت این است که عربستان سعودی با گنجانیدن این بند در طرح ارائه شده خود قصد دارد با یک تیر دو نشان را هدف قرار دهد؛ اول اینکه آنچه را که در عرصه نظامی موفق به دستیابی به آن نشده است؛ در عرصه دیپلماتیک محقق سازد.

دوم اینکه به افکار عمومی منطقه و جهان اینگونه القاء کند که راه حل دیپلماتیک را بر راهکار نظامی ترجیح می‌دهد.

رژیم سعودی با حملات دامنشانه به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های یمن طی حدود ۱۸ ماه گذشته به جز برخی توفیق‌های جزئی در استان «عدن»، هیچ موفقیت چشمگیری در دیگر مناطق

بیشتر در چهار چوب همان استراتژی قدیمی این رژیم تحت عنوان «ایران هراسی» تعریف می‌شود و چنین موضوعی (داخلت ایران در یمن و تسلیح کمیته‌های مردمی) اساساً بر پایه توهمات و ساخته‌های ذهنی مقامات رژیم سعودی مبتنی است. آنها تاکنون برای این ادعای واهی خود حتی یک سند هم منتشر نکرده‌اند.

از سوی دیگر، در بندهای سوم و چهارم طرح سعودیها برای توقف تجاوز نظامی به یمن آمده است که دولت وحدت ملی در این کشور می‌بایست ضمن جلوگیری و ممانعت از توزیع سلاح، به قوانین بین‌المللی نیز پایبند باشد. این دو بند موجود در طرح رژیم سعودی بسیار کلی و مبهم عنوان شده‌اند. رژیم سعودی دقیقاً اشاره نکرده است که چه اقداماتی از دیدگاه آن می‌تواند نقض قوانین بین‌المللی تلقی شود. علاوه بر این، در این بند به صورت دقیق عنوان نشده است که توزیع سلاح در یمن تاکنون از سوی چه طرفی صورت می‌گرفته است که اکنون باید از آن جلوگیری شود.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد که در بندهای سوم و چهارم، عربستان سعودی قصد دارد ضمن اتهام زنی به طرف‌های یمنی، به صورت غیرمستقیم توجیهی برای تداوم حملات وحشیانه خود به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های یمن، به افکار عمومی ارائه دهد.

اما چه چیزی موجب شد تا سعودیها طرحی را به منظور پایان تجاوز نظامی ۱۸ ماهه خود به یمن ارائه دهند؟ واقعیت این است که عربستان سعودی تاکنون به هیچیک از اهداف از پیش تعیین شده خود در یمن دست نیافته است. از یک سوی، از بازگرداندن «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهوری مستعفی و فراری به پست ریاست‌جمهوری ناکام ماند و از سوی دیگر، تلاش‌های بی‌وقفه آن برای تسلط کامل بر «عدن» به منظور

استراتژیک این کشور به دست نیآورده است. بر همین اساس، اکنون قصد دارد تا با وعده پایان حملات تجاوزکارانه خود به یمن، ارتش و کمیته‌های مردمی این کشور را به عقب‌نشینی از مناطق استراتژیک تحت سیطره خود در شهر صنعا و دیگر شهرها ترغیب کند.

این در حالی است که عربستان سعودی تاکنون به هیچیک از توافقاتی که پیشین خود با احزاب و جریان‌های سیاسی یمن به ویژه در مسأله «تبادل اسراء» عمل نکرده است. بنابراین، بسیار بعید به نظر می‌رسد که یمنی‌ها بار دیگر در دام نیرنگ سعودیها افتاده و به وعده آنها مبنی بر توقف تجاوز نظامی در ازای عقب‌نشینی از شهرهای مهم و استراتژیک، اعتماد کنند.

عربستان سعودی در این طرح همچنین اعلام کرده است که سلاح‌های سنگین انصارالله و متحدان آن باید به طرف سومی تحویل داده شود. پر واضح است که سعودیها با گنجانیدن این بند در طرح خود برای پایان تجاوز نظامی به یمن، به دنبال خلع سلاح ارتش و کمیته‌های مردمی این کشور هستند. همین مسأله موجب ایجاد شک و تردید فراوان مبنی بر نیت واقعی آنها برای توقف تجاوز نظامی می‌شود، چراکه این شائبه به صورت جدی وجود دارد که هدف اصلی ریاض از گنجانیدن این بند در طرح ارائه شده خود، فراهم آوردن زمینه برای تسلط بر مناطق و شهرهای استراتژیک یمن باشد.

علاوه بر این، نکته دیگری که در این بند از طرح سعودیها به چشم می‌خورد، سخن گفتن از تسلیح ارتش و کمیته‌های مردمی یمن توسط طرف‌های خارجی است که با توجه به اظهارنظرهای متعدد گذشته مقامات سعودی می‌توان به این نتیجه رسید که آنها در این بند به صورت تلویحی به جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنند. البته متهم ساختن ایران به دخالت در یمن توسط سعودیها

ایجاد دو قطبی «عدن - صنعا» با هدف امتیازگیری از طرف‌های یمنی، با شکست جدی مواجه شد.

اضافه بر این، مخالفت برخی کشورها با مشارکت در ائتلاف سعودی ضد یمن و پافشاری آنها بر این موضع خود نیز نمی‌تواند بی‌ارتباط با تلاش سعودیها برای پایان دادن به تجاوز نظامی آنها علیه مردم یمن باشد. کشورهایی نظیر پاکستان و مصر که مشارکت آنها در تجاوز نظامی علیه یمن از اهمیت ویژه‌ای برای سعودیها برخوردار بود، همچنان بر موضع سابق خود اصرار ورزیده و قصد همراه شدن با سعودیها را ندارند. این در حالی است که ارتش امارات به عنوان یکی از نیروهای قدرتمند شرکت کننده در ائتلاف متجاوز سعودی، به دلیل اختلافات پشت پرده با ریاض، مشارکت خود در این ائتلاف را به حالت تعلیق درآورد.

بنابراین، ریاض دریافته است که هرچقدر زمان بیشتری از تجاوز نظامی علیه یمن سپری شود، هزینه‌هایی که در هنگام پایان این تجاوز متحمل خواهد شد نیز بیشتر می‌شود و در نهایت خود به تنهایی و بدون همراهی و مشارکت دیگر کشورهای مهم و تأثیرگذار، باید این هزینه را بپردازد و این همان مسأله‌ای است که سعودیها را تا جایی نگران ساخته که به فکر ارائه یک طرح دیپلماتیک بيفتند.

علاوه بر آنچه که ذکر شد، تشدید عملیات های نظامی ارتش و نیروهای مردمی یمن در مرزهای سعودی مانند «حجران»، «جیزان» و «عسیر» طی هفته‌های اخیر خسارت‌های جانی فراوانی را در صفوف نظامیان سعودی برجای گذاشته است. عربستان سعودی به جای خوبی می‌داند که ادامه این روند، ناآرامی غیرقابل‌کنترلی را بر مرزهای آن حاکم ساخته و زمینه مهاجرت ساکنان این مناطق را فراهم می‌آورد. به همین دلیل تلاش می‌کند تا حتی الامکان آتش جنگی را که خود شعله ور ساخته است، خاموش کند.

از سوی دیگر، سعودیها به صورت غیرمستقیم در سوریه نقش آفرینی تأثیرگذاری دارند و از تروریستهای تکفیری در این کشور حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل می‌آورند و این در حالی است که در شرایط کنونی ارتش سوریه و نیروهای مقاومت مردمی در حال تحقق دستاوردهای میدانی بزرگی هستند. بر همین اساس، عربستان سعودی ترجیح می‌دهد تا هرچه سریعتر با تمسک جستن به ریسمان‌های متعدد، به تجاوز نظامی خود در یمن خاتمه داده و به صورت تمام وقت بر سوریه متمرکز شود؛ جایی که از حدود ۶ سال بر سر سرنگونی دولت بشار اسد، قمار کرده است.

یوسف النوش:

## شکست سعودی ها در اجرای رکن پنجم اسلام / پیشنهاد برای اداره حج

سمیه خمارباقی

### || اهمیت پیام رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حج چیست؟

نمونه چنین پیام هایی را در سالروز ارتحال امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی از سوی آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی شنیده ایم، ایشان دوستدار اعراب و مسلمین است و توصیه هایی را به جهان عرب و اسلام اعلام کرده است که بیانگر جایگاه والای ایشان است.

اهمیت پیام رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حج سال جاری مبتنی بر این است که عدم اعزام حجاج ایرانی به حج تمتع در سال جاری از لحاظ شرعی به خاطر حفظ جان و مال و وحدت دینی جایز است.

### || چرا به رغم ظلمی که آل سعود در قضیه منا و کشته شدن تعدادی از زائران در مسجد الحرام مرتکب شد و عذرخواهی هم نکرد برخی مقامات کشورهای خارجی به سادگی از کنار آن گذشتند؟

عربستان سعودی تنها مسئله حج را سیاسی نکرده است بلکه با توجه به اینکه تفکر وهابیت مخالف شریعت اسلام است، سعودی ها تمامی ارکان اسلام را سیاسی کرده اند و این همان موضوعی است که در کنفرانس گروزی پایتخت چین به آن اشاره شد، کنفرانسی که صراحتاً عربستان سعودی را از دایره اهل سنت خارج کرد و جمهوری عربی مصر به لحاظ سیاسی و دینی در این کنفرانس مشارکت داشت.

عربستان سعودی از نظر شرعی حق ندارد مسئله حج و دیگر مسائل مربوط به اسلام را سیاسی کند زیرا این امر به ضرر امت اسلامی است و تنها جایگاه رژیم غاصب اسرائیل را تقویت و به صهیونیست ها در اجرای توطئه هایشان در منطقه کمک خواهد کرد. همچنین پروژه خاورمیانه جدید را احیا خواهد کرد، طرحی که مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ آن را با

دبیر کل هیئت علماء لبنان با اشاره به اینکه سعودی ها در اجرای رکن پنجم اسلام شکست خوردند اعلام کرد که عربستان تمامی ارکان دین مبین اسلام را سیاسی کرده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی دوشنبه گذشته در آستانه ایام حج پیام مهمی را خطاب به مسلمانان جهان صادر کردند. در بخشی از پیام مقام معظم رهبری آمده است: اکنون قریب یک سال از حوادث مدهش منامی گذرد که در آن، چند هزار نفر در روز عید و در لباس احرام، در زیر آفتاب و با لب تشنه، مظلومانه جان باختند؛ اندکی پیش از آن در مسجدالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز به خاک و خون کشیده شدند. حکام سعودی در هر دو حادثه مقصّرند؛ این چیزی است که همه حاضران و ناظران و تحلیلگران فتی بر آن اتفاق نظر دارند؛ و گمان عمدی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب نظران مطرح شد.

ایشان همچنین تصریح کردند: تعلّل و کوتاهی در نجات مجروحان نیمه جانی که جان شیفته و دل مشتاق آنان در عید قربان با زبان ذاکر و ترنم آیات الهی همراه بود، نیز قطعی و مسلم است. مردان قسّی القلب و جنایت کار سعودی آنان را با جان باختگان، در کانتینرهای دربسته محبوس ساختند و به جای درمان و کمک یا حتی رساندن آب به لبان تشنه آنان، آنها را به شهادت رساندند. چند هزار خانواده از کشورهای گوناگون عزیزان خود را از دست دادند و ملت های آنان داغدار شدند. از جمهوری اسلامی نزدیک به پانصد نفر در میان شهدا بودند. دل خانواده ها همچنان مجروح و داغدار است و ملت همچنان غمگین و خشمگین است.

در همین رابطه گفتگویی را با «شیخ یوسف النوش» دبیر کل هیئت علماء لبنان انجام دادیم که مشروح آن از نظر می گذرد:



شکست مواجه کرد.

### || عربستان مدیریت حج که امری متعلق به همه امت اسلامی است را موضوعی سیاسی کرده است. برای برون رفت از این وضعیت چه چاره ای باید اندیشید؟

مدیریت حج در ایام حج باید به سازمان همکاری اسلامی یا مسئولان برگزاری کنفرانس گروزی سپرده شود تا از طریق راه های صحیح اداره شود زیرا عربستان سعودی در مدیریت و اجرای مراسم حج یعنی رکن پنجم از ارکان اسلام شکست خورده است و ما هر سال شاهد فجایع انسانی در جریان انجام مناسک حج هستیم حوادثی که گاهی عمدی و گاهی به دلیل اشتباهات ناشی از بی مسئولیتی و اهمال مسئولان برگزاری حج در عربستان سعودی است.

### || آیا بهتر نیست مدیریت حج ذیل سازمانی متشکل از کشورهای اسلامی از جمله سازمان همکاری اسلامی قرار گیرد؟

سکوت در برابر کشتار حجاج بیگناه و مومن در جریان مراسم حج سال گذشته تعجب آور بود و این منجر به تداوم سیاست های کینه توزانه رژیم آل سعود و تفکر وهابیت شد و کینه و نفرت و استبداد این رژیم را افزایش داد. حتی اگر حجاج شیعه بودند هیچکس حق ندارد آنها را از انجام مناسک حج منع کند زیرا این افراد به شکل قانونی و برای انجام فریضه حج وارد عربستان شدند پس کسی حق ندارد به آنها توهین و یا محدودشان کند زیرا این افراد با اسرائیل جنگیدند و بر این رژیم پیروز شدند و با مال و جان خود از فلسطین و سوریه و امت اسلامی دفاع می کنند.





نماینده پارلمان عراق؛

# نزدیکی ایران و ترکیه به نفع عراق است / زمان دقیق آغاز عملیات موصل

محمد قادری

«عباس البیاتی» نماینده پارلمان عراق ضمن اعلام زمان دقیق آغاز و پایان عملیات آزاد سازی موصل از اشغال داعش اعلام کرد که نزدیکی اخیر ایران و ترکیه به نفع عراق است.

عباس البیاتی عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان عراق که به همراه هیئتی به ریاست «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان این کشور به تهران سفر کرده بود، پیرامون موضوعات روز در منطقه با خبرنگار مهر به گفت و گو نشست.

این هیئت عراقی در جریان سفر دو روزه خود به ایران با تنی چند از مقامات کشورمان از جمله «علی لاریجانی» رئیس مجلس شورای اسلامی، «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه، «حسن روحانی» رئیس جمهوری، «علی اکبر هاشمی رفسنجانی» رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و «علی شمخانی» نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان دیدار و پیرامون همکاری های دو جانبه و راهکارهای مبارزه با تروریسم گفتگو کردند.

متن گفتگوی خبرنگار مهر با عباس البیاتی به شرح زیر است:

**|| ضمن تشریح اهمیت آزادسازی موصل از لوث تکفیری ها، بفرمایید عملیات آزادسازی موصل چه زمانی و با چه ترکیبی از نیروهای داخلی و خارجی آغاز می شود؟ چرا برخی با مشارکت حشد الشعبی در این عملیات مخالف هستند؟**

موصل برای ما یک موضوع راهبردی و مهم است و آخرین پایگاه داعش در عراق محسوب می شود، آزاد سازی موصل دارای اعتبارات امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و دولت عراق برای آزاد سازی آن طرحی را آماده کرده است، ۳ طرف در این طرح شرکت می کنند: ۱- دولت عراق ۲- اقلیم کردستان عراق ۳- ائتلاف مقابل با داعش به رهبری آمریکا.

این ائتلاف عملیات ۳ جانبه است و طرف های مذکور طرح عملیات آزاد سازی موصل را مطرح کرده اند. تمامی گروه ها باید در عملیات موصل مشارکت داشته باشند و ما نمی پذیریم حشد الشعبی در آن سهیم نباشد. حشد الشعبی یک نیروی ملی و رسمی عراق است و عشایر عربی نیز در آن حضور دارند در نتیجه طرح عملیات نظامی و فرمانده کل نیروهای مسلح تعیین می کند چه کسی چگونه و در کجا در این عملیات شرکت خواهد کرد.

کسانی که مخالف حضور حشد الشعبی در عملیات آزاد سازی موصل هستند انگشت شمارند و از اهالی این شهر محسوب نمی شوند چرا که ساکنان موصل خواهان رهایی از داعش هستند و هر روز اضافی که در اشغال این گروه تروریستی قرار دارند به معنای قربانیان جدید و مشکلات و رنج های بسیار است. لذا ما به دنبال پایان بخشیدن به پرونده داعش در عراق قبل از پایان سال جاری میلادی هستیم، ما بر این باور هستیم که عملیات آزاد سازی موصل در دهمین ماه سال جاری



میلادی آغاز و پیش از پایان سال به اتمام خواهد رسید. **|| نقش ایران در مبارزه با تروریسم در منطقه و به ویژه عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟** جمهوری اسلامی ایران نقش بزرگی در کمک به عراقی ها در روند مبارزه با تروریسم و مقابله با داعش ایفا کرده است و اگر ایران و حمایت های این کشور نبود، وضعیت عراق به گونه ای دیگر می بود و سقوط می کرد. برخی کشورهای عربی در انتظار سقوط بغداد بودند اما کمتر از ۲۴ ساعت مستشاران ایرانی و سلاح های آنها به کمک ما آمد.

زمانی که به کلاشینکوف نیاز داشتیم، مستشاران ایرانی و سلاح های آنها به دامن رسید و توانستیم مانع از سقوط عراق شویم. ایران شریک همه پیروزی ها و دستاوردهایمان در نبرد با داعش است و هر وجب خاکی که از اشغال داعش آزاد می شود، ایران در آن سهیم است. ما تا ابد میلیون ایران هستیم زیرا ایران به درخواست کمک ملت عراق پاسخ داد و طبعاً این اقدام پیش از کمک آمریکا و اروپا در چارچوب ائتلاف مقابل با داعش صورت گرفت.

اما کسانی که با حضور حشد الشعبی در عملیات آزاد سازی موصل مخالفند همان شکست خوردگان سیاسی اند که اگر چه منصب دارند اما تاثیرگذار نیستند، آنها عامل سقوط موصل بوده و اکنون نیز مانع از مشارکت حشد الشعبی در آزاد سازی این شهر هستند. سوال من اینجاست؛ نیروهای این افراد کجا هستند؟ چرا موصل را آزاد نمی کنند؟ آنها در اربیل، عمان و ترکیه نشسته اند و حرف هایی را بر زبان می آورند که کمکی به اهالی موصل نمی کند.

**|| تغییر مواضع سیاست خارجی ترکیه و شخص اردوغان در قبال موضوعات منطقه ای را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا این تغییر واقعی است؟**

سیاست خارجی ترکیه دچار تغییرات مهمی شده و حتماً

این یک تغییر واقعی است، به نظر می رسد ترک ها به این نتیجه رسیده اند که سیاست خارجی شان نیازمند بازنگری جدی به ویژه درباره سوریه، عراق و کشورهای منطقه است سپس برایشان فاش شد کشورهایی که از آنها حمایت می کرد در جریان کودتای ترکیه سکوت اختیار کردند و این در حالی است که ما در عراق مخالفت خود را با کودتا اعلام و دموکراسی و مشروعیت دولت را تایید کردیم لذا ترکیه دریافت که این موضع، خوب است.

تفاهمات ترکیه و ایران به نفع عراق است و نزدیکی این دو کشور به ثبات منطقه منجر خواهد شد و ما امیدواریم این نزدیکی به مشارکت دادن دیگران در این روند منجر شود. این تفاهم، کشورهای حاشیه خلیج فارس را به هماهنگی با این ائتلاف سوق خواهد داد و این تفاهمات، منطقه را در برابر قدرت های بزرگ حفظ خواهد کرد.

**|| آینده بحران کنونی در منطقه را چگونه می بینید؟**

قطعا حیات داعش در منطقه به پایان خواهد رسید اما تفکر این گروه همچون القاعده در وجود افراد باقی خواهد ماند اما آنچه باید گفت این است که داعش آینده ای در سوریه، عراق و لیبی نخواهد داشت زیرا اراده و خواست بین المللی، منطقه و ملی خواهان نابودی داعش است و با تفکر تاریک، تکفیری و جنایتکار داعش که خواهان تحقیر و آزار زنان است مخالف است، این تفکر غیر قابل قبول است و ارتباطی به اسلام ندارد.

**|| به نظر شما آیا آمریکایی ها در رسیدن به هدف خود یعنی تجزیه منطقه به ویژه عراق موفق بوده اند؟**

عراق تجزیه را نمی پذیرد زیرا اگر این کشور تجزیه شود متعاقب آن ترکیه، سوریه و دیگر کشورهای منطقه و مصر و لیبی نیز تجزیه خواهند شد. آمریکا می گوید از وحدت عراق حمایت می کند همانطور که ایران و ترکیه نیز حامی این موضوع هستند، ما نیز موافق وحدت عراق هستیم و حتی کردها نیز به تجزیه فکر نمی کنند، آنها رویای تشکیل کشور را دارند و این حق آنهاست که آرزو داشته باشند اما آیا واقعا می توان این رویا را محقق کرد؟

من معتقدم این امر نیازمند زمان و تصمیم بین المللی و منطقه ای است و یک تصمیم عراقی - کردی محسوب نمی شود. کشورهای منطقه باید با این موضوع موافقت کنند، اما آیا کشورهای منطقه موافق هستند؟ کردها اکنون از آزادی و حقوق کامل در عراق برخوردار بوده و اقلیم کردستان را خود اداره می کنند و شریک بغداد محسوب می شوند.

ملت کرد جزء اساسی ملت عراق است و در تصمیم گیری ها نقش اساسی دارد و رئیس جمهور عراق یک کرد است و با رئیس پارلمان و نخست وزیر عراق دارای تفاهم است. من بر این باورم؛ درست است که کردها موضوع جدایی را مطرح می کنند اما این مسئله برای جدایی نیست بلکه برای تحت فشار گذاشتن بغداد در راستای کسب امتیاز است.

## اصرار بارزانی بر استقلال کردها؛ تلاش برای فرار از بحرانهای داخلی

رامین حسین آبادیان



ساختن نیروهای پیشمرگه به مبارزه با داعش در برخی مناطق به ویژه در اطراف موصل و آن هم بدون هماهنگی با فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق، تلاش می‌کند تا خود را ناجی کردها از جنایت‌های تروریستی‌های تکفیری نشان دهد تا بدین ترتیب برای خود نوعی دستاورد داخلی کسب کند؛ دستاوردی که ممکن است در تمديد ریاست وی بر اقلیم مؤثر باشد.

اما در این میان، آنچه که موضع «مسعود بارزانی» در مسأله جدایی از دولت بغداد را تضعیف کرده، توافقنامه میان «اتحادیه میهنی کردستان» و جنبش «تغییر» است. در این توافقنامه مشترک قید شده که دو طرف باید در زمینه اتخاذ مواضع سیاسی با یکدیگر هماهنگ باشند. بر همین اساس موضع بارزانی در خصوص لزوم برگزاری همه‌پرسی در مناطق کردنشین درباره استقلال اقلیم کردستان به شدت ضعیف شده است، چرا که همانگونه که گفته شد اتحادیه میهنی کردستان با استقلال و جدایی طلبی به شدت مخالف است.

علاوه بر این، طبق آنچه که گفته شد مسعود بارزانی در مسیر استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی بغداد از حمایت‌های مختلف ایالات متحده آمریکا برخوردار است. بر همین اساس به نظر نمی‌رسد که وی بدون هماهنگی با مقامات آمریکایی و دریافت چراغ سبز از سوی آنها اقدام به دامن زدن به مسأله جدایی طلبی از دولت بغداد کرده باشد. بدون تردید بدون حمایت ایالات متحده آمریکا طرح استقلال اقلیم کردستان محقق نخواهد شد، به ویژه اینکه این طرح به جز واشنگتن و برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان و قطر، از حمایت دیگر کشورها - حداقل به صورت جدی - برخوردار نیست.

در هر صورت به نظر نمی‌رسد که تلاش و تقاضای «مسعود بارزانی» ریاست اقلیم کردستان عراق برای جدایی این اقلیم از دولت مرکزی بغداد به هر دلیل و نیستی که باشد - از خوش خدمتی به آمریکا گرفته تا فرار از پاسخگویی در قبال بحران‌های داخلی - به نتیجه دلخواه وی و کردهای همسو با او منجر شود. در حال حاضر ائتلاف مختلف مردم عراق به صورت یکپارچه کمر به نبرد با تروریست‌های تکفیری داعش در نقاط مختلف این کشور بسته و تمامی توجه آنها معطوف به شکست تکفیریهاست. جای هیچ شکی نیست که این وحدت مثال زدنی، درست همان چیزی است که بارزانی و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی وی را نگران ساخته و هدف آنها برای تجزیه عراق را به رویایی غیرقابل تحقق تبدیل کرده است.

اساس، علاوه بر رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا نیز یکی از حامیان اصلی استقلال اقلیم کردستان عراق از دولت مرکزی بغداد است. اما چه چیزی سبب شده تا «مسعود بارزانی» و کردهای همسو با وی به طرح دیرینه استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی بغداد در شرایط کنونی بیش از پیش دامن بزنند؟ واقعیت این است که دامن زدن به طرح مسأله استقلال اقلیم کردستان از دولت بغداد درست در زمانی اتفاق می‌افتد که اقلیم کردستان با یک بحران سیاسی داخلی که اخیراً پیچیده نیز شده است، دست و پنجه نرم می‌کند. این بحران از آنجا آغاز شد که اتحادیه میهنی کردستان به ریاست «جلال طالبانی» و همچنین جنبش «تغییر» خواستار کاهش اختیارات ریاست اقلیم کردستان عراق شدند.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد که «مسعود بارزانی» در شرایط کنونی با هدف شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت رسیدگی به مطالبات احزاب و جریان‌های کردی عراق، به مسأله جدایی از دولت مرکزی دامن می‌زند، تا بدین ترتیب مطالبات احزاب کردی مبنی بر لزوم کاهش اختیارات وی شامل مرور زمان شده و در نهایت به فراموشی سپرده شود. علاوه بر این، وی به بهانه اینکه استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی یکی از مطالبات اصلی کردهای ساکن این اقلیم محسوب می‌شود، تلاش می‌کند با طرح مسأله جدایی زمینه انتخاب مجدد خود به عنوان ریاست اقلیم را فراهم آورد. او در تلاش است تا اینگونه وانمود کند که حامی ملت کردستان بوده و از حقوق آنها عقب نشینی نمی‌کند. این در حالی است که برخی کردهای ساکن اقلیم کردستان از جمله کردهای همسو با جلال طالبانی به هیچ وجه خواهان جدایی طلبی نیستند، چرا که این مسأله را گامی در جهت تجزیه عراق ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر، «مسعود بارزانی» با روانه

برای آزادسازی برخی مناطق کردنشین واقع در اطراف موصل نیز تلاش خود را آغاز خواهند کرد».

اظهارات سخنگوی اقلیم کردستان عراق پس از آن مطرح شد که «حیدر العبادی» نخست وزیر عراق پیشتر خواستار عدم پیشروی نیروهای پیشمرگه به سمت شهر «موصل» واقع در استان نینوا شده بود. سرکشی مقامات اقلیم از اجرای دستور صادره از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور به خودی خود حاکی از تلاش مجدانه کردهای وابسته به بارزانی برای تحقق استقلال از دولت مرکزی بغداد است.

در همین ارتباط، «مسروور بارزانی» فرزند «مسعود بارزانی» که هم‌اکنون ریاست شورای تحت عنوان «شورای امنیتی» در اقلیم کردستان را عهده دار است، اخیراً در گفتگویی با روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» اعلام کرده است: «ما شهروند عراقی محسوب نمی‌شویم و هیچ اعتمادی میان ما و دولت بغداد وجود ندارد، بنابراین تنها راه حل برای ما جدایی است».

با وجود موضع واضح و شفاف دولت مرکزی بغداد در خصوص استقلال اقلیم کردستان عراق، کشورهایی در منطقه و جهان از این طرح حمایت می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. علاوه بر این دو کشور، از آنجایی که تجزیه عراق، تأمین کننده منافع رژیم صهیونیستی در منطقه نیز هست، این رژیم هم از آن حمایت می‌کند.

«جو بایدن» معاون کنونی رئیس جمهوری آمریکا کسی است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ از طرح شوم تجزیه عراق و تقسیم آن به سه بخش «شیعی، کردی و سنی» سخن به میان آورده بود. در همین ارتباط، روزنامه السفیر لبنان در گزارشی اینگونه می‌نویسد: «گر سال ۲۰۱۴ سال اشغالگری داعش در عراق و سال ۲۰۱۵ سال دخالت منطقه‌ای ترکیه در این کشور باشد، سال ۲۰۱۶ طرح جو بایدن درباره عراق دوباره مطرح خواهد شد». بر همین

رئیس اقلیم کردستان عراق اخیراً به صورت بی سابقه‌ای به مسأله استقلال کردها از دولت مرکزی بغداد دامن زده که هدف اصلی آن تنها شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت بحران‌های سیاسی داخلی اقلیم است.

طی هفته‌های گذشته بار دیگر موجی از اظهار نظرهای گوناگون توسط مسئولان اقلیم کردستان عراق، البته به استثنای کردهای وابسته به اتحادیه میهنی در خصوص لزوم استقلال این اقلیم از دولت مرکزی به راه افتاد. در همین ارتباط، چندی پیش بارزانی در سخنانی گفته بود: «اقلیم کردستان راهی جز جدایی و استقلال ندارد». البته این بار اولی نیست که مسعود بارزانی بر طبل استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی عراق می‌کوبد؛ طرخی که بدون شک مقدمه تجزیه عراق به سه بخش (کردی، شیعی و سنی) را فراهم می‌آورد.

پیشتر نیز شاهد آن بودیم که «مسعود بارزانی» رئیس اقلیم کردستان عراق در ادامه سیاست‌های گذشته خود، بر ضرورت برگزاری همه‌پرسی برای استقلال اقلیم تأکید کرده است. وی در پیامی که به مناسبت تبریک عید سعید فطر صادر شد، تصریح کرده بود: «از تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی اقلیم کردستان می‌خواهم پس از تعطیلات عید فطر برای صحبت درباره برگزاری همه‌پرسی و چگونگی روابط میان اربیل و بغداد نشست برگزار کنند».

بارزانی همچنین در تاریخ ۲۳ ژوئن خواستار برگزاری همه‌پرسی درباره استقلال اقلیم کردستان عراق شده بود. چند ماه پیش نیز «تیسروان بارزانی» نخست وزیر اقلیم کردستان ضمن دامن زدن به مسأله لزوم استقلال این اقلیم، بر لزوم برگزاری همه‌پرسی در این خصوص تأکید کرده بود. تأکیدات مکرر «مسعود بارزانی» و کردهای همسو با وی بر مسأله استقلال اقلیم کردستان در حالی صورت می‌گیرد که آنها خود، به قوبی می‌دانند که تحقق چنین مسأله‌ای هماهنگونه که گفته شد به مثابه آغاز فرایند تجزیه در عراق است.

اما اوج اظهار نظرهای جدایی طلبانه کردهای همسو با «مسعود بارزانی» را می‌توان در سخنان اخیر «امید صباح» سخنگوی اقلیم کردستان جستجو کرد. وی در سخنانی با اشاره به تسلط نیروهای پیشمرگه بر مناطقی از استان نینوا، صراحتاً اظهار داشت: «نیروهای پیشمرگه قصد خروج از مناطق تحت تسلط خود و تحویل آن به نیروهای امنیتی عراق را ندارند». این مسئول کردی همچنین تصریح کرد: «نیروهای پیشمرگه

## «الدراز» سرزمینی با مردمان استوار، در محاصره نظامیان دیکتاتور

فرزاد فرهادی



گرمای طاقت فرسای بیش از دیگران مجازات می شوند.

مقامات امنیتی به ممانعت از دیدارهای خانوادگی بسنده نکرده اند و دوستان و نزدیکان افراد متوفی را نیز اجازه نمی دهند که برای شرکت در مجالس ختم کسانی که در منطقه

الدراز از دنیا می روند، حضور داشته باشند. گزارش برخی رسانه ها گواهی بر این مدعاست.

الوسط در این باره نوشته است: «فردی که حدود ۴۵ سال در منطقه الدراز به سر برده است به سبب مخالفت نظامیان رژیم بحرین با حضور خویشاوندانش برای شرکت در مراسم فرد متوفی از خانواده، مجبور به انتقال جنازه به زادگاهش می شود در حالی که فرد متوفی باید در آرماگاهی در منطقه الدراز به خاک سپرده می شد اما بستگان آن مجبور به این کار یعنی خارج کردن آن از منطقه الدراز شدند. معمولاً با توجه به اینکه بستگان افرادی که در منطقه الدراز دارفانی را وداع می گویند امکان حضور در این منطقه را ندارند از این رو بستگان این متوفی در منطقه الدراز مجبور به انتقال آن به خارج از منطقه می شوند.»

تنها غم ها نیست بلکه ساکنان منطقه ای که جمعیت زیادی دارد و یکی از بزرگترین مناطق بحرین محسوب می شود به علت این محاصره ظالمانه مراسم عقد و عروسی را نیز به تعویق می اندازند زیرا امکان برپایی مراسم و تردد در این منطقه نیست و برخی نیز مجبور به منتقل کردن مراسم خود به خارج از منطقه شده اند.

نظامیان رژیم این روزها فقط به محاصره منطقه اکتفا نکرده اند بلکه هر فردی که تلاش کند وارد الدراز شود بازداشت می کنند. دهها نفر پس از اینکه با هدف ملاقات با نزدیکان خود راهی منطقه الدراز شده بودند، بازداشت شدند و از آنها تعهد گرفته شد که دیگر به منطقه باز نگردند.

در ورودی های منطقه الدراز فقط نظامیان آل خلیفه و ادوات و خودروهای آنها را می توان دید. محاصره ظالمانه تقریباً هفتاد روزه شده است. رژیم در حال انتقام گیری از اکثریت شیعه بحرین است. از همه اقدامات سرکوبگرانه برای انتقام گیری از مردم این کشور بهره می برد.

این مردم قربانی انتقام جویی آل خلیفه شده اند. نه تلفن همراه در دسترس است و نه اینترنت قابل استفاده. از (3 و 4) خبری نیست. بر اساس گزارش فعالان بحرینی بین ساعت هفت بعد از ظهر تا یک بامداد خدمات شرکت های نسل سوم و چهارم متوقف می شود.

جدای از بحث خدمات تلفن همراه و اینترنت، تجارت در این منطقه از رونق افتاده است زیرا بیشتر مراکز تجاری با ادامه محاصره زیانهای هنگفتی می دهند و برخی از

منطقه خاورمیانه این روزها با حوادث و بحرانهای مختلفی دست و پنجه نرم می کند اما در این میان روستایی در بحرین وجود دارد که داستان غریب و پر رمز و رازی دارد.

«الدراز» یکی از مناطق بحرین است که این روزها عرصه تحصن و کانون ایستادگی در برابر بی عدالتی هاست. الدراز یکی از بزرگترین روستاهای بحرین است که در آن بیش از ۱۵ هزار نفر ساکن هستند. روستایی ریشه دار که بر اساس برخی منابع تاریخی، بنای آن به قرن شانزدهم میلادی و بر اساس برخی منابع دیگر به اوایل قرن چهارده باز می گردد.

در غرب الدراز، روستای البدیع و در شمال آن دریا و در جنوب آن روستای بنی جمره و در شرق آن روستای باربار قرار دارد. ساکنان الدراز به کشاورزی و صید دریایی مشهورند. پس از اکتشاف نفت برخی به شرکت نفت بایکو پیوستند. ساکنان روستای دراز در رشته های علوم انسانی و پزشکی و مهندسی و دیگر علوم از مدتها مطرح بوده اند و افرادی از این روستا در این علوم در بحرین سرآمد شدند.

از ۲۱ ژوئن گذشته ساکنان این منطقه از ساده ترین حقوق خود که منشور بین المللی وضع کرده است، محروم هستند. ساکنان این منطقه از حقوقی که در قانون اساسی خود رژیم بحرین مبنی بر آزادی تجمع و ارتباط است، محرومند. تجمع مسالمت آمیزی در برابر منزل عالی ترین مرجع دینی بحرین آیت الله شیخ عیسی قاسم برپاست که سرکوب می شود.

بهانه های واهی رژیم بحرین برای فعالان حقوق بشری و حقوقدانان قابل توجیه نیست. رژیم شاعر دینی، برپایی نماز جمعه، تجمع مسالمت آمیز، حمل و نقل، دسترسی به اینترنت را ممنوع کرده و ممنوعیتهایی برای رهبران دینی اعمال کرده است.

رژیم در راستای اقدامات کینه جوینه خود به این اکتفا نکرده است و به بازداشت و احضارهای گسترده دست زده است که از نگاه فعالان اقدامی قهری محسوب می شود زیرا خواسته های مشروع مردم بحرین را زیر پا گذاشته است.

این محاصره ای که بر منطقه الدراز حاکم شده است و بستن همه گذرگاههای اصلی و فرعی و خاکی؛ در واقع زیر پا گذاشتن قوانین و اصول و ارزشهاست. زندگی اجتماعی ساکنان منطقه الدراز هدف قرار گرفته شده است زیرا دیدارهای خویشاوندی و صلح رحم قطع شده است.

بر اساس قانون ظالمانه آل خلیفه افرادی که فاقد مدرک و مجوز مربوط به بومی بودن منطقه الدراز باشند، نمی توانند به منطقه الدراز بروند و از آنجا که خویشاوندان ساکنان این منطقه در مناطق دیگر زندگی می کنند طبعاً مجوز سکونت نمی توانند داشته باشند و در نتیجه نمی توانند که نزدیکان و خویشان خود را ببینند. افرادی که بخواهند وارد الدراز شوند باید مدتها در صف بمانند و در این میان کودکان و شیرخواره ها در داخل خودرو و

مراکز تجاری از این منطقه رفته اند. اما این همه سبب نمی شود که ملت بحرین صحنه را خالی کنند. هر گاه که نظامیان رژیم آل خلیفه قصد نزدیک شدن به منطقه الدراز و میدان الفداء را دارند با واکنش قوی روبرو می شوند اصلاً فلسفه نامگذاری میدان الفداء همان فدایی است.

هر از گاهی نظامیان رژیم با خودروهای خود تلاش می کنند که به منطقه نزدیک شوند تا واکنش مردم را بیازمایند. واکنش ها کوبنده است. پوشش این افراد کفن و سلاحشان الله اکبر و شعارهایشان نشان از ثبات و راسخ بودن آنهاست.

اگر نظامیان رژیم به محل سکونت شیخ عیسی قاسم حمله کنند بدون شک کشتار خواهد داد زیرا مردم آماده جانفشانی هستند و برای دفاع از خود، رهبران، اعتقادات، شرف و آبرو تا سرحد شهادت پیش می روند بدون تردید آنچه در الدراز می گذرد، مغایر با قانون اساسی بحرین و منشور ملی و همه منشورهای بین المللی مربوط به آزادی حمل و نقل و ارتباط میان مردم یک کشور است. بر اساس ماده ۱۹ قانون اساسی بحرین و نیز ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که رژیم بحرین آن را پذیرفته است بر آزادی جابجایی و انتخاب محل اقامت در داخل مرزهای هر کشور تاکید شده است.

صف های طولانی و نگه داشتن مردم در گرمای طاقت فرسا را چه می توان نامید؟

این اقدام ضدیت آشکار با مردم بحرین است و بر پیچیدگی های سیاسی و حقوقی در بحرین می افزاید و اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در بحرین غیرقابل دسترس می کند.

اصولی باید وجود داشته باشد تا ثبات شکل گیرد. محاصره الدراز و ممانعت از ورود و خروج مردم به آن با صلح و ثبات اجتماعی سازگار نیست و آن را به خطر می اندازد.

اما نکته ای که در پایان باید به آن اشاره کرد این است که همه این مشکلات وجود دارد اما اینجا منطقه الدراز است و شمار زیادی از تحصن کنندگان در مقابل منزل شیخ عیسی قاسم دست به تحصن زده اند و آماده جانفشانی برای این مرجع دینی هستند.

پوشش این تحصن کنندگان کفن است و آماده شهادت و مقابله با نظامیان رژیم در صورت تعدی به شیخ عیسی هستند. این محل هیچگاه خالی نشده است. هیچ عاملی نمی تواند میان مردم این منطقه و شیخ عیسی قاسم فاصله اندازد.

زامین حسین آبادیان

## واکاوی روابط عربستان سعودی و روسیه؛ «بحران سوریه» محور تنش‌ها پکن



روابط میان عربستان سعودی و روسیه حداقل طی یک سال گذشته با تشدید بحران سوریه و پافشاری سعودیها بر حمایت از تروریست‌های تکفیری، بیش از پیش تیره و تار گشته است.

طی سال‌های اخیر روابط میان بسیاری از کشورها در سطح منطقه و جهان به دنبال ظهور و بروز رویدادهای غیرمنتظره از جمله جنگ‌های متعدد و پی در پی داخلی و خارجی دستخوش تغییر شده است. در این میان، روسیه و عربستان از جمله کشورهایی هستند که روابط آنها به دنبال تحولات منطقه رو به تیرگی نهاده است.

درست که ریشه‌های تیرگی روابط میان عربستان سعودی و روسیه - هرچند که این روابط همچنان برقرار است - به عوامل متعددی بازمی‌گردد، اما می‌توان به ضرس قاطع گفت که بحران سوریه و مواضع دو کشور در قبال این بحران، محور تنش‌های میان دو طرف بوده است. از یک سو عربستان سعودی با حمایت بی وقفه از تروریست‌های تکفیری چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ تسلیحاتی، بر لزوم کناره‌گیری «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه از سمت خود تأکید دارد و از سوی دیگر، مقامات مسکو حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود در حمایت از دولت دمشق نیستند.

بر همین اساس، اختلافات ریشه‌ای میان مسکو و ریاض در خصوص بحران سوریه روابط میان دو طرف را بیش از پیش پیچیده و تنش‌آلود ساخته است. این در حالی است که دو طرف همچنان به دلیل برخی منافع مشترکی که دارند، حاضر نیستند به صورت علنی با یکدیگر وارد مناقشه و مجادله رسانه‌ای شوند.

هدف عربستان سعودی از پافشاری بر حمایت از تروریسم در کشوری نظیر سوریه تنها با هدف به زیر کشیدن رئیس‌جمهوری سوریه و ساقط کردن دولت قانونی این کشور صورت نمی‌گیرد؛ بلکه سعودیها هدفی بسیار بالاتر از این را در منطقه دنبال می‌کنند. ریاض در صدد است تا با جدا کردن حلقه‌ای از زنجیره به هم پیوسته مقاومت در منطقه - یعنی سوریه - زمینه لازم برای وارد کردن ضربه نهایی بر پیکره محور مقاومت را برای خود فراهم آورد. درست به همین دلیل است که حاضر نیست تحت هیچ شرایطی از مواضع خود در سوریه عقب‌نشینی کند.

در طرف مقابل، روسیه نیز بارها اعلام کرده است که دمشق یک متحد سنتی و استراتژیک برای مسکو در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوده و حاضر نیست با سعودیها بر سر دست کشیدن از مواضع خود در قبال دولت سوریه وارد معامله شود.

مقامات عربستان سعودی بارها به اشکال مختلف تلاش کرده‌اند تا مسکو را قانع سازند که از حمایت دولت سوریه دست بکشد. آنها برای تحقق این هدف خود سیاست «تطمیع و تهدید» را در قبال مسکو به کار گرفتند اما هیچگاه موفق نشدند. در این میان، پیشنهادات مالی و سوسه‌انگیزی نیز از سوی سعودیها به مقامات روسی شد تا در ازای آن به نوعی پای خود را از سوریه بیرون بکشند.

هنگامی که ارائه بسته‌های مالی و سوسه‌انگیزی از سوی سعودیها برای روسها کارگر نیفتاد، مقامات ریاض در اقدامی از پیش طراحی شده یکی پس از دیگری در مناسبت‌های مختلفی اقدام به اظهارنظر علیه مقامات روسی و کرده و به آنها در خصوص پیامدهای حمایتشان

از بشار اسد هشدار دادند. شدت اظهارنظرهای مقامات سعودی علیه روسیه به حدی رسید که واکنش قاطعانه این کشور را به دنبال داشت.

در همین ارتباط، وزارت خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای ضمن محکومیت اظهارات ضد روسی مقامات ریاض، به آنها نسبت به «بازی با آتش» در تعامل با مسکو هشدار داد. این وزارتخانه از مقامات ریاض خواست تا هرچه سریعتر از تهدید روسیه به انجام اقدام متقابل به دلیل حمایت مسکو از دمشق، دست بردارد.

در طول مدتی که شاهد ادامه بحران سوریه بودیم، «بندر بن سلطان» رئیس سابق دستگاه اطلاعات عربستان سعودی دو مرتبه به «مسکو» پایتخت روسیه سفر کرد. بدون شک هدف اصلی بن سلطان از سفر به روسیه گفتگو با مقامات این کشور جهت تغییر مواضع آن در قبال بحران سوریه بوده است. طبق شواهد موجود، «بندر بن سلطان» در سفرهای خود به مسکو در طول بحران سوریه، از سوی مقامات ریاض مأمور انجام مأموریتی ویژه شده بود؛ مأموریتی که هیچگاه به موفقیت نرسید و حمایت‌های مسکو از دمشق ادامه پیدا کرد.

دخالت نظامی روسیه در سوریه به منظور مقابله با تروریسم آن هم بر اساس درخواست رسمی دولت دمشق نیز از جمله دیگر عوامل تشدید تنش‌ها میان مسکو و ریاض بود. وزارت خارجه رژیم سعودی پیشتر در واکنش به اقدام نظامی روسیه در سوریه مدعی شده بود که این اقدام موجب پیچیده‌تر شدن بحران سوریه می‌شود. این ادعا در حالی بود که روسها با چراغ سبز دولت قانونی سوریه وارد این کشور شده بودند.

علت خشم سعودیها از دخالت نظامی روسیه در سوریه در آن برهه از زمان، به هدف قرار گرفتن دقیق مواضع تروریست‌های تکفیری حمایت شده از سوی ریاض در سوریه بازمی‌گشت. جنگنده‌های ارتش روسیه طی مدت زمان محدودی که علیه تکفیریها در سوریه

حملات هوایی انجام می‌دادند، موفق شدند ضربات جدی و سهمگینی را به منافع ترکیه و رژیم سعودی در سوریه وارد آورند. همین مسأله موجب شد تا سعودیها بیش از پیش با ریاض وارد تنش شوند.

علاوه بر این، همگرایی ایران و روسیه در مسأله سوریه نیز ضربه دیگری را بر پیکره رژیم سعودی وارد آورد. سعودیها به خوبی می‌دانند که همکاری‌های گسترده نظامی میان ایران و روسیه سرمنشأ تحقق بسیاری از دستاوردها به نفع سوریه در عرصه میدانی بوده است. بر همین اساس، اختلافات میان روسیه و عربستان سعودی بیش از پیش عمیق شد، چراکه سعودیها که خود کارنامه سراسر ننگینی در حمایت از تروریسم در سراسر منطقه و جهان دارند، در کمال تعجب مدعی حمایت ایران از تروریسم هستند؛ در واقع هر گروهی که در منطقه در برابر سیاست‌های توسعه طلبانه و جنگ طلبانه رژیم سعودی مقاومت کند، از دیدگاه ریاض «تروریست» است. پافشاری روسیه بر حمایت از دولت قانونی سوریه موجب شد تا طی ماه‌های اخیر مقامات عربستان سعودی به جنگ تبلیغاتی علیه مسکو و ایجاد حاشیه برای آن روی آورند. به عنوان نمونه می‌توان به اظهارات «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی اشاره کرد که گفته بود: «در جریان دیدار اخیرم با وزیر خارجه روسیه بر سر زمان کناره‌گیری اسد توافقی نکردیم!» این اظهارنظر عجیب الجبیر با واکنش جدی مقامات روسی مواجه و مشخص شد چیزی جز یک فضا سازی رسانه‌ای به منظور ایجاد یک جنگ روانی علیه مسکو نبوده است. مسأله دیگری که به نظر می‌رسد سعودیها را به شدت نگران کرده، بهبود روابط میان روسیه و دولت ترکیه است. از آنجایی که دولت ترکیه اخیراً موضوعی را - هرچند به صورت ظاهری - مبنی بر تصمیم برای تغییر دیدگاه خود در قبال سوریه و آغاز همکاری‌ها با ایران و روسیه جهت حل بحران این کشور مطرح کرده است، موجی از نگرانی در صفوف سعودیها حاکم شده است. سعودیها

رئیس انجمن حقوق بشر بحرین:

## محاصره محل سکونت شیخ عیسی غیر قانونی است



محمد فاطمی زاده

در خصوص حرام بودن تعطیل کردن نماز جمعه منطقه الدراز توسط مقامات آل خلیفه صادر کردند، باید تاکید کنم که این بیانیه در راستای ماده ۲ از قانون اساسی است که در آن صراحتاً ذکر شده است اسلام دین رسمی بحرین است.

### || به نظر شما آیا آل خلیفه رویکرد خود را از سر کوب مردم به سازش با آنها تغییر خواهد داد؟

به نظر من بهتر است که گزینه آشتی ملی به عنوان جایگزین محاصره مردم از سوی مقامات حاکم بر بحرین در دستور کار قرار گیرد. زیرا شهروندان بحرینی دشمن نیستند و دشمنی نمی کنند. آنها همچنین تاکنون اقدامات خشونت آمیز نیز انجام نداده و نخواهند داد. همچنین تاکید می کنم که درخواست مردم برای تحقق عدالت، آزادی و مشارکت در اداره کشور توجیهی برای محاصره و ظلم علیه آنها نمی شود.

### || اخیراً «نبیل رجب» رئیس مرکز حقوق بشر بحرین به صورت موقت آزاد شده اند. در این خصوص توضیح بفرمایید.

در رابطه با «نبیل رجب» رئیس مرکز حقوق بشر بحرین نیز تاکید می کنم که ایشان یک شخصیت حقوقی و بین المللی است. مقامات بحرین وی را به اتهام توهین به آنها در صفحه توئیتر بازداشت و بارها روانه زندان کردند. نبیل رجب در حال حاضر در مرکز الرفاع الغربی در بازداشت انفرادی به سر می برد. وی روز پنج شنبه برای شرکت در مراسم عزاداری یکی از نزدیکانش از زندان خارج شد؛ قانون زندان ها اجازه می دهد که فرد زندانی به مدت ۳ روز از صبح تا غروب آزاد شود و سپس به زندان بازگردد.

### || نقش «نبیل رجب» در انقلاب مردمی بحرین را چگونه ارزیابی می کنید؟ موضع ایشان در قبال سلب تابعیت آیت الله عیسی قاسم چیست؟

نبیل رجب در حرکت مردمی بحرین از طریق انجام اقدامات حقوقی در داخل کشور و خارج از بحرین نقش مثبت و پررنگی دارد. وی همچنین به صورت گسترده با گروه های جامعه بحرین به ویژه خانواده های شهدا، مجروحان و زندانی ها ارتباط دارد و یک شخصیت محبوب است. نبیل رجب که رئیس مرکز حقوق بشر بحرین است، مخالفت خود را با سلب تابعیت آیت الله عیسی قاسم به صورت قاطعانه و محکم اعلام کرد. به اعتقاد او، سلب تابعیت رهبر شیعیان بحرین تعدی به حق قانونی هر انسانی است. نبیل رجب همچنین با بازداشت علمای دین و فعالین بحرینی توسط آل خلیفه را مخالفت کرده و آن را بازداشتی ظالمانه می داند.

پس از گذشت بیش از ۲ ماه از اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله «عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین که به تعبیر مقام معظم رهبری همچون ستاره ای در آسمان تشیع هستند، مردم انقلابی بحرین همچنان برای دفاع از رهبر خود در صحنه حاضر هستند و در برابر منزل ایشان تحصن کرده اند. علاوه بر مردم، علما و روحانیون برجسته و همچنین فعالین حقوق بشری بحرین نیز که از ابتدای انقلاب بحرین به هدایت مردم و مقابله با رژیم حاکم بر بحرین مبادرت کرده بودند، این بار نیز به دفاع از رهبر عالیقدر خود ایستاده اند. از جمله این افراد «نبیل رجب» فعال بحرینی و رئیس مرکز حقوق بشر بحرین است؛ نبیل رجب فعال ۵۲ ساله حقوق بشر از زمان آغاز اعتراضات مردمی در بحرین از سال ۲۰۱۱ تاکنون چندین بار توسط مقامات آل خلیفه بازداشت شده است. وی آخرین بار در ۱۴ ژوئن گذشته به دلیل انتشار مطالبی در توئیتر علیه دستگاه قضایی آل خلیفه راهی زندان شد.

«نبیل رجب» روز پنج شنبه به منظور شرکت در مراسم تشییع جنازه مادر همسرش به صورت موقت آزاد شد. برای بررسی نقش وی در انقلاب بحرین و همچنین مسأله سلب تابعیت رهبر شیعیان این کشور، سراغ «یوسف ربیع» رئیس انجمن حقوق بشر بحرین رفتیم و با وی گفتگو کردیم که شرح آن در ذیل می آید:

### || محاصره منطقه الدراز محل سکونت رهبر شیعیان بحرین توسط نظامیان رژیم آل خلیفه را از منظر حقوقی چگونه ارزیابی می کنید؟

بیش از ۲ ماه است که منطقه الدراز محل سکونت آیت الله عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین توسط نظامیان آل خلیفه محاصره شده است که این اقدام از سوی آل خلیفه غیرقانونی است و تبعات انسانی، اجتماعی و سیاسی فراوانی دارد. باید این سوال را از وزارت کشور بحرین پرسید که چه کسی به شما اجازه داده است با به کارگیری خودروهای زرهی این محاصره را بر مردم تحمیل کنید. این در حالی است که مردم بر اساس قانون اساسی دارای حقوق اولیه هستند.

### || نظر شما درباره حملات آل خلیفه علیه مردم و شیعیان بحرین چیست؟

مقامات بحرین اجازه ندارند در مسائل مذهبی فرقه های گوناگون دخالت کنند. زیرا این موضوع به معنای مداخله در آزادی وجدان و آزاد بودن انجام شعائر دینی است که در ماده ۲۲ قانون اساسی تصریح شده است. در خصوص علت حمله های آل خلیفه به مردم نیز باید تصریح کنم که حکومت بحرین در ادای وظیفه خود مبنی بر دادن حکم صحیح میان شهروندان صرف نظر کرده است و همین امر نیز موجب شده است که حملات وحشتناکی در حق شهروندان شیعه انجام دهد؛ این اقدام نشانگر تفاوت قائل شدن بر اساس اعتقادات دینی و سیاسی است.

### || اخیراً آیت الله «عیسی قاسم» و علامه سید «عبدالله الغریفی» با انتشار بیانیه ای تعطیل کردن نماز جمعه توسط آل خلیفه را امری حرام عنوان کردند. دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

در رابطه با بیانیه ای که آیت الله عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین و همچنین علامه سید «عبدالله الغریفی» از علمای عالیقدر بحرین

تصور می کنند که ترکیه قصد دارد به محور ایران، روسیه و حزب الله در سوریه نزدیک شود و از این بابت به شدت احساس خطر می کنند. این عامل نیز طی هفته های اخیر تنش میان مسکو و ریاض را تشدید کرده است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، حمایت غیرقابل پیش بینی و غیرمنتظره روسیه از تشکیل «شورای عالی سیاسی» در یمن نیز ضربه مهلکی را بر بیکره رژیم سعودی وارد کرد، چراکه تشکیل این شورا به اندازه ای برای سعودیها گران تمام شد که آنها را وادار کرد تا مذاکرات صلح اخیر در کشور کویت را به شکست بکشانند. پس از تشکیل شورای عالی سیاسی در یمن، کاردار سفارت روسیه در صنعا اعلام کرد که کشورش تشکیل این شورا در یمن را که حاصل اتحاد و ائتلاف میان جنبش انصارالله و حزب کنگره ملی است، تأیید و از آن حمایت می کند.

در همین ارتباط، پایگاه عرب زبان «آخبار الساعه» با انتشار مطلبی، نوشت: «مستولان ائتلاف سعودی علیه یمن هیچگاه انتظار نداشتند که روسیه از شورای عالی سیاسی این کشور حمایت کند». این پایگاه تصریح می کند: «حمایت صریح مسکو از شورای عالی سیاسی یمن موجبات شگفتی ائتلاف سعودی و غافلگیری آن را فراهم آورد».

«آخبار الساعه» در ادامه می نویسد: «اعلام حمایت روسیه از شورای عالی سیاسی یمن توسط کاردار مسکو در صنعا، ضربه سختی بر بیکره منصور هادی و ائتلاف سعودی وارد آورد». این پایگاه همچنین می نویسد: «روسیه پیشتر نیز با مخالفت با برخی طرح ها و قطعنامه ها در خصوص یمن در شورای امنیت سازمان ملل، ضرباتی را به ائتلاف سعودی وارد کرده بود».

بر اساس آنچه که گفته شد، به نظر می رسد که روسیه نیز قصد دارد به دلیل تنش های گسترده در روابط با سعودیها به ویژه در مسأله سوریه را به میدان های دیگر نیز بکشاند و با ریاض در عرصه تحولات دیگر به نوعی تسویه حساب کند.

در هر صورت، آنچه که در حال حاضر به خوبی به چشم می خورد، تشدید تنش ها میان روسیه و عربستان سعودی است؛ تنش هایی که اخیراً با حمایت مسکو از شورای عالی سیاسی در یمن وارد مرحله جدیدی نیز شده اند. به نظر می رسد که هر نوع اصلاح روابط میان عربستان سعودی و روسیه مرهون حل و فصل بحران سوریه باشد. با توجه به آنچه که طی سالهای اخیر در روابط دو کشور اتفاق افتاده است، بسیار بعید به نظر می رسد که بدون توافق بر سر حل و فصل بحران سوریه، روابط مسکو و ریاض ترمیم شود.

عضو ارشد الوفاق بحرین:

## هدف دادگاه‌های نمایشی / آل خلیفه با گزینه مسالمت آمیز مخالف است

محمد فاطمی زاده



«جلال فیروز» تاکید کرد که تعرض به شیخ عیسی قاسم در راستای برنامه راهبردی آل خلیفه برای نابودی تشیع، تفکر شیعی و هر نوع تحرک به منظور اعلام مخالفت با نظام آل خلیفه است.

پس از گذشت بیش از ۲ ماه از اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله «عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین که به تعبیر مقام معظم رهبری همچون ستاره ای در آسمان تشیع هستند، مردم انقلابی بحرین همچنان برای دفاع از رهبر خود در صحنه حاضر هستند و در برابر منزل ایشان تحصن کرده اند.

همچنین علمای حامی شیخ عیسی به مسئولیت خطیر خود مبنی بر روشننگری و تبیین راه‌های مبارزه با ظلم آل خلیفه پایبند هستند؛ امری که بیش از پیش موجب برانگیخته شدن خشم آل خلیفه شد و نظامیان این رژیم در ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه خود اقدام به بازداشت چندین عالم برجسته این کشور و احضار ده‌ها عالم دیگر کردند. بر همین اساس برای بررسی ابعاد این رویداد مهم با «جلال فیروز» عضو ارشد جمعیت الوفاق بحرین و نماینده سابق پارلمان بحرین گفتگو کردیم که شرح آن در ذیل می‌آید:

### || در خصوص آخرین وضعیت مقابل منزل آیت الله «عیسی قاسم» و وضعیت امنیتی منطقه الدراز توضیح بفرمایید. حدود چند نفر در برابر منزل شیخ حضور دارند؟

در خصوص مردم تحصن کننده در برابر منزل شیخ عیسی باید بگویم که شمار مردمی که در این منطقه حضور دارند، در نوسان است؛ افزایش یا کاهش تعداد مردم به شرایط بستگی دارد. مردم هنگامی که احساس کنند نظامیان آل خلیفه قصد دارند به منزل رهبرشان نزدیک شوند، سریعاً در برابر منزل ایشان حاضر می‌شوند و در حمایت از ایشان شعارهایی سر می‌دهند. همچنین در زمان اقامه نماز نیز صدها نفر از مردم در این نقطه حضور می‌یابند.

### || حضور علما و روحانیون را در میان مردم برای دفاع از آیت الله عیسی قاسم و هدایت انقلاب چگونه ارزیابی می‌کنید؟ علت حمله آل خلیفه به علما و بازداشت آنها طی روزهای اخیر چیست؟

در رابطه با حضور علما نیز باید عرض کنم که هر چقدر بخواهیم از این بزرگواران تمجید کنیم، نمی‌توانیم حق آنها را ادا نماییم. این روحانیون عضو هیأت علمای بحرین هستند که با وجود انحلال آن، فعالیت هایش ادامه دارد.

در رأس آن نیز سید «مجید المشعل» حضور دارد که بازداشت شده است. علما در برابر منزل رهبر خود برنامه‌های آگاهی‌بخش و مراسم‌های مختلفی را برگزار می‌کنند و آنها را تنظیم می‌کنند. با وجود حملات آل خلیفه به علما مانند بازداشت و احضار شمار زیادی از آنها، همچنان این علما با قدرت در این تحصن‌ها حضور دارند.

منظور اعلام مخالفت با نظام آل خلیفه است. آل خلیفه می‌داند که آیت الله عیسی قاسم پدر معنوی مردم، فردی پاک که مردم از ایشان پیروی می‌کنند و کسی است که اصول اسلام ناب محمدی را در بحرین بنیان نهاده است. بنابراین هدف حملات نظام آل خلیفه قرار گرفت.

آل خلیفه قصد دارد با برگزاری دادگاهی نمایشی، حکمی را علیه ایشان صادر کند تا با مستمسک قرار دادن آن در مجامع بین‌المللی مدعی شود که دادگاه، علیه شیخ عیسی حکم داده است نه ما. از جمله احکامی که امکان دارد علیه شیخ صادر گردد، اخراج ایشان از کشور است اما مردم برای دفاع از ایشان حاضر به جان فشانی هستند. زیرا سلامت وجود ایشان نشانگر سالم ماندن دین اسلام و مذهب حق در بحرین است.

### || آیا گزینه مسالمت آمیز مردم به گزینه تقابل و مواجهه تغییر خواهد کرد؟ این تغییر چگونه امکان پذیر است؟

تصور بنده بر این است که گزینه مسالمت آمیز بهترین گزینه است و فایده و درست بودنش برای مردم به اثبات رسیده است. آل خلیفه با گزینه مسالمت آمیز مخالف است؛ زیرا اولاً که به دردمس افتاده است و ثانیاً قادر به از بین بردن و متوقف کردن آن نیز نیست. همین گزینه مسالمت آمیز نیز موجب شد که جامعه بین‌المللی با مسأله بحرین همراهی کند.

در صورتی که مردم دست به سلاح ببرند، آل خلیفه خون آن‌ها را بر زمین خواهد ریخت و در جهان نیز مدعی می‌شود که این افراد تروریست بوده‌اند و به همین دلیل آنها را کشتیم. بنابراین این گزینه یک گزینه راهبردی است اما تغییر این گزینه نیز به میزان سفاک بودن آل خلیفه بستگی دارد. در صورتی که نظام سفاک تر از وضعیت کنونی گردد، امکان تغییر گزینه توسط برخی از مردم وجود دارد اما امیدواریم که چنین اتفاقی روی ندهد.

آل خلیفه درصدد است تا هر کسی را که موجب پیشبرد برنامه‌های مربوط به تحصن می‌شود، دستگیر کند. آنها در میان صدها نفر از تجمعات مردم جاسوس‌هایی دارند اما در عین حال علما با حضور در میان مردم، آنها را هدایت می‌کنند. در حال حاضر تحصن در برابر منزل آیت الله عیسی قاسم، یکی از نمادهای مهم در طول ۵ سال و نیم حرکت مسالمت آمیز مردم است.

### || همانگونه که در جریان هستید، آل خلیفه در صدد محاکمه سید «مجید المشعل» رئیس هیأت علمای بحرین است. علت این اقدام آل خلیفه چیست؟

نظام آل خلیفه نسبت به سید مجید المشعل بغض و کینه داشت؛ زیرا سید مجید در وهله نخست رئیس هیأت علمای بحرین بوده است. وی همچنین در میان علما نقش بارزتری در افزایش اراده مردم و دعوت از آنها برای حضور در تحصن و همچنین هماهنگی برنامه‌های علما داشت.

به علاوه مجید المشعل در روزهای نخست یک سخنرانی آتشین کرد؛ وی در سخنانی با قدرت تاکید کرد که کفن خواهیم پوشید و چیزی غیر از آن بر تن نخواهیم کرد. همچنین او اعلام کرد که جانم را برای دفاع از شیخ عیسی فدا خواهیم کرد. به همین دلیل نیز از سوی آل خلیفه بازداشت شد و در حال حاضر نیز اتهامات خطرناکی به ایشان زده شده است تا ایشان را از صحنه به دور کنند.

### || به نظر شما رژیم آل خلیفه در خصوص محاکمه آیت الله «عیسی قاسم» چگونه اقدام خواهد کرد؟ آیا امکان یورش نظامیان این رژیم به منزل شیخ عیسی و بازداشت ایشان وجود دارد؟

تعرض به شیخ عیسی قاسم در راستای برنامه راهبردی برای نابودی تشیع، تفکر شیعی و هر نوع تحرک به



۴- مدیریت شبکه های رسانه ای و اجتماعی مخالف حکومت اردوغان در قاهره

## اختلافات مصر و ترکیه بر سر چیست؟ / شروط از سرگیری روابط با آنکارا

سمیه خمارباقی

استاد دانشگاه «بنی سويف» مصر ضمن واكواى علت اختلافات موجود بين قاهره و آنكارا به تشریح پيش شرط های از سرگیری روابط مصر با ترکیه پرداخت. روابط مصر و ترکیه در پی برکناری «محمد مرسى» رئیس جمهوری وابسته به گروه اخوان المسلمین مصر در سال ۲۰۱۳ تاکنون به سردی گرايیده است. «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه با حمایت از مرسى و اخوان المسلمین، دولت جدید مصر که برآمده از دل ارتش این کشور است را نامشروع خواند و روی کار آمدن «عبدالفتاح السیسی» وزیر دفاع وقت مصر به عنوان رئیس جمهوری این کشور را یک کودتا خواند. کودتای اخیر ترکیه و تیرگی روابط قاهره و آنکارا بهانه ای شد تا گفتگویی را با نادیه حلمی استاد علوم سیاسی دانشگاه بنی سويف و پژوهشگر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه «لوند» سوئد ترتیب دهیم که مشروح آن از نظر می گذرد:

**|| با توجه به اختلافات ترکیه و مصر بر سر اخوان المسلمین و جایگاه مصر در جهان عرب، این موضوع چه آثاری بر روابط ترکیه و جهان عرب خواهد داشت؟**

هرج و مرج در خاورمیانه باعث شده است بسیاری از امور در معرض آزمایش قرار بگیرد که روابط ترکیه و مصر یکی از این امور است. پس از مدت کوتاهی از سقوط «حسنی مبارک» از ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۱، ترکیه به یکی از تایید کنندگان اصلی انقلاب مصر در منطقه تبدیل شد اما پس از برکناری «محمد مرسى» از ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۳ موضع خود را تغییر داد و با روی کار آمدن «عبدالفتاح السیسی» به قدرت به یکی از دشمنان اصلی مصر در منطقه تبدیل شد.

در آگوست ۲۰۱۳ ترکیه از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست که السیسی را تحریم کند، همچنین «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه صراحتاً در گفتگو با شبکه الجزیره اعلام کرد که دولت آنکارا نظام السیسی را که با کودتای نظامی روی کار آمده است به رسمیت نمی شناسد و عبدالفتاح السیسی یک کودتای نامشروع است.

روابط ترکیه و مصر شاهد تیرگی روزافزون است و این مسئله از اظهارات دیپلماتیک فزاینده است. این امر از زمان برکناری محمد مرسى رئیس جمهور وابسته به اخوان المسلمین آغاز شده است. با کشف محموله ارسال سلاح به مصر که توسط ترکیه و پس از برکناری محمد مرسى از قدرت صورت گرفت روابط دو کشور رو به تیرگی گرایید.

واکنش رجب طیب اردوغان نخست وزیر وقت ترکیه به رویدادهای سال ۲۰۱۳ مصر و توصیف اعتراضات

مردمی مصر و مخالفشان با حکومت اخوان المسلمین و مرسى به کودتا توسط ارتش مصر، بیش از پیش به تیرگی روابط میان قاهره و آنکارا دامن زد. بسیاری از تحلیلگران بر این باور هستند که واکنش ترکیه به حوادث سال ۲۰۱۳ مصر در واقع نوعی هشدار نسبت به بازگشت ارتش ترکیه به سیاست در این کشور است. کارشناسان روابط ترکیه و مصر همچنین از بحران کنونی پیش آمده در روابط دو کشور نگران هستند و احتمال می دهند تیرگی روابط مصر و ترکیه عمیق تر شود به طوری که ترمیم آن نیازمند گذشت زمان طولانی باشد.

تحریم سریال های ترکیه در شبکه های تلویزیونی مصر، اظهار نظرهایی از سوی مقامات ترکیه که به تعبیر دولت قاهره دخالت در امور داخلی مصر محسوب می شود و منع خبرگزاری آناتولی از پوشش رویدادهای خبری کاخ ریاست جمهوری مصر از جمله اتفاقات ناشی از تیرگی روابط مصر و ترکیه است لذا روابط دو کشور همچنان به خاطر دخالت های مداوم ترکیه در امور داخلی مصر تیره و تار است و بدون تغییر سیاست های آنکارا در قبال مصر، بهبودی در سطح روابط دو کشور ایجاد نخواهد شد.

**|| آنکارا اعلام کرده حاضر به میزبانی از مخالفان دولت مصر است. این موضوع آیا صرفاً اقدامی تبلیغاتی و به منظور تحت فشار قرار دادن دولت مصر است یا نشان از عمق اختلافات ایدئولوژیک میان دو کشور دارد؟**

در پی حوادث ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ و همچنین کودتای نافرجام ترکیه در سال جاری میلادی، نشانه هایی وجود دارد که بیانگر دشمنی دو کشور با یکدیگر است. در محافل داخلی مصر برخی مخالفان دولت اردوغان خواهان مقابله به مثل با وی هستند زیرا ترکیه هزاران مخالف مصری به ویژه رهبران فراری اخوان المسلمین را در خود جای داده است.

این افراد معتقد هستند همانطور که ترکیه به پایگاهی برای حمله به مصر تبدیل شده است قاهره نیز باید سکوی حمله به آنکارا و سیاست های مداخله جویانه این کشور در امور داخلی مصر باشد. نشانه های مخالفان مصری با سیاست های اردوغان - مخالفان غیر رسمی و مردمی و نه رسمی - عبارتند از:

۱- درخواست برای سقوط نظام سیاسی ترکیه با حمایت گروه های منطقه ای که خواهان این امر هستند

۲- درخواست میزبانی از «فتح الله گولن» رهبر مخالفان دولت ترکیه که متهم به کودتا در این کشور است و بررسی پناهندگی وی به قاهره در صورت ارائه درخواست رسمی

۳- درخواست استقبال از خانواده های طرفدار فتح الله گولن رهبر مخالفان دولت ترکیه که از چند ماه پیش وارد قاهره شده اند

**|| در مقابل این اقدام دولت آنکارا، یک نماینده پارلمان مصر تاکید کرده حاضر به اعطای پناهندگی به فتح الله گولن است با توجه به این مسائل آینده روابط ترکیه و مصر را چگونه ارزیابی می کنید؟**

در واکنش به میزبانی ترکیه از شماری از رهبران و اعضای گروه اخوان المسلمین، «عماد محروس» نماینده پارلمان مصر و برخی دیگر از نمایندگان مصری از دولت مصر خواستند که به فتح الله گولن پناهندگی سیاسی اعطا کند.

این نمایندگان معتقدند که پیشنهادشان نشأت گرفته از ملی گرایی است و باید با ترکیه مقابله به مثل کرد لذا با توجه به اینکه فتح الله گولن از مخالفان قدرتمند دولت ترکیه محسوب می شود بنابراین مانعی برای اعطای حق پناهندگی به وی در واکنش به دخالت های آشکار ترکیه در امور داخلی مصر وجود ندارد.

من به شخصه بهبود روابط مصر و ترکیه را در صورت تمایل آنکارا در گروهی این شروط می دانم:

۱- آنکارا نیت خود را برای بهبود روابط با قاهره به صورت آشکار ابراز کند

۲- توقف حمایت مالی و تبلیغاتی از اخوان المسلمین و تحویل تمامی رهبران این گروه به مصر که هم اکنون در ترکیه بسر می برند

۳- ترکیه باید در راستای خدمت به خاورمیانه با مصر همکاری سیاسی و اقتصادی داشته باشد

حمایت دولت ترکیه از اخوان المسلمین حمایتی که برخلاف خواست مردم مصر است باعث شده است بسیاری از مصری ها نسبت به ماهیت روابط با آنکارا ملاحظاتی داشته باشند.

ترکیه بسیار به روابط اقتصادی و تجاری با مصر اتکا دارد روابطی که می تواند با پشت سر گذاشتن بحران کنونی میان دو کشور شدت بیشتری یابد. به عنوان مثال هم ۳۵۰ کارخانه مربوط به ترکیه در مصر وجود دارد که بیش از ۵۰ هزار کارگر مصری در آنها مشغول به کار هستند. روابط اقتصادی دو کشور طی سال های اخیر رو به رشد بوده است به طوری که حجم تبادل تجاری میان مصر و ترکیه بالغ بر ۵ تا ۶ میلیارد دلار است و میزان سرمایه گذاری ترکیه در مصر بیش از ۲ میلیارد دلار است لذا ترکیه به از سرگیری روابط خود با قاهره در آینده چشم دوخته است.

سمیه خمارباقی

گفتگوی اختصاصی با «سلیم الجبوری»:

## ایران کمک بارزتری به عراق در مبارزه با تروریسم داشته است



رئیس پارلمان عراق گفت: دوره ای که عراق شاهد ناامنی و تروریسم بوده برخی کشورها موضع بارزتری در زمینه کمک به عراق در روند مبارزه با تروریسم اتخاذ کرده اند که ایران از جمله آنهاست.

سلیم الجبوری رئیس پارلمان عراق روز گذشته در سفری رسمی و در راس هیئتی از نمایندگان پارلمان عراق وارد تهران شد، وی در جریان سفر دو روزه خود به ایران روز گذشته با تنی چند از مقامات کشورمان از جمله «علی لاریجانی» همتای ایرانی، «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه و «حسن روحانی» رئیس جمهوری کشورمان دیدار و گفتگو کرد.

وی امروز نیز به دیدارهای خود ادامه داد و با «علی اکبر هاشمی رفسنجانی» رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و «علی شمخانی» نماینده مقام معظم رهبری و دبیرشورای عالی امنیت ملی دیدار و پیرامون همکاری های فی مابین و راهکارهای مبارزه با تروریسم گفتگو کرد.

سلیم الجبوری در حاشیه سفر خود به تهران در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: عراق به طور کلی به تمامی تلاش هایی که به این کشور در زمینه مبارزه با تروریسم کمک می کند نیاز دارد، در دوره ای که عراق شاهد ناامنی و پدیده تروریسم بوده است برخی کشورها موضع بارزتری در زمینه کمک به عراق در روند مبارزه با تروریسم اتخاذ کرده اند که ایران از جمله آنها است. رئیس پارلمان عراق در ادامه یادآور شد: ایران نقش مهمی در مبارزه با تروریسم ایفا می کند و طبیعتاً ما به تلاش های مشترک و دیدگاه واحد برای حفظ امنیت و ثبات در منطقه نیاز داریم، تلاش هایی که در چارچوب منطقه ای باشد و تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در آن سهیم باشند.

وی افزود: ما با یک بحران امنیتی در منطقه مواجهیم که نمود آن را در داعش و گروه های تروریستی می بینیم، جمهوری اسلامی ایران نقش فعالی در زمینه مبارزه با تروریسم ایفا کرد و ما شاهد بودیم که نقش بسیار زیادی در زمینه مقابله با داعش و کمک به ملت عراق

از خود نشان داد. گفتنی است آخرین تحولات عراق و منطقه و همچنین مسائل مربوط به نبرد دولت و ملت عراق با تروریست های داعش، محور گفتگوهای رئیس پارلمان عراق با مقامات ایرانی بود. در زمینه روابط تجاری و اقتصادی میان ایران و عراق گفتگوهایی انجام شد، سلیم الجبوری در این باره اعلام کرد که روابط پارلمانی برای بغداد اهمیت بالایی دارد.

سلیم الجبوری معتقد است: ما و همه تصمیم گیران و نهادهای دولتی در عراق معتقدیم که جمهوری اسلامی ایران کشوری است که به دنبال رابطه قوی تر و بهتر با آن هستیم و این ارتباط همواره باید مستمر باشد و پل های ارتباطی میان دو کشور را به ویژه در حوزه های اقتصادی و پارلمانی برقرار کنیم. این روابط به نفع هر دو کشور است.

رئیس مجلس عراق تاکید کرد: عراق باید نقش مهمی در زمینه مقابله با تروریسم ایفا کند و در حال حاضر نیز به سمتی حرکت می کنیم که از کشورهای مختلف برای مقابله با این بحران استفاده کنیم و معتقدیم که باید رتبه اول را در زمینه اهتمام به این مسئله داشته باشیم. سلیم الجبوری در خصوص راه حل اختلافات گروه های سیاسی در عراق گفت: مسئولان و تصمیم گیران در عراق این عنایت را دارند که مشکلات را حل کنند و موضع گیری واحد در مبارزه با تروریسم و حل مشکلات اقتصادی دارند.

وی با اشاره به ضرورت ثبات سیاسی در عراق و لزوم ایفای نقش فعال از سوی رهبران گروه های مختلف عراقی به ویژه رئیس پارلمان این کشور در این روند، اظهار داشت: با مجاهدت ارتش، نیروهای مردمی و حمایت همه جانبه گروه های مذهبی، سیاسی، و قومی مسیر دفع کامل تروریسم به عنوان مهمترین اولویت امنیتی عراق در حال پیشرفت و تکمیل است.

رئیس مجلس عراق تاکید کرد: عراق باید نقش مهمی در

### سخنگوی انصارالله:

## مردم یمن اجازه نمی دهند سعودی ها برای آنها تصمیم بگیرند

نداشته باشد انجام نمی دهد. وی افزود: هدف از این اقدام نگه داشتن ما در مسقط است تا به این ترتیب بر ما فشار وارد کنند اما ما احساس می کنیم که اینجا در میان مردم خود هستیم. عبدالسلام در عین حال از بهره برداری از حضور هیات انصارالله و کنگره مردمی یمن برای انجام دیدارهای سیاسی و رسانه ای خبر داد.

وی در واکنش به تصمیم «عبد ربه منصور هادی» رئیس جمهور مستعفی و فراری یمن مبنی بر انتقال بانک مرکزی یمن به عدن گفت: عبد ربه منصور هادی و تصمیمات وی هیچ گونه مشروعیتی ندارند. سخنگوی انصارالله یمن در عین حال این تصمیم عبد ربه منصور هادی را احماقانه خواند و هدف از آن را تسلیم کردن مردم یمن برشمرد.

«محمد عبدالسلام» با طبیعی و قانونی دانستن واکنش نظامی نیروهای یمنی در داخل عمق سعودی اعلام کرد که مردم یمن اجازه نخواهند داد سعودی ها برای آنها تصمیم بگیرند.

«محمد عبدالسلام» سخنگوی جنبش انصارالله یمن با بیان اینکه واکنش نظامی نیروهای یمنی در داخل عمق سعودی امری طبیعی و قانونی است اعلام کرد که یمنی ها اجازه نخواهند داد سعودی ها برای آنها تصمیم بگیرند.

عبدالسلام همچنین آمریکا را در پشت پرده ممنوعیت پروازها در یمن اعلام کرد. وی در واکنش به مخالفت سعودی ها با اعطای مجوز به هواپیمای سازمان ملل برای بازگرداندن هیات انصارالله از مسقط به یمن گفت: سازمان ملل هیچ اقدامی را که عربستان از آن رضایت





گفتگوی اختصاصی با «برهم صالح»:

## حق تعیین سرنوشت کردها باید در چارچوب رابطه با بغداد باشد

سمیه خمارباقی



نخست وزیر سابق اقلیم کردستان عراق با اعلام قصد احداث خط لوله نفت در مرزهای ایران از سوی اقلیم کردستان به تشریح راهکار ممانعت از احیای گروه تروریستی داعش پرداخت.

برهم صالح متولد ۱۹۶۰ به سلیمانیه کردستان عراق است که در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان مسئول ارتباطات اتحادیه میهنی کردستان در بریتانیا منصوب شد.

وی در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان نماینده اتحادیه میهنی و سپس نماینده حکومت اقلیم در آمریکا انتخاب شد. صالح در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق بود و بعد از سقوط صدام، از نیمه دوم ۲۰۰۴ معاون نخست‌وزیر موقت عراق شد. در سال ۲۰۰۵ وزیر برنامه‌ریزی عراق و بعد از آن به‌عنوان معاون نخست‌وزیر در زمان نخست‌وزیری «نوری المالکی» انتخاب و مسئول شورای اقتصادی دولت شد.

برهم صالح اکنون که کردستان عراق و دولت عراق، با مسائل و بحران‌هایی روبه‌رو است به‌عنوان نماینده عالی اتحادیه میهنی کردستان در رأس هیئتی به ایران آمد تا درباره مسائل مهم با مقامات بلند پایه ایرانی گفتگو کند. خبرگزاری مهر گفتگویی را با وی انجام داد که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

### روابط اقلیم کردستان عراق و ایران در حال حاضر در چه وضعیتی است؟

روابط میان اقلیم کردستان و ایران در تمامی زمینه‌ها حسنه و ارزشمند است، ایران و منطقه کردستان عراق صرفنظر از اینکه همسایه هستند دارای فرهنگ، دین و جغرافیای مشترک هستند. منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی مشترک ما را به هم نزدیک کرده است. در تمامی حوادث و اتفاقات پیش آمده در طول تاریخ، ایران پناهگاه مردم کردستان عراق بوده است، حادثه انفال، بمباران شیمیایی حلبچه، آواره شدن ملت کرد و کوچ میلیونی کردها در سال ۱۹۹۰ از جمله این حوادث است که ایران همکاری‌های مهمی با ما داشته است. همکاری ایران با نیروهای پیشمرگه و عراقی هنگام قیام علیه رژیم دیکتاتوری صدام و جنگ علیه داعش بسیار مهم و برجسته بوده است و جای تقدیر و تشکر دارد.

در حال حاضر باید برای توسعه روابط ایران و اقلیم کردستان عراق تلاش‌های بسیاری انجام بدهیم به‌عنوان مثال در مورد اقتصاد، بازسازی و سرمایه‌گذاری و فعال کردن مرزهای دیگر برای تبادلات بازرگانی، اقلیم کردستان عراق تصمیم به احداث خط لوله نفت در مرزهای خود با ایران گرفته است. حکومت مرکزی عراق نیز از این پروژه پشتیبانی می‌کند. همچنین باید به این نکته اشاره کنم که درباره اوضاع سیاسی و امنیتی عراق، خاورمیانه و جهان لازم است با

ایران همکاری و مشورت داشته باشیم.

### جلساتی میان هیئت‌های ایرانی و مقامات اقلیم برگزار شده است ارزیابی شما از این جلسات چیست؟

جلسات با مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران در واقع فرصت مهمی بود که با دوستان ایرانی مسائلی را مطرح کنیم. در شرایط کنونی، اقلیم کردستان عراق، عراق و خاورمیانه شاهد اتفاقات مهمی است به ویژه نبرد با داعش و ریشه کن کردن تکفیر و ترور. همکاری اقتصادی به‌عنوان یک ضرورت از جمله محورهای گفتگو در تهران بود. مقامات ایران مثل همیشه آراء و موضع مثبت در قبال همکاری و پشتیبانی از مردم عراق و اقلیم کردستان عراق از خود نشان دادند.

در جریان این دیدارها همچنین بر اهمیت توسعه روابط دوجانبه تاکید شد. از نظر ما ایران همسایه‌ای تاریخی و استراتژیک و یک قدرت تاثیرگذار در منطقه است. نظرات جمهوری اسلامی ایران برای ما بسیار حائز اهمیت است. ما و طرف ایرانی درباره مسائل مهم منطقه و آینده آن مخصوصاً بعد از آزادی موصل تفاهم جدی داشتیم. به عقیده من در شرایط امروز که تغییرات سریع و بزرگ در حال وقوع است، رایزنی و تدبیر یک امر ضروری و جدی در راستای منافع طرفین است.

### برخی مخالفتها با حضور حشد الشعبی عراق در نبرد موصل صورت گرفته است دلیل این مخالفتها چیست؟

حشد الشعبی یک تشکیلات نظامی مهم در نهاد امنیتی عراق است که در یک برهه زمانی حساس و به فتوای مرجع عالیقدر نجف تشکیل شده است. این نیروها نقش مهم و موثری در جلوگیری از پیشروی گروه داعش در عراق داشته است. عملیات آزادسازی موصل عملیاتی مهم و بسیار دشوار است، نباید تفکرات آلوده داعش و تروریست‌ها را کم اهمیت بدانیم لذا لازم است تمام نیروهای

پیشمرگ، ارتش عراق، حشد الشعبی و نیروهای محلی عشایر منطقه ای و با برنامه ریزی از پیش تعیین شده در این امر مهم و برای از بین بردن داعش و پایان دادن به پدیده تروریسم در عراق مشارکت داشته باشند.

در همین حال باید به این نکته توجه داشت که راه حل سیاسی در چارچوب حکمرانی مناسب و موثر و رضایت مردم منطقه بعد از داعش امری اجتناب ناپذیر است تا بار دیگر تروریست‌های تکفیری همچون داعش احیا نشوند و پیروزی ما علیه چنین تروریست‌هایی نهایی باشد.

### با وجود اینکه اتحادیه میهنی کردستان عراق در حفظ و یکپارچگی عراق تاکید دارد ولی صداهای تجزیه طلبانه ای نیز در میان کردها وجود دارد دلایل این امر چیست؟

متأسفانه عراق دچار گرداب سیاسی شده است و از یک بحران به بحران دیگر دچار می‌شود. رهایی از این آشوب نیازمند تلاش برای ارائه راهکار نهایی برای حل تمامی این بحران‌ها است. متأسفانه روابط میان اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی عراق دچار چندین راه بن بست شده است. در چند سال گذشته مطمئناً این وضعیت برای کردها و سرتاسر کشور عراق دشوار بوده است. چنین بن بست‌ها و مشکلات سیاسی بغداد، مایه شیوع و گسترش فساد و ناامنی شده است. ملت عراق شایسته بهترین‌ها است و زندگی توأم با امنیت حق آنها است.

بدون شک ملت کردستان حق تعیین سرنوشت خود را دارد و رهبری کرد باید در چارچوب روابط با بغداد در این باره تصمیم‌گیری کند نه اینکه چنین موضوعی در آنکارا یا واشنگتن و یا در جاهای دیگر مطرح شود. تنها راه حل بیرون رفتن از بحران‌های کنونی عراق، مشورت و گفتگوهای مستقیم و صریح تمامی احزاب عراقی با یکدیگر است و تنها از این طریق می‌توان علیه تروریسم و تکفیر فائق آمد و ثبات سیاسی و امنیتی عراق و منطقه حفظ شود.



# اروپا

دبیر: عبدالحمید بیاتی  
مریم خرمائی

افسر سابق عملیات روانی آمریکا:

## همکاری نظامی روسیه و ایران باعث صلح و ثبات منطقه خواهد شد

لاچین رضائیان



و درگیری فرهنگی منجر به بروز انواع مشکلات جدید شده است.

توافق روسیه و ایران برای همکاری علیه افراط گراییان تروریست، در بردارنده پیام مهمی به جهان است: «ما هرگز اجازه نخواهیم داد جنگ های امپریالیستی و عاری از حس مسئولیت آمریکا را خواهد گرفت. وی متذکر شد که جهان پی به اشتباهات خود در منطقه برده و به نظر می رسد که اردوغان در ترکیه متوجه شده است که جابجایی قدرت به سمت اتحاد روسیه، ایران و چین بهترین تصمیمی است که وی باید اتخاذ کند.

بنابراین در حال حاضر تنها دولت هایی که احتمالا با این توافق کنار خواهند آمد، کشورهای اروپایی هستند که براساس پیش بینی من با مشاهده آسیب های ایالات متحده در اعمال این سیاست وحشتناک خیلی زود در کنار این سه دولت قرار خواهند گرفت.

**|| نظر شما در مورد استقرار بمب افکن های روسیه در پایگاه هوایی همدان در ایران با هدف حملات هوایی علیه اهداف گروه های تروریستی داعش و جبهه النصره چیست؟**

بمب افکن های دوربرد روسیه و پایگاه استقرار آن ها در ایران پیروزی استراتژیک برای صلح است، چرا که این اقدام نه تنها اجازه می دهد بمباران اهداف تروریست های داعش بر راحتی صورت گیرد بلکه نشان دهنده این است که روسیه و ایران با هم متحد هستند و هیچ دولتی نمی تواند بدون حمله به روسیه به ایران حمله کند.

این امر به طور موثر سد حفاظتی برای ایران برابر هر گونه حمله از طرف اسرائیل یا ایالات متحده ایجاد می کند. جالب است بدانید که رئیس جمهور ترکیه، رجب اردوغان، به نظر می رسد بلاخره پذیرفته است که جابجایی قدرت از نفوذ آمریکا به سمت اتحاد روسیه، ایران و چین بهترین تصمیمی است که وی باید اتخاذ کند.

اردوغان به تدریج در تلاش است تا خود را از ناتو و ایالات متحده جدا کرده و روابط خود را با روسیه و ایران ترمیم بخشد. احتمالا تلاش برای کودتا در ترکیه توسط خود اردوغان ایجاد شد تا بهانه ای برای جدایی ترکیه فراهم شود. کاملاً واضح است که بی کفایتی و شکست کودتا، واکنش سریع اردوغان به این اوضاع و پایان دادن به کودتا نشان می دهد که کودتا صرفاً یک عملیات روانی مصنوعی بود و نه یک رویداد واقعی. اگر هم واقعی بود، اردوغان به هر حال آشکارا ایالات متحده را به خاطر حمایت از کودتا و احتمالاً تامین مالی و برنامه ریزی آن با کمک ناتو و سازمان سیا متهم کرده است. در این خصوص زمان همه چیز را روشن خواهد ساخت.

**|| نظر شما در مورد نقش ایران در حل و فصل مسائل منطقه ای چیست؟ چرا ایران بخشی جدایی ناپذیر هر راه حل برای مسائل منطقه است؟**

ایران فرهنگ، تاریخ، زبان و هویت مشترکی با اقوام مختلف در خاورمیانه دارد و همچنین ملتی بزرگ از دیرباز بوده که در طول تاریخ هزاران ساله خود رشد

اسکات بنت در گفتگو با خبرنگاری مهر اظهار داشت که همکاری ایران و روسیه برای مبارزه با افراط گراییان تروریستی جلوی جنگ های امپریالیستی و عاری از حس مسئولیت آمریکا را خواهد گرفت. وی متذکر شد که جهان پی به اشتباهات خود در منطقه برده و به نظر می رسد که اردوغان در ترکیه متوجه شده است که جابجایی قدرت به سمت اتحاد روسیه، ایران و چین بهترین تصمیمی است که وی باید اتخاذ کند.

بنت تاکید کرد که «اردوغان به آرامی در تلاش است تا خود را از ناتو و ایالات متحده جدا کرده و روابط خود را با روسیه و ایران ترمیم بخشد».

وی همچنین در خصوص استقرار بمب افکن های روسیه در همدان، آن را پیروزی استراتژیک برای صلح دانست. وی خاطر نشان کرد «این اقدام نه تنها اجازه می دهد بمباران اهداف تروریست های داعش بر راحتی صورت گیرد بلکه نشان دهنده این است که روسیه و ایران با هم متحد هستند و هیچ دولتی نمی تواند بدون حمله به روسیه به ایران حمله کند».

نت گفتگوی خبر نگار مهر با اسکات بنت به شرح زیر است:

**|| ارزیابی شما از همکاری ایران و روسیه در مسائل منطقه ای از جمله سوریه و یمن چیست؟**

بدون شک، اتحاد ایران و روسیه و همکاری در مسائل منطقه شاید مهمترین رویدادی باشد که جهان در بیش از ۲۵ سال گذشته به خود دیده است. همکاری قدرت های بزرگ روسیه و ایران حاکی از امید برای پایان دادن به تروریسم، افزایش ثبات منطقه ای، و آینده ای صلح آمیز است.

واقعا باعث تاسف و انزجار من است وقتی که می بینم ایالات متحده متکبران و ابلهانه در جنگ های خاورمیانه ای خود در عراق، لیبی، و در حال حاضر در سوریه، ویرانی، مرگ، بدبختی و خشم را به جان بشریت انداخته است. ما اکنون پس از پانزده سال تحقیق متوجه شده ایم که حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کار اسامه بن لادن و یا هواپیمارایان عربستان سعودی نبود بلکه از طرف خائن سازمان اطلاعات آمریکا، کاخ سفید، اسرائیل و عربستان سعودی با عنوان حملات «پرچم دروغین» انجام شد.

آنها این حملات را با استفاده از تکنولوژی پیشرفته، تصاویر هولوگرام، موشک ها، و تکنیک های جنگ روانی انجام دادند. رسانه های آمریکایی نیز متهم به همدستی در این حمله دروغین بودند تا از این طریق جنگ آمریکا در خاورمیانه را به عاملی برای از هم پاشیدن نظام های اسلامی و جایگزین کردن آنها تبدیل کنند.

متأسفانه، به جای روی کار آمدن رژیم های جدید میانه رو و مولد، مداخلات آمریکا منجر به رهاسازی هیولاهای وحشی تکفیری وهابی شد که اقدام به تجاوز، نابودی و از بین بردن هر چیزی که دم دستشان بود کردند. بدتر از همه، مردم در خاورمیانه مجبور به فرار از زادگاه خود شدند و در حال حاضر در تلاش برای ورود به اروپا هستند، جایی که در آن افزایش تنش ها و خشم

کرده است. این امر احترام و هویت ایران را در میان دیگر ملت ها و فرهنگ ها بالاتر می برد. همین افتخار و احترام است که به ایران، امنیت، اعتماد به نفس و فروتنی در هنگام برخورد با دولت های نابالغ را می دهد.

**|| کشورهای مخرب منطقه از جمله عربستان سعودی و متحدان آن، با ایجاد بی ثباتی، جنگ و تنش ها در منطقه به دنبال چه چیزی هستند؟**

اولین مورد بی ثباتی در منطقه در اصل زمانی رخ داد که ایالات متحده، اسرائیل و بریتانیا به عراق حمله کردند و سپس در آن جا جنگ داخلی بوجود آوردند و با گسترش آتش شورش از طریق عملیات سیا با عنوان بهار عربی آن را در کل منطقه منتشر کردند. بر اساس نقشه آن ها، قرار بود جرقه انقلاب زده شود و امیدوار بودند که به طور مجزّه آسای دموکراسی و نظم و قانون حکمفرما خواهد شد اما کاملاً برعکس شد.

بسیاری از مردم در منطقه در خلاء قدرت استبدادی و حکومت دیکتاتوری مطلق به تعصب های مذهبی و فرقه ای مانند توهم و پندار اشتباه روی آوردند، و تلاش کردند با استفاده از آزادی های جدید خود بقیه تمدن را هم از بین برده و آن را با قوانین و فرهنگ وهابی سلفی جایگزین کنند. از آنجا که بقیه جهان راه را به این ایدئولوژی های وهابی باز نکرده است، آن را به عنوان امری روانی و از نظر سیاسی نوعی خودکشی تعریف می کند که موجب بروز درگیری ابدی در منطقه شده است. امید است که با همکاری روسیه، ایران و چین، ایالات متحده و ناتو اندکی مکث کرده و با دقت با آنچه ولادیمیر پوتین در سازمان ملل گفت توجه کنند: «آیا واقعا می فهمید که چه کرده اید؟»

امیدوارم این اتفاق بیفتند و یک دستور کار جدید برای صلح و ثبات در جهان که مقدم بر دموکراسی و سرمایه داری است شکل گیرد. باید منتظر اتفاقات آینده باشیم.

## روسیه معنی برای استفاده از پایگاه اینجریلیک ترکیه ندارد



تاکید نخست وزیر ترکیه بر اینکه روسیه می تواند در صورت لزوم از پایگاه هوایی اینجریلیک در جنوب شرق ترکیه که محل استقرار نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سلاح های اتمی آمریکا در منطقه است، استفاده کند گمانه زنی هایی را درباره تاثیر این اقدام احتمالی ترکیه بر روابط استراتژیک آنکارا و غرب به وجود آورده است.

همچنین در روزهای گذشته ارتش ترکیه با ورود نظامی به منطقه جرابلس در شمال سوریه عملیاتی را تحت عنوان «سیر فرات» آغاز کرده است که هدف از آن پاکسازی مرزهای ترکیه از داعش و برگرداندن شبه نظامیان کرد سوریه مورد حمایت آمریکا به شرق رود فرات عنوان شده است. این اقدام به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با مجوز آمریکا و اطلاع مسکو صورت گرفته است.

در همین راستا گفتگویی داشته ایم با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» از اعضای برجسته حزب جمهوری خلق ترکیه که بزرگترین حزب منتقد دولت این کشور است. مشروح این گفتگو در زیر آمده است:

**|| نخست وزیر ترکیه اعلام کرده است که روسیه در صورت لزوم می تواند از پایگاه اینجریلیک استفاده کند. آیا چنین مسئله ای می تواند به روابط راهبردی ترکیه و ناتو آسیب بزند؟**

پیشنهاد استفاده روسیه از پایگاه هوایی اینجریلیک تا زمانی که استفاده روسیه در راستای مبارزه با داعش باشد تاثیری بر روابط ناتو و ترکیه نخواهد داشت. پایگاه اینجریلیک نه تعلق به ناتو دارد و نه متعلق به آمریکا است. اینجریلیک یک پایگاه هوایی ملی ترکیه است. روسیه هم بخشی از ائتلاف بین المللی علیه داعش است لذا استفاده روسیه از این پایگاه منافاتی با اهداف ائتلاف بین المللی ضد داعش ندارد. علاوه بر این روابط خوب ترکیه و روسیه می تواند برای ناتو هم خوب باشد.

**|| آیا حضور نظامی ترکیه در منطقه جرابلس در شمال سوریه با هماهنگی های آنکارا یا واشنگتن و مسکو صورت گرفته است؟**

منظور از «ارتش اروپایی» چیست و تشکیل چنین ارتشی جز گام هایی نیست که ناتو در صدد برداشتن آن است.

**|| طرح چنین درخواستی از سوی برخی کشورهای اروپایی آیا به این معنی است که ناتو نتوانسته است برخی از دغدغه های امنیتی اروپا مثل بحران مهاجران را رفع کند؟**

مسئله آوارگان هر چند دارای ابعاد امنیتی است ولی مستقیماً جز شرح وظایف ناتو نیست. ناتو در حال حاضر دارای ناوگانی در دریای سیاه است تا از روانه شدن سیل مهاجران غیرقانونی جلوگیری کند. اما بحران مهاجران یک مسئله اروپایی و حتی جهانی است. راه حل این بحران را باید در حوزه های سیاسی و دیپلماتیک جستجو کرد. تا به اینجا اتحادیه اروپا در مواجهه با این چالش با شکست مواجه شده است. این اتحادیه حتی نتوانسته به توافقی که چند ماه گذشته با ترکیه رسیده است را اجرایی کند. واقعیت این است که کشورهای اروپایی نمی خواهند از میلیون ها آواره خارج از مرزهای خود میزبانی کنند. امری که در تضاد با ارزش های بشردوستانه و ارزش هایی است که انتظار می رود اروپایی ها از آن حمایت کنند.

من مطلع نیستم که آیا ترکیه قبل از انجام عملیات جرابلس با طرف هایی هماهنگی داشته است یا خیر. آنچه که از شواهد بر می آید این است که ترکیه حتی شاید مسئله را به اطلاع دولت سوریه هم رسانده باشد. قاعدتا باید اینگونه هم باشد. واکنش های ضعیف و صرفاً ابراز نگرانی مسکو و دمشق بیانگر اطلاع آنها از اقدام نظامی ترکیه بوده است.

هدف ترکیه از این عملیات پاکسازی منطقه و امنیت بخشیدن به مرزهایش است. مسئله جدی درباره عملیات ترکیه این است که این عملیات چه مدت طول خواهد کشید و چه زمانی پایان خواهد یافت. اگر این عملیات طولانی شود و به درگیری با نیروهای کرد منجر شود در آن صورت وضعیت و تبعات متفاوت خواهند بود.

**|| برخی از کشورهای اروپایی مثل جمهوری چک و مجارستان خواستار تشکیل ارتش اروپایی شده اند. ضرورت این مسئله چیست؟ آیا ترکیه در تشکیل احتمالی چنین ارتشی نقشی خواهد داشت؟**

کشورهای اروپای شرقی نگرانی ها و ترس های زیادی درباره روسیه دارند. ناتو در صدد است با اتخاذ اقدامات جدید آنها را برطرف کند. با اینحال من دقیقاً نمی دانم

پس از تشریح به دین مبین اسلام؛

## سفیر انگلیس در عربستان سعودی برای انجام مناسک حج راهی مکه می شود

تایمز ابراز امیدواری کردند که کالینز «تجربه اخیر خود از مناسک حج را با همکاران غیرمسلمان خود در سفارت انگلیس سهیم گردد» و معتقدند که «موقعیت بی همتای» کالینز می تواند در روابط میان اسلام و جهان غیر مسلمانان بسیار مهم و حیاتی باشد. گفتنی است که پیش از سیمون کالینز، یک نویسنده و دیپلمات انگلیسی با نام «گای ایتون» نیز در دهه ۱۹۵۰ میلادی در حین خدمت در سفارت انگلیس در هندوستان، تربیت یافت و غنا به دین اسلام گروید.

است، نخستین دیپلمات انگلیسی است که مناسک حج را در شهر مکه بجا می آورد. گفتنی است که کالینز پس از تشدید جنگ داخلی در سوریه طی سالهای ۱۲-۲۰۱۱ و ترک پست نمایندگی انگلیس در این کشور، به سمت سفیر انگلیس در عربستان سعودی منصوب شد. وی علاوه بر فعالیت در سمت سفیر انگلیس در قطر، سابقه عضویت در هیأت های دیپلماتیک انگلیس در کشورهای بحرین، تونس، هند، اردن و دبی را در کارنامه حرفه ای خود دارد. مقامات مسجیدی در شرق لندن در گفتگو با روزنامه

«سیمون کالینز» سفیر انگلستان در عربستان سعودی پس از تشریح به دین اسلام، برای انجام مناسک حج به همراه همسر مسلمان خود راهی مکه می شود. «سیمون کالینز» سفیر انگلستان در عربستان سعودی پس از سالها فعالیت در مناصب دیپلماتیک در کشورهای اسلامی از جمله عراق و سوریه، با تأیید خبر تشریح خود به دین مبین اسلام اعلام کرد که در مناسک حج امسال شرکت خواهد کرد. سفیر انگلیس که همسر وی یک مسلمان اهل سوریه

هر میداس باوند مطرح کرد؛

## تشریح ماهیت عملیات ترکیه در جرابلس / تشکیل «ارتش اروپایی» بعید است



رامین حسین آبدیان

«داود هرمداس باوند» معتقد است که ترکیه بر اساس تهدداتی که به ناتو دارد، در صورت اتخاذ هرگونه تصمیم مغایر با منافع کلان این سازمان، نیاز به دریافت چراغ سبز از سوی آن دارد.

اظهارنظرهای مقامات ترکیه از جمله نخست وزیر این کشور در خصوص تصمیم آنها برای تجدیدنظر در روابط خود با سوریه در کنار رایزنی‌های گسترده دولت آنکارا با مقامات ایرانی و روسی پیرامون بحران این کشور، نوید بازگشایی صفحه‌ای نوین در روابط سه جانبه ایران، ترکیه و روسیه به منظور حل و فصل سیاسی بحران سوریه را می‌داد. با این حال، انتشار خبری مبنی بر آغاز عملیات نظامی ترکیه در شهر «جرابلس» سوریه که البته به صورت غافلگیرانه اتفاق افتاد، تا حدودی معادلات را بر هم زد.

این عملیات از ساعت ۶:۳۰ صبح روز چهارشنبه هفته گذشته (به وقت تهران) تحت عنوان «سپر فرات» و با همکاری نیروهای ائتلاف آمریکایی به اصطلاح مبارزه با داعش آغاز شد. به دنبال آغاز این عملیات، تعداد ده ها دستگاه تانک و خودرو زرهی ارتش ترکیه وارد منطقه «جرابلس» در شمال سوریه شدند. به دنبال این عملیات، نیروهای موسوم به ارتش آزاد سوری با حمایت نیروهای ارتش ترکیه تمامی ساختمان‌ها و مراکز دولتی در مرکز جرابلس در خاک سوریه را به تصرف خود درآوردند. همچنین بنا بر این گزارش این نیروها کنترل ۵۰ درصد از این شهر را در اختیار گرفتند.

به گفته «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه، هدف از عملیات ارتش این کشور در جرابلس سوریه، نیروهای داعش و شبه نظامیان کرد سوری بوده‌اند و این حملات با هدف پایان بخشیدن به مشکلات در مرزها صورت می‌گیرد. اردوغان در سخنانی در این زمینه با هشدار به «صالح مسلم» از رهبران حزب دموکراتیک کردهای سوریه گفت: «آنها کسی که ما را با اقدامات تروریستی به چالش کشیدند، حال باید منتظر باشند و ببینند چه بر سرشان خواهد آمد».

در خصوص آنچه که ذکر شد، خبرنگار مهر گفتگویی را با دکتر «داود هرمداس باوند» کارشناس مسائل خاورمیانه و بین الملل انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

**|| ارتش ترکیه اخیرا تانک‌های خود را وارد شهر «جرابلس» سوریه کرده است. دولت آنکارا مدعی است که مبارزه با داعش از اهداف این عملیات نظامی محسوب می‌شود. دیدگاه شما درباره این عملیات از سوی آنکارا چیست؟**

دولت ترکیه از ابتدا اعلام کرد که به منظور مبارزه با تروریسم به شهر جرابلس سوریه حمله کرده است. این در حالی است که شهر جرابلس یک شهر کردنشین است و همین مسأله شائبه‌هایی را در خصوص هدف اصلی آنکارا از این عملیات به وجود آورده است. عملیات نظامی ترکیه در سوریه نگرانی‌هایی را هم برای روسیه و هم به نوعی برای ایران به وجود آورده است، زیرا تهران و مسکو معتقدند که ترکیه بسیار فراتر از اهدافی که پیش از حمله به جرابلس اعلام کرده است، گام برخواهد داشت.

**|| همانگونه که می‌دانید ایالات متحده آمریکا، ارتش ترکیه را در یورش نظامی به شهر کردنشین جرابلس سوریه همراهی می‌کند. این در حالی است که آمریکایی‌ها چندی پیش جنگنده‌های خود را به منظور حمایت از کردها به حسکه سوریه اعزام کردند. این مواضع متناقض آمریکایی‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

واقعیت این است که ایالات متحده آمریکا تلاش کرد در مقابل ترکیه در مسأله حمله به جرابلس نوعی ملایمت به خرج دهد تا ترکیه به سمت محور ایران و روسیه سوق پیدا نکند. آمریکایی‌ها از همان ابتدا از کردهای ساکن «جرابلس» خواست تا از مناطق تحت تصرف خود به سمت شرق فرات عقب نشینی کنند. ایالات متحده از این طریق تلاش کرد تا بهانه ترکیه برای گسترش عملیات در جرابلس را از آن بگیرد.

اما به این نکته نیز باید توجه داشت که نگرانی‌هایی در خصوص اقدامات آینده ترکیه در جرابلس و احتمال گسترش عملیات نظامی آن وجود دارد که این مسأله نیز طی روزهای آینده بیش از پیش آشکار خواهد شد. به طور کلی هدف کنونی ترکیه از عملیات نظامی در جرابلس این است که بر مبنای چهارچوب اهداف ترسیم شده برای آینده خود، جایگاهی برای خویش کسب کند.

**|| با توجه به اینکه هدف اصلی ترکیه از این عملیات، ضربه وارد کردن به حزب دموکراتیک کرد سوری است، به نظر شما آیا این اقدام قابل توجیه است یا خیر؟**

ترکیه بارها و در مناسبت‌های مختلف اعلام کرده که آنکارا اجازه تشکیل دولت مستقل کرد را نخواهد داد. از دیدگاه دولت ترکیه کردها از لحاظ ارزشی به گروه «پ ک ک» نزدیک هستند و بر همین اساس، تشکیل دولت مستقل کرد به منزله یک دستاورد بزرگ برای «پ ک ک» محسوب می‌شود، اما واقعیت این است که

آمریکایی‌ها چنین نگرشی را ندارند. تنها استدلال ترکیه برای هدف قرار دادن کردهای ساکن شمال سوریه این است که «عبدالله اوجلان» رهبر دربند «پ ک ک» در این منطقه سکونت داشته است. دولت ترکیه صرف ظهور و بروز اوجلان در مناطق شمال سوریه را دستاویزی برای القاء ارتباط میان نیروهای دموکراتیک کرد سوری و پ ک ک قرار داده است تا بدینوسیله مناطق تحت تصرف آنها را بمباران کند. حضور اوجلان در شمال سوریه در آن شرایط، با موافقت رسمی دولت وقت این کشور اتفاق افتاد. از آنجایی که دولت وقت سوریه مشکلاتی را از قبیل مسأله «آب فرات» با ترکیه داشت، مجوز حضور اوجلان در شمال سوریه را صادر کرد. در حال حاضر تنها بهانه ترکیه از هدف قرار دادن کردهای شمال سوریه همانگونه که اشاره شد، حضور اوجلان در این منطقه بوده است.

در این میان، دولت سوریه نیز به عملیات نظامی ترکیه اعتراض کرد. به نظر من در حال حاضر دولت سوریه به دلیل درگیری با تروریسم، در شرایطی نیست که اقدامی غیر از اقدام دیپلماتیک در مقابله با عملیات ترکیه انجام دهد.

**|| به نظر شما همکاری جدید ترکیه و ایالات متحده آمریکا در سوریه می‌تواند سرآغاز همکاری‌های دوجانبه میان آنها برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان سوریه باشد؟**

همانگونه که گفته شد، ایالات متحده آمریکا در قبال تصمیم نظامی اخیر ترکیه در سوریه از خود ملایمت نشان داده است. باید منتظر ماند و دید پاسخ ترکیه به این تعامل ملایم آمریکایی‌ها چه خواهد بود. ایالات متحده آمریکا از کردها درخواست کرد تا به سمت شرق فرات عقب نشینی کنند و آنها نیز این اقدام را کردند. از طرف مقابل، مسأله این است که به نظر نمی‌رسد که ترکیه به همین سطح از عملیات نیز راضی شود.

در خصوص توافق آمریکا و ترکیه برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان سوریه نیز باید گفت که همه چیز به تصمیم آینده ترکیه برای ادامه عملیات در جرابلس بستگی دارد. تا بدین لحظه کردها از شمال سوریه به سمت شرق فرات عقب نشینی کرده‌اند. باید دید مواضع ملایم آمریکا با ترکیه تا چه حدی ادامه پیدا می‌کند. در هر صورت ممکن است دامنه حمایت‌های آمریکا از ترکیه در محدوده شهر جرابلس باقی بماند.

**|| به نظر شما آیا در عملیات اخیر ترکیه در جرابلس سوریه، هماهنگی میان آنکارا و مسکو در این خصوص انجام شده است یا خیر؟**

برای پاسخ به این سؤال باید دید که روسیه دارای چه منافع و مصالحی است. روسیه همواره به دلیل مشکلات خود با کشورهای غربی نگاه خود به شرق را تقویت کرده است. مسکو همواره رابطه خوبی با کشورهای

## گفتگوی اختصاصی با رئیس یونیسف آلمان:

# برگزیت تأثیری بر موقعیت پناهجویان نخواهد داشت

شقایق لامع زاده



بحران پناهجویان یکساله است که کشورهای اروپایی را به خود مشغول کرده است. در میان کشورهای اروپایی نظرات و شیوه‌های مختلفی در برخورد با این موضوع در پیش گرفته‌اند. آلمان از جمله کشورهای اروپایی است که شمار زیادی پناهجو را در خود جای داده است.

این بحران مدتی است به موضوع محوری نوشتاری و گفتاری میان رسانه‌ها و مقامات مختلف جهان تبدیل شده که از این میان شماری کتاب به رشته تحریر در آمده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «هیچ کجا امن نیست» نوشته «ماریا ولسر» که در تاریخ ۲۰ ژوئن سال ۲۰۱۶ میلادی به چاپ رسید، اشاره کرد.

«ولسر» از سال ۱۹۹۵ میلادی به عضویت کمیته یونیسف در آلمان در آمد و در نهایت در آوریل سال ۲۰۰۸ میلادی به ریاست آن منصوب شد. وی دارای جوایز متعدد از ارگان‌ها و نهادهای داخلی آلمان و بین‌المللی است. این نویسنده آلمانی بالغ بر ۱۰ اثر مکتوب درباره وقایع جاری بین‌المللی مانند بحران پناهجویان و جنگ بالکان به رشته تحریر در آورده است.

«ماریا ولسر» رئیس یونیسف در آلمان، خبرنگار ارشد شبکه‌های تلویزیونی و نویسنده آلمانی به بهانه انتشار کتاب جدید خود «هیچ کجا امن نیست» به گفتگو با خبرنگار مهر نشست. آنچه در ذیل می‌آید مشروح این گفتگو است.

### || با توجه به فعالیت گروه‌های افراطی در آلمان که علیه پناهجویان فعالیت می‌کنند آیا جامعه آلمان به خوبی پذیرای پناهجویان است؟

بله، بی‌شک اکثریت مردم آلمان پذیرای پناهجویان هستند. من نمی‌توانم به وضوح درباره اروپا سخن بگویم و اظهار نظر کنم. آنچه بدیهی است دروازه‌های آلمان به روی پناهجویان باز است.

اینکه در پذیرش پناهجویان با شرایط و صلاحیت‌های مختلف از آغاز سخت بوده، شکی وجود ندارد. من گمان می‌کنم که ما در مسیر خوبی قرار داریم. صدها هزار پناهجو در آلمان پذیرش شده و از جای خواب و اقامت مناسبی برخوردار هستند. آنها در دوره‌های زبان‌آموزی آلمانی در حال گذراندن دوره‌های لازم هستند. کودکان پناهجو در مدارس مشغول به تحصیل شده‌اند. تنها در هامبورگ بیش از یک سوم کودکان پناهجو در مدارس به تحصیل می‌پردازند.

\*بزرگترین چالش پیش روی بحران پناهجویان از منظر شما چیست؟ برخی معتقدند که کشورهای

نظیر ایران و چین داشته است و همچنان در راستای تقویت این روابط تلاش می‌کند.

تاریخ نشان می‌دهد که در زمان شوروی سابق، روسها به منظور تحقق برخی اهداف مهمتر خود، احزاب کمونیست را قربانی می‌کردند. در هر صورت همه چیز بستگی به اراده روسها دارد که تا چه اندازه می‌خواهند مواضع خود در قبال دولت دمشق را حفظ و تقویت کنند. با این حال، تجربه نشان داده که روسها از دیگران استفاده‌ای می‌کنند، حال باید دید در قبال عملیات اخیر ترکیه آیا محکم در کنار سوریه می‌ایستد یا به یک اعتراض لفظی بسنده می‌کند.

### || «بنعلی ایلدیریم» نخست‌وزیر ترکیه اخیراً اعلام کرده است که روسیه می‌تواند از پایگاه نظامی «اینجریلیک» استفاده نماید. آیا استفاده روسیه از اینجریلیک می‌تواند روی روابط راهبردی ترکیه و ناتو تأثیر داشته باشد؟

واقعیت این است که خط مشی اخیر ترکیه ناراحتی‌هایی را نزد آمریکایی‌ها و کشورهای غربی به وجود آورد. اگر ترکیه واقعا قصد داشته باشد که پایگاه اینجریلیک را در اختیار روسیه قرار دهد، این مسأله را باید در شورای اتحادیه اروپا نیز مطرح کند.

درست است که هر کشوری برای خود می‌تواند تصمیم‌گیری کند و از این آزادی برخوردار است اما در هر صورت کشورهای عضو ناتو تعهداتی هم در قبال این سازمان دارند که باید به آن پایبند باشند. اگر قرار باشد یک کشور عضو ناتو یک خط مشی مغایر با منافع و مصالح کلی این سازمان اتخاذ کند، این مسأله باید در شورای عالی ناتو نیز مطرح شود. بر همین اساس در خصوص مسأله حضور نظامی روسیه در پایگاه اینجریلیک مطمئناً ناتو ملاحظاتی را خواهد داشت.

در هر صورت چراغ سبز ترکیه به روسیه برای استفاده از اینجریلیک دهن کجی به ناتوست.

### || کشورهای نظیر جمهوری چک و مجارستان مسأله ای را مبنی بر تشکیل «ارتش اروپایی» مطرح کردند. آیا ارائه این طرح می‌تواند با هدف مقابله با ترکیه و عضویت آن در ناتو صورت گرفته باشد؟

مسأله «ارتش اروپایی» پس از فروپاشی شوروی توسط آلمان و فرانسه مطرح شد. این طرح در آن برهه از زمان با مخالفت روبرو شد. یکی از دلایل این مخالفت این بود که بلژیک، هلند، یونان و پرتغال معتقد بودند که ارتش اروپایی تحت کنترل عمدتاً فرانسه و آلمان فعالیت خواهد کرد و موفقیت چشمگیری به دست نخواهد آورد.

یکی دیگر از دلایل آن، این بود که کشورهایی که از بلوک شرق جدا شده بودند و از احیای سلطه روسیه احساس نگرانی می‌کردند، مایل بودند ناتو برقرار باشد و آنها به این سازمان ملحق شوند تا بدین ترتیب از حمایت ایالات متحده آمریکا نیز برخوردار باشند.

دلیل سوم این بود که بحران شبه جزیره «بالکان» نشان داد که اروپایی‌ها با یکدیگر وحدت نظر نداشتند، بدین معنا که نگرش کشورهای نظیر آلمان و اتریش با کشورهایمانند فرانسه و انگلیس متفاوت بود.

معتقدم در صورتی که ارتش اروپایی تشکیل شود، به دلیل شکاف‌هایی که همواره میان کشورهای این قاره وجود داشته است، این ارتش به ارتش منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. در شرایط موجود من گمان نمی‌کنم که ارتش اروپایی به صورت جدی مطرح شود.

غربی نگاه‌گزینشی به پناهجویان دارند. به این معنا که از میان پناهجویان کسانی که جز طبقه متوسط هستند را سریعتر جذب کشورهای خود می‌کنند. در این باره چه نظری دارید؟ دلیل کم توجهی به مقوله امنیت انسانی و توسعه انسانی در میان کشورهای پذیرنده پناهجویان چیست؟

یادگیری زبان آلمانی در حال حاضر بزرگترین چالش پیش روی پناهجویان است. برای آلمانی‌ها هم ساده نیست که بتوانند میان تروریست‌ها و پناهجویان واقعی تمایز قائل شده و آنها را به خوبی از یکدیگر تشخیص داده و به آنها کمک کنند. تبلیغات نیز در این عرصه راهگشا نخواهد بود، زیرا دروغ‌های زیادی در این میان ممکن است بوجود آید که تشخیص آن برای شهروندان معمولی کمی دشوار و پیچیده به نظر می‌آید. آلمانی‌های مطلع از رویدادهای جاری باید قدم علم کرده و با مردم فریبی و قفر در این مسیر مقابله کنند. ما باید همواره از تاریخ درس بگیریم. سرمایه‌گذاران در حمایت از صدراعظم آلمان اعلام کردند که «ما می‌توانیم» ما باید به این مقوله متعهد بوده و تلاش‌های لازم را انجام دهیم. ما موظفیم به پناهجویان آموزش‌های لازم را ارائه دهیم.

پناهجویان نیز علاقمندند که خیلی خود وارد بازارهای کار شده و به کسب در آمد بپردازند. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که این امور بعضاً مغایر قوانین موجود است. در این شکی وجود ندارد که برخی قوانین مستلزم تغییر هستند.

### || برخی معتقدند که اتحادیه اروپا نتوانسته بر خورد لازم و موثری با پدیده مهاجران داشته باشد و برگزیت یکی از دلایل آن است. در این باره چه نظری دارید؟

برگزیت هیچ ارتباطی با بحران پناهجویان نداشته، ضمن آنکه تأثیری نیز بر آن ندارد. تا زمانی که آلمان با ۸۲ میلیون نفر جمعیت از اقتصاد رو به رشد و خوبی برخوردار است، دلیلی برای نگرانی و استرس ۸۰۰ هزار پناهجو وجود ندارد.

## بحران پناهجویان کلاف سردرگم ژرمنها؛ چرایی پذیرش مهاجران

شقایق لامع زاده

نشان می دهد که شمار بازنسنسته ها و سالمندان از زاد و ولد و سن جوانی در این کشور پیشی گرفته است.

در عین حال برخی کارشناسان با رد این تحلیل ها معتقدند که آلمان تنها برای مقابله با کاهش جمعیت خود اقدام به پذیرش این تعداد از آوارگان و پناهجویان نکرده و اگر قرار می بود آلمان برای جبران این مشکل اقدامی انجام دهد، به قبول مهاجرانی که تحصیلات و تخصص های مربوطه را دارند بسنده می کرد.

بر اساس قوانین متداول در آلمان درباره پناهجویان آنها تا زمان برطرف شدن علت آوارگی خود می توانند در آلمان بمانند و البته تعدادی از آنها که در مدت معینی بتوانند حرفه ای اختیار کرده و اداره امور زندگی خود را به دست گیرند، می توانند بمانند، اما کسانی که موفق به اشتغال و رفع نیاز خود نشوند به محض حل مشکل در کشور مبدأ خود باید به کشورشان بازگردانده شوند.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که بدانیم که ژرمن ها به دلیل آنچه نژادپرستی تلقی می شود از لفظ «پناهجو» درخصوص آوارگان استفاده نمی کند.

در اسنادی که دولت آلمان به پناهجویان می دهد لفظ حمایت بین المللی اطلاق می شود و در اسنادی که به این افراد داده می شود آمده که علت اقامت و حضور این افراد در آلمان به موجب تصمیم دفتر فدرال برای حمایت بین المللی از این افراد براساس مواد ۲۵ و ۲۶ از قوانین تدابیر اقامتی است.

گرچه هنوز نمی توان دقیق و موثکافانه به علت های اصلی این اقدام دولت آلمان دست پیدا کرد اما می توان اینطور تخمین زد که آنها علاوه بر دادن روحیه امید به جامعه خود درصدد مقابله با موج فائیسیم در این کشور هستند. این امر همچنین مهر تأییدی بر این تئوری است که برلین قصد دارد در ترکیب جمعیتی خود دست برده و از تبعات و خطرات و پیامدهای منفی آن جلوگیری کند.

در عین حال «فراوکه پتری» رئیس حزب راستگرای آئرناتیو در آلمان اعلام کرد که این کشور با پذیرش بی قید و شرط پناهجویان مرتکب تکرار یک اشتباه تاریخی است.

در برنامه حزب آئرناتیو که از مخالفان جدی پذیرش پناهجو است، آمده است که ما نباید اشتباه دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را یک بار دیگر تکرار کرده و خواستار کارگران خارجی شویم.

سخن آخر اینکه موضوع پناهجویان در آستانه برگزاری انتخابات های آتی آلمان چالش مهمی برای دولت و سیاستمداران این کشور خواهد بود.



درباره شمار آوارگان و پناهجویان جدیدی که برلین متعهد به پذیرش آنان در خاک آلمان شده گفت که دولت آلمان می تواند در سال جاری با قبول این شمار از آوارگان سوری اوضاع آنها را بدون نیاز به افزایش ارقام مالیات اداره کند.

این در حالی بود که برخی از کارشناسان اعلام کردند که هزینه ای که آلمان به خاطر پذیرش شمار بالای پناهجویان تاکنون متقبل شده بیش از ۱۰ میلیارد یورو بوده است. این رقم یعنی درست ۴ برابر رقمی که در سال گذشته میلادی آلمان هزینه کرده بود تا ۲۰۳ هزار پناهجو را بپذیرد. درخصوص چرایی پذیرش پناهجویان در داخل آلمان کارشناسان در این باره معتقدند علت اصلی موافقت برلین با پذیرش موجی از پناهجویان جدید سوری تلاش برای دمیدن خونی تازه به کالبد جامعه آلمانی است، چرا که این کشور هم اکنون با پیری مزمنی روبرو شده است.

در حال حاضر دولت آلمان یکی از نیرومندترین اقتصادهای اتحادیه اروپا را به دست دارد و میزان بیکاری در این کشور کم تر از حجم بیکاری در کشورهایی مانند اتریش، لوکزامبورگ و هلند است. در سال جاری میلادی میزان بیکاری کاهش یافته است، اما با این وجود گزارش های رسمی دولت آلمان حکایت از این دارند که در سال های آتی آلمان به یک و نیم میلیون نیروی کار نیاز دارد تا از این اقتصاد رو به رشد خود در بین کشورهای اتحادیه اروپا حمایت و محافظت کند.

همچنین آمار در آلمان نشان می دهد که شمار زاد و ولد در این کشور به پایین ترین سطح خود رسیده است. جمعیت آلمان در سال ۲۰۱۳ میلادی ۸۰ میلیون نفر بوده که در سال ۲۰۲۰ میلادی به کمتر از ۷۰ میلیون می رسد که دولت این کشور سعی دارد آن را با جذب پناهجویان جبران کند. مقایسه آمار کودکان و سالمندان

از موج گسترده ورود پناهجویان سوری نگران بوده و آینده قاره اروپا را در معرض خطر می دانند آنها همچنین معتقدند این موج آوارگان می تواند پیامدهایی برای آینده اروپا به همراه داشته باشد.

«ویکتور اوربان» نخست وزیر مجارستان چندی پیش درباره اوضاع پناهجویان و آوارگان سوری اظهار داشت که موج تازه ای از دوران مهاجرت به اروپا آغاز شده که باید با آن مقابله کرد.

در حال حاضر دولت آلمان خود را برای پناه دادن به ۸۰۰ هزار آواره و پناهجوی سوری آماده می کند. آمار نشان می دهد که این رقم تقریباً ۴ برابر عددی است که آلمان در سال گذشته از پناهجویان را پذیرفته است.

اگر بخواهیم به ادامه مواضع خارجی ها در قبال سیاست پناهجویپذیری آلمان بپردازیم باید بگوئیم که در پی توافق حاصله کشورهای اروپایی با ترکیه به عنوان یکی از مبادی ورودی پناهجویان به اروپا مبنی بر تشدید کنترل مرزهای خود این کشور درخواست هایی را مطرح و آن را به معامله ای پایا تشبیه کرد. معامله ای که در آن ترکیه موظف به کنترل مرزهای خود شد و در قبال آن اتحادیه اروپا تعهد داد تا روادید شهروندان ترکیه به اروپا را لغو کند. گرچه این امر تاکنون بصورت کامل تحقق پیدا نکرده؛ اما دو طرف با خط و نشان کشیدن برای یکدیگر بر اجرایی شدن آن اصرار دارند. اتریش از جمله مخالفان این توافق اعلام کرد که با لغو این توافق می توان از تک تک کشورهای اروپایی خواست تا خود به کنترل مرزها بپردازند تا این امر سبب باج دهی به ترک ها نشود. در حالی که آلمان ها نظری عکس آن دارند.

### آلمان، پناهجویان و سیاست داخلی

در بخش سیاست داخلی نیز شاهد چند صدایی در دولت آلمان هستیم. چندی پیش «انگلا مِرکل» صدر اعظم آلمان

چرایی پذیرش پناهجویان در آلمان به یکی از مباحث مهم در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده، در حالی که شماری از کشورهای اروپایی آن را مغایر با اصول امنیتی می دانند.

بحران در کشورهای منطقه تبعاتی در برداشت که از آن جمله می توان به خروج شهروندان هر کشور از زادگاه و محل سکونت خود اشاره کرد.

شمار زیادی از شهروندان چه زن و چه مرد برای تأمین امنیت جانی خود و خانواده شان گزینه خروج از کشور را به مانند تریج دادند. گروه های مختلف مقاصد مختلفی برای خود تعیین کردند که در این میان کشورهای اروپایی بیشتر مورد توجه واقع شده و در عین حال از میان آنها هم برخی مانند آلمان و اتریش برگزیده شدند. آلمان و اتریش به عنوان دو کشور همسایه، با زبانی واحد، سیاست و خط مشی نزدیک به هم مقصد شمار زیادی از پناهجویان شد. اتریش از ابتدا سیاست ملاحظه در پذیرش پناهجویان را در پیش گرفت و اعلام کرد که تنها در چارچوبی معین و تعدادی معلوم دست به پذیرش پناهجویان می زند.

اما آلمان از همان نخستین روزهای اوج عزیمت پناهجویان اعلام کرد که برلین درهای خود را به روی پناهجویان می گشاید، در حالی که همپیمانان آنها سیاست معلومی را در این باره تعیین و اعلام نکردند.

سوالی که در این خصوص به ذهن متبادر می شود این است که چرا آلمان اینگونه خود را مشتاق حضور پناهجویان می داند؟ اشتیاق پناه دادن به پناهجویان از سوی آلمان در حالی است که برخی از کشورهای اروپایی ورود خیل آوارگان را خطری برای امنیت مرزهای اروپایی قلمداد می کنند. نگرانی از اختلال در امور امنیتی اروپا موضوع پر اهمیتی است که دولتمردان نمی توانند به هیچ وجه از آن شانه خالی کنند، زیرا باید در این میان پاسخگوی فشار گروه های مردمی از یک طرف و احزاب سیاسی از سوی دیگر باشند.

### آلمان، پناهجویان و سیاست خارجی

با به راه افتادن موج ورود پناهجویان از مرزهای یونان، مجارستان و مقدونیه به خاک آلمان و اتریش دولت برلین اجرای توافق دویبلین را در خصوص دفتر مهاجرت و پناهجویان که مبنی بر بازگرداندن آوارگان که از کشورهای مبدأ وارد خاک این کشور می شوند را را کد گذاشت.

این در حالی است که در حال حاضر کشورهای همسایه آلمان از جمله مجارستان

«صادق ملکی» مطرح کرد

## حمله به جرابلس تلاش ترکیه برای برتری ژئوپولیتیک در منطقه است

پیمان یزدانی



منابع خبری از حملات زمینی و هوایی ارتش ترکیه به منطقه جرابلس در داخل خاک سوریه خبر داده اند. مقامات ترکیه با اذعان به ورود تانک ها و شمار زیادی نیروهای ویژه خود به خاک سوریه هدف از آن را مقابله با داعش و نیروهای کرد سوریه با هدف دور کردن تهدیدات امنیتی از مرزهای خود اعلام کرده اند.

در همین راستا «مولود چاوش اوغلو» وزیر خارجه ترکیه ضمن هشدار به نیروهای کرد سوریه از آنها خواست تا غرب رود فرات را ترک کنند و به سمت شرق این رودخانه برگردند تا هدف حملات نیروهای ترکیه قرار نگیرند و این در حالی است که نیروهای کرد سوریه در ماه های گذشته با حمایت های نیروهای آمریکا اقدام به گذشتن از رود فرات که خط قرمز ترکیه بوده است کرده بودند.

حمایت های آمریکا از نیروهای کرد سوریه موجب بروز تنش هایی در روابط آنکارا و واشنگتن شده بود که با کودتای نافرجام ۱۵ جولای انتقاد آنکارا از متحد قدیمی خود به اوج رسید.

در همین رابطه گفتگویی داشته ایم با «صادق ملکی» کارشناس ارشد مسائل ترکیه و منطقه که در زیر آمده است.

ملکی در این باره گفت: سفر ظریف به آنکارا، سفر چاوش اوغلو به تهران، سفر بایدن و بارزانی به آنکارا و مقامات ناتو و ارتش آمریکا به ترکیه همگی نشان می دهند که شرایط بحرانی منطقه به نقطه حساسی رسیده است. این موضوع ایجاب می نماید که تهران به دور از احساسات و قرار گرفتن در دام دیپلماسی های فریب آگانهانه اوضاع را تحلیل کند و در راستای منافع خود گام بردارد. ایران باید از هر گونه تغییر رفتار ایجابی ترکیه در سوریه و عراق استقبال کند اما نباید از این مسئله غافل شد که سیاست راهبردی داوود اوغلو با بنعلی ایلدیریم تفاوتی ندارد و فقط تاکتیک ها فرق کرده یکی سیاست خشن و سفت بکار می برد و یکی سیاست نرم.

**ترکیه سال گذشته نیز حاکمیت عراق را نقض کرد و توجهی به اعتراضات دولت عراق نکرد. اگر اینگونه رفتارها در منطقه تبدیل به یک عرف شود می تواند در هر جای دیگری هم تکرار شود و شرایط سختی را پیش روی منطقه قرار دهد!**

وی در خصوص هدف آنکارا از حمله به جرابلس گفت: هدف آنکارا در تهاجم به جرابلس بیش از آنکه داعش باشد کردهای سوریه هستند. ترکیه سیاست متناقضی را دنبال می کند از یک طرف در ماه عسل با بارزانی است و از طرفی دیگر کردهای سوریه را هدف قرار می دهد. همانگونه که تروریست خوب و بد نداریم نباید کرد خوب و بد هم داشته باشیم. نباید قومیت و مذهب دست آویزی برای بازی های پیچیده سیاسی باشد.

وی در ادامه گفت: بکارگیری سیاست های قومی و مذهبی

روس ها نیز رسیده است. این ورود و خروج می تواند تبعات وسیعتری از صرف مقابله با داعش و یا نیروهای کرد سوریه داشته باشد و حتی می تواند زمینه ساز طرح جدی تر ایجاد منطقه حائل شود. همچنین باید توجه داشت که بخش عمده ای از نیروهای شرکت کننده در این عملیات نیروهای موسوم به ارتش آزاد سوریه، ترکمن ها و اعراب هماهنگ با آنکارا هستند، لذا نتایج این عملیات بیش از هر کشوری تامین کننده منافع ترکیه خواهد بود.

ملکی همچنین با اشاره به ورود نظامی ترکیه به خاک سوریه بدون اجازه دولت دمشق گفت: این اقدام نقض حاکمیت سوریه است که باید سریع پایان پذیرد. ترکیه سال گذشته نیز حاکمیت عراق را نقض کرد و توجهی به اعتراضات دولت عراق نکرد. اگر اینگونه رفتارها در منطقه تبدیل به یک عرف شود می تواند در هر جای دیگری هم تکرار شود و شرایط سختی را پیش روی منطقه قرار دهد.

وی در تشریح علت دادن اجازه آمریکا به ترکیه برای ورود به خاک سوریه گفت: این اجازه حاصل بحران سازی ظاهری میان آنکارا و واشنگتن پس از کودتای نافرجام ۱۵ جولای است. آمریکا با دادن این اجازه قصد دارد تا حدودی از انتقادات علیه این کشور از سوی ترکیه بکاهد. این اجازه همچنین تا حدودی گرایش تاکتیکی آنکارا به مسکو و تهران را مجدداً به مقصد واشنگتن تنظیم خواهد کرد.

ملکی در ادامه با اشاره به مجوز آمریکا به ترکیه برای برخورد با کردهای سوریه که از خط قرمز ترکیه یعنی رود فرات با حمایت آمریکایی ها گذشته بودند، گفت: دقت داشته باشیم که آمریکایی ها از برگ کردها صرفاً برای تنظیم معادلات خود در رابطه با ترکیه، سوریه و عراق استفاده می کنند.

توسط ترکیه در سال های اخیر مهمترین عامل شرایط امروز خاورمیانه بوده است. ترکیه اگر صداقت داشته و در صدد است تا تغییر رفتار دهد باید سیاست های مبتنی بر قومیت و مذهب خود را کنار بگذارد. هدف اصلی عملیات «سپر فرات» کردهای سوریه هستند. از منظر آنکارا جرابلس نباید به نقطه اتصال عفین و کوبانی تبدیل شود.

وی در ادامه گفت: پیشروی آسان و راحت ترکیه در جرابلس در مقابله با داعش و مقاومت معارضین در حلب باید محل تعمق و سوال جدی بازیگران در صحنه سوریه باشد.

ملکی افزود: در اینکه در سوریه باید اصلاحات صورت گیرد تردیدی نیست اما تردید نسبت به کشورهای مداخله گر در سوریه وجود دارد. ترکیه با توسل به میناهای دموکراتیک اعتقاد دارد بشار اسد نمی تواند نماینده مردم سوریه باشد. اگر معیار ترکیه دموکراسی است پس چرا این مواضع را در قبال آل خلیفه در بحرین ندارد.

وی در ادامه تصریح کرد: ترکیه مانند آمریکا از ادبیات دموکراسی برای پنهان کردن اهداف ژئوپولیتیک خود در منطقه سوء استفاده می کند. دفاع ترکیه از تمامیت ارضی سوریه بیش از آنکه حاصل دغدغه های ترکیه درباره مردم سوریه باشد ناشی از دغدغه های آنکارا درباره تمامیت ارضی خودش است. اگر ترکیه به تمامیت ارضی کشورها پایبند است پس چگونه با وجود مخالفت های بغداد با بارزانی قرارداد نفتی ۵۰ ساله امضا می کند و از رئیس اقلیم در قامت یک رئیس دولت استقبال می کند.

این تحلیلگر مسائل منطقه در ادامه گفت: حمله ترکیه به جرابلس با هماهنگی و اجازه آمریکایی ها صورت گرفته است و با اشاره واشنگتن نیز پایان خواهد یافت، البته این عملیات به اطلاع





آسیا

دبیران: علی کاووسی نژاد  
بنفشه اسماعیلی



گفتگوی اختصاصی با مشاور ارشد رئیس جمهور افغانستان:

## اختلافات دولت وحدت ملی باعث تضعیف نیروهای امنیتی افغانستان می شود

مشاور ارشد رئیس جمهوری افغانستان بر این باور است که تنش ها بین محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله رئیس اجرایی دولت وحدت ملی باعث تضعیف روحیه سربازان کشور می شود.

ابوالحسن یاسر مشاور ارشد رئیس جمهوری افغانستان گفت که در شرایط کنونی تنش بین سران حکومتی به صلاح ملت و دولت نیست و باید هر چه زودتر سران حکومت به این تنش ها پایان دهند.

سرپرست حزب حرکت اسلامی در ادامه یادآور شد: به نمایندگی از حزب حرکت اسلامی از ریسان جمهوری و اجرایی می خواهیم که هر چه زودتر به این تنش ها پایان دهند.

حدود سه هفته پیش، عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی در روز جوانان انتقادهای تندی از محمد اشرف غنی رئیس جمهوری کرد.

آقای عبدالله گفته بود که در سه ماه گذشته سه بار موفق به دیدن رئیس جمهوری نشده است و کسی که حوصله گفتگو را نداشته باشد، شایسته ریاست جمهوری نیز نیست.

او انتقادهای تندی از رئیس جمهوری کرده و گفته بود که آقای غنی دست به انحصار طلبی زده است و همچنین اشاره کرده بود که با امضایش به کرسی ریاست جمهوری رسیده است.

محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری، دو روز بعد از انتقادهای عبدالله عبدالله، در روز افتتاح پارلمان جوانان به صورت تلویحی جواب رئیس اجرایی را داده بود.

اشرف غنی گفته بود که کسانی مرا متهم به انحصار گرایی می کند که منافع شان در فساد اداری را در خطر می بینند. وی بدون اینکه از شخصی نام ببرد، گفته بود که من با رای مردم به ریاست جمهوری رسیده ام.

سخنرانی های همراه با اتهام بین رئیس اجرایی و جمهوری یک هفته طول کشید و سرانجام دو هفته پیش اولین نشست شان برگزار شد.

دومین نشست رئیس اجرایی و رئیس جمهوری در ارگ برگزار شد.

هر چند اطلاعات موثقی از گفت وگوهای این نشست به بیرون درز نکرد و فقط گفته شد که نشست در فضای «صمیمانه ای» برگزار شد اما گفته می شود که آقای عبدالله تاکید بر اجرایی شدن توافقنامه سیاسی حکومت وحدت ملی دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهوری در امور نظامی نیز در ادامه این گفتگو تصریح کرد: اگر توافقنامه سیاسی حکومت وحدت ملی اجرایی نشود، حکومت به سوی آینده بدی خواهد رفت.

از سوی دیگر، شماری از احزاب سیاسی اپوزسیون دولت نیز در تلاش هستند تا با پایان رسیدن عمر حکومت وحدت ملی در ماه شهریور سال جاری لویه جرگه اضطراری تشکیل شود تا تصمیم جدیدی اتخاذ شود.

یاسر بر این باور است که احزاب منتقد دولت در تلاش سقوط حکومت نیستند بلکه می خواهند در قدرت سهیم شوند.

## کارشناس مسائل نظامی افغانستان: اختلاف در دولت وحدت ملی افغانستان باعث تقویت طالبان شده است



کارشناس مسائل نظامی افغانستان بر این باور است که اختلاف در دولت وحدت ملی افغانستان باعث تقویت نیروهای طالبان در این کشور شده است.

ژنرال عتیق الله امرخیل در گفتگو با خبرنگار مهر ضمن اشاره به اختلافات در دولت وحدت ملی گفت که دوگانگی و اختلافات موجود در دولت وحدت ملی باعث شده نیروهای امنیتی روحیه شان تضعیف شوند و توان مقابله با دشمن را نداشته باشند.

این کارشناس مسائل نظامی بر این باور است: نیروهای امنیتی افغانستان وقتی که می بینند و یا از طریق اخبار می شوند که بین سران حکومت تنش های زیادی وجود دارد، آنان نیز مبارزه خود را بی دلیل می بینند و سنگر را رها می کنند.

وی افزود: نیروهای امنیتی افغانستان از نظر داشتن سلاح و مهمات در سطح خوبی قرار دارند ولی نبود یک مدیریت سالم باعث شکست های پی در پی نیروهای امنیتی کشور شده است.

این کارشناس نظامی افغانستان در ادامه یادآور شد: اما سربازان و نیروهای نظامی کشور نبود امکانات جنگی، مهمات و غذا را علت اصلی شکست نیروهای امنیتی کشور می دانند. فرمانده یک پاسگاه پلیس، روز گذشته بعد از سقوط ولسوالی خان آباد کتدز گفت که نیروهای ما چند روز در مقابل شورشیان طالبان مقابله کردند اما به دلیل نرسیدن مهمات و غذا مجبور به ترک سنگر و عقب نشینی شدند.

وی افزود که مقامات ارشد حکومتی به جبهه های جنگ توجه نمی کنند و وقتی که چند پاسگاه و ولسوالی سقوط کرد به فکر پس گیری می افتند.

### سقوط ولسوالی ها و تجهیز طالبان

عتیق الله امرخیل می گوید که بعد از سقوط هر پاسگاه و ولسوالی نیروهای طالبان به صورت کافی تجهیز می شوند و دوباره پاسگاه های تصرف شده را ترک می کنند.

وی می افزاید که این اقدام باعث می شود که شورشیان طالبان از نظر تجهیزات، علاوه بر کمک های پاکستان به سلاح های پیشرفته نیروهای امنیتی نیز دست می یابند.

گفتنی است که بعد از سقوط ولسوالی خان آباد در ولایت قندوز، عکس هایی در صفحه های شبکه های اجتماعی منتشر شد که طالبان را با وسایل زرهی دولتی نشان می داد.

امرخیل نیز گفت که بعد از سقوط ولسوالی خان آباد، چندین تانک و وسیله زرهی و مقداری مهمات به دست طالبان افتاده است.

### پاکستان و مدیریت طالبان

امرخیل معتقد است که دولت پاکستان علاوه بر پشتیبانی طالبان، بین آنان چندین رهبر برگزیده است که اگر گروهی سرکشی کرد، گروه دیگر را در مقابل او قرار دهد.

به گفته وی، منافع پاکستان در ناامنی افغانستان است و هیچ وقت نمی خواهد کشور ما آرام شود.

معاون مجلس وحدت المسلمین پاکستان:

# عربستان انتقام شکست‌های خود را از شیعیان کشورهای تحت سلطه می‌گیرد

علی کاوسی نژاد



نشست مسائل شبه قاره و جهان اسلام با حضور حجت السلام و المسلمین دکتر «سید شفقت حسین شیرازی» معاون بین الملل دبیر کل مجلس وحدت المسلمین پاکستان در محل خبرگزاری مهر برگزار شد. در بخش دوم این نشست نقش آل سعود در شهادت «شیخ نمر باقر النمر» و نیز دستگیری و زندانی شدن «شیخ زکزاکی» در نیجریه و «شیخ عیسی قاسم» در بحرین همچنین موضوع سهل انگاری دولت آل سعود در برگزاری مراسم حج و مرگ حجاج کشورهای مسلمان در این کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که در ادامه می‌آید.

## || عربستان سعودی چه نقشی در حمله نیروهای امنیتی نیجریه به «شیخ زکزاکی» در نیجریه ایفا کرده است؟

عربستان سعودی چون موقعیت خود را در لبنان، عراق، سوریه و یمن از دست داده در تلاش است با دادن پول به کشورهای فقیر سیاست‌ها و خواسته‌های خود را در آنجا پیش ببرد. سعودیها با استفاده از نفوذ خود در نیجریه استفاده کردند و یک نهضت مردمی که یک روحانی مبارز شیعی آنرا رهبری می‌کرد را به شدت سرکوب کردند.

دلیل سرکوبی نهضت آزادی در نیجریه این بود که رهبر این نهضت مردمی یک روحانی مبارز شیعی بود و مقامات سعودی در تلاش بودند که اجازه ندهند یک نهضت آزادی خواه به رهبری یک روحانی شیعی در نیجریه شکل بگیرد.

در واقع سعودیها با نفوذ خود در نیجریه و اقدام علیه «شیخ زکزاکی» در تلاش بودند انتقام شکست‌های خود در عراق، سوریه، بحرین و یمن را از رهبران برجسته شیعه در کشورهای جهان بگیرند و می‌توان گفت سرکوب نهضت «شیخ زکزاکی» و پیروان وی در نیجریه انتقام شکست‌های آل سعود در کشورهای عربی است.

## || زندانی کردن «شیخ عیسی قاسم» در بحرین و شهادت مظلومانه «شیخ نمر» در عربستان سعودی با چه انگیزه‌هایی صورت گرفته است؟

«شیخ عیسی قاسم» از جمله کسانی است که هنگام تشکیل کشور بحرین طرح قانون اساسی این کشور را امضا کرده است. اجداد و بزرگان شیخ عیسی طی قرنهای متمادی در این منطقه ساکن بوده‌اند و تاریخ گواه این موضوع است که حاکمان وقت بحرین از عربستان هجرت کرده و در بحرین مستقر شده‌اند. با استفاده از نفوذ عربستان سعودی و قدرت نظامی و درباری انگلیس و آمریکا خاندان آل خلیفه در این منطقه به قدرت زیادی دست یافته‌اند.

از سویی دیگر، نیروهای تکفیری و افراطی از کشورهای دیگر برای سرکوب مردم بحرین به جمع نیروهای امنیتی و پلیس این کشور ملحق شده‌اند و مردم را مورد ظلم و ستم خود قرار می‌دهند. مردم بحرین از حقوق اولیه خود محروم مانده‌اند و ۸۵ درصد مردم

## منا گشسته و زخمی شدند اما عربستان سعودی پس از این حوادث از مسلمانان عذرخواهی نکرد آیا عربستان سعودی صلاحیت برگزاری مراسم حج را دارد؟

عربستان سعودی در برگزاری مراسم حج سیاست مناسبی ندارد. دولت آل سعود از حجاج و زائران خانه خدا اخذ مالیات می‌کند اما در مقابل وسایل و امکانات در خور شانی در اختیار حجاج خانه خدا قرار نمی‌دهد. آنها از فریضه حج سوء استفاده می‌کنند و حج منبع درآمدی برای دولت سعودی شده است.

علاوه بر اخذ مالیات دولت سعودی و کسب در آمد از محل صدور روادید برای حجاج خانه خدا، هتلها و بازارهای عربستان سعودی از زائرین خانه خدا کسب درآمد می‌کنند. سعودیها درآمد سالیانه زیادی از راه برگزاری مراسم حج در طول دو ماه بدست می‌آورند. این حوادث و رویدادها منحصر به سال گذشته نیست بلکه در سالهای پیش از این نیز شاهد چنین حوادثی بوده ایم. آل سعود اهلیت و صلاحیت برگزاری مراسم حج را ندارد و در برگزاری این مراسم ناکام مانده است. آنها لیاقت آنرا ندارند که برگزار کننده و بانی چنین مراسم بزرگی در دنیای اسلام باشند.

زمانی دولت آل سعود با خطری مواجه می‌شود از تمام کشورهای مسلمان در خواست تشکیل ائتلاف ضد تروریسم می‌کند اما برای برگزاری بزرگترین فریضه مسلمانان از هیچ کشوری تقاضای کمک نمی‌کند و آنرا در انحصار خود می‌گیرد. عربستان می‌تواند از سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب تقاضا کند در برگزاری مراسم حج به این کشور کمک کنند و مراسم به نحو بهتری برگزار شود.

علاوه بر این در تمام جنگ‌های منطقه عربستان سعودی دخالت دارد و میلیاردها دلار تسلیحات نظامی از آمریکا و رژیم اسرائیل خریداری می‌کند، حتی حقوق ماهیانه تروریست‌ها در منطقه را عربستان سعودی پرداخت می‌کند. عربستان در تمام درگیری‌ها و بحرانهای موجود در منطقه خاورمیانه نقش اساسی دارد.

نمی‌توانند از فرصت‌های شغلی دولتی استفاده کنند. همچنین نمی‌توانند از بورسیه تحصیلی نیز بهره‌مند شوند. به اتباع کشورهای دیگر حق شهروندی اعطا می‌شود و در مقابل از شهروندان بحرینی سلب تابعیت می‌شود.

علاوه بر شیخ عیسی قاسم صدها هزار نفر نیز از حقوق اولیه خود محروم مانده‌اند و این اقدامات برای نابود کردن نهضت آزادی در این کشور است. اما علمای بحرینی اجازه نخواهند داد نهضت بیداری در بحرین رو به خاموشی نهد و در این زمینه اقدامات مناسبی انجام خواهند داد. آیت الله عیسی قاسم مرجعیت شیعی در بحرین محسوب می‌شود و ظلم بر علیه وی موقعیت عربستان سعودی را در جهان اسلام به خطر خواهد انداخت.

آیت الله «شیخ نمر» روحانی مبارزه شیعی نیز در راه مبارزه برای آزادی دینی و مذهبی به شهادت رسید. وی بر این باور بود که در عربستان سعودی شیعیان از حقوق شهروندی محروم مانده‌اند و توجه چندانی به این قشر نمی‌شود. شیخ نمر از تعصب و ظلم و ستم سعودیها به تنگ آمده بود و نگران از دست دادن جان خود نبود و ندای آزادی خود را بر علیه آل سعود سر داد.

گناه شیخ نمر این بود که وی خواستار برقراری عدل و عدالت بود و ندای آزادی و رهایی سر داد. ظلم بدتر اینکه چنان بی‌عدالتی و ظلمی در حق کسی انجام شد که مردم جرات خارج شدن از خانه‌ها و انجام تظاهرات را نداشتند.

اگر مردم تجمع اعتراض آمیزی نیز انجام داده باشند آل سعود اجازه انعکاس آن خبرها را در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی نداد و سازمانها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری نیز در این مورد بی‌بانی‌ه‌ای صادر نکردند. تمام نهادهای بین‌المللی حتی حقوق بشر سازمان ملل در مقابل رای دادگاه آل سعود عکس‌العملی از خود نشان ندادند و اعدام شیخ نمر را محکوم نکردند.

## || تعداد زیادی از حجاج خانه خدا سال گذشته در اثر سقوط جرقه‌ها در مکه و حادثه

## روابط استراتژیک آمریکا و هند / کنترل روابط پکن - اسلام آباد

علی کاوسی نژاد



واشنگتن در تلاش است از طریق توسعه همکاری های استراتژیک خود با دهلی نو سدی در راه افزایش نفوذ چین در منطقه بوجود آورد.

سفر «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا به دهلی نو و شرکت وی در نشست تجاری - استراتژیک دو کشور با حضور «سوشما سواراج» وزیر امور خارجه هند، اذهنان را به سمت این موضوع سوق می دهد که واشنگتن پس از سفر باراک اوباما در سال ۱۳۹۳ گرایش بسیار شدیدی به سمت دهلی نو داشته است و همکاری های تجاری، اقتصادی و نظامی دو کشور وارد مرحله تازه ای شده است. این همکاری های از آن زمان قدرت بیشتری به خود گرفته است که باراک اوباما در سفر خود به دهلی نو ارتباط آمریکا و هند را ارتباط قرن نامید.

اوباما بخوبی به این موضوع پی برده است که هند تنها کشوری است که می تواند رشد فزاینده تجاری و اقتصادی چین در قاره آسیا را کنترل نماید و بدین ترتیب دست چین را از بازارهای جهانی کوتاه نماید. سیاست های واشنگتن به نوعی حاکمیت اقتصادی چین بر جامعه جهانی را بر نمی تابد.

واشنگتن با نزدیکی خود به دهلی نو از طرفی می تواند نفوذ روسیه را در این کشور به حداقل ممکن برساند. روسیه از جمله کشور های است که از زمان شوروی سابق با هند همکاری های استراتژیکی دارد و هند بیشترین تسلیحات نظامی خود را از روسیه و رژیم اسرائیل تامین می کند. واشنگتن که از نزدیکی روابط دهلی نو - مسکو بیمناک است در برنامه ای حساب شده تصمیم به رقابت با دو ابر قدرت شرق و غرب در منطقه گرفته است.

مقامات واشنگتن هند را شریکی مهم و حیاتی برای آمریکا می دانند و در صدد هستند علاوه بر افزایش سطح همکاری های استراتژیک و تجاری با این کشور، نبض اقتصادی منطقه را در دست خود نگه دارند و از نفوذ هر چه بیشتر چین جلوگیری کنند. چین از دو جهت می تواند ابر قدرت جهانی را تحت فشار قرار دهد، یکی جنبه اقتصادی و دیگری جنبه نظامی. اما در حال حاضر چین خود را از درگیری های نظامی و منطقه ای دور نگه داشته است و تمام توان خود را معطوف به افزایش توان اقتصادی کرده است.

در این میان پاکستان از شرکای اقتصادی و منطقه ای پکن به شمار می رود که نه تنها حمایت بی چون و چرای پکن را در کنار خود دارد بلکه با ایجاد پروژه

کریدور اقتصادی کاشغر - گوادر به طول بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر، می تواند تولیدات و کالاهای تجاری خود را از طریق بندر گوادر در پاکستان به کشورهای آسیای میانه ترانزیت کند و از آنجا به کشورهای اروپایی صادر کند.

در این میان تامین امنیت کریدور اقتصادی کاشغر - گوادر بسیار مهم است. پاکستان که به قدرت نظامی ارتش خود اعتماد بیشتری دارد در صدد است با استفاده از یگانهای نظامی ارتش خود و صورت لزوم با استفاده از نیروی نظامی و آموزش دیده چین امنیت دهلیز اقتصادی خود را به نحو بهتری تامین نماید. در این میان نمی توان قدرت گروه طالبان و گروه های تروریستی موجود در پاکستان و افغانستان را نادیده گرفت. چین برای مهار قدرت این گروه ها نیز تدابیری اندیشه است که از آن جمله می توان به حضور چین در مذاکرات چهار جانبه مقدماتی صلح افغانستان اشاره کرد. چین نیز در این میان ارتباط خود را با گروه طالبان به نحوی سازمان دهی کرده است و در ماه گذشته هیئتی از طالبان افغانستان به پکن سفر کرده و خواستار همکاری چین برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان شده است.

در این میان می توان گفت که چین ارتباط خود را با گروه طالبان افزایش داده است و در صورت لزوم می تواند از قدرت طالبان بر علیه نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان حداکثر سود را ببرد، چون آمریکا در آبهای مورد مناقشه چین با کشورهای همسایه مداخله نظامی خود را افزایش داده است و از سویی بر سر ایجاد کریدور اقتصادی چین و پاکستان ممانعت هایی بوجود آورده است تا بلکه بتواند دست چین را از آسیای میانه قطع نماید. هند در ماه های گذشته به دولت چین هشدار داده است که عبور کریدور اقتصادی از منطقه کشمیر در پاکستان غیر قانونی است و این منطقه در حقیقت جزو خاک هند به شمار می رود. بهتر است بدانیم که سیاست هند با آمریکا در سالهای اخیر بیشتر هماهنگ شده

است و واشنگتن از عضویت هند در گروه تامین کنندگان هسته ای «ان سی جی» حمایت می کند. در مقابل کشورهایی چون ترکیه، چین و آفریقای جنوبی مخالف به عضویت درآمدن هند در گروه تامین کنندگان هسته ای هستند. دلیل اصلی این مخالفت این است که با این عمل توازن نظامی و هسته ای در منطقه جنوب آسیا دچار اختلال می شود و امکان جنگ هسته ای در شبه قاره قوت بیشتری به خود می گیرد و از تلاش های اخیر جان کری برای نزدیکی به هند شدت و حدت بیشتری به خود گرفته است تا جایی که دولت آمریکا از به عضویت در آمدن هند در گروه تامین کنندگان هسته ای حمایت می کند، اما در مقابل روی خوشی به پاکستان نشان نمی دهد و کنگره آمریکا با طرح فروش و واگذاری هشت جنگنده «F۱۶» به پاکستان مخالفت کرده است و کمک های مالی و نظامی خود به اسلام آباد را به حالت تعلیق در آورده است. دلیل این همه مخالفت از آنجا نشأت می گیرد که در اواسط ماه ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی در یک حمله تروریستی به پایگاه هوایی «پتان کوت» در ایالت پنجاب هند تعدادی از نیروهای امنیتی هند کشته شدند و دولت هند مدعی شد که گروه تروریستی «جیش محمد» پاکستان به سرکردگی «مولانا مسعود اظهر» در این حمله تروریستی دست داشته است.

از سویی دیگر حملات گروه تروریستی شبکه حقانی وابسته به طالبان پاکستان به مراکز نظامی و غیر نظامی در پاکستان و افغانستان افزایش یافته است تا جایی که در حمله شبکه تروریستی حقانی به اداره حفاظت از رجال سیاسی افغانستان در کابل تعداد زیادی از نیروهای نظامی و غیر نظامی کشته و زخمی شدند که این خود واکنش شدید «اشرف غنی» رئیس جمهور افغانستان را به دنبال داشت و به دولت پاکستان اعلام کرد اگر با گروه های تروریستی از جمله شبکه حقانی برخورد لازم نشود کابل از اسلام آباد به سازمان ملل شکایت خواهد کرد.

پس از اظهارات اشرف غنی واشنگتن نیز به پاکستان اخطار داد در صورت ادامه حملات تروریستی شبکه حقانی کمک های مالی و نظامی واشنگتن به پاکستان برای مبارزه با تروریسم در این کشور را به حالت تعلیق در خواهد آورد.

به نظر می رسد شکافی بزرگ در روابط اسلام آباد - واشنگتن به وجود آمده است و آمریکا تمایلی برای ادامه همکاری های نظامی و استراتژیک خود با پاکستان را ندارد، تا جایی که جان کری در سفر خود به هند اعلام کرد نشست سه جانبه هند، آمریکا و افغانستان در اجلاس پیش روی سازمان ملل در نیویورک برگزار شد.

کری در اظهارات خود از حضور پاکستان در این مذاکرات نامی نبرده است و اعلام داشته است اسلام آباد باید مانند دیگر کشورها با پدیده تروریسم مبارزه کند و عدم حضور پاکستان در مذاکرات نیویورک می تواند به این معنی باشد که اعتماد آمریکا به شریک منطقه ای خود یعنی پاکستان سلب شده است و امیدی به ترمیم این روابط در کوتاه مدت نیست. ما در آینده نزدیک شاهد دو نوع اتحاد منطقه ای خواهیم بود که در یک راس آن آمریکا، هند و افغانستان و در راس دیگر چین، ترکیه و پاکستان حضور دارند. در این میان روسیه تلاش خواهد داشت که ارتباط بیشتری با هند به جهت وجود همکاری های استراتژیک بین دو کشور داشته باشد و از سویی در سطحی کمتر ارتباطاتی اقتصادی با پاکستان داشته باشد. اتحاد چین و پاکستان منجر به ایجاد کریدور اقتصادی کاشغر - گوادر در آینده خواهد شد که از سویی به بندر چابهار در ایران منتهی می شود و امکان همکاری همزمان جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضوی بی طرف در این میان با هند و پاکستان وجود دارد.

عضویت هند در گروه تامین کنندگان هسته ای در حال حاضر موضوعی است که واشنگتن بر روی آن تمرکز کرده است و در دستور کار دولت اوباما قرار گرفته است. اما باید به این نکته مهم نیز توجه داشت بدون موافقت چین در این میان عضویت هند در گروه «ان سی جی» مهیم به نظر می رسد و می توان گفت هند و پاکستان باید ابتدا معاهده منع گسترش سلاح های کشتار جمعی «ان پی تی» را امضا کنند و پس از آن می توانند به عضویت گروه مذکور در آیند. و از سویی تمایل واشنگتن برای کنترل چین و پاکستان در منطقه از طریق همکاری نزدیک با هند رشد بیشتری داشته باشد.

## رئیس بنیاد انتخابات آزاد افغانستان؛

# اجرای سیستم تک کرسی در انتخابات افغانستان چالش زا خواهد بود



در مجلس نیز مناقشاتی بر سر گرفتن بودجه برای یک ولایت به وجود آمد ولی در صورت انتخابات ولایتی همه نمایندگان یک ولایت تلاش برای ولایتی واحد می کنند و تنش های درون مجلسی کمتر می شود. او همچنین افزود که بافت های قومی و مذهبی در کشور بسیار پیچیده است و به سادگی نمی توان حوزه های انتخاباتی را مشخص کرد که این مشکل نیز بر مزیت سیستم تک کرسی غلبه می کند. نبود سرشماری دقیق، مشخص نبودن حوزه های انتخاباتی، مناقشات قومی و جغرافیایی از دیگر عواملی است که به باور رحیمی مانع برگزاری انتخابات به روش تک کرسی می شود. وی بار دیگر تأکید کرد که در شرایط فعلی راحت ترین راه برگزاری انتخابات به شکل ولایتی است. گفتنی است که در سیستم انتخابات تک کرسی، زنان در سطح ولایت رقابت می کنند ولی مردان به حوزه های انتخاباتی مشخص در یک ولایت تقسیم می شوند.

کرسی را نداشت، بعد باید مواد این قانون را تعدیل کند. گفتنی است که تاکنون کمیته تدوین قانون انتخابات طرح های مختلفی را به کابینه پیشنهاد کرده و دو بار در جلسات کابینه نیز مورد بحث قرار گرفته است اما هنوز هم متن پیش نویس نهایی و کامل و آماده امضاء نشده است. پیش از این نیز، سرور دانش معاون ریاست جمهوری نیز به شیوه تک کرسی شدن انتخابات اعتراض کرده و گفته بود که این روش علاوه بر داشتن مزایا در شرایط فعلی ممکن نیست. دانش دلیل تأخیر و امضا نشدن این پیش نویس را مشخص نشدن حوزه های انتخاباتی و برخی دیگر از مسایل مهم انتخابات مجلس عنوان کرده است. دکتر سردار محمد رحیمی نیز در گفتگو با خبرنگار مهر گفت که سیستم تک کرسی کمک می کند که بخش های زیادی از کشور افغانستان در مجلس نماینده داشته باشند و در تصمیم گیری شرکت کنند اما برگزاری این نوع انتخابات ناممکن است. رحیمی همچنین افزود که با تک کرسی کردن انتخابات، رابطه نماینده با مردم نزدیک می شود و نمایندگان نیز می توانند راحت تر از مشکلات موکلین خود آگاهی پیدا کنند. رحیمی با توجه به این مزایا اما بر این باور است که سیستم تک کرسی باعث می شود که بین نمایندگان

رئیس بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان گفت: در شرایط کنونی تطبیق سیستم تک کرسی در انتخابات افغانستان ممکن نیست و در صورت اجرا انتخابات را چالش زا می کند. «جان داد سپین غر» رئیس بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (ایوا) در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: در شرایط کنونی تطبیق سیستم تک کرسی در انتخابات افغانستان ممکن نیست و در صورت برگزاری انتخابات را چالش زا می کند. وی افزود: به طور نمونه ولایت هایی که قرار است، دو نماینده در مجلس داشته باشند، یک نماینده آن باید زنان باشند و یک نماینده دیگر را نمی توان به حوزه ای مشخص تقسیم کرد. وی همچنین تأکید کرد: از سوی دیگر ممکن نیست، نامزدان تازه وارد در مقابل نامزدانی که چند دوره در مجلس بوده اند در سطح یک حوزه انتخاباتی کوچک برنده شود. رئیس بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان می گوید در شرایط کنونی برای امضای زودتر پیش نویس قانون و برگزاری انتخابات مجلس باید روی این معایب تمرکز نکنیم ولی باید دست کمیسیون مستقل انتخابات را برای تعدیل قانون باز گذاشت. او می گوید که اگر کمیسیون توانایی برگزاری انتخابات تک

## عضو برجسته حزب اسلامی افغانستان:

# توافق صلح حزب اسلامی افغانستان با دولت به زودی اعلام می شود

او افزود که خروج نیروهای خارجی از کشور جزء اهداف حزب اسلامی است ولی این کار با توجه به تفاهم و پیشرفت کشور باید صورت بگیرد. او گفت: ما در صدد هستیم، با مصالحه، زمینه خروج خارجی ها از کشور را مهیا کنیم. لازم به ذکر است که این عضو حزب اسلامی از رسیدن به توافق نهایی بسیار خوشبین است. بر اساس گفته های وی، قرار بوده است که توافق نهایی ابتدای هفته جاری صورت بگیرد ولی سفر رئیس جمهور افغانستان و مشاور امنیت ملی وی به ازبکستان به دلیل مرگ اسلام کریم اف رئیس جمهوری آن کشور، گفتگوها به تعویق افتاد. حزب اسلامی طی بیش از ۱۵ سال اخیر همواره با حکومت در جنگ بود و بارها به مواضع نیروهای خارجی در نقاط مختلف کشور حمله کرده بود.



این عضو بلند پایه حزب اسلامی همچنین گفت: آرزوی همه عدالت خواهان و مجاهدان خروج نیروهای خارجی از کشورشان است اما این جزء پیش شرط های حزب اسلامی نبوده است.

در حکومت است. بر اساس گزارش ها، قبل از این، پیش شرط های مطرح شده، مورد قبول سران حکومت وحدت ملی قرار نگرفت و به این دلیل توافقنامه نهایی نشد.

عضو برجسته حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار از توافق حزب متبوع خود با دولت افغانستان خبر داد و اعلام کرد این توافق به زودی اعلام رسانه ای می شود. یکی از اعضای سیاسی حزب اسلامی افغانستان که خواست نامش فاش نشود، در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: حزب اسلامی افغانستان همچنان بر خواسته های خود پابرجاست و تأکید بر این خواسته ها دارد. این عضو بلند پایه حزب اسلامی از خواسته ای مشخص نام نبرد و گفت به محض نهایی شدن گفتگوها با شورای عالی صلح متن توافقنامه رسانه ای خواهد شد. قبل از این سندی به نقل از محمد خان، معاون ریاست اجرایی و از اعضای حزب اسلامی منتشر شده بود که در آن آمده بود که از پیش شرط های اصلی حزب اسلامی، خروج نیروهای خارجی از کشور و سهم دادن به اعضای حزب

## گسترش مناسبات هند و افغانستان / چرا روابط اسلام آباد و کابل تیره شد

علی کاوسی نژاد



افزایش و توسعه مناسبات هند و افغانستان باعث نگرانی دولت اسلام آباد و تیرگی در روابط سیاسی و تجاری افغانستان و پاکستان شده است.

با سفر اشرف غنی؛ رئیس جمهور افغانستان به دهلی نو فصل تازه ای در روابط و افزایش مناسبات دو کشور بوجود آمده است و این خود نشان از آن دارد که دولت «نارندرا مودی» نخست وزیر هند تمایل بسیار زیادی در افزایش روابط سیاسی، تجاری، اقتصادی با دولت کابل از خود نشان می دهد و این باعث بروز تشویش و نگرانی دولت اسلام آباد شده است تا جایی که در یک سال گذشته شاهد تغییر و تحولاتی جدی در روابط افغانستان و پاکستان و تیرگی در مناسبات سیاسی و تجاری دو کشور بوده ایم.

«نارندرا مودی» نخست وزیر هند تمایل بسیار زیادی در افزایش روابط سیاسی، تجاری، اقتصادی با دولت کابل از خود نشان می دهد و این خود باعث بروز تشویش و نگرانی دولت اسلام آباد شده است

هند در گذشته نیز روابط نزدیکی با افغانستان داشته و یکی از حامیان مالی و اقتصادی افغانستان در سطح منطقه ای به شمار می رود. از جمله اقدامات دولت هند برای پیشرفت و توسعه افغانستان در بخش زیر ساخت ها می توان به احداث جاده ها، مدارس، ساختمان جدید پارلمان افغانستان و ساخت سد «سلما» موسوم به «سد دوستی هند و افغانستان» اشاره کرد.

همکاری های هند با دولت افغانستان تنها به بخش زیر ساخت ها منحصر نمی شود بلکه در بخش نظامی نیز هند تلاش کرده است با در اختیار گذاشتن بلگردهای نظامی به وزارت دفاع افغانستان نیروهای امنیتی این کشور را در مقابل مخالفان مسلح از جمله گروه طالبان و گروه تروریستی تکفیری داعش تجهیز و مسلح نماید. همگرایی در روابط دهلی نو و کابل می تواند دلایل مختلفی و متنوعی داشته باشد که از آن جمله می توان به محدود کردن فعالیت های گروه های تروریستی به ویژه گروه تروریستی داعش و گروه طالبان پاکستان اشاره داشت. این گروه های تروریستی می توانند در آینده ای نزدیک امنیت افغانستان و به تبع آن امنیت هند را با خطری جدی مواجه کنند.

در روزهای اخیر گزارشهایی مبنی بر عضویت ۲۹ تن از شهروندان هندی در گروه تروریستی داعش در افغانستان منتشر شده و نگرانی های مقامات هندی را در خصوص پیوستن جوانان این کشور به گروه های تروریستی تکفیری افزایش داده است.

هند می تواند از طریق افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی خود با افغانستان دولت اسلام آباد را تحت فشاری مضاعف برای مبارزه با گروه های تروریستی از جمله گروه تروریستی «جیش محمد» و شبکه تروریستی حقانی قرار دهد. گروه هایی که در گذشته امنیت هند را با خطراتی جدی مواجه کرده اند و نمونه بارز آن حملات تروریستی به شهر بمبئی در سال ۲۰۱۰ و در سال گذشته میلادی حمله به پایگاه هوایی «پتان کوت» در ایالت پنجاب بود که در این حمله ۸ تن از نیروهای امنیتی هند کشته شدند و دولت هند اعلام کرد این تروریست ها با گروه تروریستی جیش محمد در پاکستان تماس تلفنی

با مهاجران افغانستانی تغییراتی بوجود آورد و با اتخاذ رویکردی جدید به آنها اجازه داد تا مارس سال ۲۰۱۷ میلادی در پاکستان اقامت داشته باشند و تمهیدات لازم برای بازگرداندن این مهاجران با حفظ عزت و احترام به آنها اندیشیده شود.

از سویی دیگر تجار و بازرگانان افغانستانی از طریق گذرگاه مرزی «واهگه» در پاکستان کالاهای و محصولات زراعی خود را هند صادر می کنند. در این میان دولت پاکستان در اقدامی شتابزده مرز واهگه را بر روی بازرگانان افغانستانی بست و آنها متحمل خسارات فراوانی در این مرز شدند. اما در این میان اشرف غنی در تماس و رایزنی با مقامات دهلی نو ترتیبی اتخاذ کرد تا تجار افغانستانی بتوانند از راه هوایی و بدون پرداخت هزینه گمرکی کالاهای خود را به هند صادر کنند.

در این میان هند نتوانست گندم مورد نیاز افغانستان را از طریق خاک پاکستان به این کشور صادر نماید و این خود اشتباهی دیگر است که دولت پاکستان در قبال همسایگان خود اتخاذ نموده است و این احتمال می رود پاکستان در آینده به انزوای سیاسی و اقتصادی فرو رود. اشرف غنی در تماس و رایزنی با مقامات دهلی نو ترتیبی اتخاذ کرد تا تجار افغانستانی بتوانند از راه هوایی و بدون پرداخت هزینه گمرکی کالاهای خود را به هند صادر کنند.

دولت پاکستان تنها به بستن مرز واهگه بسنده نکرد و در اقدامی دیگر گذرگاه مرزی خود در منطقه «چمن» را به دلیل تیراندازی نیروهای امنیتی افغانستان و نیز به آتش کشیده شدن پرچم این کشور در ماه آگوست همزمان با سالگرد استقلال پاکستان به روی کامیون های حامل بار بازرگانان افغانستانی بست تا تمام روابط تجاری خود با افغانستان را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق در آورد.

دولت افغانستان نیز در اقدامی تلافی جویانه به کامیون های حامل بار بازرگانان پاکستانی اجازه تردد از طریق خاک افغانستان به کشورهای آسیای میانه را نداد و بدین ترتیب مناسبات تجاری و اقتصادی دو کشور رو به تیرگی کامل گذاشته است.

با نهایه شدن توافقنامه بندر چابهار با حضور سران

داشته اند.

نارندرا مودی در دیدار خود با رئیس جمهور افغانستان از کمک یک میلیاردی بلاعوض به این کشور خبر داده است و در مجموع سه تفاهم نامه همکاری مشترک به امضای مقامات دو کشور رسیده است.

این روزها اشرف غنی در راس یک هیئت عالی رتبه دولتی به دهلی نو سفر کرده است. نارندرا مودی در دیدار خود با رئیس جمهور افغانستان از کمک یک میلیاردی بلاعوض به این کشور خبر داده و در مجموع سه تفاهم نامه همکاری مشترک به امضای مقامات دو کشور رسیده است.

وزارت آموزش عالی هند نیز اعلام کرده است برای دانشجویان افغانستانی علاقه مند به تحصیل در این کشور بورسیه های تحصیلی در نظر گرفته است. این اقدام پس از آن صورت گرفت که دولت اسلام آباد چندی پیش اعلام کرده بود برای دانشجویان افغانستانی بورسیه تحصیلی در نظر گرفته است.

به نظر می رسد دولت هند و اسلام آباد رقابتی تنگاتنگ در حمایت از مردم افغانستان از خود نشان می دهند. اما در این میان دولت «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان در ماه های گذشته دچار اشتباهاتی جبران ناپذیر در خصوص حمایت از دولت و مردم افغانستان شده است و این خود می تواند آینده روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور را به چالشی بزرگ بکشاند.

اشتباه بزرگ دولت نواز شریف در ابتدا این بود که در اقدامی عجولانه به مهاجران افغانستانی اعلام کرد تا هر چه زودتر از مناطق شمالی پاکستان خارج شده و به افغانستان باز گردند. نحوه برخورد پلیس پاکستان با مهاجران افغانستانی به نحوی زشت و غیر قابل توجیه بود که حتی صدای رهبران قوم پشتون در ایالت «خیبر پختونخواه» پاکستان را در آورد و آنها نیز به سیاست دولت پاکستان در قبال مهاجران افغانستانی اعتراض شدیدی داشتند و نحوه برخورد با مهاجران را غیر انسانی و در جهت پیشبرد سیاست های دولت هند در افغانستان توصیف کردند.

در این اواخر دولت نواز شریف در نحوه برخورد خود

به نظر می رسد اظهارات اشرف غنی تنها یک مخاطب خاص دارد و آن کشور پاکستان است.

همزمان با بروز اختلافات جدی میان «عبدالله عبدالله» رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان و اشرف غنی، نخست وزیر پاکستان از وی خواست تا به اسلام آباد سفر کند تا مشکل مهاجران افغانستانی در این کشور حل و فصل شود.

اما عبدالله که اوضاع داخلی افغانستان را چندان مناسب سفر به اسلام آباد ندید اعلام کرد، در فرصت و موقعیت مناسبی به پاکستان سفر می کند. هر چند اختلافاتی بین سران دولت وحدت ملی افغانستان در ماه اخیر مشاهده شده است اما عبدالله عبدالله ترجیح می دهد تا حل و فصل مسایل و تنش های خود با اشرف غنی از سفر به پاکستان خودداری نماید و مصالح ملی کشور را در نظر داشته باشد.

هدفمند صلح در افغانستان است. «حامد کرزای» رئیس جمهور پیشین افغانستان در اظهارات اخیر خود از دولت هند خواسته بدون هیچ ترسی از پاکستان، کمک های نظامی خود به افغانستان در جهت مبارزه با تروریسم را افزایش دهد.

از سویی دیگر شاهد آن هستیم که «حامد کرزای» رئیس جمهور پیشین افغانستان در اظهارات اخیر خود از دولت هند خواسته است، بدون هیچ ترس و واگهی از پاکستان کمک های نظامی خود به افغانستان در جهت مبارزه با تروریسم را افزایش دهد.

در سخنرانی اشرف غنی در موسسه مطالعات دفاعی هند در دهلی نو نیز وی اظهار داشت: توسعه مناسبات افغانستان و هند به ضرر هیچ کشوری نیست و کشورهای منطقه نباید ترسی از این موضوع داشته باشند، بلکه آنها باید به مبارزه با تروریسم در منطقه کمک کنند.

اسلام آباد و کابل برگزار شد از دیگر عللی است که شکافی عمیق در روابط افغانستان و پاکستان بوجود آورده است. اشرف غنی بارها در سخنان خود اعلام کرده است دولت پاکستان نه تنها به تعهدات خود در مذاکرات صلح افغانستان عمل نکرده است بلکه بین تروریسم خوب و بد تبعیض قائل می شود و علیه گروه تروریستی حقانی که در افغانستان به ترور و بمب گذاری مبادرت می کند، اقدامات فوری انجام نداده است.

به نظر می رسد پاکستان چندان تمایلی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح در افغانستان نشان نداده است و این خود باعث بدبینی دولت کابل از اسلام آباد شده است. گام مهم و اساسی برای بهبود در آینده روابط افغانستان و پاکستان و کاهش تنش در روابط این دو کشور همسایه تلاش جدی و مسئولانه پاکستان برای مبارزه با گروه های تروریستی و نیز اقدام در جهت برگزاری مذاکرات

دولت جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و هند و افتتاح خط آهن خواف-هرات توسط وزیر راه و شهرسازی کشورمان، نگرانی های اسلام آباد به شدت افزایش یافته است و دولت پاکستان از آینده کریدور اقتصادی مشترک خود با چین احساس خطر می کند.

یکی از عوامل مهم در بوجود آمدن کریدور اقتصادی چین و پاکستان تامین امنیت این پروژه اقتصادی است که از بندر «کاشغر» در چین شروع شده و به بندر «گوادر» در ایالت بلوچستان پاکستان منتهی می شود و مسافتی ۳۰۰۰ کیلومتری را در بر می گیرد و از سویی دولت هند نگرانی های خود را در خصوص عبور این کریدور اقتصادی از منطقه کشمیر که مورد مناقشه هند و پاکستان است، به دولت چین ابراز کرده است.

عدم موفقیت در مذاکرات صلح دولت افغانستان و گروه طالبان که به میزبانی

### استاد دانشگاه آلاباما:

## چشم انداز روشن ایران در بازسازی «جاده تاریخی ابریشم» توسط چین

مهدی ذوالفقاری

**|| اهمیت ایران در این پروژه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

از آنجایی که ایران کشور تأثیرگذاری در این پروژه به شمار می آید، چین سال ها است از روابط گسترده ای با ایران برخوردار است. اگر ایران بخواهد نقش کلیدی در این خصوص داشته باشد، لازم است حضور خود را در میان کشورهای حوزه جاده ابریشم به ویژه در جنوب و آسیای مرکزی توسعه و ارتقاء داده و همچنین نقش اقتصادی بزرگتری را در مقایسه با جایگاه کنونی اش ایفا کند.

**|| دیدگاه اتحادیه اروپا درباره تلاش های چین برای احیاء جاده ابریشم چیست؟ آیا این اتحادیه به جاده ابریشم به عنوان یک تهدید می نگرد؟**

اتحادیه اروپا دیدگاه دوگانه ای پیرامون جاده ابریشم دارد. فکر نمی کنم اتحادیه اروپا به خودی خود آن را به عنوان تهدیدی در راستای منافعش قلمداد کند. با این وجود، اتحادیه اروپا و چین رقبای جهانی یکدیگر هستند؛ لذا پر واضح است که تلاش می کنند تا از منافع حداکثری و ضررهای حداقلی حین رقابت با یکدیگر برای دستیابی به یک بازار خاص برخوردار باشند.

**|| آیا این جاده می تواند از پتانسیل بهبود روابط میان ایران و اتحادیه اروپا برخوردار باشد؟**

لژوما خیر. ایران و اتحادیه اروپا از زمینه های دیگری نیز برای همکاری یا رقابت با یکدیگر برخوردار هستند.



**|| چرا کشور چین تلاش گسترده ای را**

**برای احیای جاده ابریشم در دستور کار دارد؟** چین سال های مدیدی است که به پروژه احیای جاده ابریشم علاقمند شده است. نگاه چین به کشورهای حوزه جاده ابریشم قدیم (جاده تاریخی ابریشم) به عنوان بازارهای اقتصادی مهم برخوردار از کالاها و خدمات است. به علاوه، هر قدر که پکن به تقویت بنیه اقتصادی خود می پردازد، ممکن است به تقویت حضور راهبردی خود در میان کشورهای جاده ابریشم، تمایل بیشتری را نیز نشان دهد.

پروفسور «نادر انزوار» ارتقای حضور ایران در میان کشورهای حوزه جاده ابریشم به ویژه جنوب و آسیای مرکزی را زمینه ساز بر خورداری این کشور از چشم انداز روشن بازسازی «جاده تاریخی ابریشم» دانست.

جاده ابریشم شبکه راه های به هم پیوسته ای در راستای بازرگانی وسیع در قاره آسیا بود که شرق و غرب و جنوب آسیا را به یکدیگر مرتبط می کرد و تا قرن پانزدهم میلادی نیز به مدت حدود ۱۷۰۰ سال بزرگ ترین شبکه تجارت جهانی به شمار می رفت. دولت چین مدتی است که عزم خود برای بازسازی جاده ابریشم رسماً اعلام و تلاش های گسترده ای را در این راه مصروف داشته است. این جاده، آسیای مرکزی را به اروپا متصل می کند. تحقق این هدف مستلزم احداث شاهراه ها، ریل ها و لوله های نفتی بسیاری خواهد بود. از این رو، دو هفته پیش یک مجله آلمانی نیز پروژه غول آسای دولت چین برای بازسازی جاده تاریخی ابریشم را تلاشی برای «تسخیر جهان» نامگذاری کرد.

«شی جین پینگ» رئیس جمهور چین مدت ها است در سخنانش بارها به این پروژه اشاره کرده و از «یک خط کمربندی و یک جاده» سخن می گوید. چنین پروژه عظیمی حدود ۶۰ کشور جهان یعنی نیمی از جمعیت کره زمین را دربر خواهد داشت.

از این رو، خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «نادر انزوار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا انجام داده و در این گفتگو جویای دیدگاه وی پیرامون عزم کشور چین برای بازسازی «جاده ابریشم» شده که مشروح آن در زیر آمده است.



## بازسازی جاده ابریشم؛ پروژه چین برای «تسخیر جهان»

کمونیست چین در راه‌های ترانزیتی در مسیر آسیای مرکزی و مناطق اقتصادی تازه، پول هنگفتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. استاندارد زندگی مردم کاشغر بالا رفته است و در اورومچی مرکز این ایالت، دو پارک فن‌آوری مدرن که از مشوق‌های مالیاتی برخوردارند، توانسته‌اند فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد کنند. در منطقه‌ی خودمختار «شین‌جینگ» نرخ رشد اقتصادی به ۹ درصد رسیده است که از هر منطقه‌ای در چین بالاتر است.

### ناخشنودی به‌رغم افزایش رفاه

پکن انتظار دارد که مردم منطقه به خاطر این رفاه سیاسی‌گزار باشند، ولی سخت اشتباه می‌کند. زیرا برای اکثر مردم اویغور یک چیز مهم‌تر از بالا رفتن قیمت کالاهاست. آنان از دولت چین انتظار دارند که نسبت به اویغورها و دین اسلام رفتار احترام‌آمیزی داشته باشد. اگر چه نخبگان سیاسی و اقتصادی از کمک‌های مالی پکن و فرصت‌های به دست آمده استقبال می‌کنند، اما جمعیت محلی در شین‌جینگ جاده‌ی تازه‌ی ابریشم را با بدبینی می‌نگرند و بیم آن دارند که نفوذ چینی‌های «هان» در منطقه افزایش یابد.

در حال حاضر دو شرکت هوایی از اورومچی به بزرگ‌ترین شهر قزاقستان یعنی آلماتی پروازهای منظم دارند. از راه زمینی هم خطوط آهن و جاده‌های تازه این دو شهر میلیونی را که با هم ۱۵۰۰ کیلومتر فاصله دارند، به یکدیگر وصل می‌کنند. قرار است در مناطق مرزی این بخش یک منطقه‌ی تجارت آزاد مشترک ایجاد گردد.

قرقیزستان در استراتژی جاده‌ی ابریشم برای رهبران چین نقشی کلیدی بازی می‌کند. تصادفی نیست که رئیس‌جمهوری چین در سپتامبر ۲۰۱۳ در سفر به این کشور و در دیدار با همتای قرقیز خود - «نصرت‌الله نظربایف» - از «پروژه‌ی بزرگ» سخن گفت. نظربایف نیز شادمانی خود را از سخنان رهبر چین پنهان نکرد. وزیر راه و ترابری قرقیزستان نیز تصریح کرد که کشور او در پنج سال آینده چند میلیارد دلار صرف نوسازی قطارها و خطوط آهن خواهد کرد.

دارد. رئیس‌جمهوری کنونی چین سال‌ها از این موضوع رنج می‌برد که واشنگتن به کشورش اجازه نمی‌داد در سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول حرفی برای گفتن داشته باشد.

به همین دلیل در ژوئن سال ۲۰۱۵ بر خلاف خواست و اراده‌ی ایالات متحده آمریکا، ۵۷ کشور طرح تأسیس بانک یادشده را امضاء کردند که در میان آنها بریتانیا، فرانسه و آلمان هم به چشم می‌خورند. در واقع، هر گاه چینی‌ها پروژه‌ی بزرگی را تدارک می‌بینند، هر کشوری مایل است در آن سهیم باشد.

اما پرسش اصلی آن است که هدف چین از بازسازی جاده‌ی ابریشم چیست؟ آیا رهبران این کشور می‌خواهند همسایگان دور و نزدیک چین را به هم مرتبط سازند و آنطور که تبلیغات رسمی این کشور می‌گوید: جهان را به هم نزدیک‌تر کنند؟ آیا شرکت‌های چینی به جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) نیازمندند تا به اقتصاد خودشان که در حال درجا زدن است تکانی بدهند و راه‌های صادراتی تازه‌ی برای مازاد تولید کالاها خود بیابند و راه‌های وارداتی نفتی به کشور خود را تضمین کنند؟ یا پکن تلاش می‌کند سیطره‌ی سیاسی غرب را درهم بشکند و برنامه‌ای برای تسخیر جهان دارد؟

### طرح‌های بلندپروازانه

هم اکنون در کاشغر مهندسانی به سفارش چین مشغول کار بر روی پروژه‌ی بزرگی هستند. قرار است در آنجا کریدوری اقتصادی ایجاد گردد. جاده‌ای کوهستانی به پاکستان در این منطقه ساخته خواهد شد که قرار است از گردنه خونجراپ عبور کند و به بندر قوادار در دریای عرب منتهی گردد.

روی میز کار مهندسان نقشه‌هایی به چشم می‌خورد که از خطوط آهن بلندپروازانه و ماجراجویانه‌ای به قرقیزستان و قزاقستان حکایت می‌کنند. این از نظر فنی چالش بزرگی است. اما از زمانی که چینی‌ها موفق شدند خط آهنی به مسیر تبت در ارتفاعات ۵ هزار متری بسازند، همه چیز ممکن به نظر می‌رسد.

از هم‌اکنون می‌توان دید که رهبران حزب

دولت چین قصد دارد «جاده‌ی ابریشم» را بازسازی کند؛ جاده‌ای که آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کند. از اینرو، ناظران آن را «پروژه‌ی تسخیر جهان» می‌نامند.

دولت چین قصد دارد «جاده‌ی ابریشم» را بازسازی کند؛ جاده‌ای که آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کند. تحقق این هدف مستلزم احداث شاهراه‌ها، ریل‌ها و لوله‌های نفت بسیاری خواهد بود. از اینرو، ناظران آن را «پروژه‌ی تسخیر جهان» می‌نامند.

مجله‌ی آلمانی «شپینگل» در گزارشی اختصاصی به معرفی پروژه‌ی غول‌آسای دولت چین برای بازسازی «جاده‌ی تاریخی ابریشم» پرداخته و آن را تلاشی برای «تسخیر جهان» نامیده است.

در این گزارش آمده که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری ۶۳ ساله‌ی چین و دبیرکل حزب کمونیست این کشور، قصد دارد اسطوره‌ای را زنده کند و «جاده‌ی ابریشم تازه‌ی» بسازد. این جاده در امتداد جاده‌ی ابریشم تاریخی ساخته خواهد شد که زمانی بزرگ‌ترین راه تجاری جهان بود. مدت‌هاست که رئیس‌جمهوری چین در سخنانش بارها به این پروژه اشاره می‌کند و از «یک خط کمربندی و یک جاده» سخن می‌گوید. این پروژه‌ی غول‌آسا خواهد بود که حدود ۶۰ کشور در آن شرکت خواهند داشت، یعنی نیمی از جمعیت زمین.

در این چارچوب، دولت چین نه تنها قصد دارد یک مسیر تجاری بسازد، بلکه می‌خواهد زیرساخت‌های خود را در ابعادی بزرگ گسترش دهد. بدین‌منظور پکن یک بودجه ۴۰ میلیارد دلاری فراهم کرده است. این پول صرف احداث اتوبان‌ها، خطوط آهن، لوله‌های نفت و گاز و بنادری از لیتوانی تا شاخ آفریقا، از سری لانکا تا اسرائیل، و از پاکستان تا ایران خواهد شد. دو خط آهن نیز به آلمان کشیده می‌شود: از شن‌ژو به هامبورگ و از چونگ‌کینگ به دویسبورگ.

### تأسیس بانکی جداگانه

پکن به منظور تأمین مالی این پروژه‌ی غول‌آسا به تأسیس یک مؤسسه‌ی مالی اقدام کرده است که «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا» (AIIB) نام





# امریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی  
شقایق لامع زاده

گفتگوی اختصاصی با نماینده سابق کنگره آمریکا:

## احتمال پیروزی هیلاری کلینتون ۷۵ درصد است

جواد حیران نیا



اسلتری در ادامه یادآور شد: امیدوار هستم طرفین این توافق به تعهدات خود در خصوص پایبند باشند. چرا که این موضوع برای دو طرف سودمند خواهد بود. نماینده پیشین مجلس نمایندگان آمریکا در ادامه افزود: طرفین متعهد به برجام نباید فراموش کنند که بیش از ۳۵ سال فضای بی اعتمادی میان آنها وجود داشته است و خصومت و دشمنی را نمی توان ظرف چند ماه شست و زدود.

آمریکا از برجام حمایت خواهد کرد و دولت بعدی آمریکا نیز به این توافق متعهد خواهد ماند. وی یادآور شد: تصور من این است که هر دو نامزد کنونی ریاست جمهوری آمریکا به تداوم برجام پایبند خواهند بود، به هر حال باید صبور بود. وی در خصوص نقض یکجانبه احتمالی برجام از سوی آمریکا و احتمال عدم همراهی شرکای این کشور نیز تصریح کرد: تمام متحدان غربی از برجام حمایت کرده اند. آنها به خوبی می دانند این توافق بهترین گزینه در مقایسه با سایر گزینه های موجود است. تصور من این است که متحدان ما به صورت یکپارچه عمل خواهند کرد.

«جیمز چارلز اسلتری» معتقد است که شانس هیلاری کلینتون برای پیروزی در انتخابات آمریکا ۷۵ درصد است و به نفع آمریکاست که به تداوم اجرای برجام پایبند باشد.

«جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص پیش بینی اش از انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا گفت: من معتقد هستم که هیلاری کلینتون پیروز انتخابات خواهد بود، من شانس هیلاری را ۷۵ درصد می دانم.

وی در خصوص اینکه آیا رئیس جمهوری آتی آمریکا به برجام پایبند خواهد بود نیز تصریح کرد: اگر هیلاری کلینتون رئیس جمهوری بعدی آمریکا شود راه او باما در اجرای برجام را ادامه خواهد داد.

وی افزود: هیلاری کلینتون می داند که برجام کامل و جامع نیست. طرفین مذاکرات دست به معامله ای زدند و امتیازاتی دادند و گرفتند و به توافقی دست یافتند. هیلاری می داند که مطابق برجام ایران تعهداتی دارد و ایالات متحده آمریکا نیز باید به تعهدات خود ذیل این توافق پایبند باشد.

گفتگو با سناتور پیشین آمریکایی:

## نقض یکجانبه برجام باعث انزوای آمریکاست / کنگره از برجام حمایت می کند

جواد حیران نیا

از این اقدام پشتیبانی خواهند کرد یا خیر گفت: برای پاسخ دادن به این پرسش بیایید فرض کنیم که ترامپ به عنوان رئیس جمهوری آینده آمریکا انتخاب شود. وی صراحتاً اعلام کرده است که با برجام مخالفت خواهد کرد.

وی افزود: با این وجود اعتقاد من این است که حتی ترامپ نیز در مسیری حرکت نخواهد کرد که برجام را نقض کند.

نماینده پیشین کنگره آمریکا در ادامه یادآور شد: حتی اگر فرض کنیم که ترامپ برجام را نقض کند و به صورت یکجانبه دست به این اقدام بزند در این صورت شرکاء و متحدان آمریکا از این اقدام واکنش حمایت نخواهند کرد.

شاهد انتقادات این جریان و مانع تراشی از سوی آنها خواهید بود.

وی در ادامه گفت: در داخل ایران نیز برخی مخالفتها وجود دارد.

جانسون در خصوص این موضوع که اگر رئیس جمهوری آینده آمریکا برجام را نقض کند آیا متحدان این کشور

«جان بنت جانسون» سناتور پیشین آمریکایی با اشاره به اینکه هیلاری کلینتون پیروز انتخابات آمریکا است گفت: کنگره آمریکا در تداوم برجام هیلاری را همراهی خواهد کرد.

«جان بنت جانسون» سناتور پیشین آمریکایی و رئیس شورای آمریکایی-ایرانی (American Iranian Council) در خصوص پیش بینی اش از نتایج انتخابات آمریکا به خبرنگار مهر گفت: تصور می کنم که هیلاری کلینتون پیروز انتخابات است و به عنوان رئیس جمهوری بعدی ایالات متحده آمریکا انتخاب خواهد شد. وی در ادامه افزود: هیلاری کلینتون در حال حاضر به شدت محبوب است.

سناتور معروف آمریکایی در ادامه تصریح کرد: هیلاری کلینتون به تداوم اجرای برجام پایبند خواهد بود. جانسون در خصوص ارتباط هیلاری کلینتون با کنگره آمریکا در خصوص برجام نیز گفت: کنگره در کنار او خواهد بود و از او حمایت خواهد کرد. بر این اساس از منظر دولت بعدی ایالات متحده آمریکا برجام حفظ خواهد شد.

سناتور پیشین ایالت لوئیزیانا در ادامه افزود: در حال حاضر گروه «تی پارتی» از جمهوری خواهان در ایالات متحده آمریکا با برجام مخالفت می کنند. شما در آینده هم



گفتگو با استاد دانشگاه آلاباما:

## بعید است آمریکا «گولن» را تحویل ترکیه دهد

|| در حال حاضر روابط ترکیه و ایران بعد از کودتای نظامی در ترکیه رو به گرمی گذاشته است. آیا این موضوع می تواند به حل بحران سوریه کمک کند؟

در حالی که رابطه ایران و ترکیه تا حدودی پس از کودتا بهبود یافته است، بعید است که ارتباط نزدیک ایران و ترکیه بتواند در حل بحران سوریه کمک کننده باشد. موضوع اصلی ایران عدم وارد شدن به طرح عملیاتی نیروهای ائتلاف و عملیات واقعی این نیروها در میدان جنگ است. زیرا آنها بخشی از طرح عملیاتی نبوده و سابقه کار با نیروهای ائتلاف از جمله ایالات متحده و یا شبه نظامیان منطقه ای را ندارند. واقعیت ذکر شده باعث می شود سودمندی همکاری نیروهای ایرانی جهت کمک به حل و فصل مناقشه در سوریه را محدود کند.

|| در خصوص استرداد فتح الله گولن، آیا آمریکا حاضر خواهد بود وی را تحویل ترکیه دهد؟ اگر از انجام این کار ممانعت کند، چه تاثیری بر روابط ترکیه و آمریکا خواهد داشت؟

دولت ترکیه در حال حاضر جهت استرداد گولن تلاش می کند اما بعید است ایالات متحده وی را تحویل ترکیه دهد. وزارت امور خارجه آمریکا تصریح کرده است که روند استرداد گولن باید از طریق اداری و رسمی پیگیری شود و ایالات متحده بدون شواهد روشن و قانع کننده در مورد تلاش گولن جهت انجام کودتا در ترکیه هیچ تصمیمی اتخاذ نخواهد کرد. اکنون این گونه شواهد وجود ندارد و ایالات متحده گولن را صرفاً به علت درخواست دولت ترکیه مسترد نخواهد کرد. خوشبختانه، بعید است که این واقعیت اثر قابل توجهی بر روابط ترکیه و آمریکا داشته باشد زیرا این کشورها متحدان قوی هستند و ایالات متحده و ناتو به طور کامل از ترکیه پشتیبانی می کنند. دولت ترکیه و عناصر خاصی از این دولت خواهان استرداد گولن هستند اما به نظر من این درخواست برای آنها در اولویت قرار ندارد و بعید است که باعث ایجاد تنش در روابط بین دو کشور شود.

رئیس جمهور ترکیه اعلام کرد در سیاست خارجی خود تغییر خواهد داد. آیا شما اعتقاد دارید سیاست خارجی ترکیه تغییر خواهد کرد؟

به باور من پس از کودتا، برخی تغییرات در سیاست خارجی ترکیه رخ خواهد داد. ما در حال حاضر می بینیم که اجازه استفاده از فرودگاه به نیروهای روسی داده شده و ما همچنین شاهد پاکسازی فضای قضایی، آموزشی، نظامی و نیروهای مذهبی هستیم. من معتقدم که تغییرات سیاست خارجی ترکیه با این حال اندک خواهد بود و روابط با کشورهای دیگر و با ناتو را زیاد تحت تاثیر قرار نخواهد داد. ما احتمالاً بیشتر شاهد تغییرات داخلی در ترکیه به جای تغییرات در روابط این کشور با کشورهای دیگر خواهیم بود.

|| بن علی ایلدریم نخست وزیر ترکیه اعلام کرد روسیه در صورت نیاز می تواند از پایگاه اینجریلیک استفاده کند. آیا این اظهارات به روابط ترکیه و ناتو آسیب خواهد زد؟

پیشنهاد نخست وزیر ترکیه جهت استفاده روسیه از پایگاه اینجریلیک بسیار تعجب آور بود و من مطمئن هستم که مردم ترکیه نیز انتظار چنین پیشنهادی را نداشتند. تاکنون روسها به این پیشنهاد جواب نداده اند اما اگر از این پایگاه استفاده کنند، بسیار بعید است که روابط ترکیه با ناتو را تحت تاثیر قرار دهد. اعضای ناتو در طی زمان نشان داده اند که ترکیه به عنوان یک متحد مهم برای آنها محسوب شده و روابط نزدیک تر با روس ها این واقعیت را تغییر نخواهد داد. درست است که در رفتار برخی از اعضای ناتو می توان تغییراتی در روابط با ترکیه مشاهده نمود اما این تغییر ناشی از روابط نزدیک ترکیه با روسیه نه صرفاً مربوط به پیشنهاد استفاده روسیه از پایگاه هوایی اینجریلیک است.

ناتو در ارتباط با روسیه به علت اقدامات این کشور با احتیاط برخورد می کند و این واقعیت باعث تقویت ناتو خواهد شد تا اینکه قدرت این اتحاد را کاهش دهد.



فاطمه محمدی پور

«میخائیل هولینگ ورت» معتقد است دولت ترکیه در حال حاضر جهت استرداد گولن تلاش می کند اما بعید است ایالات متحده وی را تحویل ترکیه دهد. وقوع کودتای نظامی نافرمانی در ترکیه در طی یک ماه اخیر به موضوعی داغ برای محافل سیاسی بین المللی تبدیل شده و در کانون توجه رسانه های بین المللی قرار گرفته است.

با توجه به رفتار دولت ترکیه بعد از کودتا، اکثر کارشناسان بین المللی معتقدند که با ایجاد کودتای نظامی در ترکیه، روابط این کشور با کشورهای اروپایی و ایالات متحده به سردی گرائیده این در حالی است که روابط ترکیه با روسیه و ایران بهبود یافته است. پیشنهاد استفاده روسیه از پایگاه هوایی اینجریلیک ترکیه، سفر رئیس جمهور ترکیه به روسیه، روابط گرم ایران با ترکیه، درخواست استرداد فتح الله گولن از ایالات متحده آمریکا و تنش لفظی در روابط بین دو کشور و ... از جمله رفتارهای دولت ترکیه در سطح بین المللی بعد از وقوع کودتای نافرمانی در این کشور است.

در گفتگو با «میخائیل هولینگ ورت» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا تغییرات در سیاست خارجی ترکیه بعد از کودتا، پیشنهاد به روسیه جهت استفاده از پایگاه اینجریلیک ترکیه، رابطه با ایران و استرداد فتح الله گولن مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه می آید.

|| بعد از کودتای ترکیه شاهد بودیم اردوغان

گفتگوی اختصاصی با نماینده سابق کنگره آمریکا:

## رئیس جمهور بعدی آمریکا به برجام پایبند خواهد بود

نماینده پیشین مجلس نمایندگان آمریکا در خصوص تداوم اجرای برجام توسط رئیس جمهوری آینده ایالات متحده آمریکا نیز تصریح کرد: بله من اعتقاد دارم که رئیس جمهوری آینده آمریکا این تضمین را خواهد داد که آمریکا به اجرای برجام پایبند خواهد بود.

وی تصریح کرد: همانگونه که احتمالاً مورد علاقه هم ایران و آمریکاست و همانطور سایر امضاء کنندگان، تضمین می دهند که اجرای برجام تداوم خواهد یافت و تمام طرفها آنرا اجرا خواهند کرد.

وی در خصوص اینکه آیا شرکای آمریکا در صورت نقض یکجانبه برجام این کشور را همراهی خواهند کرد یا خیر نیز گفت: من معتقد هستم رئیس جمهوری بعدی آمریکا به برجام پایبند خواهد بود و آنرا نقض نخواهد کرد.

جواد حیران نیا

«ملدین لوین» با ابراز خوشبینی به آینده برجام گفت: رئیس جمهوری بعدی آمریکا به توافق هسته ای با ایران پایبند خواهد بود و آنرا نقض نخواهد کرد.

«ملدین لوین» نماینده سابق کنگره آمریکا در خصوص پیش بینی اش از آینده برجام به خبرنگار مهر گفت: از آنجائیکه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مورد علاقه همه امضاء کنندگان آن است و منافع آنها را تأمین می کند من به تداوم اجرای آن خوش بین هستم.

وی در ادامه یادآور شد: تصور می کنم که همه طرفهای به ادامه آن پایبند خواهند بود. برجام باعث می شود تا جهان در صلح باشد.

## «هما عابدین» پاشنه آشیل دموکراتها



اقدام نزدیکترین مشاور هیلاری کلینتون در جدایی از همسرش و نحوه واکنش «دونالد ترامپ» به این موضوع بار دیگر کلینتون را تبدیل به سیبل حملات منتقدان کرده است.

هما عابدین که در ماه های گذشته دونالد ترامپ، نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، وی را جاسوس عربستان خوانده بود بار دیگر موجب حملات این چهره جنجالی به هیلاری کلینتون شده است.

هما عابدین که اصالتی هندی-پاکستانی دارد و مدتی را نیز در عربستان زندگی کرده روز یکشنبه جدایی خود از «آنتونی وینر» نماینده سابق کنگره آمریکا از حزب دموکرات را اعلام کرد و از رسانه ها خواست تا به حریم خصوصی وی احترام بگذارند.

گویا دلیل این جدایی فساد اخلاقی وینر بوده و این در حالی است که وینر در سال ۲۰۱۱ به همین دلیل (فساد اخلاقی) مجبور به استعفا از کنگره آمریکا شده بود. البته وینر در آن زمان اقدام به معذرت خواهی کرد و توانست زندگی مشترک خود را حفظ کند اما اینبار گویا مسئله با معذرت خواهی حل نشده است.

همین امر موجب شده تا دونالد ترامپ حملات خود علیه کلینتون را شدت بخشیده و این موضوع را مطرح کند که اصلی ترین مشاور کلینتون فردی بوده که با یک انسان غیر قابل اعتماد زندگی می کرده و این فرد غیر قابل اعتماد به تمامی اسناد محرمانه کلینتون دسترسی داشته است.

### هما عابدین کیست

هما عابدین در زمان فعالیت هیلاری کلینتون به عنوان وزیر سابق امور خارجه آمریکا معاون رئیس دفتر وی بود. او در جریان کمپین ریاست جمهوری ۲۰۰۸ کلینتون دستیار او بود و هم اکنون نایب رئیس کمپین ریاست جمهوری ۲۰۱۶ اوست.

پدر وی، «سید زین العابدین»، هندی و مادرش «صالحه محمود عابدین»، پاکستانی هستند. وی در کالامزو، میشیگان متولد شد و در دو سالگی همراه خانواده اش به جده در عربستان سعودی رفت.

عابدین همکاری خود را با هیلاری کلینتون از زمانی که وی بانوی اول آمریکا محسوب می شد، در دفتر اطلاع

رسانی کاخ سفید آغاز کرد. زمانی که کلینتون مسئولیت وزارت خارجه آمریکا را عهده دار شد نیز این همکاری ادامه یافت و همچنان به قوت خود باقی است. وی سال ۲۰۱۰ با آنتونی وینر نماینده سابق دموکرات ایالت نیویورک ازدواج کرد.

درباره روابط هما عابدین با جماعت اخوان المسلمین شبهاتی وجود دارد که مخالفان کلینتون از آن بهره برداری می کنند؛ آنها وی را حلقه اتصال بین کلینتون و گروه های افراطی می دانند و حتی دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، هما عابدین را جاسوس سعودی در کنار تیم کلینتون توصیف کرد.

در سال ۲۰۱۲ اعضای کنگره آمریکا، با ارسال نامه ای برای «هارولد دبلیو جیزل» بازرس کل وزارت خارجه آمریکا، از وی خواستند درباره تاثیر افراد مرتبط با اخوان المسلمین بر سیاست های وزارت خارجه آمریکا تحقیق کند.

آنها در ادعای خود به تحقیق مرکز سیاست های امنیتی آمریکا استناد کردند که تایید کننده اصلی نظریه های توطئه پیرامون اخوان المسلمین بوده و می گوید: ۳ عضو خانواده عابدین (پدر، مادر و برادر)، با اخوان المسلمین یا سازمان های آن مرتبط هستند.

مادر هما عابدین به نام صالحه عابدین، عضو هیئت رئیسه «شورای اسلامی و بین المللی دعوت و کمک» است. ریاست این گروه را «یوسف القرضاوی»، از طرفداران اخوان المسلمین به عهده دارد.

پایگاه های خبری حامی هیلاری کلینتون، ادعاهای ارتباطات نزدیک خانوادگی و کاری هما عابدین با جنبش اخوان المسلمین را رد کرده و پایگاه های حامی دونالد ترامپ را که چنین مطالبی را منتشر می کنند، به «توهم توطئه» متهم کرده اند.

از طرف دیگر، پدر هما عابدین، از بنیانگذاران «موسسه امور مسلمانان اقلیت» در عربستان و «اتحادیه جهانی مسلمانان» است.

هیل از قول «اندرو مک کارتی»، یکی از دادستان های اسبق فدرال نوشته «اتحادیه جهانی مسلمانان» یکی از مهم ترین سازمان های اخوان المسلمین در جهان است. دبیر کل قبلی این سازمان به نام «عمر نصیف»، بنیانگذار «Rabita Trust» است که به خاطر حمایتش از القاعده جزء سازمان های تروریستی است.

نام هما عابدین پیشتر در جریان ایمیل های جنجالی هیلاری کلینتون نیز شنیده شده بود و حتی وی برای ادای توضیحات در کنگره حاضر شد.

بدین ترتیب هما عابدین که سابقه ارتباط وی با هیلاری مربوط به زمان ریاست جمهوری «بیل کلینتون» می شود اکنون تبدیل به پاشنه آشیل نامزد دموکرات ها در انتخابات ریاست جمهوری شده است و بعید نیست اگر ترامپ و رسانه های آمریکا بیش از حد معمول در مورد عابدین جنجال سازی کنند کلینتون برای رهایی خود مجبور به کنار گذاشتن وی شود.

رئیس جمهور این کشور است.

«باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا پیشتر در پاسخ به سوالی در مورد پرداخت نقدی ۴۰۰ میلیون دلار به ایران در جریان در ارتباط با پرونده قضایی عدم تحویل تسلیحات سفارش داده شده پیش از انقلاب اسلامی، گفته بود که هیچ راه دیگری برای پرداخت به تهران وجود نداشته است.

بنا بر این گزارش پرداخت اول در جولای سال ۲۰۱۵ یعنی همان ماهی که دستیابی به توافق هسته ای اعلام شد و هنوز توافق اجرایی نشده بود، دولت اوباما حدود ۸۴۸ هزار دلار بابت تسویه حساب در مورد پرونده قضایی مربوط به فسیل ها و نقشه های معماری باستانی که اکنون در تهران نگهداری می شوند، به ایران پرداخت کرده است.

پرداخت دوم هم بعدا در ماه آوریل سال ۲۰۱۶ صورت گرفته است که ایالات متحده حدود ۹ میلیون دلار از طریق سیستم بانکی و بابت خرید ۳۲ تن آب سنگین از ایران، به تهران پرداخت کرده است.

### رسانه آمریکایی خبر داد

## دولت آمریکا پرداخت های الکترونیکی بانکی به ایران داشته است

سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا بر خلاف ادعاهای قبلی رئیس جمهور این کشور از انتقال پول به حساب دولت ایران به طریق انتقال الکترونیکی خبر داد. سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا از انتقال پول به حساب دولت ایران به طریق انتقال الکترونیکی خبر داد.

بنا بر این گزارش سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا اعلام داشت در ۱۴ ماه گذشته، واشنگتن دو بار از طریق سیستم بانکی به حساب دولت ایران پول واریز کرده است. این اظهارات سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا در تضاد با اظهارات «باراک اوباما»

## قدرت اقتصادی آمریکا بعد از دهه ۱۹۷۰ افول کرده است

اتحادیه اروپا تقریباً در تمامی مسائل اقتصادی با ایالات متحده آمریکا همکاری می‌کنند. بنابراین این کشورها قطعاً تهدیدی برای منافع ایالات متحده آمریکا محسوب نخواهند شد.

**|| بریکس به عنوان اتحادی میان کشورهای برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی است. این اتحادیه آیا می‌تواند به یک بلوک قدرتمند اقتصادی تبدیل شود که مزایایی برای کشورهای عضو خود به همراه داشته باشد؟**

پاسخ به این سوال منفی است. زیرا وجوه مشترک بسیار کمی میان کشورهای عضو این اتحادیه وجود دارد. برخی از کشورها مانند چین و روسیه از لحاظ اقتصادی قدرتمند بوده این در حالی است که کشور آفریقای جنوبی بسیار فقیر است. اگر این بلوک و کشورهای عضو آنها بتوانند در نهادهای اقتصادی مهم نفوذ بیشتری به دست آورند قطعاً تمامی کشورهای عضو می‌توانند از منافع آن استفاده کنند.

**|| شاهد هستیم که آمریکا در منطقه آسیا از پیمان تجارت آزاد پاسیفیک و در منطقه اروپا از پیمان تجارت ترانس آتلانتیک حمایت می‌کند. چرا با وجود سازمان تجارت جهانی آمریکا در صدد تقویت سازمانهای منطقه‌ای - تجاری است؟ آیا این به معنای طی کردن روند عکس جهانی شدن نیست؟**

آخرین دور مذاکرات سازمان تجارت جهانی در دوحه قطر به بن بست رسید. به همین دلیل کشورهای جهان از جمله ایالات متحده آمریکا راههای دیگری برای توسعه روابط تجاری نزدیک تر با بقیه جهان در پیش گرفته اند. این گرایش قطعاً به معنای دور شدن از فرایند جهانی شدن نیست بلکه تا حدی ادامه دهنده روند جهانی شدن با استفاده از استراتژی ها و ابزار دیگر است.



این مورد آن است که نقش دولت در امور اقتصادی به چه میزان و چگونه باید باشد. در مورد این موضوع طیف گسترده‌ای از نظریات وجود دارد و هیچ اجماعی بر روی مدل «صحيح» توسعه وجود ندارد.

**|| بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی شاهد افول قدرت هژمونیک آمریکا هستیم. به چه میزان مولفه های اقتصادی در این افول موثر بوده است؟ آیا از دهه ۱۹۷۰ این آمریکا بوده که تضعیف شده یا قدرتهای دیگر چون ژاپن و اتحادیه اروپا ظهور کرده اند؟**

باید گفت که نقش آمریکا در اقتصاد جهانی به میزان قبل از دهه ۱۹۷۰ نیست و یکی از دلایل کاهش نقش آن در اقتصاد جهانی، هزینه های جنگ جهانی دوم است. اما ایالات متحده آمریکا همچنان به عنوان مهمترین قدرت اقتصادی جهان و قدرتمندترین کشور جهان از لحاظ نظامی است. قطعاً کشورهای دیگر به ویژه چین از لحاظ اقتصادی در حال ظهور هستند اما این کشورها تهدیدی برای منافع ایالات متحده محسوب نمی شوند. در حال حاضر باید به این مسئله توجه کنیم که این قدرتهای جدید در عرصه اقتصاد بین المللی چگونه فعالیت خواهند کرد و رابطه آنها با قدرتهای قدیمی چگونه خواهد بود. توسعه مراکز جدید فعالیت های اقتصادی لزوماً مراکز قدیمی را تهدید نمی کند. ژاپن و

استاد دانشگاه هاروارد با اشاره به اینکه نقش آمریکا در اقتصاد جهانی به میزان قبل از دهه ۱۹۷۰ نیست گفت: کشورهای نوظهور منافع این کشور را در سطح بین المللی تهدید نمی کنند.

در میان واحدهای پولی کشورهای دنیا شاید کمتر واحد پولی همچون دلار در تعاملات غیر اقتصادی دنیای غرب با دنیای استعمارزده تا این اندازه تأثیر گذار بوده است. تا جایی که این واحد پولی، لقب «بت اعظم» و «نشان مقدس» نظام اقتصادی غرب را یافته است. بنابراین بی تردید یکی از کشورهای مهم و تأثیر گذار در اقتصاد جهان آمریکا ست.

اما باید گفت که از دهه ۱۹۷۰ به این سو شاهد افول قدرت هژمونیک آمریکا در اقتصاد جهانی بوده ایم. مسئله اساسی این است که آیا قدرت اقتصادی ایالات متحده بعد از دهه ۱۹۷۰ کاهش یافته یا بارشد قدرتهای اقتصادی مانند ژاپن و اتحادیه اروپا نقش آمریکا در اقتصاد جهانی کمتر شده است.

در گفتگوی خبرنگار مهر با پروفسور «جفری فریدن» استاد دانشگاه هاروارد ایالات متحده آمریکا این موضوعات مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه می آید. فریدن مشاور برخی بانکهای معروف آمریکا و سازمانهای اقتصادی در سراسر دنیاست. وی رئیس بخش اقتصاد سیاسی انجمن علوم سیاسی آمریکاست.

**|| بعد از جنگ جهانی دوم شاهد شکل گیری نهادها و رژیمهای پولی، تجاری و مالی بودیم که می توان به صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و گات(سلف سازمان تجارت جهانی) اشاره کرد. این نهادها عمدتاً بر توسعه اقتصادی تأکید کرده اند و یک ایرادی که به آنها وارد است این است که یک دستور العمل مشخص برای جوامع و فرهنگهای مختلف ارائه داده اند. به نظر شما الگوهای توسعه در جوامع باید به چه صورت باشد؟**

به نظر من فرهنگ و دیگر ارزشهای جوامع متفاوت مختص خود آنهاست؛ مادامی که این فرهنگ و ارزشها، استانداردهای مورد پذیرش حقوق بشری، سیاسی، اجتماعی و مدنی را نقض نکنند. معمولاً تاکنون نهادهای اقتصادی به طور مستقیم در امور فرهنگی دخالت نکرده اند. ممکن است روندهای اقتصادی بین المللی - تجاری، مالی و اینترنت - توسط افراد به عنوان تهدیدی علیه سنت ها قلمداد شوند. اما از گذشته تاکنون این مسئله وجود داشته و هیچ دلیلی ندارد که فقط امروزه به عنوان تهدیدی علیه سنت ها قلمداد شوند.

**|| به دنبال شکست الگوی اقتصاد لیبرال برخی کشورها از جمله آمریکا بر خلاف این روند در اقتصاد مداخله کردند. به این معنا که دخالت دولت در برخی زمینه ها را مجاز شمردند. آیا این به معنای شکست الگوهای لیبرال یا نئولیبرال نیست؟**

هیچ تحلیلگر اقتصادی و سیاستمداری در دوره مدرن باور ندارد که دولت هیچ نقشی در اقتصاد ندارد. مسئله در



## بیداری وجدان یا مصلحت سیاسی / توقف «ترانس آتلانتیک» پشت خط پایان!



تجارت آزاد و سوسه ای است که رهبران اروپا و آمریکا را پذیرای اتهاماتی چون نامهربانی با کره زمین و نقض حقوق بشر می کند، با این حال مصلحت سیاسی گاهی تاخیر در مطالبه سود اقتصادی را جایز می داند. پیمان «ترانس آتلانتیک» نوعی معاهده تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا است که اگر چه زمزمه لزوم آن به دهه آخر قرن بیست باز می گردد، جرقه شروع مذاکرات به شکلی که امروزه در جریان است در فوریه سال میلادی ۲۰۱۳ زده شد.

این مذاکرات که موضوعات متنوعی از تعدیل قوانین و کاهش تعرفه های تجاری تا امنیت غذایی، سلامت محیط زیست، بانکداری و تضمین تمامیت ارضی کشورهای عضو را پوشش می دهد در واقع سلسله رایزنی هایی را شامل می شود که اغلب به صورت کاملاً محرمانه بین نمایندگان دولت واشنگتن و کمیسیون اروپا شکل می گیرد.

اما در مجموع مذاکرات در سه حوزه اصلی دستیابی آزادانه به بازار، تنظیم مقررات خاص و ارائه تعریف گسترده تری از اصول، قوانین و مدل های همکاری قالب بندی می شود که هدف اصلی آن رفع اختلافات قانونی میان آمریکا و اتحادیه اروپا است. در این میان، سهم بهبود اقتصادی آمریکا از توافق نهایی ۹۰ میلیارد دلار، اروپا ۱۲۰ میلیارد دلار و بقیه جهان یکصد میلیارد دلار برآورد می شود.

با این حال مذاکراتی که انتظار می رفت طبق جدول زمان بندی نهایتاً تا پایان سال میلادی ۲۰۱۵ به پایان برسد؛ همچنان به کندی در جریان است آن هم بدون آنکه دورنمایی کلی از نتیجه مطلوب به دست دهد. در چرایی وقفه ایجاد شده در عقد پیمان تجارت آزادی که مناسبات اقتصادی کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس را به یکدیگر گره می زند، می توان سه دلیل عمده ارائه داد:

نخست آنکه موانع اصلی در تجارت میان آمریکا و اتحادیه اروپا از نوع تعرفه های سنتی نیستند که دوره شان از همان دهه های اول پایان جنگ جهانی دوم به سر آمد. مانع اصلی اختلاف عقیده بر سر رژیم های تنظیم مقرراتی است که در کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس حاکم است. واقعیت آن است که آمریکا و اروپا دیدگاه های متفاوتی را در باره هر موضوعی از اقلام خوراکی تغییر ژنتیک یافته تا استانداردهای امنیت خودرو دارند و متوازن کردن استانداردهای مشترک همواره روند زمان بری بوده است.

دوم آنکه گفتگوها در فضای تاریخی جریان دارد که در آن اعتماد به سیاستمداران و رهبران اقتصادی در مقایسه با ادوار قبل کاهش یافته است. واقعیت آن است که حامیان اصلی ترانس آتلانتیک شرکت های چندملیتی و لابی های تجاری هستند و از آنجا که ماهیت مذاکرات سری نگه داشته می شود، این پیش فرض به وجود می آید که هدف از همه این نشست و برخاست ها پول ریختن به جیب سرمایه دارهای بزرگ آن هم به قیمت چشم پوشی از استانداردهای لحاظ شده در بسیاری از حوزه ها از جمله بهداشت و محیط زیست است.

این عامل دوم راهگشای بروز سومین فاکتوری می شود که در به تاخیر انداختن معاهده ترانس آتلانتیک دخیل بوده است و آن عدم مشارکت مردم در تصمیم گیری است - مسئله ای که با توجه به انتخابات صدر اعظمی

چراکه عقد چنین معاهده ای به منزله تأیید خودکار مجوز صدور هرگونه تولیدات نفتی و گازی آمریکا به اروپا خواهد بود که این به نوبه خود به تشدید حفاری لایه های سنگ شیل ایالات متحده و البته ماسه های قبری کانادا منجر می شود. این عوامل نه تنها بخشنامه کیفیت سوخت اروپا را تحت الشعاع قرار می دهد بلکه ذخایر انرژی را که برای کره زمین باقی مانده است نیز به مخاطره می اندازد.

در حوزه امنیت غذا نیز پیمان ترانس آتلانتیک می تواند اثرات منفی برای قاره سبز به دنبال داشته باشد برای مثال در حالیکه اروپا راهبرد «مزرعه به میز غذا» را دنبال و برای یک یک حلقه های زنجیره غذایی مقررات تنظیم می کند، آمریکایی ها دام های خود را با هورمون هایی تغذیه می کنند که استفاده از آنها در اروپا قدغن است پس طبق قوانین، محصولات گوشتی آمریکا مجوز فروش در اروپا را نخواهند داشت - واقعیتی که با ماهیت پیمان تجارت آزاد در دو سوی اقیانوس اطلس مغایر است.

هزاران معترضی که در هر دور از مذاکرات ترانس آتلانتیک خیابان های شهرهای بزرگ کشورهای اروپایی را اشغال می کنند، در واقع می خواهند بدانند آیا بعد از عقد این پیمان، آمریکا اجازه خواهد یافت که محصول پنبه، ذرت و سویای خود را که ۹۰ درصد از آن حاصل تغییرات ژنتیکی است به اروپا عرضه کند.

### مخالفت قابل تامل چهره های سیاسی اروپا و آمریکا

همه حرف و حدیث هایی که پیرامون خطرات ناشی از پذیرش پیمان ترانس آتلانتیک وجود دارد، در طول سه سالی که این مذاکرات جریان داشته، همواره مطرح بوده است با این حال در یکی دو هفته گذشته، رسانه های غربی به انعکاس اخبار مخالفت سران فرانسه و آلمان و همچنین نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با

سال ۲۰۱۷ آلمان، ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ فرانسه و البته ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا بسیار حیاتی می نماید.

اما اگر پیمان تجارت آزاد آمریکا-اتحادیه اروپا به لحاظ اقتصادی تا این اندازه سود آور است، پس دلیل مخالفت مردمی که با کلید خوردن هر دور از مذاکرات، در تجمعات چند هزار نفری فریاد اعتراض سر می دهند، چیست؟

اگرچه دلایلی چند در پاسخ به این پرسش ارائه می شود، مهمترین آنها نادیده گرفتن حق عامه مردم در جهت تأمین منافع شرکت های بزرگ عنوان می شود. تجربه به جا مانده از پیمان های تجاری کلان این دغدغه را به وجود آورده که در مورد پیمان ترانس آتلانتیک هم شرکت های فراملیتی بخواهند با توسل به مقررات جدید و با رجوع به دادگاه های غیر علنی که از اصول مراجع قانونی محلی پیروی نمی کنند، قوانین اتحادیه اروپا را دور بزنند.

چراکه طبق طرح پیشنهادی، شرکت های تجاری مجاز به فرجام خواهی در خصوص قوانین و مقرراتی هستند که سودآوری آنها را به گونه ای منفی تحت الشعاع قرار دهد. به عنوان مثال، اگر فرایند معکوس کردن روند خصوصی سازی بخش هایی از خدمات پزشکی به ضرر شرکت های چندملیتی باشد، آنها می توانند در کار دولت محلی اختلال ایجاد کنند.

این دستکاری در تغییر مقررات به نفع بخش تجاری در همه عرصه های اقتصادی به چشم می خورد. برای مثال علیرغم سودآوری بالغ بر یکصد میلیارد دلار تا سال میلادی ۲۰۲۷ که نصیب اتحادیه اروپا خواهد شد (رقمی معادل تقریباً ۰.۵ درصد از تولید ناخالص ملی)، این طرح به بیکاری ۶۰۰ هزار نفر از ساکنین قاره سبز و حتی کاهش سطح درآمد شخصی آنها منجر خواهد شد.

حتی در عرصه انرژی و تأثیر آن بر محیط زیست نیز، پیمان ترانس آتلانتیک بسیار حاشیه ساز خواهد بود

پاریس به همین منظور و با حضور رجال سیاسی، دانشمندان و کارشناسانی از سراسر جهان برگزار شد! از سوی دیگر، اسناد افشا شده نشان داد که از قرار پیمان نهایی ترانس آتلانتیک به منزله چراغ سبز نشان دادن برای تولید محصولات است که چندان با سلامت انسان، گیاه و حیوان سازگار نیست چرا که این مقوله تا حد زیادی از روی میز مذاکره حذف شده است.

### رویکرد سیاستمداران از واقعیت تا سیاه نمایی

اکنون مشخص می شود که چرا رویکرد دولتمردان اروپایی و آمریکایی در یکی دو هفته اخیر تا این اندازه تغییر کرده است. از یک سو در آمریکا، ترامپ علیرغم شیوه معمول جمهوریخواهان که موافق پیمان های تجارت آزاد هستند، برای آنکه از در مخالفت با اوامها برآید - که از قضا با جمهوریخواهان در این مورد هم رای است - از ترانس آتلانتیک روگردانی می کند. از سوی دیگر، در تاریخ ۲۲ ماه میلادی جولای، سایت افشاگر «ویکی لیکس» با انتشار ۱۹ هزار نسخه از راینامه های خصوصی حزب دموکرات آمریکا، از تلاش رهبران این حزب برای به حاشیه راندن «برنی سندرز» به نفع انتخاب هیلاری کلینتون خبر داد. این دو سیاستمدار دموکرات در عرصه انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا با یکدیگر رقابت می کردند.

انتشار این اسناد به دلخوری طرفداران سندرز و در نهایت استعفای «بسی و اسرمن شولتز» رئیس حزب دموکرات آمریکا منجر شد. با این حساب در حال حاضر خانم کلینتون که به عنوان نامزد نهایی دموکرات ها در رقابت هشت جولای برگزیده شده است، برای آنکه رای حامیان سوسیال دموکرات رقیب سابق خود را به دست آورد، مجبور است از رویکرد مثبت خود نسبت به پیمان های تجارت آزاد عقب نشینی کند و شعار حمایت از قشر کارگر را سر دهد.

در خصوص رهبران فرانسه و آلمان هم وضع به همین منوال است، هر دوی آنها در سال میلادی ۲۰۱۷ باید با پشت سر گذاشتن رقابت های انتخاباتی جایگاه خود را احیاء کنند و حالا با رو شدن سند ۲۴۸ صفحه ای باید پاسخگوی مردم و مطالباتشان باشند.

علاوه بر این، آلمان و فرانسه هر دو از اعلام موضع نامزدهای انتخاباتی آمریکا سردرگم شده اند و حالا که چند ماه بیشتر تا پایان زمامداری اوامها باقی نمانده، نمی دانند تکلیفشان با رئیس جمهور آئی آمریکا چه خواهد بود.

با این حال، «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا در حاشیه برگزاری نشست جی ۲۰ که در بازه زمانی چهارم و پنجم ماه میلادی سپتامبر در شهر «هانگژو» چین برگزار شد، تاکید کرد که علیرغم مخالفت آلمان و فرانسه با تداوم مذاکرات ترانس آتلانتیک، این روند همچنان ادامه دارد.

این اظهار نظر به تنهایی بازگو کننده مصلحت اندیشی رهبران اروپا و آمریکا در واکنش به افشای اسناد محرمانه ترانس آتلانتیک است حال آنکه در عمل انتظار نمی رود که هیچیک حاضر به صرف نظر از مزایای اقتصادی که این پیمان نصیب نهادهای سیاسی و اقتصادی بزرگ می کند، باشد. نتیجه آنکه فعلا چهره های سیاسی که در تغییر رویکردی ناگهانی بر طبل مخالفت با ترانس آتلانتیک می کوبند به رویه کجدار و مریز خود ادامه می دهند تا به مرور زمان علاوه بر خشم مردم از تب و تاب فصل انتخابات هم کاسته شود.

چهره های سرشناسی مثل اولاند و کلینتون تا این اندازه تغییر کرده است؟ جواب این پرسش را باید در اسناد محرمانه ای جستجو کرد که کمی پیش از اعلام موضع نهایی مقامات سیاسی درباره ترانس آتلانتیک منتشر شد.

### اسنادی که برای نامزدهای رقابت های انتخاباتی در دسر ساز شد

«گرین پیس» که یک موسسه غیر دولتی فعال در زمینه محیط زیست است، دوشنبه ۲۹ آگوست سال میلادی ۲۰۱۶ سندی ۲۴۸ صفحه ای را منتشر کرد که حاکی از اختلاف نظر لاینحل مابین آمریکا و اتحادیه اروپا در دفاع از حقوق مصرف کننده و استانداردهای دفاع از حقوق حیوانات در روند تنظیم قوانین پیمان ترانس آتلانتیک بود.

در بخشی از این اسناد به نقل از یکی از مذاکره کنندگان اروپایی می خوانیم: «بحث بر سر مقوله تولیدات آرایشی و بهداشتی به یکی از مسائل فرنج تبدیل شده و به سختی می توان درباره آن به تفاهم رسید چرا که اروپا با انجام آزمایش بر روی حیوانات مخالف است و به نظر می رسد که در این زمینه با آمریکا به راهکار مشترکی نخواهد رسید.»

اما واقعیتی که انتشار این اسناد برملا کرد، نه اختلاف عمیق مذاکره کنندگان آمریکایی و اروپایی درباره برخی از



موارد مشخص بلکه معامله آنها برای پنهان نگه داشتن اختلافات از چشم عموم بود تا در صورت لزوم به هر قیمتی که شده، توافق نهایی حاصل شود.

به عنوان مثال، در اسنادی که پیشتر برای آگاهی رسانی عمومی در اختیار رسانه ها قرار گرفته شده بود، ادعا می شد که با توجه به اهمیت حقوق انسان ها، حیوانات و ارزش نگهداری از محیط زیست، اصول اتحادیه اروپا با هدف حفاظت از منابع طبیعی کره زمین باید رعایت شود، حال آنکه در اسناد ۲۴۸ صفحه ای افشا شده، حتی به اندازه یک جمله نیز به این مقوله اشاره نشده است. یکی دیگر از مقولاتی که در اسناد افشا شده به آن پرداخته نشده است ارائه راهکارهای مناسب برای حفاظت از آب و هواست حال آنکه ظاهرا در سند عمومی با آب و تاب به این موضوع پرداخته شده است. این در حالیست که چندی پیش کنفرانس تغییرات اقلیمی

این طرح پرداخته اند. اولین کسی که به این موضوع واکنش نشان داد «یگمار کابریل» وزیر اقتصاد آلمان به عنوان بزرگترین اقتصاد اتحادیه اروپا بود که حدود یک هفته پیش از شکست مذاکرات بر سر پیمان ترانس آتلانتیک سخن گفت و دلیل آن را عدم موافقت اروپایی ها با برخی خواسته های آمریکا عنوان کرد.

به دنبال این اظهار نظر وی، «ماتیاس فکل» وزیر تجارت فرانسه نیز از لزوم توقف دور فعلی مذاکرات پیمان تجارت آزاد ترانس آتلانتیک و برنامه ریزی برای آغاز دور جدید و متفاوتی از مذاکرات در این زمینه سخن گفت.

این در حالیست که «فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری فرانسه نیز به محض ارائه این اظهار نظر از سوی وزیر کابینه خود، در کنفرانسی که با موضوع بررسی تاریخ حزب سوسیالیست فرانسه تشکیل شد، اعلام کرد که هرگز زیر بار پیمانی که اصول بلامنازع این کشور در حوزه های کشاورزی، فرهنگ و دسترسی عادلانه به بازار مشترک را نقض کند، نخواهد رفت. به گفته وی، دولت پاریس زیر بار پیمانی که تنظیم مقررات آن با مشکل مواجهه است، نخواهد رفت.

از سوی دیگر، «هیلاری کلینتون» و «دونالد ترامپ» نامزدهای دموکرات و جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز در اقدامی نادر، هر دو موضع

یکسانی را در برابر معاهده تجارت آزاد ترانس آتلانتیک گرفتند و دم از مخالفت با آن زدند.

در این میان، رویکرد کلینتون بسیار جالب است. وی که نامزد منتخب «باراک اوامها» رئیس جمهوری فعلی آمریکا در انتخابات پیش رو تلقی می شود در واقع با بدگویی از پیمان تجارت آزاد، به وی پشت کرد.

البته وقتی کلینتون برای نشان دادن اعتراض خود خطاب به مردم وعده داد که در قالب رئیس جمهور آینده آمریکا «هرگونه توافق تجاری که به حذف مشاغل و کاهش سطح دستمزد منجر شود را متوقف خواهد کرد»، بیشتر درباره توافق «ترانس پاسیفیک» در حاشیه اقیانوس آرام سخن می گفت حال آنکه در اصل ماجرا تفاوت چندانی وجود ندارد و پایه و اساس هر دو این معاهده های تجاری یکسان است.

اما سوال این است که چرا در عرض یک هفته رویکرد

گفتگوی اختصاصی با بنیانگذار مکتب سازه‌انگاری:

## زوال رهبری آمریکا از گسست سیاسی و فقدان اراده ریشه می‌گیرد

جواد حیران‌نیا - مریم خرمائی



«رابرت کوهن» از نظریه پردازان برجسته نهادگرایی نولیبرال معتقد است که شاهد این هستیم که قدرت رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی دچار افول شده است.

کوهن معتقد است به رغم اینکه قدرت رهبری آمریکا کاهش یافته است رژیم‌های بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی دوم از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گات(سلف سازمان تجارت جهانی) ایجاد شدند در دوره افول هژمون نیز پابرجا خواهند بود. در گفتگو با پروفسور «نیکلاس اونف» بنیانگذار مکتب سازه‌انگاری (جامعه‌شناسی تاریخی) روابط بین‌الملل به بررسی افول هژمون پرداخته ایم که از نظر می‌گذرد.

«نیکلاس اونف» بنیانگذار نظریه اجتماعی روابط بین‌الملل (سازه‌انگاری) و استاد بازنشسته دانشگاه فلوریادای آمریکاست. او در دانشگاه‌های مطرحی چون پرینستون، امریکن و کلمبیا تدریس کرده است. اونف مفهوم سازه‌انگاری را از علوم اجتماعی وارد این حوزه مطالعاتی کرد و این مفهوم بعدها توسط افرادی چون «الکساندر ونت»، «کاتزنشتاین» و سایرین بسط و توسعه داده شد. از وی آثار و کتاب‌های بی‌شماری در حوزه روابط بین‌الملل به چاپ رسیده است. کتاب «جهانی که ما می‌سازیم» از جمله آثار وی است که حوزه نظریه پردازی روابط بین‌الملل را دچار تغییر و تحولی اساسی کرد.

سازه‌انگاری نظریه‌ای اجتماعی به شمار می‌رود. سازه‌انگاری یک روش‌شناختی قدیمی است که دست‌کم به آثار قرن هجدهم «گیامباتیستا ویکو» بر می‌گردد. این نظریه در حوزه روابط بین‌الملل نیز مباحث جدی را وارد کرده است.

**|| مایل هستیم که سوالاتی را درباره زوال قدرت هژمونیک آمریکا مطرح کنیم. به اعتقاد نظریه پردازانی چون «رابرت کوهن» شاهد افول قدرت هژمونیک آمریکا بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی هستیم. آیا شما معتقد به افول قدرت هژمونیک آمریکا هستید؟**

پیش از هر چیز باید مشخص کنیم که منظورمان از واژه «هژمونی» چیست. این واژه اغلب به عنوان معادلی برای نشان دادن برتری و استیلا حاصل از اعمال قدرت به کار می‌رود. اما اگر به تعبیری که از واژه هژمونی در زبان یونانی می‌شود، استناد کنیم؛ شاید بیشتر از آن معنای رهبری استنباط شود تا استیلا قدرت.

در این مورد، ارزیابی ما این خواهد بود که قدرت توانایی رهبری را به همراه می‌آورد اما اعمال قدرت ماهیتی جمعی و کمابیش نهادینه شده دارد و احتمالاً در جهت تأمین منافع جمع است.

اما تعبیر آخر که بیش از همه نیازمند دقت نظر است، هژمونی به معنای رهبری از راه ارائه الگوهای رفتاری است. از دید من، تعریف سومی که از واژه مورد نظر داده می‌شود، تلویحاً نشان‌دهنده چرخش از «قدرت» به «وضعیت» است و این معنای موقعیت یا جایگاه اجتماعی را در خود می‌گنجاند.

هر جامعه‌ای از یک نظم موقعیتی پیروی می‌کند که در آن برخی افراد یا گروه‌ها جایگاه برتری دارند حال آنکه دیگر افراد و گروه‌ها در سلسله مراتب پایین‌تری جای می‌گیرند. اینگونه استدلال می‌شود که ترتیب ارائه شده پایه و اساس نظم و ثبات در هر جامعه‌ای (از جمله جوامع مدرن و «جامعه بین‌المللی» است).

وضعیت می‌تواند ریشه در قدرت داشته باشد به این معنی که مثلاً عامل «الف» برای اینکه بر عامل «دال» تأثیر بگذارد از عامل «ب» بهره می‌گیرد. اما وضعیت (به معنای مقام و جایگاه) در بسیاری از مواقع همان قدرت تعبیر می‌شود که نتیجه حاصل از آن قشربندی اجتماعی است.

بنابراین وقتی که ما از قدرت هژمونیک آمریکا صحبت می‌کنیم باید مشخص کنیم که دقیقاً کدام یک از سه معنای گفته شده مد نظرمان است. آیا مقصودمان استیلا قدرت، رهبری یا جایگاه است.

**|| برخی اندیشمندان نظیر «رابرت کوهن» بر این باورند که آمریکا از دهه ۱۹۷۰ به بعد، در مقام یک هژمون جهانی شاهد تنزل جایگاه بوده است. موضع گیری شما در این باره به چه نحو است؟**

نخست باید به این نکته اشاره کنم که کوهن که بیش از هر چیز از بابت آثاری که درباره هژمونی با استناد به معنای دوم (رهبری) نوشته است، شهرت دارد؛ موقعیتی به مراتب پیچیده تر و ظریف تر از آنچه که شما برایش متصور می‌شوید دارد.

در سال ۲۰۱۲ میلادی، وی گفت «تنها ایالات متحده است که از توانایی مادی و اتحاد سیاسی برای رهبری مداوم جهان برخوردار است» و این سوال را مطرح کرد که «آیا آمریکا در قالب یک جامعه توانایی ایجاد انسجام سیاسی و اراده طراحی و اجرای راهبرد رهبری پایدار در قرن ۲۱ را دارد؟»

کاملاً واضح است که وی چند سال پیش این مقوله را در قالب یک سوال بی‌جواب مطرح کرد و از دید من، وی کما فی‌السابق برداشت مشابهی از آن دارد. (نقل قول‌های ذکر شده از کتاب کوهن با عنوان «هژمونی و بعد از آن: چه چیزی می‌توان درباره آینده رهبری جهانی آمریکا گفت؟» سیاست خارجی، جلد ۹۱، شماره ۴ که به صورت آنلاین هم موجود است، گرفته شده

است.)

اما در باره موضع گیری خودم باید بگویم که اگر ما هژمونی را به معنای استیلا قدرت در نظر بگیریم، به طور قطع آمریکا بعد از پایان جنگ سرد، آن را در برهه‌ای از زمان تجربه کرده است. برهه‌ای که مشروط و زودگذر بود. اما پدیده زوال به همه دلایل کافی به زودی آغاز شد.

حال اگر هژمونی را به معنای دوم یعنی رهبری در نظر بگیریم، موضع من تا حد زیادی به موضع کوهن شباهت دارد.

چنانچه زوالی در رهبری آمریکا مشاهده شود، دلایل اصلی آن عدم انسجام (گسست) سیاسی و فقدان اراده است و این مختص آمریکا نیست. هیچ کشور دیگری نیز انسجام یا اراده رهبری، آن هم فراتر از محدودیت‌های منطقه‌ای خود را ندارد.

اما اگر به هژمونی آمریکا از زاویه جایگاه برتری که در نظم موقعیتی جهان اشغال کرده است، نگاه می‌کنیم؛ مطمئن نیستم که هنوز تغییری در آن ایجاد شده باشد. این سوال که آیا آمریکا موقعیت خود را در نظم جهانی از دست داده است به اندازه این سوال که آیا دیگر دولت‌ها خود را به جایگاه برتر آمریکا رسانده‌اند یا خیر، اهمیت ندارد و در این مورد، پاسخ چندان روشن نیست. با در نظر گرفتن تعابیر صرفاً گلوبالیزه و جهانی، جواب خیر است. اما اگر دنیا را به طور مشخص آن گونه‌ای که در یکی دو دهه اخیر بوده است، در نظر بگیریم؛ جواب آری است. می‌توان فرض کرد که آمریکا، آلمان، چین، هند، روسیه و شاید حتی ایران انجمنی (کلوبی) از هژمون‌های منطقه‌ای را تشکیل دهند که هر یک به مرور زمان احترام به حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای دیگران را فراموش می‌گیرند.

**|| چگونه از موضع خود البته اگر بر این باورید که آمریکا با زوال روبروست، دفاع می‌کنید؟** دستکم به نگارش یک یاد در واقع سه کتاب نیاز است تا من موضع خود را مبنی بر اینکه آمریکا قابلیت مانور دادن و خودنمایی در امور جهان را از دست داده است، بیان کنم بی آنکه لزوماً توانایی رهبری یا جایگاه برتری خود را در بسیاری از ابعاد از دست داده باشد.



گفتگو با استاد دانشگاه هاروارد

# اقتصاد مهمترین معیار رأی دهندگان آمریکایی است



فاطمه محمدی پور

**خطرناک توصیف می کنید؟**  
به نظر من، دونالد ترامپ فاقد تجربه سیاسی و قضاوت لازم (ویژگی های لازم رئیس جمهور خوب) است. او بر شهرت و شخصیت خود متمرکز شده است. این باعث شده تا وی به عنوان رئیس جمهور غیر قابل پیش بینی معرفی شود نه فردی خطرناک.

**کلینتون اخیراً از ترامپ جهت حمایت از ایده حمل آزادانه سلاح انتقاد کرده است. کلینتون معتقد است ایده حمل سلاح برای کشوری که با بحران خشونت مواجه است، خطرناک است. آیا ایده حمل آزادانه سلاح خشونت را در جامعه ایالات متحده تشدید می کند؟**  
شکی نیست که مالکیت گسترده تسلیحات منجر به مرگ تعداد بیشتری از افراد در جامعه آمریکا می شود. با این حال، در بسیاری از نقاط کشور، داشتن سلاح برای شکار و حفاظت شخصی ارزش محسوب شده و منطبق با فرهنگ آن مناطق است. من فکر می کنم کلینتون شجاعت واقعی در مخالفت با «لایه اسلحه» را به نمایش گذاشته اما این امر می تواند باعث کاهش آراء وی در مناطقی که داشتن سلاح یک ارزش است، شود.

**اولویت مردم آمریکا جهت انتخاب رئیس جمهور آینده چیست؟**

نظر سنجی ها نشان می دهند که مهمترین مسائل مردم آمریکا در این انتخابات مسائل اقتصادی - مهمترین دغدغه آنها ایمنی بهتر مشاغل و افزایش درآمد - است و مسئله مهم دیگر تروریسم است که از طریق رسانه ها حملات تروریستی مهم علیه جامعه آمریکا (داخل و خارج) منعکس شده است. اما باید گفت که نظر رای دهندگان در مورد مسائل مهم متفاوت است. بسیاری از رای دهندگان به مهاجرت به عنوان یک مسئله کلیدی توجه می کنند - مسئله ای که در کانون توجه کمپین دونالد ترامپ قرار دارد. در حالی که برخی دیگر بر ارائه مراقبت های بهداشتی توجه می کنند - مسئله ای که دولت اوباما بر آن متمرکز شده بود.

**آیا رئیس جمهور آینده آمریکا به تداوم اجرای برجام پایبند خواهد بود؟**

به نظر من بسیار بعید است که رئیس جمهور بعدی آمریکا توافق هسته ای با ایران را لغو کند. واقعیت این است که نه ایران و نه آمریکا، جایگزینی مناسب برای توافق هسته ای ندارند، هر چند در فرآیند انتخابات شاهد هستیم که انتقادات بسیاری در مورد این توافق وجود دارد. قطعاً یک رئیس جمهور دانا، حتی اگر ترامپ باشد، به مزیت های حفظ این توافق توجه خواهد کرد.

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا وارد فصل پایانی خود شده است. در ماه نوامبر سال جاری، مردم آمریکا باید از میان دو گزینه یعنی «دونالد ترامپ»، نامزد جمهوریخواهان و «هیلاری کلینتون»، نامزد دموکرات ها یکی را انتخاب کنند. اکنون رسانه ها و موسسات مختلف به طور مرتب نتایج نظرسنجی های خود را در مورد نتایج این انتخابات منتشر می کنند. بسیاری از رسانه ها نیز تلاش دارند اطلاعات مخاطبان خود در این مورد را افزایش دهند.

جهت فهم بهتر مسائل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ در آمریکا گفتگویی با پروفسور «پیتر ای هال» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد ایالات متحده انجام شده که در ادامه می آید. «پیتر ای هال» متخصص مطالعات اروپا در دانشکده حکومت دانشگاه هاروارد و از بنیانگذاران موسسه کرویو است. مهمترین کتاب وی «جوامع موفق» است که این کتاب با هدف بررسی نقش فرهنگ در شکوفایی جوامع از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده است.

**اساس نظرسنجی جدید موسسه «دیتا تارگتینگ»، کاندیدای حزب سوم شانس بسیار خوبی در انتخابات نوامبر ۲۰۱۶ آمریکا دارد و ۵۵ درصد از رای دهندگان ترجیح می دهند به حزب سوم رای دهند، نظر شما در این ارتباط چیست؟**  
درست است که اکثر شهروندان آمریکایی به نظر می رسد، انگیزه دارند علیه کاندیدا حزب رقیب رای دهند تا اینکه به کاندیدای مورد نظر خود رای دهند و عدم محبوبیت ترامپ و کلینتون میزان رای برای کاندیدای حزب سوم را افزایش می دهد. اما تاریخ نشان داده است که کاندیدای حزب سوم تاکنون نتوانسته اکثریت آراء را کسب کند. مسئله روشن این است که وجود کاندیدای حزب سوم و رای به آنها، میزان رای ترامپ یا کلینتون را کاهش خواهد داد.

**بیش بینی شما از نتایج انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا چیست؟ به نظر شما کدام حزب شانس موفقیت بیشتری دارد و چرا؟**

در این مرحله، هم کلینتون و هم ترامپ شانس پیروزی در انتخابات را دارند. اما کلینتون در اکثر نظرسنجی ها شانس بیشتری برای پیروزی دارد. حدس من این است که او در انتخابات پیروز خواهد شد زیرا طرفداران ترامپ، کارگران سفید پوست و طبقه متوسط هستند، بنابراین برای وی در این فاصله زمانی مشکل است حامیان خود را فراتر از آن دو طبقه افزایش دهد. این در حالی است که تقریباً یک چهارم رای دهندگان اسپانیایی یا آمریکایی های آفریقایی (سیاه پوستان آمریکا) هستند. اما در سیاست اتفاقات پیش بینی نشده رخ می دهد و ما دو ماه با انتخابات فاصله داریم. هر حادثه ای یا شماری از حوادث می توانند نظر رای دهندگان را به سمت ترامپ جلب نموده یا از وی دور کنند.

**اظهارات دونالد ترامپ در مورد پوتین، صدام حسین و چین، باعث شده ۵۰ مقام امنیتی سابق حزب جمهوری خواه او را به عنوان فردی خطرناک توصیف کرده و از او حمایت نکنند. آیا شما نیز دونالد ترامپ را به عنوان فردی**

حتی در این حالت هم نمی توانستم پاسخگوی این سوال بزرگ باشم که آیا به طور کلی دولت ها استیلائی قدرت، توانایی رهبری و جایگاه خود را در جهان امروز از دست داده اند.

**هژمونی آمریکا در چه حوزه هایی بیش از همه رو به زوال رفته است؟**

اگر واژه «بیش» را در تناسب با دیگر دولت ها بسنجیم، آنوقت می توانیم این زوال را در توانایی آمریکا به واداشتن دیگر دولت ها به پذیرفتن خواسته هایش به زور تهدید یا توسل به نیروی نظامی و تحریم های اقتصادی بررسی کنیم. اما باید با یادآوری ویتنام به این نکته اشاره کنم که این مساله چندان جدیدی نیست. سوال واقعی این است که آیا این معیار سنتی استیلائی قدرت حق مطلب را در باره مسائل امروزی ادا می کند. اما اگر واژه «بیش» را نسبت به دیگر جوامع بسنجیم، این زوال می تواند در اعتبار آمریکا برای مدیریت اقتصاد جهانی سنجیده شود. از این رهگذر سال ۲۰۰۸ (اشاره به بحران اقتصادی این سال) همه چیز را تغییر داد.

**آیا شما رابطه ای بین زوال قدرت هژمونیک آمریکا و بحران های خاورمیانه می بینید؟**

اگر هژمونی را به مانند کوهن تعریف کنیم - یعنی در قالب یک رهبری سیاسی - در آن صورت پاسخ به طور قطع مثبت است. بله، رابطه ای وجود دارد.

البته گفتن چنین مطلبی به منزله راه یافتن به عمق حوادث خاورمیانه نیست. اگر هژمونی را آنگونه که من مایلم تعریف کنیم - یعنی در قالب یک نظم موقعیتی - در آن صورت می توان گفت که خاورمیانه دهه ها سال است که دیگر در این مقوله نمی گنجد. بگذارید توضیح مختصری در این باره بدهم. با توجه به موقعیت خاص رژیم صهیونیستی که از قوانین حفاظتی آمریکا و وابستگی آن به نفت منطقه به عنوان بخشی از ذخایر انرژی جهانی، نفع می برد؛ ثبات نظم موقعیتی جهان (که در هر صورت به نفع اغلب دولت ها است) حصر خاورمیانه و اعمال قوانین مجزا برای آن را می طلبد.

در واقع، خاورمیانه از چنان وضعیت غیر عادی برخوردار است که به سلب هرگونه جایگاهی برای آن در سیستم فعلی هژمونی جهان منجر می شود. من احتمال اندکی می بینم که این وضعیت در آینده ای قابل پیش بینی تغییر کند.

استاد دانشگاه کنتاکی:

## آمریکا، ترکیه را به کردهای سوری ترجیح خواهد داد

استاد دانشگاه کنتاکی آمریکا با تاکید بر این مساله که آمریکا، همکاری با آنکارا را به حمایت از کردها ترجیح خواهد داد، از دلیل اصرار پافشاری ترکیه بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه سخن گفت.

تحرکات اخیر نظامی ترکیه در اشغال بخشی از خاک سوریه در نزدیکی مرزهای این کشور شاید جنجالی ترین حرکت نظامی سال جاری میلادی در تحولات سوریه به حساب آید.

این حرکت نظامی ترکیه در حالی بود که واشنگتن در تاریخ ۳۱ آگوست آن را به شدت محکوم کرده و از دولت آنکارا خواست تا نیروهای خود را عقب بکشد. مقام های روسیه نیز یک روز پس از آمریکایی ها این حرکت نظامی را محکوم کردند.

اما سوال اینجاست که ترکیه در پس این تحرکات چه اهدافی را دنبال می کند؟ آیا این کشور می تواند بخش های مرزی خود در همسایگی با سوریه را از دست کردها نجات داده و امنیت مرزی خود را نسبتاً تأمین کند؟ انتخاب احتمالی آمریکا بین کردها و ترکیه کدام گزینه خواهد بود؟

در ادامه، پاسخ این سوالات را از «رابرت اولسن»، پروفیسور سیاست ها و تاریخ خاورمیانه در دانشگاه کنتاکی آمریکا جویا شده ایم که در ادامه از نظر می گذرد.

### || به نظر شما آیا ممکن است ترکیه موفق به تصرف منبیج از دست کردها شود؟

همه چیز بستگی به این دارد که آیا نیروهای مورد حمایت ترکیه در سوریه قادر به تصرف منبیج که نیروهای دمکرات سوری (وابسته به حزب اتحاد دمکراتیک) ماه گذشته آن را از دست داعش آزاد کردند خواهند بود یا خیر. در تاریخ ۳۱ آگوست، «صالح مسلم»، جانشین رهبر «پی وی دی» (حزب اتحاد دمکراتیک سوریه) گفت که همه نیروهای این حزب به خواسته آمریکا و ترکیه سمت شرق رود فرات عقب نشینی کرده و تنها نیروهای عرب و ترکمن حزب نیروهای دمکراتیک سوریه در منبیج حضور دارند.

اما این ادعا مشکوک به نظر می رسد. اگر طرفداران ترکیه قصد گرفتن منبیج را داشتند غیر ممکن بود که «پی وی دی» که تحت حمایت نیروهای ویژه آمریکایی قرار دارد برای چندین ماه به عنوان موثرترین نیروها در برابر داعش حاضر شوند و بجنگند و خواستار الحاق به نیروهای تحت حمایت ترکیه در حمله به رقه، پایتخت خلافت داعش شوند.

### || به نظر شما آمریکا میان کردها و ترکیه، کدامیک را انتخاب



### خواهد کرد؟

در سوریه مانند راه رفتن بر روی یک طناب بسیار باریک است.

### || چرا ترکیه برای ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع بر فراز خاک سوریه اصرار دارد؟

من فکر می کنم که ترکیه به این دلیل خواستار منطقه پرواز ممنوع است که از این طریق می تواند حدود ۲.۷ میلیون پناهنده سوری را راهی خاک سوریه کند و از این طریق قدرت ژئوپلیتیکی خود را نشان دهد.

از سوی دیگر، چنین منطقه ای در صورت ایجاد شدن، تحت کنترل کامل نیروهای نظامی ترکیه و نیروهای مورد حمایت این کشور متشکل از نیروهای آزاد سوریه، ترکمن ها، جهادی ها، اخوان المسلمین و احزاب الشام قرار خواهد داشت. منطقه آزاد از کردها پاکسازی خواهد شد و سوریه از این طریق خواهد توانست قدرت خود را در شمال سوریه با استفاده از پناهجویان سوری نشان دهد.

«جان کری»، وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی روز ۲۶ آگوست خود گفت: «آمریکا خواستار یک سوریه متحد است. ما از یک کردستان مستقل حمایت نمی کنیم.» در حالیکه کردها به وضوح بیان کرده اند که تنها به دنبال استقلال سه بخش مورد تصرف آنها هستند، واشنگتن با چنین مساله ای مخالف است.

این مساله کاملاً مشخص است که در صورت لزوم انتخاب یکی از دو طرف کردها و ترکیه، آمریکا طرف دوم یعنی ترکیه را مقدم می داند. خطر مساله مذکور اینجاست که در صورت بروز چنین انتخابی، نیروهای «پی وی دی» و «وی پی پی» (کردها) منافع خود برای مشارکت در جنگ علیه داعش در رقه را از دست خواهند داد. در این صورت، هرگونه تلاش توسط نیروهای مورد حمایت ترکیه برای تسخیر منبیج باید قاطعانه باشد. امید واشنگتن برای شکست داعش

## وزارت دفاع روسیه:

# عدم توانایی واشنگتن برای تاثیر گذاری بر معارضان میانه رو مشخص شد

سوریه از سوی گروه های مسلح تشدید شده است. وزارت دفاع روسیه تاکید کرده است: پس از گذشت یک هفته از برقراری آتش بس در سوریه مشخص شده است که واشنگتن نمی تواند بر معارضان میانه رو تاثیری بگذارد.

وزارت دفاع روسیه با صدور بیانیه ای اعلام کرد که گروه های مسلح از فرصت آتش بس برای تجهیز و تجدید قوای خود استفاده می کنند. بر اساس این گزارش در بیانیه وزارت خارجه روسیه آمده است: در طول روز اجرای آتش بس در سوریه فقط نیروهای سوری به آن پایبند بوده اند اما گروه های مسلح از این فرصت برای گردآوری عناصر خود به منظور آمادگی برای انجام حملات گسترده به حلب استفاده می کنند.

در ادامه این بیانیه تصریح شده است: در طول این مدت هیچ گونه ارتباطی با معارضان میانه رو در خصوص

مسائل آتش بس برقرار نشده است و درخواست های ما از واشنگتن مبنی بر ارائه اطلاعاتی دقیق از معارضان میانه رو و یا تاثیر گذاری بر آنها نتیجه ای در پی نداشته است. این در حالی است که حملات علیه مواضع ارتش



وزارت دفاع روسیه با صدور بیانیه ای اعلام کرد که هفته از برقراری آتش بس در سوریه مشخص شده است که واشنگتن نمی تواند بر معارضان میانه رو تاثیری بگذارد.

وزارت دفاع روسیه با صدور بیانیه ای اعلام کرد که گروه های مسلح از فرصت آتش بس برای تجهیز و تجدید قوای خود استفاده می کنند.

بر اساس این گزارش در بیانیه وزارت خارجه روسیه آمده است: در طول روز اجرای آتش بس در سوریه فقط نیروهای سوری به آن پایبند بوده اند اما گروه های مسلح از این فرصت برای گردآوری عناصر خود به منظور آمادگی برای انجام حملات گسترده به حلب استفاده می کنند.

در ادامه این بیانیه تصریح شده است: در طول این مدت هیچ گونه ارتباطی با معارضان میانه رو در خصوص

کشته شدن ۹۰ سرباز سوری شد.

## گفتگو با تحلیلگر وزارت خارجه آمریکا:

# «ترامپ» فرد خطرناکی است / سیاست خارجی اولویت آمریکایی‌ها نیست

فاطمه محمدی پور



تحلیلگر ارشد وزارت خارجه آمریکا معتقد است، دونالد ترامپ کسی است که نه تنها اطلاعات کافی در مورد سیاست خارجی ندارد، بلکه نمی‌خواهد در مورد مسائل پیچیده سیاست خارجی چیزی یاد بگیرد.

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که هر چهارسال یکبار در اولین سه‌شنبه ماه نوامبر برگزار می‌شود، در ۸ نوامبر سال ۲۰۱۶ میلادی با پایان دو دوره ریاست جمهوری اوباما از حزب دموکرات برگزار خواهد شد.

گرچه انتخابات در هر کشوری یک مسأله داخلی است، اما با توجه به رویکرد آمریکا برای اثرگذاری بر معادلات جهانی و حضور نیروهای آمریکایی در حدود ۴۰ کشور، بدون شک این مسأله در مورد آمریکا صادق نیست. از این رو مدت‌ها پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، بحث بر سر نامزدهای مطرح در آن شروع می‌شود. وجود نامزدهای متعدد از دو حزب در کنار نامزدهای مستقل و رقابت‌های بعضاً غیرمنصفانه آنها با یکدیگر نیز که جدال انتخاباتی را داغ‌تر می‌کند، این وضعیت را تشدید کرده است. سوالات مهمی که در این زمان ذهن هر تحلیلگری را به خود مشغول می‌کند عبارت است از: چه حزبی شانس پیروزی در انتخابات را دارد؟ اولویت مردم آمریکا جهت انتخاب رئیس جمهور آینده خود چیست؟ آیا احتمال برنده شدن حزب سوم در انتخابات وجود دارد؟

جهت پاسخ به این سوالات مصاحبه‌ای با پروفیسور «مارک ان کاتز» استاد علوم سیاسی دانشگاه «جورج میسن» و برچینیا انجام شده که در ادامه می‌آید. «کاتز» دارای مدرک دکتری علوم سیاسی بوده و در زمینه سیاست خارجی روسیه، روابط بین‌الملل در خاورمیانه، جنبش‌های انقلابی فراملی و ... مقالات متعددی نوشته است. وی محقق موسسه بروکینگز، تحلیلگر ارشد امور شوروی در وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا و محقق موسسه کنان بوده است. وی هم‌اکنون استاد علوم سیاسی دانشگاه جورج میسن، استاد میهمان در مرکز تحقیقات اسلاوی دانشگاه هوکایدو و محقق موسسه کنان است.

**|| بر اساس نظرسنجی جدید موسسه «دیتا تارگیتنگ»، نامزدهای حزب سوم شانس بسیار خوبی در انتخابات نوامبر**

انتخاب رئیس جمهور، مسائل سیاسی و اقتصادی است. باید گفت که در حال حاضر سیاست خارجی بالاترین اولویت برای مردم این کشور نیست. هر چند که مردم آمریکا در حال حاضر با توجه به تجربه ناخوشایند مداخله آمریکا در عراق و افغانستان نمی‌خواهند آمریکا در جهان مداخله نظامی داشته باشد، اما خواهان حفظ نفوذ آمریکا در سطح بین‌المللی هستند.

**|| آیا رئیس جمهور آینده آمریکا توافق هسته‌ای ایران را لغو خواهد کرد؟**

توافق هسته‌ای ایران یک توافق بین‌المللی بین ایران از یک سو و گروه ۵+۱ از سوی دیگر است که از آنسوی بین‌المللی انرژی اتمی نقش بسیار مهمی جهت نظارت بر این توافق بر عهده دارد. رئیس جمهور آینده آمریکا نمی‌تواند به این سادگی توافق را لغو کند.

تلاش رئیس جمهور آمریکا جهت لغو توافق هسته‌ای نه تنها باعث وخیم‌تر شدن روابط ایالات متحده و ایران خواهد شد بلکه بر رابطه آمریکا با کشورهای چین، روسیه، آلمان، انگلیس و فرانسه نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت. در حالی که برخی از کشورها مانند اسرائیل و عربستان سعودی با این توافق مخالفت نموده‌اند، بسیاری از کشورهای غربی از آن حمایت کرده‌اند زیرا خواهان از سرگیری روابط تجاری با ایران هستند.

اگر کلیتون رئیس جمهور شود من فکر نمی‌کنم که سعی در لغو توافق هسته‌ای ایران داشته باشد. با اطمینان هم نمی‌توانم بگویم که دونالد ترامپ در صورت پیروزی در انتخابات سعی می‌کند توافق را لغو کند. ممکن است وی در مورد توافق هسته‌ای ایران (همانطور که در مورد اکثر توافق‌نامه‌های بین‌المللی گفته است) خواهان مذاکره مجدد شود. در این صورت کشورهای گروه ۵+۱ با تصمیم او مخالفت خواهند کرد.

از آنجا که ایران و آمریکا در برخی مسائل منطقه‌ای دارای منافع مشترک بوده (از جمله مخالفت با نیروهای جهادی در افغانستان و عراق، سوءظن در مورد روسیه و میل به افزایش تجارت و تبادل انسان میان دو کشور) روابط میان هر دو کشور اخیراً بهبود یافته است. سیاست‌های داخلی هر دو کشور جهت بهبود روابط مانع بزرگی محسوب می‌شود. در هر دو کشور بهبود روابط بسیار سخت است.

**|| آیا شما نیز دونالد ترامپ را به عنوان فردی خطرناک توصیف می‌کنید؟**

بسیار قابل توجه و جالب است که بسیاری از مقامات سابق دولت از حزب جمهوریخواه از دونالد ترامپ انتقاد کرده‌اند. در واقع به نظر می‌رسد دونالد ترامپ کسی است که نه تنها اطلاعات کافی در مورد سیاست خارجی ندارد، بلکه نمی‌خواهد در مورد مسائل پیچیده سیاست خارجی چیزی را یاد بگیرد. از آنجایی که بسیاری از مسئولیت‌های رئیس جمهور آمریکا مربوط به سیاست خارجی است باید گفت که ترامپ فردی خطرناک است.

**|| کلیتون اخیراً از ترامپ جهت حمایت از ایده حمل سلاح انتقاد کرده است. کلیتون معتقد است ایده حمل سلاح برای کشوری که با بحران خشونت مواجه است، خطرناک است. آیا ایده حمل سلاح خشونت را در جامعه ایالات متحده تشدید می‌کند؟**

این یک مسئله بسیار پیچیده است تا حدی که من نیز به طور کامل قادر به فهم آن نیستم. بسیاری از مقررات مربوط به حمل سلاح گرم و اینکه چه کسی، کجا و چه زمانی می‌تواند از سلاح استفاده کند، در سطح ایالتی نه سطح ملی مورد بحث قرار می‌گیرد. در سطح ملی کنگره توانایی زیادی جهت تغییر مقررات و قوانین دارد. بنابراین رئیس جمهور در مورد تغییر در قوانین مربوط به حمل سلاح گرم توانایی چندانی ندارد.

**|| اولویت مردم آمریکا جهت انتخاب رئیس جمهور آینده چیست؟**

برای مردم آمریکا بالاترین اولویت جهت

**|| ۲۰۱۶ آمریکا دارند و ۵۵ درصد از رای دهندگان ترجیح می‌دهند به حزب سوم رای دهند، نظر شما در این ارتباط چیست؟**

من معتقدم که این نظرسنجی‌ها فقط در مورد نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری انجام می‌شود. من فکر نمی‌کنم که نامزد حزب سوم رئیس جمهور آینده آمریکا شود، همانطور که تاریخ تاکنون نشان داده است. زیرا برخی از افراد که نامزد حزب سوم را دوست دارند، وقتی پای صندوق رای می‌روند این واقعیت را در نظر می‌گیرند که کاندیدای حزب سوم شانس برای پیروزی ندارد. در نتیجه یک رای به کاندیدای حزب سوم ممکن است به پیروزی فردی که اصلاً مورد قبول آنها نیست کمک نماید.

**|| پیش بینی شما از نتایج انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا چیست؟ به نظر شما کدام حزب شانس موفقیت بیشتری دارد و چرا؟**

من فکر می‌کنم که دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری پیروز خواهند شد، اما مجلس نمایندگان تحت تسلط جمهوری خواهان خواهد بود. سوال مهم به نظر من این است که آیا دموکرات‌ها می‌توانند اکثریت مجلس سنا را به دست آورده یا جمهوری خواهان قادر به حفظ موقعیت خود در مجلس سنا هستند؟ باید بگویم که من نمی‌توانم نتایج انتخابات مجلس سنا را پیش بینی کنم.

**|| اظهارات دونالد ترامپ در مورد پوتین، صدام حسین و چین، باعث شده ۵۰ مقام امنیتی سابق حزب جمهوری خواه او را به عنوان فردی خطرناک توصیف کرده و از او حمایت نکنند.**

## ترامپ ورستگاری در ۱۱ سپتامبر / بیماری کلیتون و فاجعه دموکرات‌ها



کردند، کلیتون وضعیت نامساعد جسمی خود را از رای دهندگان مخفی می‌کند.

اسکای نیوز، وضعیت روز یکشنبه کلیتون را مایه خوشحالی طرفداران دونالد ترامپ دانسته که از مدت‌ها پیش شایعه کردند، کلیتون وضعیت نامساعد جسمی خود را از رای دهندگان مخفی می‌کند.

بر اساس گزارش این شبکه تلویزیونی، مهم نیست که پزشک معالج کلیتون، بیانیه‌ای مفصل‌تر از پزشک ترامپ درباره وضعیت سلامتی این نامزد دموکرات صادر کند، مهم نیست که از نظر خرد جمعی، انتظار صحیح و سالم بودن این دو نامزد ۶۸ و ۷۰ ساله نامعقول باشد، باز هم مهم نیست که توضیح روشنی مانند گرما و رطوبت هوا در صبح روز یکشنبه و یا خستگی کلیتون از مبارزات بی‌وقفه انتخاباتی در طول یک سال گذشته، درباره این حادثه وجود داشته باشد، هیچ‌کدام از این موارد مهم نیست زیرا در عالم سیاست، احساس و برداشت حرف اول و آخر را می‌زند.

اینکه این داستان به کجا ختم می‌شود و تاثیرات آن در هفته‌های آتی چیست، به میزان موفقیت کلیتون و تیم او در مدیریت احساس و برداشت بستگی دارد. آنها تلاش خواهند کرد تا مردم آمریکا را متقاعد سازند که حادثه روز یکشنبه جدی نبود و مدرکی دل‌بر وجود مشکلاتی بزرگ تر وجود ندارد.

البته باید گفت که ترامپ و هوادارانش نهایت سعی خود را خواهند کرد تا مانع موفقیت کلیتون و تیم او شوند.

### احتمال تعیین جایگزین برای هیلاری

هرچند کلیتون در حال حاضر نامزد رسمی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری است و در نظر سنجی‌ها هم شانه به شانه رقیب جمهوریخواه خود حرکت می‌کند اما با این وجود موضوع بیماری موجب شده تا تردیدهایی در مورد ادامه مسیر رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شکل بگیرد.

همین امر موجب شده تا بحث معرفی جانشین برای هیلاری کلیتون جهت ادامه رقابت‌های ریاست جمهوری آمریکا مطرح شود. بر همین اساس «جو بایدن» معاون رئیس جمهور آمریکا و «برنی سندرز» رقیب پیشین هیلاری کلیتون، گزینه‌هایی هستند که از آنها برای جانشینی کلیتون نام برده می‌شود.

به نوشته دلی تلگراف، انتخاب جانشین برای کلیتون تنها در صورتی امکان‌پذیر است که خود وی شخصا از ادامه رقابت‌های ریاست جمهوری کناره‌گیری کند. بر همین اساس اگر کلیتون کناره‌گیری کند انتخاب جانشین وی بر عهده کمیته ملی دموکرات‌ها خواهد بود و این کمیته با رای‌گیری، فرد جایگزین کلیتون را انتخاب می‌کند.

با توجه به فرصت اندک باقی‌مانده تا ماه نوامبر و سوءاستفاده ترامپ از مشکل به وجود آمده در اردوگاه رقیب، حزب دموکرات در وضعیت بدی گرفتار شده است.

جمهور را ندارد. «کاترینا پیرسون» سخنگوی کمپین انتخاباتی ترامپ می‌گوید کلیتون از بیماری «آفیزیا» یا دشواری در بیان کلمات رنج می‌برد. حامیان دیگر ترامپ نیز موارد متعدد دیگری را به‌عنوان بیماری‌های وزیر سابق امور خارجه مطرح کرده‌اند.

وی می‌افزاید: کاملاً واضح است که شخصی که در حال حاضر ۶۹ سال سن دارد و مدت زیادی را صرف کارهای بسیار پرتنش و استرس‌زا کرده است نمی‌تواند از سلامتی کامل برخوردار باشد. او از کم‌کاری غده تیروئید رنج می‌برد، بنابراین این غده هورمون کمتری ترشح می‌کند که و این امر مانع از تنظیم سوخت‌وساز روزمره بدن می‌شود که در نهایت به خستگی می‌انجامد. وی ادامه می‌دهد: کلیتون چهار سال پیش دچار سکتة مغزی شد و پس از آن دچار غش و ضعف شد و پس از آن مدتی دید دوگانه پیدا کرده بود. تمام این بیماری‌ها در نسخه‌ای که توسط روان‌پزشک کلیتون تجویز شده قابل استناد و پیگیری هستند. این نسخه در تابستان گذشته افشا شد.

همچنین دکتر «درو پینکسکی»، پزشک مشهور تلویزیونی و متخصص داخلی که نامه تایید سلامت دکتر کلیتون را با یکی از همکارانش بررسی کرده، معتقد است داروهای رقیق‌کننده خون که هیلاری مصرف می‌کند، منسوخ شده‌اند. او معتقد است که هیلاری به یک نوع به شدت نادر از لختگی خون مبتلاست. نکته جالب این‌که، بعد از این اظهارنظر پینکسکی، شوی پزشکی او به نام «دکتر درو»، در شبکه CNN یک هفته به تأخیر افتاد. CNN از حامیان اصلی کلیتون محسوب می‌شود.

### بهره برداری ترامپ

«جوزف استیگلتز»، برنده جایزه نوبل به یورونیوز می‌گوید: «قطعا ترامپ تلاش خواهد کرد از این موضوع بیشترین بهره را ببرد اما آنچه که تحسین برانگیز است حضور فعال او در کارزار انتخاباتی آن هم در این سن است. پیش‌بردن یک کارزار انتخاباتی از نظر فیزیکی خسته‌کننده است و فکر می‌کنم او تا همینجا هم ثابت کرده است که از نظر فیزیکی قوی است. صادقانه بگویم خیلی از افراد نمی‌توانند دوام بیاورند.»

دونالد ترامپ، نامزد جمهورخواهان که در توییت‌های خود به نامزد دموکرات‌ها لقب «هیلاری متقلب» می‌دهد روز دوشنبه در نطقی بارها تأکید کرده که در سلامت کامل است و به مردم آمریکا قول داده است به زودی وضعیت سلامتی خود را منتشر کند.

هواداران هیلاری کلیتون بیماری نامزد دموکرات‌ها را در اعتماد به وی بی‌اهمیت می‌دانند. تونی ویلیامز، یکی از اهالی نیویورک می‌گوید: «فکر نمی‌کنم اگر شما به عفونت ریه مبتلا باشید تفاوتی در اینکه بتوان به شما اعتماد کرد یا نه ایجاد کند. هر کسی ممکن است به این بیماری مبتلا شود. اگر به فعالیت او نگاه کنیم می‌فهمیم که هیلاری کلیتون در این کارزار سخت‌کار می‌کند و خیلی کم استراحت می‌کند.»

اسکای نیوز، وضعیت روز یکشنبه کلیتون را مایه خوشحالی طرفداران دونالد ترامپ دانسته که از مدت‌ها پیش شایعه

۱۱ سپتامبر برای اغلب مردم آمریکا روزی تلخ است اما شاید این تاریخ از این پس برای «دونالد ترامپ» روزی برای جشن گرفتن باشد.

خوش‌یمنی این روز برای ترامپ از آن رو است که رقیب سرسخت وی یعنی «هیلاری کلیتون» در سخنرانی خود در سالگرد ۱۱ سپتامبر دچار مشکل شده و از حال می‌رود و این از حال رفتن تأییدی می‌شود بر اظهارات هفته‌های اخیر ترامپ و کمپین انتخاباتی وی مبنی بر بیمار بودن هیلاری کلیتون و اینکه نامزد دموکرات‌ها شایستگی رهبری آمریکا را ندارد.

این وضعیت برای کلیتون در حالی رخ می‌دهد که تا حد زیادی قبل از این واقعه دموکرات‌ها شانس نخست پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر بودند اما اکنون و با وجود تأیید شدن بیماری هیلاری کلیتون شاید ۱۱ سپتامبر آغازی باشد بر سقوط آزاد دموکرات‌ها.

### آیا بیماری کلیتون صحت دارد

سفر انتخاباتی هیلاری کلیتون، نامزد حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به کالیفرنیا به دلیل ابتلا به عفونت ریه لغو شد و وی پس از ناخوشی در مراسم سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر در نیویورک به خاطر عفونت ریه تحت معالجه قرار گرفت.

سفر انتخاباتی هیلاری کلیتون، نامزد حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به کالیفرنیا به دلیل ابتلا به عفونت ریه لغو شد و وی پس از ناخوشی در مراسم سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر در نیویورک به خاطر عفونت ریه تحت معالجه قرار گرفت.

دکتر «لیزا بارداک» در این باره گفت: عفونت کلیتون روز جمعه تشخیص داده شد و با آنتی‌بیوتیک تحت درمان قرار گرفت و در مراسم روز یکشنبه ۱۱ سپتامبر دچار گرمادگی و کم‌آبی بدن شد.

اما به گفته این پزشک کلیتون اکنون کم‌آبی بدنش رفع شده و حالش رو به بهبود است.

کلیتون قرار بود دیروز، دوشنبه ۱۲ سپتامبر، در ادامه کارزار انتخاباتی و با برنامه‌ای که شامل سخنرانی در مورد اقتصاد و جمع‌آوری پول به منظور پرداخت هزینه‌های انتخاباتی بود، برای سفری دو روزه به کالیفرنیا برود.

بیماری هیلاری کلیتون موضوع جدیدی نیست و برای اولین بار این ماجرا در زمان ریاست وی بر دستگاه دیپلماتی ایالات متحده فاش شد و از آن زمان تا کنون بویژه در ماه‌های اخیر بیماری‌هایی به وی نسبت داده شده‌اند، از جمله: «آفیزیا: ناتوانی در فهم و بیان کلمات»، «اوتیزم: وهم‌گرایی»، «سرطان مغز»، «بیماری‌های قلبی»، «تصلب چندگانه بافت‌ها»، «چاقی، دیابت، و فشار خون»، «بیماری پارکینسون»، «سندرم پس از سکتة مغزی»، «آلودگی هسته‌ای (وی در سفر به ژاپن در معرض تشعشعات نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما ژاپن قرار گرفته است)»، «تشنج»، «خیره‌شدن ناگهانی»، «سرطان زبان»، «عفونت مجاری ادرار» و...

البته؛ از مدت‌ها پیش از ماجرای ۱۱ سپتامبر امسال، نامزد جمهورخواه انتخابات آمریکا درباره بیماری‌های هیلاری کلیتون نامزد دموکرات انتخابات و کمبود انرژی وی به اظهار نظر می‌پرداخت. منظور ترامپ این بود که کلیتون توانایی مدیریت آمریکا به‌عنوان یک رئیس